مجاهدین مهاجر افغانستان وظیفه هرفرد مردم مسلمان افغانستان است هرسعی درراه وحدت بمقابل دشمن فرض است . من شخصاً هرگونه حرکت نورا مضر میدانم .

درین موضوع در مصاحبهٔ گذشته با شما صحبت کرده ام

سوال : در لستی که اخبار پاکستانی « وفاق » آنرا بنام کابینهٔ داکتر محمدیوسف به نشر سپرده نام برخی از رهبران به چشم ی خورد وان ذکر نام های برخی دیگرقصداً خود داری شده است .

آیا فکر نمیکنید که درین مورد به منظور دامن زدن بی اعتمادی میان رهبران دست پشت پرده ئی درکار بوده باشد ؟

جواب : دربنباره گمان شما بیشتر از هرگمان دیگر از روی تحلیل واقعیت ها به حقیقت نزدیک تر است ، اینقدر دارد که ساحهٔ کوشش برای تولید بی اعتمادی وسیع تر است و تنها محدود به رهبران نیست .

بهرحال این عمل وخبر مضحک هیچ ارزشی ندارد و انشاء الله مطلوب دشمن از آن حاصل نخواهد شد .

سوال : با اینکه موقف شما و انگیزهٔ تان برای اقامت در پشاور از طریق جریدهٔ افغان مجاهد به روشنی بیان گردیده است ولی با آنهم برخی ها درمورد هدف شما از اقامت در

پشاور سوالاتی دارند و اضافه میکنند که تنها با نوشتن مقالات و برپاداشتن مصاحبات نمیشود عطش و تشنگی مردم را فرو نشاند. آنان توقعات اضافه تری از شما دارند اگر لطفاً نظر تانرا درین باره بیان داشته و به سوالاتیکه دیگران درین زمینه ازمن می پرسند شما پاسخ بگوئید ممنون خواهم شد.

جواب ؛ در باره ارزش نوشته ها و مصاحبه های من نظر شان صائب است من دعوی نکرده و نمیکنم که بتوانم تشنگی کسی رافرو نشانم. هدف من از آمدن به پشاور اینست که با مردم تشنه خویش تشنه باشم و با ایشان یکجا در سراغ آب بتپم هرکس بقدر توان خود مکلف است. اگر نمیتوانم آب تهیه کنم آیا حق ندارم نام آب را بگیرم ؟

من توقعاتی ایجاد نکرده ام بلکه در همین اخبار شما گفته ام که باید از توقعات بیجا اجتناب کنیم.

من تا دم مرگ سعی میکنم فریضه خودرا بحیث یک فرد مهاجر انجام دهم. اینکه کسی از من چه توقعات دیگر دارد میتواند ازمن بپرسند وحق دارد از من جواب بگیرد.

من نمیدانم از شخصی چون من چه توقعی رفته میتواند که من ازآن غفلت کرده باشم. من ارزو دارم از غفلت خود آگاه شوم.

تشکر.

افغان مجاهد، شمارهٔ ششم، سال دوم، ۱۳۶۲/۲/۲۰

مردم افغانستان باید بازی نخورند
جهاد حتمی است
مهاجرین باید تشویش نکنند
تبصره بر قدم نو

اخبار افغان مجاهد که همارهٔ در بارهٔ موضوع افغانستان مراقب اوضاع بین المللی است و آگاهی هموطنان خود را فریضهٔ جهاد میدانند بطور مفصل از همه جریان ها مردم افغانستان را مسبوق نگهداشته است. بعد از ختم دور دوم مباحثات و صحبت های ژنو که هیچگونه فیصله ای در آن به عمل نیامد و این مباحثات به شانزدهم جون بغرض مشورهٔ مزید اشتراك کنندگان آن به تعویق انداخته شد یک قدم

مهم جدید از طرف حکومت پاکستان برداشته شده است. این قدم مهم آنست که جناب صاحبزاده یعقوب خان وزیر خارجه پاکستان شخصاً و مستقیماً به پایتخت های پنج دولت بزرگ که اعضای دایمی شورای امنیت ملل متحد هستند یعنی چین، اتازونی، فرانسه، برتانیه و روسیه مسافرت میکند همچنان در نیویارک با دبیرکل ملل متحد و در جده با دبیرکل سازمان کنفرانس ممالک اسلامی جناب شطی ملاقات می نماید و علاوه برآن با رییس کنونی کنفرانس کشور های اسلامی اعلیحضرت پادشاه عربستان سعودی نیز ملاقات میکند.

اگرچه باید از اغاز امر ترتیبی برای یک کنفرانس بین المللی باشتراک همه اعضای دایمی شورای امنیت در تحت نظارت ملل متحد صورت میگرفت افغان مجاهد توسیع ساحه مساعی بین المللی را باین شکل نیز در مورد مسله افغانستان که تنها یک موضوع منطقوی نبوده و یک مسلهٔ جهانی بین المللی است یک قدم مثبت در ساحه بین المللی میداند.

افغان مجاهد بارها در مقالات، مصاحبات ضرورت واهمیت رول خاص اعضای دایمی شورای امنیت ملل متحد اشتراک همه همسایگان افغانستان، رول اعضای کنفرانس اسلامی و شناختن موضوع افغانستان را بحیث یک موضوع جهانی و روشن بودن این حقیقت را که تجاوز نظامی شوروي

بر افغانستان نه تنها صلح منطقه بلکه صلح جهانی را نیز تهدید می کند اعلام نموده است از اینرو هر قدمی راکه درین سمت برداشته شود قدمی در سمت درست میداند .

تصمیم ، اراده و موقف مردم افغانستان خلل ناپذیر وتنها و تنها ادامه جهاد مقدس اسلامی وجنگ مسلح ملی مردم افغانستان بوده ، هست وخواهد بود اما بموازات آن اگر کدام راه حل سیاسی با برداشتن قدم های مثبت ومؤثر در سمت سعی برای تأمین عدالت بین المللی بر داشته میشود مردم افغانستان از روی یگانه معیار حقیقی که در نزد شان موجود است بر آن غور خواهند کرد . این معیار قوانین و موازین شناخته شدهٔ بین المللی بر اساس عدالت بین المللی و اساسات حقوق بشری سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی مردم و ملل جهان است . این معیار را مردم افغانستان وضع نکرده اند. مردم افغانستان آنرا در مورد همه مردم وملل احترام کرده و می کنند واحترام آنرا در مورد خود حق ثابت وغیرقابل انکار خود می دانند .

براساس این اصول شناخته شده تصمیم نامه های کنفرانس اسلامی و اسامبله عمومی ملل متحد استرداد همه گونه حقوق غصب شدهٔ افغانستان را مطالبه می کند.

این حقوق متضمن استقلال تام وحاکمیت مطلق ملی، تامیت خاك و وحدت ملی ، حق انتخاب نظام حکومت وتعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی افغانستان تنها وتنها به ارادهٔ آزاد مردم مسلمان افغانستان است که تامین آن نیازمند ختم تجاوز وازمیان رفتن همه گونه نتایج آن است و باید با اخراج بلا شرط قوای شوروی ومتحدین آن و انتقال اقتدار سیاسی به یک حکومت عاری از همه گونه عناصر تحت نفوذ اجنبی و تنها وتنها زادهٔ آرزومندی مردم افغانستان آغاز گردد .

اگر برای حقیقت پسندی و عدالتخواهی راهی بازگردد ملل متحد میتواند طرز عمل موثر، مفید و عادلانه ای راجاگزین طرز عمل مباحثات ژنو بسازد که ساحهٔ آن وسیع تر بوده و نتیجه ای از آن توقع رفته بتواند. البته در همه حالات و شرایط هیچگونه راه حل سیاسی بدون اشتراك نمایندگان مردم مجاهد افغانستان که در مقابل تجاوز به جنگ گرم وجهاد مسلح مشغول هستند عادلانه وحقیقت پسندانه شمرده شده نمیتواند.

در حال حاضر برای مردم افغانستان یگانه راه درست همانا راه جهاد مسلح و دوام آن است باید بهیچ صورت اجازه ندهند با توقعات کاذب اغفال شوند و باید بیشتر از هروقت بیدار باشند که آنچه را ببهای جان وخون صدها هزار شهید تاکنون حفظ کرده اند در اثر غفلت از حقایق و بازی خوردن

بظواهر از دست ندهند.
از طرف دیگر اگر برای حل سیاسی سعی شود یگانه راه حل سیاسی آن است که مطابق به آمال سیاسی مردم افغانستان باشد و با منافع مادی ومعنوی ملت افغانستان درحال وآینده منافات نداشته باشد.
شمارهٔ هفتم سال دوم افغان مجاهد، ۱۳۶۲/۳/۱

روسیه اصل زیست باهمی را نفی میکند
بیانات سفیر شوروی در اسلام آباد

بتاریخ ۲۹ ماه مئ ۱۹۸۳ سمرنوف سفیر کبیر شوروی در پاکستان در محضر یک جمعیت اشخاص نخبه در عالم سیاست، دپلومات ها و مطبوعات که از طرف موسسه — مطالعات ستراتیژی دعوت شده بودند خطابه ای ایراد کرد که موضوع آن « سیستم امنیت مشترک اسیایی و معاهدات صلح دوستی و همکاری شوروی با کشورهای دنیای سوم » بود. ریاست این مجلس سیاسی را جناب آغا شاهی وزیر سابق پاکستان بعهده داشت.

سیمونوف درین خطابه دربارهٔ افغانستان نیز اظهاراتی کرد که هموطنان گرامی و خوانندگان افغان مجاهد آنرا قابل توجه خواهند یافت.

اخبار مسلم منتشرهٔ اسلام اباد خبر میدهد که:

سیمرنوف امریکا و « برخی رژیم های مرتجع شرق میانه» را متهم ساخت باینکه میکوشند « گفتگو های ژنو را تورو پیدو کنند » وی علاوه کرد که از ضد انقلابیون (مجاهدین افغانستان) مطالبه شده است که طرز عمل میانجیگری ملل متحد را تقبیح کنند.

درین مورد به اعلامیه های زعمای مجاهدین اشاره نمود. سیمرنوف گفت که دو نفر شخصیت های بسیار مهم، به اصطلاح مجاهدین » در داخل خاک پاکستان اعلامیه های نشر کرده اند درحالیکه صاحبزاده یعقوب خان این گفتگوها را مثمر خوانده وگفته است که نیات روسیه را به کشیدن قشون خویش از افغانستان صمیمانه می داند.

سفیر شوروی در شرح موقف شوروی تکرار نمود که: « قوای شوروی بعد از درخواست رسمی حکومت افغانستان بآن کشور داخل گردید که مورد تهدید جدی جنگ اعلان نشدهٔ امپریالیزم و ارتجاع علیه انقلاب ملی دموکراسی افغانستان قرارگرفته بود ».

سفیر کبیر شوروی مواد معاهده ای راکه نورمحمد تره کي در سال ۱۹۷۸ درمسافرت خود به شوروی بنام معاهدهٔ صلح و دوستي و همکاری با شوروی امضا کرده بود بتائید ادعای خویش قرائت نمود.

سفیر شوروی، امریکا و برخی رژیم های ارتجاعی شرق میانه را به تسلیح و تربیه نظامی عناصر ضد انقلاب متهم ساخته گفت «ما در افغانستان هستیم تا به دوستان خود معاونت کنیم و همینکه ضمانت های لازم داده شود که در امور داخلی افغانستان مداخله صورت نخواهد گرفت ـ حاضر هستیم از افغانستان خارج شویم.»

سفیر شوروی علاوه کرد :

« بهرحال این یک حقیقت است که هیچ یک کشور نمیتواند در برابر اوضاعی که در سرحدات آن صورت میگیرد بی تفاوت بماند .

سفیر شوروی گفت امریکا نه میخواهد صلح وامن در منطقه حکمفرما باشد. امریکا عناصر ارتجاع ضد انقلاب افغانستان را « مبارزین ازادی» می خوانند و از مداخلهٔ خود در مسایل منطقه هیچوقت منکر نشده است .

اخبار مسلم باین نکته ملتفت شده است که سفیر شوروی در میان کشورهائی که در مسایل «اطراف افغانستان» مداخله میکنند از چین نام نبرد و در جواب سوالی گفت که چین یک قدرت معظم آسیا ست و « من یقین کامل دارم که با وجود پروبلم های که در حال حاضر وجود دار کشورهای ما (چین و شوروی) در آینده در سمت واحدی سیر خواهند کرد . »

ملل متحد برای یافتن یک راه مسالمت آمیز بین المللی از طریق ملل متحد در جهت خاتمه بخشیدن به تجاوز صریح روسیه بر افغانستان است. روسیه و افغانستان هر دو اعضای ملل متحد بوده و تجاوز نظامی روسیه بر افغانستان با منشور ملل متحد و همه قوانین بین المللی مخالف است وصلح منطقه وجهان را تهدید میکند. سازمان ملل متحد رسماً مکلف و موظف و مسوول شمرده میشود که به تجاوز روسیه خاتمه بخشد و بهمین اساس در تصمیم نامه های ملل متحد اکثریت قاطع اعضای این سازمان این تجاوز را تقبیح نموده و برآمدن قوای روسیه را از افغانستان - مطالبه نموده اند.

سکرتر ژنرال ملل متحد در همه حالات وشرایط مسوول ومکلف است که در ساحهٔ همه گونه فکروعمل تنها وتنها برای تطبیق وعملی ساختن فیصلهٔ سازمان ملل متحد سعی کنند. کوچکترین انحراف از تصمیم نامه های ملل متحد از ساحه مسوولیت وصداقیت سکرتر ژنرال خارج شمرده میشود.

اقدام سکرتر ژنرال در راه برگزیدن اشتراک کنندگان در کنفرانس برای هر منظوری که بوده باشد فاقد یک عنصر نهایت مهم است وآن عبارت است ازاین که نمایندگان مردم افغانستان که با قیام عمومی سرتاسری ملت

سیمرنوف علاوه کرد که شوروی چین را به حیث یک کشور سوسیالست می شناسد وچین از این حقیقت اگاه است که اختلافات میان شان به هدف سوسیالستی صدمه کافی رسانیده است و بعد از آن بتاکید گفت :

هر چند مسیر ما (چین وشوروی) خطوط زیاد منکسر داشته باشد همه شهراه ها بسمت استقرار وتحکیم کامیونیزم درجهان منتهی میشود » .

در همین گفتار سفیر شوروی اظهار داشت که صلح و امن در آسیا تنها با پیروی از اصول پنجگانهٔ کنفرانس باندونگ تامین شده میتواند.

سفیر شوروی با این بیانات اصل زیست باهمی را نفی می کند . ومقصد اساسی شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را پخش وتحکیم واستقرار کامیونیزم درتمام دنیا اعلام میکند.

دیگر کشورهای سوسیالیست درساحهٔ بین المللی به این صراحت حرف نزده اند اما درباره شوروی همواره این مقصد روشن بوده است . اما چیزیکه قابل تعجب است اینست که سفیر شوروی در پهلوی این اظهارات از کنفرانس باندونگ تذکرمید هد . چین عضو کنفرانس باندونگ بودو یقین است اهمیت زیست با همی را از نقطه نظر خود توضیح خواهدکرد .

آگر اصل زیست باهمی بچنین صراحت از طرف یک ابر قدرت نفی گردد همه کشورهای غیر کامونست که با روسیه مناسباتی دارند که متضمن قبول این اصل است باید بر موقعیت خود در برابر دوست بدتر از دشمن دنیای سوم تجدید نظر کنند.

این اظهارات سفیر شوروی در اسلام اباد پیش از مسافرت جناب وزیر خارجهٔ پاکستان به مسکو معنی خاصی دارد که ما فعلاً بر آن تبصره نه می کنیم.

شماره (۸) سال دوم افغان مجاهد، ۱۸/۳/۱۳۶۲

په افغانستان باندې تجاوز یوه سیمه ایزه قضیه نه ده

«جارج شلاګا» د غربي المان د پارلمان غړی د سوسیال دیموکرات حزب نماینده چې په عین حال کې د جرمني د ذات البیني مسایلو او روابطو د دفاع او خارجه چارو د پارلماني کمیټې غړي دی د مې د میاشتې په ۳۰ مه نېټه د اسلام آباد په یوه مطبوعاتي کنفرانس کې وویل : دافغانستان قضیه یوه بین المللي قضیه ده او هغه باید یو سیمه ایزې پروبلم ونه ګڼل شي .

«جارج شلاګا» وویل : په غربي المان کې د ډېرو خبرو اترو په باره کې ناوړه تفاهمات وجود لري او دی دحقایقو د پیدا کولو دپاره پاکستان ته راغلی دی او د پاکستان د خارجه چارو د وزارت دغړو سره د ملاقات نه وروسته پوهېدلی دی چې د پاکستان حکومت پخپل

موقف ټينګ ولاړ دی .

هغه نهايته کړه چې د ژنيو خبرې اترې داسې ښيي چې د افغانستان قضيه يو سيمه ايز اختلاف وي چې په هغې کې « يولوري بل لوري ته پيشنهادونه عرضه کوي » اما داسې نه ده او نه ښايي چې هغه په بين المللي مفهوم مذاکرې وګڼل شي دا په حقيقت کې اظهارات او مرکې دي چې د افغانستان او پاکستان ترمنځ ديوه منځګړی په ذريعه صورت نيسي چې د « يوه پوسته رسان » حيثيت لري .

« جارج شلاګا » نهايته کړه چې ځوا له دې چې مذاکرې د مذاکرو په مفهوم صورت ونيسي بايد شوروي خپلې لښکرې د افغانستان نه وباسي . « يوازې وروسته له هغې د موضوع په نورو اړخونو جدي بحث کېدلی شي » او په دې مورد کې يې د ملګرو ملتو اسلامي کنفرانس ، اروپا ئي ټولنو او د المان د پارلمان تصميم نامو ته اشاره وکړه . د مسلم د اخبار د خبريال « نصرت جاويد » د خبر له مخې د جناب شلاګو په نظر يه رواني خبرې اترې نتيجې ته نه رسيږي اويوازې « لږی قدرتونه کولی شي د حل لار پيدا کړي . » ټولې پېژندل شوی بين المللی ټولنې عقيده لري چې شوروي په يو بې دفاع ناپيلي هېواد ورختلی او تهاجم يې پرې کړيدی دا موضوع بايد د قضيې هر ډول بحث کې په پام کې وساتل شي .

هغه ومنله چې قضيه ډېره پېچلې ده او په موجوده شرايطو کې د ژنيو خبرې اترې ګټورې دي .

د المان د پارلمان غړي ووېل: چې د دې خبرو اترو په مرسته «بل لوري (کابل او شوروي) د قضيې حل ځنډ وي او د وخت د تېرېدلو نه په استفادې سره غوارې د تشنج شدت راکم کړي» اماده ووېل چې: صاحبزاده یعقوب خان په داسې موقعیت کې دی چې کولی شي او په حقیقت پوه شي وې ویل:

«دا د هغه (د پاکستان د خارجه چارو د وزیر) وظیفه ده او همدارنګه دا د هغه حق دی هغه پوښتنې چې د شوروي په حقیقي نیت پورې مربوطې دي راپورته او رامنځ ته کړي.»

جارج شلاکا د شوروي د غه تصور و نه چې د پاکستان یو شمېر دوستانو پاکستان له ستونې نیولی او هغې خواته یې راکاږي چې دوی یې غوارې باطل وګڼل او وې ویل دا داسې معنی لري چې پاکستان دامریکې او یو شمېر اروپایي هېوادونو د لاس آله ده په داسې حال کې چې داسې نه ده.

«نصرت جاوید» په خپله مقاله کې چې د مۍ د میاشتې په ۳۱مه یې د دغه مطبوعاتي کنفرانس په باره کې لیکلې ده لیکي: په هغه غیر - رسمي صحبت کې چې د مطبوعاتي کنفرانس د ختم نه وروسته مې د شلاکا سره وکړ هغه ما ته ووېل چې په لاهور کې یو شمېر په اصطلاح - روښنفکرانو د ه ته ویلی که چېرې انتقابات وشي او نوی حکومت په پاکستان کې رویکار شي او هغه حکومت د کابل حکومت په رسمیت وپېژني ستاسو موقف به څه وي؟

شلاکا ووېل:

چې ماد هغوی په ځواب کې وویل:

« بې له شکه به موږ په دیموکراسۍ باندې د معتقدو خلکو په حیث د یو انتخابي حکومت فیصله د هغوی د خپل سیاست په باره کې قبوله کړو اما زه عقیده لرم چې په هغه صورت کې به د فدرال جرمني د جمهوریت او پاکستان ترمنځ روابط ساړه شي ».

نصرت جاوید زیاتوي چې په همدغه غیر رسمي صحبت کې کله چې د هغه نه پوښتنه وشوه چې په پاکستان کې د شوروي د سفیر د څرګندونو په باره کې څه وایاست وې ویل: امکان لري چې د اتاناروفي اوسنی جمهور رئیس د دې خبرو اترو (د ژنیو د مباحثو) تائید کوونکو نه وي. »

افغان مجاهد:

لکه څنګه چې هرچا ته معلومه ده « افغان مجاهد » هیڅ ډول مادي وسیله نلري چې وکولی شي مطبوعاتي کنفرانسونو ته مستقیماً خپل نماینده واستوي او په هغو موضوعاتو کې چې د دغه د هیواد پورې مربوط دي سوالونه طرح کړي نه پوهیږو هغه - افغاني اطلاعاتي منابع چې دغه ډول وسائل لري ولې دا کار نه کوي.

افغان مجاهد، دوهم کال، اتمه ګڼه، ۱۸ / ۳ / ۱۳۶۲

روسیه در زیر چتر آبی رنگ کوردو ویز

اخبار مسلم، اسلام آباد ـ ۲۷ می ۱۹۸۳ به حوالهٔ واشنگتن ۲۶ می:

وزیر خارجهٔ پاکستان با نائب رئیس جمهوری اتازونی «جارج بوش» ملاقات کرد. صاحبزاده یعقوب خان به آژانس A.P.P. گفت که نائب رئیس جمهوری اتازونی پشتیبانی «جامد و صریح» خویشرا از موقف پاکستان در بحرانی که در نتیجه مداخلهٔ نظامی روسیه در افغانستان بوجود آمده است اظهار داشت.

صاحبزاده یعقوب خان علاوه کرد که «بوش» گفتگوهای غیر مستقیم ژنو را نیز تائید نمود.

وزیر خارجهٔ پاکستان با مدعی العموم اتازونی «ویلیام مزنغ سمت» نیز ملاقات نمود.

اخبار مسلم علاوه میکند که وزیر خارجهٔ اتازونی «شولتز» نیز مساعی ملل متحد و خارج شدن قوای شوروي را از افغانستان تائید نمود. وزیر خارجهٔ پاکستان با کوالیار دبیر کل ملل متحد درحالیکه کوردوویز نیز حاضر بود در نیویارک ملاقات نمود.

اخبار انگلیسی مسلم منتشرهٔ اسلام آباد ۲۷ می

بحوالهٔ خبر منتشرهٔ ۲۶ می از پشاور می نویسد که :

اتحاد اسلامي مجاهدین افغان (حرکت انقلاب، محاذ ملی اسلامي، وجبهه ملي نجات افغانستان) بر حزب اخوان المسلمین عرب و جماعت اسلامي پاکستان در اثر «مداخلهٔ ناشایسته ایشان در امور داخلي احزاب مجاهدین» بدون معلومات و آگاهی «از اوضاع جهاد و نیات و اهداف ملت مسلمان افغانستان» اعتراض کرده است. این اعتراض در یک ابلاغیه مطبوعاتی انتشار یافته است.

اتحاد اسلامی مجاهدین افغان اعلان کرده است که «تا وقتیکه قشون روس بلا شرط از افغانستان خارج نشود، حکومت اسلامی برقرار نگردد، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال کامل افغانستان دوباره بدست نیاید اسلحه را بر زمین نخواهند گذاشت».

قرار خبر منتشره در اخبار انگلیسی پاکستان تایمز

منتشره راولپندی تاریخ ۲۸ می بحواله اسلام آباد ۲۶ می

پاکستان و نیپال ضرورت مبرم حل عادلانه و شرافتمندانهٔ قضیه افغانستان را بر اساس خروج قوای اجنبی، استرداد حاکمیت ملی استقلال سیاسی صبغهٔ عدم انسلاکُ افغانستان و استرداد حق مردم افغانستان در تعیین سرنوشت شان و بازگشت مهاجرین افغان برضای خود شان با مصوُونیت وعزت تاکید کرده اند این موقف در ابلاغیهٔ مشترکی تثبیت گردیده است که در پایان مسافرت رئیس جمهور پاکستان به نیپال از طرف صدر ضیاء الحق و اعلیحضرت شاه بیرند را بکرام شاه دیو پادشاه نیپال انتشار یافته است .

افغان مجاهد :

وزیر خارجهٔ پاکستان قبل از رفتن به امریکا به چین عربستان سعودی، انگلستان و فرانسه نیز مسافرت نموده است.

اگرچه مساعی برای جلب پشتیبانی از طرز عمل نمایندهٔ ملل متحد و گفتگوهای ژنوجریان دارد که مقدرات آنرا اجتماع ۱۶ جون تعیین خواهد کرد اما این نقطه روشن است که علاوه بر تصمیم نامه های کنفرانس اسلامي و اسامبله ملل متحد همه اعضای دایمی شورای امنیت ملل متحد اخراج قوای شوروي

حاکمیت ملي وتمامیت خاك وحق مردم افغانستان را به تعیین سرنوشت شان از جانب خود شان تائید می کنند و اکنون دیده شود که روسیه در مقابل اینهمه چه موقف اتخاذ می‌کند. وزیر خارجهٔ پاکستان در ۹ ماه جون به مسکو می رود.

روسیه دیگر نمیتواند چهرهٔ حقیقی خود را پنهان نگهدارد اما روسیه در همه حال کوشش خواهدکرد با تکتیك هائی‌که در نزد همگان روشن است برای دوام دادن گفتگوها به شکل‌کنونی سعی‌کند ودر زیرچتری که کوردوویز از پارچه آبی رنگ ملل‌متحد برافراشته است خود را از باران افکار عامهٔ جهانی تامدتی پنهان کند.

بهرحال موقف ما معلوم وروشن است. با هرروزیکه میگذرد مردم افغانستان به حتمی بودن دوام جهاد اسلامی وملی خویش مصمم تر می شوند وهرگز نخواهند گذاشت مقدرات شان را جز خودشان دیگری تعیین‌کند.

موقف ما وتصمیم ما موقف وتصمیم دوام‌جهاد است هیچ ملتی‌که به شرافت ملي وکرامت انسانی عقیده داشته باشد راه دیگری راجز دفاع مسلح تا اخرین دم در دفاع از خاك ونوامیس دینی وملی خود اختیار نخواهدکرد.

اگرملت یا مردمی وجود داشته‌که درمقابل اشغال خاك وپامال‌کردن حقوق معنوی‌خود دفاع نکند وفیصله - مقدرات خود را به اجنبیان بگذارد باید خود را معرفی‌کند زیراما

افغانستان برای آزادی و استقلال کشور خویش درحال جنگ وجهاد هستند درین مذاکرات سهم ندارند وبدتر اینکه یگانه حزب تجرید شده کمو نیست که باقوهٔ نظامی اجنبی برمردم افغانستان تحمیل شده است و هیچ یک از اشتراک کننده گان مذاکرات آن جز بنام یک حزب نه می شناسد درین مذاکرات دعوت شده است و احزاب دیگر افغان که مبارزین ومجاهدین افغانی هستند وازطرف اشتراک کننده گان شناخته شده اند ازجانب سکرترجنرال دعوت نشده اند .

من گمان نمیکنم که بنا بر بسا دلایل احزاب مبارز ومجاهد افغانستان شرکت درینگونه ترتیب مذاکرات را قابل قبول بدانند اما اینکه دعوت نشده اند وموقع اظهار رد یا قبول اشتراک بایشان داده نشده است بطورواضح غیرعادلانه بوده وهرگونه نتیجه ای را که ازین مذاکرات درنظر بوده باشد عقیم وغیرمثمر می سازد .

امید میرود که حکومت پاکستان وحکومت ایران اهمیت این موضوع و مسوولیت سکرترجنرال وخودشانرا فهمیده باشند . تاجائیکه بجناب سکرترجنرال مربوط است فروگذاشت این ملاحظهٔ غیرقابل انکار نه تنها مایه تعجب بلکه موجب تأثر است .

من شخصاً درتحت شرایط موجود نتیجه مثبتی ازین

چنین مردم و ملتی را سراغ نداریم وتصور آن از مخیلهٔ ما بیرون
است .
مردم افغانستان ارزش صلح وامن را میدانند اما صلحی
که عادلانه نباشد صلح نیست .

شمارهٔ ۸ سال دوم افغان مجاهد
۱۳٦۲/۲/۱۸

ضمانت های احتمالی بین المللی

از وزیر خارجه امریکا در پشاور چه توقع میرود ؟

اگرچه از نقطه نظر مبارزین آزادیخواه افغانستان از اغاز تا انجام روشن شده است که نتایج این گفتگوها در غیاب نمایندگان افغانستان در نزد مردم افغانستان اعتبار نخواهد داشت جلب توجه بیکی از فقرات ابلاغیه مطبوعاتی دفتر اطلاعات ملل متحد در ژنو را (در صفحه اول ستون مقابل همین شماره) را لازم می دانیم.

چنانکه ملاحظه می فرمائید از این ابلاغیه برمیآید

که بحث بر موضوع ضمانت های بین المللی باارتباط —
خارج شدن قشون متجاوز روس از افغانستان اجازه
داده شده است. باین تقریب ابلاغیهٔ مطبوعاتی به دو
ضامن احتمالی اشاره کرده و از روسیه و اتازونی نام
میبرد. ازخبرهای شایع شده دربنباره شنیده شده است
که ضامن های دیگر هنوز زیرغوراست.

پیش از آغاز گفتگوهای دور سوم ژنو ازچین نیزنام
برده شده بود اما درین ابلاغیه نام چین شامل نیست
امکان دارد موضوع ضمانت بین المللی بشکل طرح شده
باشدکه چین اساساً آن راغیر قبول دانسته وهمنشینان
ژینوکه درغیاب همدیگر با هم گفتگوها را دوام میدهند
حد خود را شناخته باشند.

امریکا تاکنون دربنباره جواب مثبت نداده است. موقف —
امریکا اینست که نمی تواند پیش از انکه قرارنامه را ببیند
خود را بحیث یکی از ضمانت کنندگان متعهد بسازد. اگر
طوریکه گفته شده است نماینده دبیرکل ملل متحد با مسکو
واشنگتون در تماس ایدالبته درمیان موضوعات دیگر برین
موضوع نیز بحث خواهد شد.

سخنگوی امریکا اضافه کرده است که اگرقرارنامهٔ —
گفتگوهای ژنو در بارهٔ مشوره با مهاجرین افغانستان
و ترتیب برامدن قوای شوروی درحرکات وقت معین

مورد موافقه قرار گرفته بتواند در آن وقت نوبت به طرح موضوع ضمانت های بین المللی میرسد .

جناب شولتز وزیر خارجهٔ امریکا بتاریخ ۲ ماه جولای به پاکستان می آید و تا ٤ جولائی درین کشور خواهد بود .

گفته شده است که وزیر خارجهٔ امریکا معلوماتِ مزیدی در بارهٔ گفتگو های ژنو از جناب صاحبزاده یعقوب خان بدست خواهد اورد . و نیز جناب شولتز از تماس های واشنگتن - مسکو به جناب صاحبزاده معلومات مزید خواهد داد . همچنین به تعقیب این ملاقات ها وزیر امور خارجهٔ چین به پاکستان خواهد آمد . هنوز اعلان نشده است که وزیر خارجهٔ روسیه که از طرف وزیر خارجهٔ پاکستان در مسافرت مسکو دعوت شده بود چه وقت به اسلام آباد خواهد آمد .

در نقاط نظر امریکا و پاکستان اساساً قرابتی موجود است و بیقین امریکا و پاکستان باجدیت و صمیمیت سعی خواهند کرد که زمینه برای راه حل از جانب ایشان غیرمساعد نگردد . روسیه سعی خواهد کرد که رول چین را خورد جلوه دهند اما امریکا و پاکستان نمی توانند از اهمیت چین چشم بپوشند .

بهر حال اشتباه بزرگتر از تائید طرز عمل کنونی ملل

متحد بشکل کنونی و گفتگوهای ژنو اشتباهی خواهد بود که امریکا مردم مبارز افغانستان را نادیده بگیرد. بایقین کامل می توان گفت که پاکستان نیز اکنون به تکتیک های غیرصمیمانهٔ روسیه بیشتر پی برده خواهد بود.

گمان نمیرود که امریکا وچین هیچوقت از این تکتیک ها غافل بوده باشند. مساعی پاکستان تاکنون جدی بوده وسته حکومت پاکستان از نهایت صممیت وصبر سیاسی کارگرفته است. اگرچه حکومت پاکستان تاکنون از دانش سیاسی کار گرفته و اظهاری نکرده است روسیه جز در سطح تشریفات صمیمیت پاکستان را قدر نکرده است.

تا وقتیکه روسیه حق تعیین سرنوشت آیندهٔ افغانستان را در انتخاب طرز حکومت و سیستم سیاسی ، اقتصادی اجتماعی وفرهنگی بر اساس اراده وآرای آزاد مردم افغانستان نشناسد.

تاوقتیکه حاکمیت ملی و استقلال تام سیاسی وتمامیت ارضی افغانستان تضمین وتامین نگردد،

تاوقتیکه خارج شدن کامل قوای اجنبی از افغانستان - تضمین نگردد و به تجاوز نظامی خاتمه داده نشود.

تاوقتیکه شرایط بازگشت مهاجرین افغانستان که عبارت از استقلال و استقرار یک حکومت اسلامی انتخابی بالاراده - آزاد مردم افغانستان است تثبیت نگردد - تا آنوقت موضوع

ضمانت بین المللی را نمیتوان قابل بحث ندانست. وحتی در
..رت باید ضمانت بین المللی ازجانب شورای امنیت
ملل متحد داده شودکه متضمن ضمانت همه اعضای دایمی
شورای امنیت است.

امید است که جناب وزیرخارجه امریکا در پاکستان
تنها بدیدن خیمه های مهاجرین درآفتاب سوزان کمپ ها
اکتفا نکنند وآتشی را درنظر بگیرند که درسرتاسر کشور
افغانستان درگرفته ومردم افغانستان درین پنجسال
آنرا می خواهند باخون خودخاموش کنند.

اگرکسی می خواهد از حال مردم افغانستان اگاه
شود باید خودرا باآمال سیاسی شان اگاه بسازد.

مردم افغانستان ویرانه های خودرا باز ابادخواهند
کرد. مزارع خودرا باز سرسبزخواهند ساخت. مردم
افغانستان از دنیای بشریت توقع دارندکه بان چیزهاتوجه
کنندکه جبیره نمیشوند یعنی عقاید دینی نوامیس ملی، استقلال
کشور وازادی مردم و.......

وزیرخارجهٔ امریکا باید اینرا هم بداندکه مردم
افغانستان تبلیغات سوء روسیه و برخی محافل نا اگاه را
تاکنون باور نکرده اند که امریکا نمیخواهد جنگ درافغانستان
خاتمه یابد واین گونه اشتباه راازمردم امریکا هرگزتوقع
ندارد.

اما اگر امریکا در ترتیباتی سهیم شود که منافع ملی افغانستان از ان صدمه ببیند فرقی از دیگران نخواهد داشت.

شماره (۹) سال دوهم افغان مجاهد، ۹/٤/۱۳٦۲

د روسيې وروستی سمي موقف

حقايق بايد ښکاره ووېل شي او واقعيتونه بايد يوه لحظه هم د سترګو له نظره لېرې نه وي . توقع هغه مجهول تخم دی نشو کولی پوه شو چې د هغې نه به څه شی زرغون شي . د مصيبت په وخت کی سختی بايد د هغی نه چه ده سخت وګڼو او د هغې په مقابل کې مجادلې او مقاومت ته بايد پاڅېږو .

بايد په دې تريخ حقيقت اعتراف وکړو چې دېره ورونښانې موجوده نه ده چې يو واقع بينی سترګې هغه د روسيې د پاليسۍ تغيير د اسلام د مجاهدينو او ملي مبارزينو او د افغانستان د آزادي غوښتونکو په مقابل کې قبول کړي .

د روسيې د نظامي عملياتو تشديد ، د خط آهن تمديد ، د نظامي اډو اعمار د کمونيزم تعليم و تبليغ او اداری سيستم ته تغيير ورکول ، اقتصادی ، اجتماعي او فرهنګي چارې په يوه کلمه روسي کول ټول

افغانستاني شيان غيراسلامي کول ، هر اسلامي څيز د دې
واقعيت تائيد کوونکی دی .

بايد بې له مکثه زياته کړو چې د دغو نيتونو طرز إعمال
د اوږدې مودې د پروګرامونو په اساس د دائمي او پا يـنده
تاسيساتو په خاطر دی . د نظامي اړو او په هغې پورې مربوطې
علمي او تخنيکي موسسې نه يوازې د داخلي استيلا له نقطې
نظره بلکه په خاص طور د استفا دې له نګاه نه د افغانستان
د سرحدونو نه خارج بنا شوي او تينګېږي . په بين المللي
ساحه کې روسيې حتی د افغانستان په موضوع با ندې
په ملګرو ملتو کې په بحث کولو مخالفت کړيدی او وروسته
له هغې چې د دوی د موقف با وجود په موضوع باندې بحث
شويدی د مصوبو د تصميم نا موسره يې مخالفت کړی او د ملګرو
ملتو د فيصله نامو محتويات د افغانستان په داخلي امورو کې
مداخله ګڼي . اما له بلې خوا د ژنيو د غير مستقيمو خبرو اترو طرز
عمل کله په «درست سمت قدم» او کله «مثبت ګام» بولي . روسيه
د بين المللي مجامعو په اظهاراتو او بيا نا تو کې په نشرياتو او
مطبوعاتو کې کله چې په افغانستان باندې د روسانو د نظامي
تجاوز قضيې ته اشاره کوي هغه «د افغانستان د اطرافو مسائل»
بولي .

دا «درست سمت» او «مثبت ګام» د روسيې له نقطې نظره
څه شی دی؟

د دې پوښتنې ځواب کولی شي چې د صدراعظم د مرستیال او خارجه چارو وزیر اندري ګرومیکو په تازه ترینه او مهمترینه بیانیه کې پیدا کړی .

ګرومیکو د جون په ۱۹ مه نېټه د روسیې د رسمي منابعو خبر په حواله په مسکو کې دیو مفصل راپور په ضمن کې چې د بین المللی اوضاعو او د روسیې د خارجي سیاست په باره کې یې د هغه هېواد عالي ترینې کنګرې ته تقدیم کړو ویل : چې روسیه په کامل طور دا فغانستان د حکومت د پالیسی (د کابل د رژیم) د خبرو اترو له لارې د ملګرو ملتو د سرمنشي د منځګړتوب یو قرار ته د رسېدو په باره کې ملاتړ کوي او متوقع دی چې د دغو خبرو اترو نه « مثبت نتایج » حاصل شي .

ګرومیکو زیاته کړه : « د دې خبرو اترو په اساس ممکنه ده چې یو قرارنامه دافغانستان د خارجي وجه د پروبلم د مربوطو موضوعاتو په باره کې لاس ته راشي .

تر هغه ځایه چې دافغانستان په داخلي امورو پورې اړه لري موضوع د افغانانو په فیصلې پورې منوط ده . » د مسکو راډیو په ټولو سرویسونو کې د پښتو او دري نشریاتو په شمول تاکید کړی چې د ژنیو خبرې اترې د ګرومیکو د بیاناتو په اساس یوازې د افغانستان په خارجي جنبه تعلق لري . سیاسي مبصرینو د ګرومیکو بیانیه داسې تفسیر کړېدی چې : « د ګرومیکو بیانات د ژنیو خبرې اتــــرې د خارجي امورو پورې محدودوي

مذاکرات توقع ندارم . ویگانه راه مثمرمساعی سکرتر جنرال را درحالیکه نیت اورا خیرخواهانه میدانم ، درین میدانم که براساس حقیقت واضح وغیرقابل انکار مسلهٔ افغانستان را یک مسلهٔ سیاسی جهانی دانسته براسامبلهٔ عمومی آیندهٔ ملل متحد انعقاد یک کنفرانس خاص جهانی را تحت نظارت ملل متحد با شمول کشور های عضواز همه قاره ها وشرکت حتی ازهمه همسایگان افغانستان واعضای دایمی شورای امنیت پیشنهادکند تا تصمیم نامه های ملل متحدرا درموضوع اخراج قوای روسیه ازافغانستان — تطبیق نموده وتعیین سرنوشت ملت افغانستان را تنها و تنها بر اراده مردم افغانستان مربوط بدانند .

شمارهٔ (۷) افغان مجاهد
۱۳۶۱ / ۳ / ۲۲

له دې کبله د دې بياناتو حقيقي مفهوم دا دی چې هيڅ .دول سياسي تغيير منظور نه دی.»

له دې کبله د روسيې وروستی موقف هغه دی چې «د کابل رژيم» د افغانستان پېژندل شوی حکومت دی او د ژنيو خبرې اترې د هغو موضوعاتو په باره کې دی چې يوازې خارجي جنبه لري.

د جون د مياشتې په ۲٦ مه نېټه «جارجي اباتوف چې د شرق او غرب د موضوع د روابطو د متخصص په حيث کمل شوی دی د ژنيو د ډپلوماتانو په يوه غرمنی کې د بيانيې په ضمن کې وويل: په مجرد د دې چې د پاکستان سره يو قرارداد امضاء شي او ضمانتونه ورکړل شي چې د مبارزينو د ورزنی د مقاومت کمپونه تړل کېږي مسکو حاضر دی خپلې لښکرې د افغانستان نه وباسي.

تر هغه ځايه چې د افغانستان د مجاهدو، مبارزو او ازادی خوا خلکو پورې مربوط ده د شوروي قواو او د هغوی د متحدينو د پوره او بلا شرط و قيد خارجېدل د افغانستان نه او د يوه انتخابي اسلامي حکومت استقرار د افغانستان د خلکو په آزاده اراده د افغانستان د خلکو د سياسي امالو يوازينی هدف دی او تر هغې چې دا هدف په لاس نه دی راغلی هيڅ قوت نشي کولی د افغانستان خلک له جهاد نه منع کړي.

افغان مجاهد، دوهم کال، نهم گڼه، ۱۳٦۲/٤/۹

«آیا همدغه دژنیو د مذاکرو خاتمه ده ؟»

«بلی!»

د افغانستان د قضیې د یو سیاسي حل د لټې د غیرمستقیمو خبرواترو دریمه دوره چې د جون په ۱۶ مه نېټه شروع شوې وه د ۱۹۸۳ کال د جون په ۲٤ مه نېټه پای ته ورسیده د دغو خبرواترو نتیجه همدغه ابلاغیه ده چې دا کړت حتی د یوې بیانیې په حیث د سرمنشي او یا د هغه د نماینده کوردوویز له خوا صادر نشوه او محض د یوې اطلاعیې د پاڼې په حیث د ملګرو ملتو د اطلاعاتو د څانګې د جهاني سازمان د اروپائي دفترنه نشر شوه.

«افغان مجاهد» په همدغه ګڼه کې د هغې عین متن لوستونکو ته تقدیم کړیدی ترڅو وکولی شي بې له دې چې د نورو د تعبیراتو او تغییراتو د تاثیر لاندې راشي هغه مستقیماً مطالعه تحلیل او قضاوت کړي.

د اخبار د همېش په دول داخېله فريضه گڼي چې حقايق اونفس الامر د لوستونکو او خاصتاً د خپلو وطنوالو په اطلاع ورسوي.

هغه وخت چې کوردوويز د پاکستان خارجه وزير دوروستي مجلس په پای کې د ملاقات د کوټې نه بېرون ته مشايعت کاوه د خبريالانو د لـه منتظره وه. د خبريالانو نه يوه د هغه نه پوښتنه وکړه :

«آيا همدغه د ژنيو د مذاکرو خاتمه ده؟» کوردوويز د هغه په ځواب کې وويل : «بلې!» بيا د ملګرو ملتو منځګړي زياته کړه چې په اوسني حال کې په ژنيو کې د دې نه زيات د خبرو اترو دپاره ضرورت نه دی پاتې شوی. د يوې پوښتنې په ځواب کې يې وويل : چې دی به سيمې ته د خپل تګ و راتګ له سره پيل کړي اما نېټه يې په خبرو اترو کې د سهيمو طرفينو په موافقت پورې مربوط ده.

د دغو اظهاراتو نه کوم شو په دې پوه شو نه يوازې دا چې په ژنيو کې د بلې دورې د خبرو اترو د آغاز د پاره موافقه نه ده شوې بلکه سيمې ته د هغه مسافرت د نېټې په باره کې هم موافقه نه ده شوې. زمونږ لوستونکي خبر دي چې د پخوانو خبرو اترو په پای کې د مذاکرو په دوام موافقه شوې او نېټه يې هم د موافقې په اساس د جون ۱۶ مه تاکل شوې وه.

د دغو اظهاراتو د ټول وضاحت باوجود بل خبريال پوښتنه وکړه

چې آیا د خبرواترو په پای کې چې او س سرته رسېدلی پرمختګ حاصل شویدی. کوردوویز دهغه په ځواب کې وویل:

«مونږ خپل پرمختګ ته دوام ورکوو، مونږ پرمختګ کړیدی.»

بل خبریال د پرمختګ داندازې اوپیمانې پوښتنه وکړه کوردوویز په ځواب کې قابل اعتنا پرمختګ ته اشاره وکړه اودزیاتې شرحې له ورکولو یې ډډه وکړه.

[د افغان مجاهد وظیفه ده خپلو لوستونکو ته ښکاره کړي چې زمونږ اطلاعاتي منبع په هغو منابعو پورې محدوده ده چې دکوردوویز په خبرو د خپل نقطې نظره رڼا اچوي او له همدې سببه ده چې مونږ کولی شو محض په ځینو برخو کې عین کلمات د ناخنک په مینځ کې په اطلاع ورسوو او هغه چې اطلاعاتي منابع یې زمونږ دلاس رسېدو نه پټ ساتي محض له ناچارۍ په غیرمستقیم ډول خپلو لوستونکو ته تقدیمولی شوو.

[دغه اخبارکه سرمایه او وسایل لرلې ژنیوته یې نمایند لېږه اورا ساْ یې په دغو مواقعو کې پوښتنې کولی چې زمونږ وطنوال په خاص طورحق لري د هغو موضوعاتو په باره کې چې د دوی د مقدراتو پورې مربوط دي د هغې ځواب ترلاسه کړي او پوه شي.

مونږ یوځل بیا د هغو افغاني موسساتو توجه چې هم سرمایه او هم وسایل لري د دوی دې مسوولیت ته راجلبوو که تراوسه

يې نه دي کړي وروسته له دې د افغانستان د خلکو حق اداکولو په برخه کې خپل وظايف اجرا کړي.

<u>د خلکو د آگاهۍ حق د بشري کتلو د پېژندل شوو حقوقو څخه دی.</u>

که د افغانستان د خلکو نور حقوق پردو او اجنبيانو غصب کړي دي د احق مونږ بايد اداکړو. د افغانستان مهاجرين اقلاً حق لري کامل اطلاعات ولري. بين المللي مرستې چې د مهاجرينو سازمانونو ته رسيږي د دغه ډول اطلاعاتو وسايل او سرمايه تهيه کولی شي. په هرحال فعلا همدغه معترضه کافي گڼو او د مشهور قول پر بنا «اگر درخانه کس است يک حرف بس است» د دغې مقالې اصلي موضوع ته راگرځو.

کورد وويز بالاخره د تېښتې ښه لاره پيدا کړې او وې ويل چې د ده نطاق به يوه مطبوعاتي ابلاغيه د نن ورځې په ماښام (د جون په ٢٤ مه) نشر کړي.

د دې با وجود خبريالانو پوښتنې وکړې. څه وخت چې له هغه نه پوښتنه وشوه آيا د افغانستان د پروبلم يوې موافقې ته د رسيدو منظر ترکوم حده روښانه دی. په ځواب کې يې وويل چې يوه موافقه نامه به تهيه شي اما هغه وخت چې «يو تعداد شيونه واقع شي» او د زياتې شرحې او توضيح نه يې ډډه وکړه. لوستونکي دې ملاحظه وفرمايي چې «د يو تعداد شيونه واقع شي» کلمات د ناخنک په منځ کې نيول شوي

او له همدې کبله چې د جناب کوردوويز عين کلمات دې بايد دقت وشي چې يا جناب کوردوويز «يوتعدا شيونو» يعنې هغه شيان چې واقع کيداى شي غواړي څه نوع مطالب پټ — وساتي؟ په هر حال د هغو کسانو د پاره چې توقع يې لرله د ژنيو د مذاکرو نه به نتيجه په لاس راشي دغه يې فرجامه نتيجه او مجهول حتماً د معقول يأس ترمنه وي.

افغان مجاهد په هغې کې يو ښکاره موفقيت وينې او دغه موفقيت د روس کاميابي د دغو بې نتيجو خبرواترو دوام دی. اوس به روسيه داوږدې او مجهولې مودې د پاره وخت ولري چې خپلو تخريبي مادي او معنوي پلانونو ته د افغانستان دورانولو او وژلوله لارې، د نظامي استحکاماتو جوړول، د خط آهن تمديد، د نظامي اډو اعمار د کمونيزم تعليم وتبليغ، د راتلونکي نسل فسادونه تعقيب کړي او د تطبيق ساحې ته به يې د پرنيږدې او د سپر پراخه جوړکړي.

که چيرې اوس هم څوک وي چې د افغانستان د قضيې سياسي حل ته د دغه طرز عمل په اساس توقع ولري بايد پوه شي چې کوردوويز به بيا اسلام آباد، کابل او حتى تهران ته لاړ شي اما په پای کې به لکه څنگه چې روسيې د کابل د رژيم نماينده ته هدايت ورکړی وخبرواترو ته به د وخت د تيريدو په منظور دوام ورکړي او حتى د خپل موقف په باره کې د توضيحاتو نه به

هم د ده وکړي ترڅو د مسئلې د ځنډ او تعویق د پاره زمینه مساعده پاتې شي او جهاني عامه افکار د خبرو اترو په جریان اغفال شي. موږ پوره یقین لرو چې د روس دغل بازۍ به په ټولټو روښانه شي.

په هر حال ژنیو د آزموینې او پوهېدو میدان و. موږ یقین لرو هغو چې زموږ خوځونه او شکونه کاملاً په ځای نه ګڼل تر یوه حده پوهېدلي وي چې موږ واقع بین تر او دوی خوشبین تر وو.

ترهغې چې د حل عادلانه او قابل قبول لار د افغانستان د خلکو په وړاندې پیدا شي نو موږ ټول افکار، اعمال او هڅې باید د افغانستان د ملي او اسلامي جهاد تقویې او دوام ته متوجه وي او انشاء الله دغسې ده او وي به.

افغان مجاهد، دوهم کال، نهمه ګڼه

۹ - ٤ - ۱۳۶۲

ابلاغیهٔ مطبوعاتی ژنو

در پایان دور آخرین گفتگو های ژنو که بتاریخ ۱۶ جون آغاز گردید ادارهٔ اطلاعات ملل متحد بتاریخ ۲۴ جون ابلاغیهٔ ای نشر کرد که افغان مجاهد عین متن آنرا تقدیم میکند تا خوانندگان گرامی ما شخصاً آنرا مطالعه و تحلیل فرمایند.

«متن»

در پایان گفتگوهای غیر مستقیم دربارهٔ افغانستان ابلاغیهٔ مطبوعاتی ذیل امشب ازطرف دفتر اطلاعات ملل متحد درینجا (ژنو) نشر گردید.

دور سوم مباحثات با میانجیگری نمایندهٔ شخص دبیرکل ملل متحد بتاریخ ۱۶ جون در ژنو آغاز و بتاریخ ۲۴ جون ۱۹۸۳ پایان یافت.

شاه محمد دوست وزیر خارجهٔ افغانستان و صاحبزاده یعقوب خان وزیر خارجهٔ پاکستان برای این مقصد در ژنو حاضر بودند.

حکومت ایران، توسط نمایندهٔ دایمی آن در نزد دفتر ملل متحد در ژنو، از جریان مباحثات مسبوق میگردید.

در بررسی مسوده متن یک قرارنامهٔ جامع پیشرفت مزید حاصل گردید. مباحثات شیوهٔ واقع بینانه و درخور چنین مقاولات صورت گرفت.

همچنان تصمیم خود را به تعقیب کردن جستجوی یک قرارنامهٔ جامع که به منظور یک حل سیاسی پاینده طرح شده باشد یکبار دیگر تائید کردند.

و همچنین عقیدهٔ خود را به اینکه غلبه برموانع وعوایقی که هنوز موجود هستند امکان پذیر است بار دیگر تائید نمودند.

این طرز عمل دیپلوماسی هنگامیکه دیاگوکوردوویز معاون دبیر کل ملل متحد بعدتر در طی تابستان به منطقه مسافرت کند ادامه خواهد یافت.

درین حالات نمایندهٔ شخصی (کوردوویز) با حکومت های شوروی و اتازونی که با ایشان نسبت ضمانت کنندگان احتمالی داده شده است مشوره های مقدماتی خواهد نمود.

امادگی برای اتخاذ ترتیباتی که به غرض بازگشت خوش برضای مهاجرین منظور است وتحقیق آنکه این ترتیبات قناعت بخش باشد نیز آغاز خواهد گردید.»

شمارهٔ ۹، سال دوم افغان مجاهد ۹/٤/ ١٣٦٢

نه خوشبین هستم نه بدبین هستم

بتاریخ هفت جولائی سرمنشی ملل متحد دوکوویلار گفت درموضوع حل قضیهٔ افغانستان که درگفتگوهای غیرمستقیم درژنو مطرح بود نه خوشبین است ونه بدبین «افغان مجاهد» عین سوال وجوابیرا که دریک کنفرانس مطبوعاتی میان او وخبرنگاران به میان آمد تقدیم می‌کند. متن قرارذیل است :

سوال :

ازطرف اندری نیف نمایندهٔ اخبار تریبیون درژنو :

«آیا آخرین دورمذاکرات درموضوع افغانستان که اخیراً در ژنوصورت گرفت باخوشبینی ایکه شما درماه اپریل درین موضوع اظهارکردید هماهنگ است و به صورت عمومی ازنقطه نظرملل متحد نیت شما دربارهٔ عمل سیاسی که به تعقیب این مذاکرات به سلسله مساعی شما درین زمینه صورت بگیرد چیست؟ »

بیانیهٔ محترم عبدالرحمن پژواک دربارهٔ حل سیاسی مسألهٔ افغانستان

همو طنان عزیز !

عبدالرحمن پژواک سیاستمدارِ شناخته شدهٔ افغانی اخیراً طی پروگرامی در بی.بی سی نظرش را در- بارهٔ حل سیاسی قضیهٔ افغانستان ابراز داشت ، مرکز اطلاعاتی افغان مجاهد با اتکا بر بیطرفی بخاطر عشق سرشار به آزادی ، وبراساس قضاوت آزاد متن کامل این گفتار را به پشتو و دری طی شماره فوق العاده به نشر میرساند.

درتوجه به مسأله افغانستان نخست باید درنظر داشت که راه دفاع وجهاد مسلح که مردم افغانستان آنرا

جواب:

(منشی عمومی ملل متحد): «من با شما طوریکه رسم من است، به صراحت صحبت خواهم کرد، در ژنو یک اندازه پیشرفت حاصل شد اما این اندازه درنزد من کافی نبود من سرعت بیشتر را ترجیح میدادم. تاوقتیکه دوطرف ذیعلاقه وطرفهای دیگر که بطور مستقیم علاقمند هستند دوام مساعی من را، آرزو دارند من خود را در اختیار ایشان گذاشته ام، ازینرو من حق ندارم که اگرچه پیشرفت کند باشد کم دل شوم فلهذا مساعی خودرا دوام خواهم داد.

نماینده شخصی من (کوردوویز) به اسلام آباد وکابل رفته مساعی خودرا تعقیب خواهد نمود امید وارم قدم ها سریعتر شود، من شخصاً درنیویارک باسفرای طرفهای ذیعلاقه در تماس خواهم ماند وطوریکه چندین بار اظهارکرده ام من نه خوشبین هستم نه بد بین. من واقع بین هستم و درنزد من واقع - بینی اینست که این حقیقت را درنظر بگیرم که دوطرف یعنی پاکستان وافغانستان اظهار علاقه می کنند واین اظهارات شان تنها محرمانه نبوده بلکه وزرای خارجه این دو کشور دربیانیه های خودآن را اظهار داشته اند.»

سوال:

(پی ایر سیمونیچ):

«اجازه بدهید بازبه گفتگوها درموضوع افغانستان بازگردم،

چنان می نماید که یکی از موانع ضمانت بین المللی برای عدم مداخله باشد که جزء قرارنامه است آیا برداشت شما در اثر تماسهای شما چیست که قوت های بزرگ بطور اتحاد شوروي، امریکا و چین برای این گونه ضمانت حاضر هستند یا نه؟»

جواب:

(منشی عمومی ملل متحد):

من با شما موافق هستم که در ساحه کلی گفتگوها یکی از — موضوعات مهم اینست که شما به آن اشاره کردید، در نزد من هنوز اظهار نظر درین موضوع اندکی پیش از وقت است زیرا اساس مطلوب گفتگوها این است که پیشرفت از همه جهات در همه زمینه ها مرادف با هم و مجموعاً صورت بگیرد، این جهات شامل برآمدن قوای شوروي، عدم مداخله در امور داخلي منطقه ومسله ضمانت ها ومسایل مربوط به پناه گزینان است، ما میخواهیم در زمان واحد در همه جهات بطور مرتبط پیشرفت حاصل کنیم، ازین سبب من در حال حاضر نمیتوانم عکس العمل قطعی کشورهایی را که ضمانت شان محتمل است درباره عدم مداخله در امور داخلی کشورهای منطقه به شما بگویم، البته می دانید که درین موضوع نه تنها افغانستان بلکه دیگر کشورهای منطقه نیز شامل هستند.

بتاریخ چهارده جولائی منشی عمومی ملل متحد دریک دعوت چاشت که ازطرف انجمن خبرنگاران جهان که درنزد ملل متحد

مقیم هستند ترتیب داده شده بود نسبت به سرعت جریان گفتگوهای ژنو عدم قناعت خود را اظهار نمود وگفت: «اخیراً در ژنو پیشرفتی به عمل آمد اما درنزد شخص من این پیشرفت تاکنون به درجهٔ نبوده است که کافی پنداشته شود باوجود این فکر می کنم که باید ناگذیر صبور باشیم زیرا پروبلم خیلی پیچیده است.»

منشی عمومی علاوه کرد که نود فیصد مسودهٔ یک قرارنامهٔ جامع که اساس مذاکرات برموضوع افغانستان است مورد موافقه قرارگرفته است، یك تقسیم اوقات تحت بحث است که البته دقت وغورمزید می خواهد ما هم چنین بر پروبلم ضمانت ها کاری کنیم که حل آن کار آسانی نیست.

منشی عمومی گفت سعی می شود که راه برای حضور نمایندگان افغانستان درصحنهٔ این مساعی پیدا شود وی تاکید کرد که پاکستان و افغانستان به حل قضیه از راه مساعی ملل متحد محض علاقمند نیستند بلکه هردو مطالبه می کنند که باید این مساعی دوام داده شود ازینرو دوام مساعی من درنزد من یک حتمیت است، زیرا تاوقتیکه طرفهای ذیعلاقه دوام مساعی ملل متحد را بخواهند وظیفهٔ ملل متحد است که درمعاونیت با ایشان سعی ورزد.

شمارهٔ ۱۰، سال دوم افغان مجاهد، ۱/ ۵/ ۱۳٦۲

وعده ها در درهٔ خیبر

سرمقاله نیویارک تایمز- بیانات صدراعظم و وزیر خارجهٔ جاپان- بیانات رئیس جمهور پاکستان

اخبار نیویارک تایمز در هفتهٔ اول جولائی تاکید کرد که باید شوروی برای خارج شدن عساکر خود از افغانستان وقت معین نمرده وبیرون شدن آنها را در داخل اوقات معین قبول کند تا مذاکرات که از سه سال به این طرف برای رسیدن به این هدف صورت می گیرد پیشرفت کرده بتواند.

نیو یارك تایمز می نویسد :

« اگر روسیه حقیقتاً می خواهد افغانستان را ترك کند وفضا را برای موافقه بر دیگر موضوعات بین المللی صاف سازد در آن صورت شایان است که با روسیه معاونت شود که از افغانستان به شکل آبرومندی خارج گردد . »

نیویارك تایمز در یك سرمقاله تحت عنوان « وعده ها در درهٔ خیبر » می نویسد :

« آنچه شولتز وزیر خارجهٔ امریکا در درهٔ خیبر به پناه گزینان افغان که آن او به کف زدن ها استقبال کردند اظهار داشت نصف آسان یك پالیسی روی موضوع افغانستان است . شولتز با لهجه پر از احساسات گفت « ما با شما هستیم » اما این سوال بخاطری می آید که : « بسوی کدام هدف ؟ » فرض کنید شوروی سر خروج قوای خود از افغانستان قیمت بگذارد که در مقابل آن راه اسلحه که اکنون برای مبارزین باز است مسدود گردد ، ایا امریکا حاضر است چنین معامله را قبول کند ؟ مفکورهٔ برآمدن قوای شوروی از افغانستان در قلب مسودهٔ یك قرارنامهٔ جامع جا دارد دیاگوکوردوویز میانجی ملل متحد رشته های مختلف را برای یك قرارنامهٔ یکپارچه بهم یافته است .

مطلوب این قرارنامه آنست که یك اتش بس (اوربند)

بمیان اید انگاه صد هزار عسکر شوروی عقب نشینند وچهار ملیون پناه گزین افغان باز گردند ، اما این ترتیب کمونست ها را در کابل بر سر اقتدار نگهمیدارد و به طور واضح به انها موقع مید هد که از شوروی اسلحه ومشاورین نظامی بد ست اورده بتوانند.

در حالیکه پاکستان را متعهد میسازد که راه های رسیدن اسلحه را به مبارزین افغانستان مسدود نماید این تکتیک ها عیان بوده وحاجت به بیان ندارد. آیا مبارزین مقاومت افغانستان که درسرتاسر کشور پراگنده هستند قبول خواهند کرد که مخالفین کمونست شان برسر اقتدار بمانند ؟ سوال دیگر اینست که چه چیز میتواند روسهارا ازین که باز در داخل افغانستان مارش کنند باز دارد ؟

همچنان چرا باید با روسهاکه بطورواضح درتلک اشغال افغانستان بند شده اند چنین سازشی صورت بگیرد ؟

اگر روسها حقیقتاً می خواهند افغانستان را ترک کنند وفضا را برای موافقه بر دیگر موضوعات بین المللی صاف سازد در آن صورت شایان است که باروسیه معاونت شود که از افغانستان به شکل ابرومندی خارج گردد ، درین صورت تهدید متوجه پاکستان که سرحدات آن بروی اعمال نظامی شوروی باز است کمترخواهد شد حیات در افغانستان اگرچه به مشکل می توان آن را

ازادی خواند شاید با مرور زمان کمی بهتر شود.

از طرف دیگر این نوع معامله روسها را به مشکل موقع خواهد داد که ادعا کنند که مداخله خارجی مقاومت مردم افغانستان را زنده نگهداشته است و از سوی دیگر غربی ها به مشکل دعوی کرده خواهند توانست که رژیم کمونست را در کابل تنها وجود عساکر شوروی از سقوط نجات داده است . بهرحال اکنون راه دیگری برای خارج شدن قوای شوروی از افغانستان به نظر نمیخورد .

حتی برای ایجاد امکانات جهت اینگونه یک معامله لازم است که روسها وقت خروج خود را از افغانستان تعیین کنند پاکستان اینگونه معامله را خواهد پسندید تا جائیکه به امریکا مربوط است تنها اتخاذ یک پالیسی روشن و مستقیم لازم است تا بتوانند با در نظرگرفتن چالها و تکتیک ها قدمهای دیپلماسی را سرعت بخشد .

بتاریخ چهارده جولای جناب نکاسونی صدراعظم جاپان در بیانیهٔ اظهار داشت که خارج شدن قوای شوروی از افغانستان اساس عمده ایست که باید پیش ازحل پرابلم افغانستان گذاشته شود « یعنی قبل ازحل قضیه باید مسلهٔ برامدن قشون شوروی تثبیت گردد . » این اظهارات در یک مصاحبه با تلویزیون پاکستان توسط نمایندهٔ ان در توکیو صورت گرفت . صدراعظم جاپان گفت که « ایجاد یک حکومت

بر اساس حق تعین سرنوشت مردم افغانستان اساس و بنیاد حل قضیهٔ افغانستان است.» و علاوه کرد که ما باید به این حقیقت متیقن باشیم که بحران افغانستان زادهٔ مداخله نظامی شوروی در افغانستان است و از اینرو تثبیت برآمدن قشون شوروی برای حل موضوعات مربوط به قضیهٔ افغانستان لازمی است، در بارهٔ جریان مساعی جهت حل قضیهٔ صدراعظم جاپان گفت که از مداخلهٔ قوای شوروی در افغانستان تاکنون مدت زیادی گذشته است و اکنون بطور قطع ضروراست که مسکو به برداشتن یک قدم عملی اقدام کند و وی اظهار امید واری نمود که برای حل قضیه از طرف شوروی یک قدم ابتکاری برداشته شود.

جناب « شنیا روابی» وزیر خارجه جاپان در یک مصاحبه تلویزیونی که بتاریخ پانزده جولائی در پاکستان پخش گردید گفت « مداخله شوروی در افغانستان منافی قانون بین المللی بوده و غیر قابل تائید است در این باره ما پشتیبان مساعی پاکستان هستیم جاپان می خواهد شوروی بزودی ممکن از — افغانستان خارج شود، ما در نظر داریم که مستقیماً با شوروی در تماس امده و از ایشان بخواهیم قشون خود را از افغانستان خارج کنند و همچنان پشتیبانی ممالک غربی را درین مسئله درخواست می کنیم، ما به سهم خود از فشار اقتصادی علیه روسیه دریغ نخواهیم کرد، در نزد ما مهمترین چیز

اینست که مساعی بیشتر همگانی بخرچ داده شود تاقوای شوروی از افغانستان بیرون برود » . وزیر خارجهٔ جاپان مساعی بیشتر وخاص ملل متحد و اعضای ان سازمان را در موضوع افغانستان وکمپوچیا خواستار شده واظهار تأسف نمودکه تاکنون سعی مؤثر صورت نگرفته است وی گفت : « باید فشار سیاسی واقتصادی بیشتر بر روسیه وارد گردد زیرا تنها در نتیجهٔ فشار مؤثر میتوان به حل موضوع امید وارشد » .

رئیس جمهور پاکستان پیش از عزیمت به یک سفر رسمی شش روزه به جاپان در یک مصاحبه با « یا وایچی) کواکامی » نمایندهٔ روزنامهٔ « اسائی شیمبون » جاپان در بارهٔ قضیهٔ افغانستان اظهار داشت که ،

« پاکستان برای حل سیاسی پروبلم افغانستان سعی می کند و این مساعی در دنیا به نظرقدر دیده شده است شوروی باید حتماً از افغانستان خارج شود ، پناه گزینان افغانی باید حتماً با عزت و شرافت به وطن خود بازگردند ، در مسایل داخلی افغانستان باید هیچگونه مداخله صورت نگیرد حالت افغانستان باید بحیث یک مملکت بی طرف ومسلم بازگردد و انتخاب طرز حکومت افغانستان به انتخاب وارادهٔ مردم آن سپرده شود . »

رئیس جمهور پاکستان گفت یک پروبلم عمده وجود

سه ملیون پناه گزین در پاکستان است که هر چه زود تر به وطن خود باز گردند بهتر است پاکستان می خواهد که مراجعت ایشان به وطن شان مأمون ومصئون باشد « این مردم تا وقتیکه عساکر روس در افغانستان باشد به وطن خود رفته نمی توانند ونیز تا وقتیکه عساکر روس بیرون نگردد راه حلی نمی توان یافت . » در ذیل بیانات روشن صدر پاکستان . صدراعظم ووزیر خارجهٔ جاپان و مسافرت دوستانهٔ رئیس جمهور پاکستان بجاپان باید یاد داشت کرد که جاپان و پاکستان موضوع افغانستان را عمده ترین موضوع بین المللی این مسافرت اعلان کرده اند . اشارهٔ جاپان را به اینکه ضرورت برآمدن قوای شوروی رامستقیماً به شوروی خاطر نشان خواهند کرد خبر دیگری که منبع آن مسکو نشان داده شده وازطرف اژانس او-ای-ان-ای انتشار یافته است تعقیب می کند .

براساس این اطلاع حکومت جاپان « اندری گرومیکو » معاون صدراعظم و وزیرخارجهٔ روسیه را به توکیو دعوت کرده است .

شمارهٔ دهم سال دوّم افغان مجاهد ۱۰/۵/۱۳۶۲

بحیث تصمیم عمومی وقیام عمومی درمقابل تجاوز روسیه برگزیدند واز چار سال به این سو به اراده غیرقابل تزلزل وقبول هرگونه قربانی وایثار برای حفظ موجودیت وحراست نوامیس معنوی ومادی خویش آنرا دوام داده ومیدهند. یگانه راهیست که ملت با شرافت میتواند بحق آنرا برگزیند و باکرامت وافتخار تعقیب کند. تا وقتی که یك وجب خاك افغانستان مورد تجاوز یا تحت اشغال و سلطهٔ اجنبی باشد ویا عناصری در کشور مستقل افغانستان موجود باشند که آنرا از ناحیه نفوذ اجنبی تهدید کرده بتوانند، هرگونه کنار آمدنی که به انصراف از راه جهاد مسلح تعبیر شده بتواند، منافی دستور دین ومعتقدات وروحیه ملّی مردم افغانستان بوده واز این رو غیرقابل قبول وتحمل است. افغان ها میخواهند کشور شان مستقل ومردم شان آزاد وحقوق ونوامیس بشری وملی شان محفوظ ومصئوون ووحدت ملّی شان استوار وحاکمیت ملّی شان در دست خود شان باشد.

نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی شانرا تنها وتنها به دستور اراده آزاد خود شان تعیین کنند.

درمیان کشورهای جهان بحیث یك کشور مستقل وآزاد بپایند ودر کشور مستقل خویش از آزادی های اساسی وفردی وحقوق بشری به اساس عدالت اجتماعی برخوردار باشند وزندگانی مادی خودرا درامن وسلام به

موضوع مورد توجه خاص مهاجرین
مرحلهٔ فکر عمیق

وقت آن رسیده که موضوعی را که یک اندازه از جلو انظار به کنار رفته است بخاطر بیاوریم و اذهان را صلا زنیم که برای روبرو شدن بان اماده بوده وچنانکه میباید با تفکر وطوریکه ی شاید باعمل در برابر آن حاضر باشند.

این موضوع همانا گفتگوهای ژنو برای جستجوی یک راه حل سیاسی قضیه خاتمه دادن به تجاوز نظامی روسیه بر افغانستان به میانجیگری جناب «کوردوویز» نمایندهٔ شخص دبیرکل ملل متحد جناب «دوکویلار» است که به زعم خود طرز عمل گفتگوهای غیرمستقیم میان حکومت پاکستان و رژیم تحت

حمایت کابل و مستحضر نگهداشتن ایران را برگزیده و از تعقیب این سعی غیر عملی و بی ثمر صرف نظر نکرده اند واگر صرف نظر نکنند و از ینرو احتمال دارد که جناب «کوردوویز» یک مسافرت دیگر را به اسلام اباد، کابل وشاید بطور ضمنی به تهران به عهده بگیرد دراثر بی نتیجه ماندن دور اخر گفتگوهای ژنو قابل تعجب نخواهد بود که این احتمال نیز از بین برود.

وقت مسافرت جناب «کوردوویز» تاکنون معین نگردیده است اما چون اجتماع سالانهٔ ملل متحد حسب معمول درهفته سوم ماه سپتامبر انعقاد می یابد شاید مسافرت وی در نیمهٔ دوم ماه آگست و درهرصورت چند روز پیش از انعقاد اسامبله عمومی ملل متحد صورت بگیرد تا در راپورت عمومی سالانهٔ دبیرکل به اسامبله عمومی از جریان مساعی خود به سازمان جهانی ملل متحد اطلاع داده بتواند.

گفته شده بود که «کوردوویز» شرایط بازگشت مهاجرین افغان را بوطن شان نیز بخود معلوم خواهد کرد.

هنوز مجهول است که اگر به معلوم کردن شرایط بازگشت مهاجرین اقدام کند به چه ترتیب وطرز عمل خواهد بود و نیز آیا استعلام او محدود به مهاجرین افغان در پاکستان است یا انکه مهاجرین افغان را در ایران نیز احتوا خواهد کرد و علاوه براین قابل توجه است که مهاجرین افغان در دیگر کشورهای

آسیائی ، اروپائی و امریکا نیز در آن شامل خواهد بود یا چطور معلوم نیست که این گروه ها خود شان در بارۀ خود چه فکری کرده اند .

از جانب دیگر مربوط به آنچه ذکر شد اینهم معلوم نیست که این استعلام از راه احزاب سیاسی که حکومت پاکستان آنها را شناخته است صورت خواهد گرفت یا آنکه — مستقیماً از مهاجرین در کمپ ها بعمل خواهد آمد و در هر دو صورت نظریات آن گروه های مهاجر که عضویت — احزابی را که در دو اتحاد هفتگانه و سه گانه شامل هستند ندارند و یا هزاران مهاجری که در کمپ ها زندگی نمیکنند و در شهرها و یا دهات مقیم هستند که کمپ در آن وجود ندارد بچه ترتیب معلوم خواهد شد . اگرچه نباید ناگفته بماند که درختم دورۀ آخر گفتگوهای ژنو به امکان شمول نمایندگان افغان نیز اشاره شده بود بدون آنکه معلوم باشد که این نمایندگان کیان خواهد بود ؟

بهر صورت هر ترتیبی که اتخاذ گردد با در نظر داشتن شرایط تشتت و پراگندگی که شامل حال مهاجرین افغان

بل تقویه در تصرف

است آنقدر وقت بکار است که هم اکنون نه در تصرف مهاجرین باقی مانده است و از همه مهمتر اینست که تاکنون مهاجرین افغانستان نمیدانند و اطلاع ندارند که چه در نظر است و چگونه عمل خواهد شد .

آیا این صدها هزار انسان که کشورشان ویران شد ومورد تجاوز نظامی قرارگرفت و برای دفاع ازحقوق و نوامیس مادی و معنوی خود درحال جنگ گرم وجهاد مقدس هستند و درتحت شرایط دشوار وغیرقابل تحمل دراوارگی و نیازمندی ومحرومیت زندگی می کنند حق ندارند بدانند که جامعهٔ بین المللی وجهان بشریت براساس قوانین بین-المللی وبنام انسانیت در باره آنها چه در نظر دارند و ملل متحد از چه راهی مسوولیت های خود را دربرابر انها میخواهد انجام دهد ؟ یا انکه درنظر است که یک روز ناگهان یک تن یا چند تن بنام این و ان مطابق به میل اجنبیان و بیگانگان سوالی چند طرح کنند و خود جواب آنرا تهیه کرده ازجانب ایشان به سازمان جهانی ومردم و ملل جهان عرضه دارند ؟ !

اگرچنان هم شود بیقین مهاجرین نخواهند گذاشت حقایق امر پوشیده بماند اقلاً طبقه تعلیم-یافته مهاجرین که درهمه نقاط موجود هستند فریضهٔ خود را ادا خواهند نمود این طبقه فریضهٔ خاص دارند که اوضاع را برای مردم روشن کنند و نیزصدای مردم را به جائی برسانند ،

درهمه حال باید دانست که هیچ قوتی نمیتواند تصمیم و امال سیاسی مردم افغانستان رابطورغیرحقیقی

و نا درست در انظار جهانیان جلوه دهدواز عواقب وخیم و خطرناک اینگونه عمل چشم بپوشد .

شرایط بازگشت مهاجرین افغان بحیث فرد و گروه در همه نقاط جهان روشن ترازافتاب است .

استرداد استقلال تام سیاسی و اخراج کامل وفوری قوای متجاوز شوروی و متحدین آن از سرتاسرخاک افغانستان و استقرار یک حکومت اسلامی انتخابی مطابق به ارای ازادهمه مردم افغانستان .

وصول این هدف وحصول این مرام طبعاً متضمن ختم تجاوز ونتایج آن واز بین بردن همه گونه عواملی است که موجب مهاجرت مردم افغانستان بخارج۔ کشورگردیده ونیزرهایی مردم افغانستان درداخل کشور از همه گونه تحمیلات سیاسی ، اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی منافی عقاید دینی وعنعنات ملی شان می باشد که عامل اساسی مهاجرت شمرده میشود .

ما بارها گفته ایم و بار دیگر میگوییم که مردم افغانستان در داخل و خارج کشور با حل سیاسی قضیه مخالفت ندارند بلکه آنرا استقبال می کنند . این حل سیاسی اگرازجانب ملل متحد صورت بگیرد بیشتر از هر منبع دیگر درنزد مردم افغانستان مقبول و مرجح است اما شرط نخست وحتمی عدالت بین المللی است صلح بدون عدالت صلح نیست وصلح انگاشته

شده نمی تواند زیرا امن و سلام پایدار بدون عدالت ممکن نیست.

هر ترتیب سیاسی که مطابق به آمال سیاسی و آرزومندی های ملی مردم افغانستان نبوده و اساس آن عدالت نباشد مردود وغیر قابل قبول است. عدالت متقاضی ختم تجاوز و استرداد همه حقوق سیاسی افغانستان بحیث یک کشور باستانی مستقل با تمامیت خاك و حاکمیت مطلق ملی می باشد ختم تجاوز ونتایج آن و تضمین جلوگیری از مداخله مستقیم وغیر مستقیم در امور افغانستان ازجانب هر کشور اجنبی مکمل این عدالت است و درغیرآن دوام بیعدالتی وازینرو دوام جنگ و خونریزی و همه گونه مصایبی است که ازانحراف ازجادهٔ صلح وعدالت نشأت می کنند.

در میان همه موضوعاتیکه مورد توجه، بحث ودقت است باید اساسی ترین و مهمترین آن را معین ساخت وبتوجه همگان خاصه آنانیکه در بارهٔ اوضاع افغانستان می اندیشند رسانید.

وطنداران ما اساسی ترین موضوع را میدانند ازاینرو منظورما جلب توجه جامع بین المللی وکشورهایست که بحل سیاسی قضیهٔ افغانستان علاقه میگیرند.

مهمترین موضوع توجه به حق ثابت مردم افغانستان

به حق تعین سرنوشت سیاسی، اجتماعی ،اقتصادی وفرهنگی شان تنها و تنها از جانب خودشان است. معنی این گفته آنست که مردم افغانستان بدون مداخلهٔ مستقیم وغیر مستقیم خارجی عاری از هرگونه فشار ویا اعمال نفوذ اجنبی سرنوشت و مقدرات آیندهٔ خودرا خودشان تعین وتثبیت کنند و دنیای متمدن آمال سیاسی وآراء مردم افغانستان را بحیث یگانه پرنسیب ثابت مطابق به قوانین بین المللی احترام نموده و شورای امنیت ملل متحد که مسئول تأمین وصیانت این حق شناخته شده وغیر قابل انکار مردم و ملل جهان است آن را تضمین نماید.

از اینرو منظور اصلی وهدف حقیقی استرداد استقلال وحقوق سیاسی پامال شدهٔ افغانستان آن است که مردم افغانستان با ازادی مطلق طرز حکومت ، سیستم اداری اقتصادی ، اجتماعی وفرهنگی خودرا مطابق به آمال وآرای مردم برگزینند وهیچگونه ایدیولوژی که منافی عقاید وآرای مردم براساس معتقدات معنوی وعنعنات ملی شان باشد برمردم تحمیل نگردد البته کشف حقیقت آمال مردم بعدازعملی ساختن انتخابات آزاد درکشور ممکن است .

احزاب سیاسی نیز باید بدون استثنی این اصل را احترام کنند .

هیچ حزبی حق ندارد بدون رای آزاد مردم ادعایی داشته باشد .

گروه های دیگر نیز بهرنام و نشانی که باشند کوچکترین حق ندارند نظریات وعقاید خود را بر مردم افغانستان تحمیل کنند برخی از شایقین سیاست بقدر کافی از اتفاقات وحوادث استفاده کرده اند که در مسایل مربوط به مقدرات یک ملت اظهار وجود کنند اما باید بدانند که یک ملت زنده مانند ملت افغانستان اجازه نخواهد داد بازیچهٔ این وآن شود .

مردم افغانستان بعداز این همه مصائب وآلام وتحمل قربانی های بی نظیر تنها به استقلال سیاسی قناعت نخواهند کرد ونباید قناعت کنند مفهوم حقیقی ومرام اساسی استقلال وحاکمیت ملی باید تأمین گردد یعنی شرایطی ایجاد گردد که مردم درخاک مستقل خود از همه گونه حقوق وآزادی های سیاسی براساس عدالت اجتماعی ، مساوات و برابری، آزادی عقاید و اراء ، قلم وزبان بدون کوچک ترین امتیاز وتبعیض وهرگونه تعصبات برخوردار باشند .

این نویسنده فریضهٔ اسلامی ووظیفهٔ ملی خودمیداند که یکبار دیگر صریح تر و واضح تراز هر بار پیشین توجه همه هموطنان را در هرجائی که هستند ونیز توجه دنیا راجلب کند که درین مرحلهٔ بحرانی ونازک آمال حقیقی مردم افغانستان را بدانند و بآن احترام گذارند تا مبادا باز بقول یک شاعر افغان که متجاوز از بیست واند سال پیش دربارهٔ وطن خودگفته

بودکه مردمانش اسیرند و مملکت ازاد » بساطی گسترده شودکه مردم افغانستان از حقوق وکرامت انسانی، عدالت اجتماعی ، آزادی فکر و بیان و اظهار عقاید محروم باشند و تبعیض، تعصب ، عدم مساوات در پیشگاه محاکم وقوانین و ادارهٔ های بررسی به احوال مردم وجود داشته وکافهٔ مردم ازحقوق مشروع و قانونی خود برخوردار نباشندو به اشخاص موقع داده شودکه اصلاً از نقطه نظرعقیده ملت افغانستان را نیازمند سیستم دکتاتوری و قدرت مطلق — دانسته و بنام خیرخواهی مردم زمام جباریت و اقتدار را در دست خود نگهدارند وملیونها نفوس کشور را فاقد استعداد فکر وعمل دانسته و برای آنها سویه وصلاحیت دموکراسی قایل نشوند . با پیروزی ازسیاست تبعیض وتعصب قومی، مذهبی ، طایفوی ولسانی برپیکر وحدت ملی ضربه وارد کنند.

آن وحدت مقدسیکه اگر وجود نمیداشت ملت افغانستان در آوان بزرگترین مصیبت خود درظرف پنجسال اخیر به قیام واحدعمومی در سرتاسر کشور بنام دفاع از یک دین و یک ناموس ملی نمیتوانست در مقابل قوی ترین دشمن بجنگد آن وحدت مقدس که اگر کسی درآن شک داشت نیز بعد ازین آزمون تاریخی نمیتواند درآن شکی و شبهه ای داشته باشد.

کسانیکه هنوز نه دانسته اند و آنانیکه نمی خواهندبدانند باید ناگزیر اعتراف کنند که این ملت حاکمیت غیررا نمی پذیرد

و هرگز نخواهد پذیرفت و از جانب دیگر مردم افغانستان بجز این ازروی دیگری ندارند که در خاک مستقل خود با همه مردم و ملل جهان در حال صلح و دوستی و سلام زیسته و تا وقتیکه اصول احترام متقابله ، همزیستی ، عدم مداخله ، عدم تعرض و تجاوز بر اساس قوانین بین المللی و نورم های روابط مساویانهٔ متقابله میان ملل و مردم مراعات شود ، همیشه در روابط خود خاصه با کشورهای همسایه متعهد و وفادار باشند و بلا شک علایق معنوی و مادی خود را با کشورهای اسلامی با روحیهٔ اسلامی که پایهٔ استوار موجودیت معنوی ملت اسلام است بیشتر و بیشتر تشئید و تحکیم خواهند نمود .

دولت روسیه باید بیشتر از همه کس به این حقیقت متوجه گردد . روسیه باید دریافته و درک کرده باشد که اعمال قوت میتواند یک انسان را نابود کند . اما قادر نیست که بر روحیه کرامت انسانی شهامت ، عقیده و دین و غرور ملی آن اثری وارد کند . روسیه باید آموخته باشد که حمایت آن از یک گروه منفور که شمار آن صدها بار کمتر از تعداد قشون متجاوز حامی آنست در برابر کافهٔ مردم افغانستان عاری از منطق نظری و همه گونه طرز تفکر و حقیقت پسندانه ، واقع بینانه و عملی است . روسیه باید بداند که دورهٔ استعمار و امپریالیزم درین منطقهٔ جهان بسر رسیده و درآستانهٔ

وجه احسن تأمین کنند.

با مردم و ملل جهان درحال صلح و دوستی وتعاون و همکاری واحترام متقابله بسربرند. منبع این آرزومندی ایمان شان بخدا ج، وعقیده محکم شان به کرامت انسان واحترام شان به حقوق بشراست که آرزومندی مشترک همه مردمان جهان است ازاینرو تجاوز روسیه بسر افغانستان تجاوز بحقوق مشروع مسلم ومشترک همه جوامع بشری وملل جهان است. این تجاوز به منظور تحمیل نظام استبدادی روس امتداد تجاوز هائیست که رژیم مستبد روسیه درکشور هاوهمسایگان دیگرخویش مرتکب گردیده ودرصدد توسعه مزید آنست.

مثال های توطئه ها ودسایس واقدامات مستقیم وغیرمستقیم روسیه درتعقیب این توسعه جوئی در همه جهات دیگرآشکار است. درجهت افغانستان این سیاست بعدازطی مراحل توطئه شکل یک تجاوز نهائی راگرفته است. درین گونه شرایط واوضاع ودرحالی که مردم افغانستان درمیان خون وآتش می جنگند گاهی حرف راه حل مساله ازطرف سیاسی بمیان میآید وگاهی هم این حرف ها بصورت توصیه ووعظ رابه مبارزین ومجاهدین راه آزادی افغانستان بخود میگیرد.

قرن ۲۱ برگزیدن کشوری که نخستین قیام کننده درمقابل استعمار و امپریالیزم است انتخاب غلطی است که دیگر در هیچ نقطهٔ دنیا درست پنداشته نمیشود. جنگ مسلح مردم افغانستان و افکارعمومی جهانی شاهد غیرقابل جرح این دعوی است.

روسیه باید بداند که بعد از پنج سال وضع جهاد تغییر کرده است و به فضل خدای بزرگ آن مرحله سپری گردیده است که تجاوز ناگهانی روسیه برافغانستان مردم را پراگنده ساخت واکنون آهسته، آهسته دوره انسجام جهاد آغاز گردیده است و نیزمردم افغانستان با روحیهٔ قویتر از تجارب پنجسال جنگ دریافته اندکه می توانندجنگ را دوام دهند و درتنظیم مجاهدین موفق آیند. مرحلهٔ پراگندگی افکار نیز درشرف ختم است و دورهٔ انسجام انشاءالله — شروع گردیده است. تحقق نیازمندی حقیقی به وحدت در جبهات در میان قوماندان های با شهامت، تکثیرعملیات علیه دشمن، موفقیت های روزافزون، بهتر شدن اسلحه و به دست آوردن اسلحه از دشمن درمیدان جنگ همه و همه شاهد این مدعا ست.

بهرحال ما توقع نداریم پالیسی روسیه را تغیربدهیم اما اگر تغیرنکند بیشتر ازهروقت دیگر به فتح و پیروزی مجاهدین عقیده داریم، نباید توقع زیادی ازطرز عمل

کنونی ملل متحد بدل پرورد از اینرو باید به وحدت ، انسجام وتنظیم و تسریع وتکثیر و تشدید جهاد علیه دشمن متجاوز وفضل خدای بزرگ که تاکنون شامل حال مجاهدین ومبارزین آزادی خواه افغانستان بوده است امیدوار بود.

ومن الله التوفیق

شماره ۱۲ سال دوم افغان مجاهد ، ۱/۶/ ۱۳۶۲

درخواست «افغان مجاهد»

قابل توجه ملل متحد - و پناه گزینان افغان در اروپا و امریکا

برای حل سیاسی قضیهٔ افغانستان بعد از گفتگوهای

ژنو چه باید کرد ؟

سی و هشتمین مجمع عمومی سالانهٔ ملل متحد بتاریخ (۲۰) سپتامبر سال جاری آغاز خواهد گردید . امسال — نسبت به سالهای گذشته شمار موضوعاتی که روی اجندا گذاشته میشود بیشتر بوده و هم اکنون به — یکصدوسی و هشت تخمین شده است درحالیکه شمول موضوعات دیگر ناممکن نیست . یکی از این موضوعات —

قضیهٔ افغانستان است که با تصریحی که در عنوان آن شده است از نقطهٔ تاثیرات آن بر اوضاع بین المللی مورد بحث قرار خواهد گرفت. این تاثیرات عبارت از تهدیدی است که از ناحیه تجاوز نظامی روسیه بر افغانستان — (یک کشور مستقل، بیطرف، صلحخواه و عضو ملل متحد) به امن و سلام بین المللی متوجه گردیده است.

اسامبله (مجمع عمومی) امسال با روز بین المللی صلح تصادف میکند در سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی در یک تصمیم نامه که باتفاق آراء تصویب گردید روز سه شنبه سوم ماه سپتمبر راکه روز افتتاح جلسهٔ سالیانهٔ مجمع عمومی است بحیث روز بین المللی صلح شناخت که باید بدین عنوان از جانب همه ملل عضو سازمان ملل متحد احترام و تجلیل گردد. نخستین روز بین المللی صلح در سال ۱۹۸۲ که بتاریخ ۲۱ سپتامبر تصادف نمود تجلیل گردید که همانا بر طبق سنت سه شنبه سوم ماه سپتامبر آن سال و روز آغاز مجمع عمومی بود.

احتمال میرود که امسال شمار بیشتری از رؤسای دول و حکومت های ملل عضو در اسامبله شرکت کنند. در آخرین اجتماع کشورهای غیر منسلک که در دهلی جدید انعقاد یافت ضرورت اشتراك به سویه عالی تولید گردید و ممکن است از جانب شماری از رؤسای دولت و صدراعظم ها

استقبال گردد .

برحسب معمول در آغاز هراسامبله « بحث عمومی » صورت میگیرد که رؤسای هیئت ها نطق های خودراایراد میکنند و بعد از آن آیتم های اجندا یعنی موضوعات مورد بحث درکومیته های مختلف وبرخی موضوعات درپلینری یعنی به سطح اسامبله مورد بحث قرار میگیرد .

موضوع افغانستان به سطح اسامبلهٔ عمومی یعنی در پلینری مورد بحث قرار خواهدگرفت . آیتم هائیکه درکمیته ها روی آن بحث ی شود تحت ریاست رئیس انتخابی هرکومیته وا یتم های پلینری تحت ریاست رئیس اسامبله عمومی مورد بحث قرار میگیرند وقتی بحث برایتم هارا واینکه درکومیته یا پلینری مورد بحث قرار بگیرند یک کومیته خاص تحت ریاست رئیس اسامبلهٔ عمومی بنام کمیتهٔ عمومی تعیین میکند .

حالا بیائیم برسرموضوع افغانستان :

دبیرکل ملل متحد برحسب معمول یک راپورت عمومی به مجمع عمومی ازجانب خود تقدیم میکند ودرضمن بحث برآیتم های مختلف راپورت وی مورد نظر اعضای اسامبله قرارمیگیرد . بیقین دربارهٔ مساعی خودونماینده خاص خود « کوردوویز» راپورت خواهد داد واز نقطه نظرخود نتیجه مساعی ملل متحد رادر گفتگو های دور آخرین ژنو به اسامبله تقدیم خواهد نمود .

در پایان دور اخیر گفتگو های ژنو درماه جون

اعلام شد که «کوردوویز» مسافرتی به اسلام آباد کابل و تهران انجام خواهد داد. اما اخیراً از طرف منابع ملل متحد اعلان گردید که مسافرت وی به تعویق افتاده است. وصورت نخواهد گرفت. نطاق ملل متحد اظهار داشت که فسخ مسافرت «کوردوویز» معنی آنرا ندارد که مساعی ژنو «مرده» است و علاوه کرد که مجمع عمومی ملل متحد در ماه سپتامبر به دبیر کل «پریز دوکویلار» و «کوردوویز» موقع خواهد داد که در نیویارک با طرف های ذیعلاقه گفتگو های پر محتوای انجام بدهد؛ زیرا وزیر خارجهٔ پاکستان، وزیر خارجهٔ ایران و وزیر خارجهٔ رژیم کابل به نیویارک خواهند آمد. دلیلی که نطاق ملل متحد تذکر داد این بود که وقت کافی برای مسافرت به منطقه نمانده است اما این را نگفت که چه عاملی باعث گردید که وقت فوت شود. مطبوعات آزاد جهان دلیل تعویق مسافرت را غیر مثمر بودن و بی نتیجه ماندن گفتگو های ژنو خواندند.

خوانندگان محترم ما بخاطر خواهند داشت که «افغان مجاهد» در شمارهٔ (۲۲) اگست تذکر داد که جناب «دوکویلار» و «کوردوویز» از تعقیب این سعی غیر عملی و بی ثمر صرف نظر نکرده اند و اگر صرف نظر نکنند شاید «کوردوویز» مسافرتی

را بعهده بگیرد اما « در اثر بی نتیجه ماندن دور آخر گفتگو های ژنو قابل تعجب نخواهد بود که این احتمال نیز از بین برود . » « افغان مجاهد » علاوه کرده بود که « نباید توقع زیادی از طرز عمل کنونی ملل متحد بدل پرورد » .

بهرحال بر طبق اظهارات دبیر کل تماس های میان دارالانشای ملل متحد و نماینده های کشورهای سهیم در گفتگوهای ژنو در جریان بود در نتیجهٔ این تماس ها دبیرکل دریافته است که مسافرت نمایندهٔ خاص او به منطقه نتایج مثبت و مفید نخواهد داشت از اینرو بهتر است این مسافرت اصلاً صورت نگیرد .

اینکه چه موانعی احداث شده است و از جانب کدام کشور و از ناحیه ملاحظات کدام مسایل — بوجود آمده است مشکل است به یقین کامل حدس زده شده بتواند اما به جرأت میتوان حدس زد که اصرار روسیه بر مسئلهٔ ضمانت ها بعد از انکه در اثر تماس های وزیر خارجهٔ پاکستان اعضای دایمی شورای امنیت بطور علنی در مسایل مربوط به حل سیاسی کشانیده شدند مهمترین عامل شمرده میشود .

روسیه برای آنکه مشروعیت حمایت نظامی از رژیم

را به کرسی بنشاند بطور خاص پاکستان ، چین وامریکا را به مداخله متهم ساخته و آنگاه این مداخله را تهدیدی به مصئونیت سرحدات خود وانمود می کند این ادعای روسیه نه تنها از واقعیت و منطق دور است بلکه مطالبه ناحقی است که اگر این کشورها باقبول ضمانت عدم مداخله از جانب خود بر اساس اتهام روسیه آنرا قبول کنند بطور واضح اعتراف به مداخله ازجانب آنها شمرده میشود بنابر ملاحظات خاص سیاسی وهم اثبات صمیمیت برای حل قضیه عکس العمل پاکستان ظاهراً در مقابل این مطالبه شدید نبوده است . پاکستان گفته است که اگرچه پاکستان هیچگونه مداخله نکرده است ونیزچون نیت مداخله را ندارد با وجود نادرستی این اتهام برموضوع غور نموده وبحث برآن را رد نخواهد کرد . اما امریکا طبعاً بحیث یک ابرقدرت دیگر وچین نیز به حیث یک دولت معظم وهمسایه در بدیوار افغانستان عکس العمل متفاوتی داشته اند .

بحث بیشتر برموضوع ضمانت ها دربن مقاله منظور ما نیست وباید نقطهٔ نظر مبارزین مقاومت افغانستان برین موضوع مهم جداگانه ارائه شود اما اینقدر باید گفت که روسیه از هیچ نقطهٔ نظرحق ندارد بعد از تجاوز صریح نظامی مطالبهٔ ضمانت را بر هیچ کشوری

تحمیل کند . ازجانب دیگر هیچکس حق ندارد دربارۀ افغانستان در یک ترتیب سیاسی که نمایندگان ان دران سهم ندارند بحث کنند .

ضمانت سرحدات روسیه از جانب افغانستان آزاد نیز بر افغانستان تحمیل شده نمی تواند واگر بالفرض موضوع ـ ضمانت مورد بحث قرارگیرد باید موضوع ضمانت های متقابله ازجانب روسیه که بطور کامل متکی بر مساوات مطلق میان دو کشور و موافق به اساسات روابط متقابله میان دو کشور آزاد ومستقل باشد و اینهم تنها از جانب یک حکومت منتخب به آرای آزاد مردم افغانستان داده شده میتواند .واگر به منظور حل سیاسی قضیۀ بر پرنسیپ ضمانت ها بحثی لازم انگاشته شود درآن صورت باید این موضوع را شورای امنیت ملل متحد تحت بحث قرار دهد و تضمین هم ازجانب شورای امنیت شده میتواند.

حقیقتاً مضحک است که روسیه هم تجاوز آشکار وعملی نظامی میکند وهم ضمانت میخواهد. در همه صور وحالات ـ هیچگونه بحث پیش از خروج کامل قوای شوروی و متحدین آن از افغانستان وختم تجاوز واستقرار یک حکومت مطابق به آرای مردم افغانستان موافق به قوانین بین المللی، روحیه منشور ملل متحد واصل عدالت بین المللی نیست هر ضمانت که پیش ازین داده شود ضمانت استقرار حکومت دست.

نشاندهٔ شوروی و تائید عمل تجاوز نظامی آن خواهد بود و درحقیقت انعامی است که برای متجاوزین داده میشود که مستحق سزا و مجازات تجاوز است.

از اینرو «افغان مجاهد» با کمال احترام به دبیر کل ملل متحد و همه اعضای آن پیشنهاد میکند که بعد از دریافتن اوضاع که اکنون در اثر گفتگوهای ژنو حتماً برایشان روشن شده است پیش از بحث بر موضوع افغانستان در اسامبلهٔ عمومی امسال برطرز عمل کنونی ملل متحد تجدید نظر جدی بفرمایند.

مردم مبارز افغانستان در داخل وخارج کشور در حالیکه به ادامهٔ جهاد دینی و ملی خود مصمم هستند با حل سیاسی قضیه مخالفت ندارند. واگر این حل سیاسی ازجانب ملل متحد صورت بگیرد ازآن استقبال خواهند کرد.

ما آرزومند هستیم که بعد از تجارب گفتگوهای ژنو دبیرکل ملل متحد ازجانب خود یک طرز عمل جدید مؤثر وعملی، عادلانه وقابل قبول را پیشنهاد کند. از نقطه نظر ما این طرز عمل ابتکار انعقاد یک کنفرانس خاص بین-المللی تحت نظارت ملل متحد است که از سطح عمومی عضویت ملل متحد به شمول همه اعضای دائمی شورای امنیت با توجه خاص به کشورهای منطقه، کشورهای

من بحیث یک مجاهد افغان میخواهم درین گفتار مختصر آنچه را از نقطه نظر ملت مجاهد افغان درک کرده وعقیده مشترک مجاهدین میدانم درمیان گذارم.

افغانها به پیمانه ملی درمقابل تجاوز روسیه جز جهاد ودفاع مسلح راه دیگری را در شرایط واوضاعی که به ایشان تحمیل شده است راه حق راه شرف وراه کرامت نمیدانند. چنانکه در هیچ نقطه جهان نمیتوان مردم و ملتی را سراغ کرد که با داشتن حس شرافت درمقابل تجاوز بر کشور وملت شان براه دیگری روآورند.

متصل با تذکر این حقیقت واین اصل مقدس بیدرنگ علاوه میکنم که ملت افغانستان به پیمانه بین المللی ملاحظات سیاسی را با آگاهی کامل درنظر دارد.

افغانستان درهر زمان ودرهر مورد پشتیبان آزادی - خواهان ملی مردم جهان بوده ودرحالیکه مجادلات مسلح شان را مشروع دانسته هرگز از پشتیبانی از طرق سیاسی که منتج به استقلال وآزادی وآمال سیاسی شان گردد مخالفت ننموده است.

امروز نیز ملت افغانستان دربارهٔ مساله خود درحالیکه به دوام جهاد مسلح مصمم است اگر موازی به آن راهی برای رسیدن به آمال ملی خود از طرق سیاسی ومساعی بین المللی مشاهده کند. از غور عمیق درباره آن دریغ نخواهد نمود.

اسلامی و غیر منسلک متشکل باشد و مساعی خاص و خدمات دبیرکل در آن درخواست شود.
قصداً در جزئیات داخل نمیشویم و آنرا بدانش سیاسی اعضای ملل متحد و دبیرکل آن میگذاریم از اینگونه کنفرانس میتوان توقعی بدل پرورد که نتیجه مباحثات خودرا به شورای امنیت ملل متحد و اسامبله عمومی راپورت بدهد.
این پیشنهاد تازه نیست و بتوجه اکثر اعضای ملل متحد رسانیده شده است اما چون منبع ان افغانی بوده و نظریات آزادیخواهان افغانستان تاکنون رسمیت پیدا نکرده قدم عملی درین زمینه برداشته نشده است.
«افغان مجاهد»، از همه هموطنان آزادیخواه افغانستان خواهش اکید میکند که پیشنهاد مارا به غور کامل مطالعه فرموده و اگر با آن موافق باشند صدای تائید خودرا بگوش محافل بین المللی جهان برسانند. خواهش ما بطور خاص متوجه آن افغان های آزادیخواه و وطندوست است که نزدیک تر به حلقه های سیاسی جهان ومحافل بین المللی در اروپا و امریکا زندگی میکنند ومانند ما در پشاور بیوسیله نیستند و میتوانند صدای ملت آزادی خواه خودرا به جهانیان برسانند ما به این — هموطنان خود براساس معلومات ثقه وغیر قابل انکار

از داخل کشور و ملیونها پناه‌گزین افغان که درین منطقهٔ جهان زندگی می کنند اطمینان کامل میدهیم که مردم افغانستان با حل سیاسی قضیه از راه ملل متحد مخالفت ندارند بشرط آنکه این راه حل به استرداد حقوق حقهٔ افغانستان وحفظ منافع ملی آن درحال وآینده منتهی شود. مخالفت ما با گفتگوهای ژینو معنی مخالفت با حل سیاسی ویا جستجوی راه حل ازجانب ملل متحد را ندارد و دلایل آن بارها توضیح شده است وبی نتیجه ماندن گفتگو های ژینو موید آنست .

اگر هموطنان ما در هرگوشهٔ جهان که هستند نظریات خودرا درین موضوع بما نیز بفرستند از قبول این زحمت شان ممنون خواهیم شد. اقلاً متوقع هستیم که نظریات ما را به اطلاع جهانیان و همدیگر برسانند زیرا وسایل ما خیلی محدود است وما در تحت شرایطی زندگی می کنیم که یقین داریم از احوال ما آگاهی کامل دارند .

برخی اظهار نظرکرده اند که شاید روسیه‌ به‌این پیشنهاد موافقت نکنند .

ما معنی این مشکل را میدانیم . اما مرادحل سیاسی قضیه است نه موافقت روسیه . در حالیکه از اهمیت موقف روسیه کاملاً آگاه هستیم اینجاست که صمیمیت

روسیه در صلح جوئی و حل مسایل بین المللی از راه مذاکرات ، دوستی با کشورهای جهان سوم و انکار از امپریالیزم و تجاوز در محل آزمون قرار می گیرد. روسیه بحیث یک ابر قدرت ، عضو ملل متحد عضو دایمی شورای امنیت ، مدعی دوستی با دول و ملل کوچک ، مخالف باامپریالیزم و استعمال قوت چرا باید به یک کنفرانس ملل متحد که در آن بحیث یک عضو دایمی شورای امنیت مقام ومسؤولیت خاص دارد مخالفت کند ویا موافقت ننماید؟؟!
جواب این سوال راطرح این پیشنهاد به جهان آشکارتر خواهد ساخت.

شماره (۱۳) سال دوم افغان مجاهد، ۱۳۶۲/۶/۱۵

محترم پژواک گفت،

کنفرانس ژنو باید عوض شود زیرا هیچ نتیجه ای از آن حاصل نخواهد شد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد مشغول بحث بر سر قضیهٔ افغانستان ومداخلهٔ شوروی در آن کشور است اینکه از — مذاکرات اجلاس کنونی نتیجهٔ حاصل آید هنوز نا مشخص است ولی عبدالرحمٰن پژواک رئیس پیشین مجمع عمومی ونمایندهٔ سابق افغانستان درسازمان ملل که هم اکنون در نیویارک بسر میبرد نسبت به هرگونه پیشرفتی بدبین است. خبرنگار بی بی سی درسازمان ملل ازآقای پژواک درین زمینه سوالاتی کرده است که هم اکنون تقدیم میگردد.

سوال : آقای پژواك، این پنجمین دور بحث های سازمان ملل دربارهٔ مسلهٔ افغانستان است آیا به نظر شما هیچ اثری در حل مسله داشته است ؟

جواب : بعد از پنجمین بار این موضوع در سازمان ملل مورد بحث قرار گرفته وبجائی نرسیده است.

مجمع عمومی ملل متحد گذارش دبیرکل سازمان ملل را به پیشنهاد پاکستان وچند کشور دیگر به بحث گرفته است ولی درین گزارش هیچ مطلب تازه ای نیست و عیناً پیشنهادیست که پارسال در سازمان ملل متحد مطرح شد وفرقی نکرده است ، از ین اعتراض های که پارسال ازطرف آزادی خواهان افغانستان به این پیشنهاد شد هنوز به قوت خود باقی است.

سوال : آقای پژواک آیا شما از روشی که سازمان ملل برای حل مسلهٔ افغانستان درپیش گرفته است راضی هستید ؟

جواب : اگر مراد شما گفتگوهای ژنو باشد ما از اول با این گفتگوها مخالف بودیم وحال هم مخالف- هستیم واین گفتگوها مقدرات ملی افغانستان را در غیاب مردم افغانستان تعیین میکند درحالیکه طرفین درگیر در مسئلهٔ افغانستان هیچکدام شرکت ندارند، یعنی نه روسیه به عنوان یک دولت متجاوز ونه آزادیخواهان

افغانستان به عنوان مدافع حقوق وآزادی خود، این کنفرانس از اول معلوم بود که کامیاب نمیشود، اما حالا این تنها نظرما نیست واکثرمردم یقین دارند که این کنفرانس محکوم خواهد شد، این کنفرانس باید عوض شود زیرا هیچ نتیجهٔ ازآن حاصل نخواهد شد.

سوال: به نظر شما سازمان ملل چگونه واز چه طریقی میتواند شوروی وافغانهارا به شرکت درین کنفرانس بکشاند؟

جواب: اینکه ملل متحد چگونه روسهارا ترغیب بکند کاریست که باید ازطرف دبیرکل ملل متحد صورت بگیرد ما درین زمینه نمی توانیم چیزی بگوئیم اما ملل متحد میتواند که روسیه را متوجه این نقطه سازد که روسیه یکی ازاعضای ملل متحداست ویکی ازاعضای شورای امنیت ملل متحدکه مسوولیت های خاص دارد. ازطرف دیگر روسیه ادعا میکند که غمخوار ممالک جهانی است وغمخوار ممالک کوچک. راه ترغیب روسیه متوجه ساختن روسیه به اوضاع فوق و مسوولیت های شان است وبه اینکه بدون سبب و انگیزه علناً به افغانستان تجاوزکرده است.

سوال: دولت کابل میگوید که هدف مذاکرات فعلی درسازمان ملل اینست که به حملات چریک ها ازپاکستان

بداخل افغانستان خاتمه دهد، آیا هیچ نشانهٔ وجود دارد که دولت کابل حاضر باشد تغییر ما هیت مذاکرات ژنو را بپذیرد ؟

جواب : این چیزی است که ما نمیتوانیم بگوئیم اما ما هیچ نشانهٔ مشاهده نکرده ایم که روسها بخواهند از راه صلح و سلام به حل مسله برسند و لهذا با تمام پیشنهاد های ملل متحد مخالفت می کنند وحتی با طرح موضوع افغانستان در ملل متحد مخالفت می کنند اما باوجود این با کنفرانس ژنو اظهار موافقت میکنند. — مخصوصاً برای این که وقت کشی کنند. و سلطه ونفوذ خودرا در افغانستان قوی تر سازند و سیستم، نظام، فرهنگ، سنت وطرز حیات مردم افغانستان را بکلی مطابق کمونیزم سازند.

شماره ۱۷ سال دوم افغانجهاد ، ۱۵/ ۹/ ۱۳۶۲

پیشنهاد مهم

همرطن گرای ، مجاهد مسلمان ومرد مبارز افغان

ولس مل !

شمارهٔ ۱۸ سال دوم تاریخ ۱۵ جدي ۱۳۶۲ «افغانجاهد»

که تاکنون وظیفهٔ جهاد ومبارزهٔ ملی زنان ومردان افغان با همه گونه مشکلات بجا آورده است دیروز باین آوارهٔ - دور افتاده رسید .

مضمون « داسلام اباد پرس کنفرانس » را درمیان دیگر مضامین شایسته قدردانی خواندم . کاش وسایل شما اجازه میداد که همه سوال ها وجواب ها باطلاع مردم میرسید .

بهرحال سوال شما درین مرحله اساسی ترین سوال

است ، جزاك الله فى الدارين خيراً ، بویژه که این سوال را دروقت درست طرح کردید. اگراز برکت وقت‌شناسي شما این نامه بوقت درست بشما برسد ونشرآن را به اصطلاح بیوقت ندانید هرچندکسی به آذان من هیچوقت گوش نداده ونخواهد داد بیسود نخواهد بود .

شنیده ام که اکنون بعدلاز مذاکرات در پشاورمسودهٔ یك منشور و یك لایحهٔ مجلس موسسان تهیه‌گردیده است که برخی از مجاهدین و مبارزین افغان در آن سهم گرفته اند .

من دو پیشنهاد دارم :

اول : باید فهرست اشخاصیکه در تسوید سهم گرفته اندوکسانیکه در بحث و تصویب مسودهٔ اول شریك بوده اند بدسترس شما و دیگرناشرین علاقه‌مند گذاشته شود .

دوم: آنکه عین متن هر دو مسودهٔ اولی که برآن بحث مزید صورت خواهدگرفت در معرض افکارعامهٔ افغانی گذاشته شود تا در داخل وقت کافی همه افغانهای دور و نزدیك برآن اظهارنظر کرده بتوانند .   بااحترام مُلای غریب

افغان مجاهد: برادر آوارهٔ ماکه خودرا « ملای

غریب » میداند. برای ما سخت گرامی و محترم است
لذا ازانش را بهمهٔ افغان ها رسانیدیم وپیشنهاد
های مهمش را باتائید صدفیصد بدست نشرسپردیم
اکنون وظیفهٔ گردانندگان چرخ امورمجاهدین و
دست اندرکاران امورسیاست است که صدای ما و
صدای ملای غریب راکه درعین حال صدای ملت ملیونی
ماست شنیده وعملی مینمایند یاخیر ؟

شمارهٔ ۲۰ سال دوم افغان مجاهد ، ۱/۱۲/۱۳۶۲

تاکنون هیچ قدم مؤثر در راه حل سیاسی برداشته‌نشده واگر اندک توجهی شده است بدون هموار ساختن راه و مساعد ساختن زمینه بوده است ومتأسفانه در همه امور و اشکال خود فاقد مهمترین عنصر یعنی نمایندگی از مطالبات کافه ملت افغانستان باقی مانده است. بطور مثال این حقیقت در پیشنهاد کشور های جامعه اقتصادی اروپا و مساعی نماینده خاص دبیر کل موسسه ملل متحد آشکار است. روسیه طبعاً ازاین تکتیک استفاده نموده و تجاوز خویش را بر افغانستان دوام داده و با استعمال قوت نظامی و روزافزون برای درهم شکنی مقاومت مردم افغانستان وقایم ساختن سلطه مطلق خویش برایشان سعی میکند. از یکطرف با دوام غیر مؤثر اینگونه تماس های سیاسی ظواهر دپلوماسی را حفظ نموده و ازطرف دیگر هرگونه طریقه مؤثر را رد میکند. مردم افغانستان چنانکه در دفاع از تمامیت خاك وحقوق خود به منظور استقلال کامل وحاکمیت ملی خویش به جهاد مسلح توسل ورزیدند درعالم اسباب جز عدالت بین‌المللی مرجع دیگری نمی شناسد چون اساس ومنشور ملل متحد تامین صلح وزیستن ملل جهان با همدیگر درآمن سلام مبنی برعدالت بین المللی است وچون دوطرف متخاصم درمساله افغانستان یعنی روسیه وافغانستان

۲۶ دسامبر ۱۹۸٤ واشنگتن

نامه‌ای از پـــژواک

یاحق!

برادر ارجمند، دوست گرامی و مجاهد راستین ولس‌مل السلام علیکم!

شمارهٔ اخیر «مجاهد ولس» را خواندم. خبری در بارهٔ بیماری من در آن نشر کرده‌اید «اینکه میگفتند بیمار است صحت داشته است» از همدردی شما و همه هموطنان عزیز خویش اظهار امتنان میکنم. بعد از آن که حکومت کشور برادر و مسلمان ما پاکستان مرا نخست توقیف و بعد از ان بدون الزام اخراج کرد از حکومت امریکا ممنون هستم که بحیث یک «پناه‌گزین ملل متحد» مرا در کشور خود پذیرفت، «اشنا رحمی نکرد اما دل بیگانه سوخت».

من در امریکا بحیث یک پناه‌گزین عادی بدون کدام امتیاز

پذیرفته شدم که باید چنان باشد. عدم امتیاز در میان افراد رکن بزرگ عدالت و مساوات است. اگر بفرض محال کدام امتیازی بمن داده می شد من آنرا نمی پذیرفتم. کسانیکه مرا می شناسند بحق شهادت خواهند داد که من هرگز در حیات خود حتی در کشور آزاد خود ما باین عقیده متمسک بوده وبارها هنگامیکه امتیازی بمن عرضه شده است آنرا نپذیرفته ام. دیگر آنکه من از حکومت امریکا ترقعی نداشته و درخواستی نکرده ام. وحق کوچکترین گله و شکایت را برای خود قایل نیستم حتی از حکومت پاکستان که می شاید حق گله داشته باشم بعد از اخراج در باره معامله با شخص خود شکایتی برزبان نیاورده ام.

ونحن من الشاکرین.

بجز مصیبت تجاوز بر وطن ما بزرگترین مصیبت درحیات من آن بود که بمن اجازه داده نشد که با هموطنان آوارهٔ خود در پشاور باشم. من از اروپا وامریکا به پاکستان پناه آورده بودم وبجز شریک بودن در مصائب مردم خود به نزدیک ترین مشکل ممکن آرزوئی نداشتم و ندارم ونمیتوانم داشته باشم.

سپاس مر خدای را عزوجل که همان التفات و مهربانی را که در پشاور از هموطنان خود که فردفرد

وگروه گروه بمن اظهار میکردند اینجا در دورهٔ بیماری از طرف هموطنان عزیز مقیم امریکا در بارهٔ خود مشاهده میکنم. بعد از برون شدن از شفاخانه هشت هفته تمام باید هر روز به شفاخانه می رفتم. درتمام این مدت افغانهای عزیز درمیان خود و بدون درخواست من تقسیم اوقات ساخته هر روز یکی ازایشان می آمد مرابه بیمارستان می برد و به کوته میآورد. یک افغان از کلیفورنیا بدون تذکر قبلی تکت دوطرفه طیاره بمن فرستادکه ماه های زمستان را در منزل وی بگذرانم که البته بیماری من اجازه رفتن را نداد. شنیدم که در فاتحه خوانی فرهاد مرحوم افغانان مهاجر به جهرازمن یادکردند. اجازه بدهید باین ذریعه مراتب امتنان خودرا بهمه برسانم.

با اینهمه لطف پروردگار واحسان بندگان مسلمان وی شکر ذات اقدس اورا «کس نتواند که بجا آورد» واگراین هم نمیبود الیس الله بکاف عبدهٗ.

در ین مصیبت عظمی که زندگی ننگ است
بزیر سلطهٔ اغیار وخاینان پائید
بر آنکه مرد نشاید گریستن پژواک
بر آنکه زیست ببایست پیرهن بدرید

کوچکترین خدمتگار وبزرگترین دعاگوی مجاهدین عبدالرحمن پژواک
شماره ۲۰ و ۲۱ مجاهدولس، ۱/۱۱/۱۳۶۳

اظهارات استاد ژواک

دربارهٔ ماهیت لویه جرگه

نمایندهٔ رادیوی صدای امریکا بتاریخ ۲۷ اپریل ۱۹۸۵ع
با سیاستمدار نامدار وفرزند بادرد وطن محترم استاد عبدالرحمٰن
ژواک مصاحبه ای داشت راجع به ماهیت لویه جرگهٔ
ببرک درکابل که ما اینک سوال وجواب اول این مصاحبه
را بخاطر اطلاع قارئین محترم مجاهد ولس بدست نشر میسپاریم.

سوال :
حکومت کابل بروز سه شنبه ۲۳ اپریل آنچه را لویه جرگه میخواند براه انداخت. نظر خود را در مورد مرام و انگیزه حکومت کابل وحامیان شوروی آن درین اعلام برای شنوندگان لطف بفرمائید.

جواب : بشما معلوم است که وعدهٔ انتخابات ازجانب رژیمهای

غیرقانونی که زمام اقتدار را بدست زورگرفته اندوقت بوقت برای
فریب دادن مردم یک سنت سیاسي مروج است .هنگامیکه
مردم به ستوه مي آیند و آثار غلیان درجامعه مشهود میگردد
رژیم های دکتاتوری مطلق تصور میکنند با فروریختن این
آب سرد هنگامه راسرد خواهند کرد. ازینرو اعلان رژیم
کابل از اوضاع پریشان مردمان شهرنشین که منزلت پایگاه
های نظامي کمیونست را دارند واز سلطه ونفوذ درمتجاوز از
هشتاد وپنج فیصد ولایت های کشورمحروم هستند نمایندگی مي
کند.

عامل دیگر اعلان وعدهٔ انتخابات ازسعی روسیه برمنظور
دادن یک شکل ظاهری وجعلی قانونی به رژیم کابل است .
روسها نخست درمقابل قیام عمومي مردم برای نمایندگی جعلی
ازافکار عامه جمعیتی را بنام «پدروطن» بوجود آوردند که رفته
رفته اعضای کامیونست آن ازطرف مبارزین ملی ومجاهدین از
میان برده شدند وآنانیکه بجبر داخل این دستگاه شده
بودند آن را به نحویکه توانستند ترک کردند ومهاجرشدند و
شماری که موفق به مهاجرت نگردیدند ونیات شان کشف شد از
طرف رژیم به محابس فرستاده شدند. بهرحال روز بروز شیرازهٔ
این دستگاه گسست . این سازمان حتی درهمان مراحل اولی برای
تربیهٔ کاندید های آیندهٔ وکالت درانتخابات جعلی عمومي تشکیل
شده بود وقرار بود فارغ التحصیلان آن وکیل شوند و دیگران بنام

اعضای «پدروطن» تحت تلقینات وتعلیمات سیاسي کامیونزم باقي بمانند تا خود را برسانند.

فرض کنیم این انتخابات صورت بگیرد. رژیم کامیونست حوزه های انتخابات وکاندید هرحوزه را تعیین خواهد کرد. کاندید حزب کامیونست بوکیل منتخب اعلان خواهد شد. این نمایش تنها در صحنه چند شهر خواهد بود، کاندید های حوزه های ولایات درکابل خواهد بود و بی آنکه به حوزه های خود رفته بتوانند وکالت شانرا رادیوی کابل اعلان خواهد کرد مثال اعلان این گونه انتخابات جمهوریت های روسیه واقمار آن است که همه دنیا ازچگونگی آن آگاه است.

هنگامیکه گوربه چف برسرکار آمد مزاحی درمیان مردم شایع شد.

«سوال: گوربه چف میخواهد سیستم "یک فردیک رأی" را در نظام انتخابات وارد کند آیا باورمیکنید؟

جواب: آری، بلاشک باورمیکنم. آن یک فرد تنها گوربه چف وآن یک رای تنها رای گوربه چف خواهد بود.»

بهرصورت التفات به یک موضوع دیگر مربوط به انتخابات موعد رادیوی رژیم کامیونست کابل مهم است. آن موضوع روابط خلق و پرچم است. آیا روسها درین انتخابات مي‌خواهند پرچم را تقویه کنند ویا خلق را؟ وآیا درانتصاب کاندیدها چه تناسبی را درنظر دارند؟ چون اتحاد کامل میان این دو گروه ناممکن

ثابت شده است آیا این انتخابات برای تقویهٔ گروه محبوب تر شان است یا منظور دیگری دارد؟

از مدتی باینطرف به مصارف گزاف شماری از افراد ساکن ولایات بکابل آورده میشوند وبنام نمایندگان قبایل با ببرک ویا اراکین رژیم کامیونست ملاقات میکنند درقطع نامه هائیکه از طرف رژیم بنام شان ترتیب می شود دوستی شوروی را می ستایند و اسلام را درافغانستان محفوظ جلوه میدهند. این ملاقات ها با اعضای مهم خلق هم صورت میگرفت امّا از چندی باینطرف همه صحنه ها وصحنه آرائی دردست پرچمی هاست.

علاوه براین عمومیات حرکت مبارزین ملی ومجاهدین در خارج کشور به منظور ائتلاف احزاب مختلف که برای تشکیل یک صف واحد نظامی وسیاسي است طبعاً رژیم کابل را به ایجاد یک سازمان ظاهراً قانونی سوق میدهد وشاید سعی نهائی کنند که چنین یک سازمان را پیش از جرگهٔ آزادیخواهان بوجود آورند وآن را بنام پارلمان افغانستان دربرابر سازمان نظامی وسیاسي مجاهدین ایستاده کنند ودر مجامع بین المللی وبین المللی ازآن استفاده بجویند.

بهرحال باید مبارزین ملی ومجاهدین کارخود را سرعت بخشند که این مطلوب رژیم کابل از نقطهٔ نظر تیوری نیز خنثی گردد. حرکت جدید ائتلاف بیشتر از پیشتر مایهٔ امیدواریست وتنها به مساعی مبارزین ومجاهدین منوط نیست

بلکه به تشجیع و پشتیبانی موثر دنیای آزاد وکشورهای دوست و همسایه اسلامي نیازمندمی باشند. تأثیرا ینگونه همکاري دنیای آزاد بیشتراز کتله های مبارز مهاجر در داخل —— افغانستان اهمیت بارز وخاص دارد.

شماره ۹ و۱۰ سال دوم مجاهدولس

۱/ ۳ / ۱۳٦٤

یاحق!

تبصره بر گفتار آغا شاهی

بتاریخ ۱۲ و ۱۳ اپریل ۱۹۸۵ در شهر اتلانتا، ولایت ـ جاچیا در دانشگاه ایموری یک مجلس مشورتی تشکیل گردید که برمسایل مربوط به مصئونیت بین المللی و کنترول تسلیحات بحث کند.

دریکی از جلسه ها که برای بحث در اطراف مربوط به همبستگی های بین المللی، مناقشه های منطقوی و پخش سلاح ذروی تخصیص داده شده بود. آغا شاهی (وزیر خارجه سابق پاکستان)، نیز از طرف کارتر (رئیس جمهور سابق اتازونی) دعوت شده بود. دلیل دعوت کردن او چنین وانمود شد که درضمن مباحثات دربارهٔ ساختن سلاح ذره وی در پاکستان تذکراتی داده شده بود. به آغا شاهی موقع داده شد که از موقف پاکستان دفاع کند.

آغا شاهی درضمن بیاناتِ خویش گفت: اگرچه (بنا برگفتهٔ مشهور) سکوت طلائی است پیش ازآنکه دربارهٔ موضوع سلاح ذره وی و تذکراتی که دربارهٔ پاکستان داده شده است سخن کنم لازم میدانم مهر سکوت رادرهم شکسته واوضاع بحران افغانستان را درچارچوب مناقشه های منطقوي تذکر بدهم» وچنین ادامه داد:

طرزعمل پاکستان دربارهٔ مداخلهٔ نظامي شوروي در افغانستان مبنی بر یافتن یک راه حل سیاسي این بحران بحیث یک قضیه میان یک ابرقدرت وکشورهای منطقه بود اما انکشاف اوضاع آنرا بیک قضیه میان شرق وغرب تبدیل کرد. این تحول کار مذاکرات پاکستان را برای راه حل سیاسي پیچیده تر ساخت. ازینروغرب مکلف است که حل قضیه رادر مذاکرات سیاسی بحیث یک امرلازمي وفوری با شرق جستجو کند.» آغا شاهی علاوه کردکه: اگراوضاع بدتزئید قشون ـ اشغالگر منجر شود درآنصورت بر زد وخورد افزوده خواهد شد و دراثر فشار مزید خطر افزون شدن شمار پناه گزینان به پاکستان موجوداست.»

آغا شاهي افزودکه « قرار برخی راپورها درمطبوعات شوروی اگرقشون روسیه افغانستان راترک کند کشتارعظیمی علیه هواخواهان مسکوصورت خواهدگرفت. اگراینگونه خطر حقیقت داشته باشد باید به آن توجه جدّی شود. یک قوای صلح ملل‌متحد مشتمل بربعضی

اعضای ملل متحد و به منشور آن متعهد هستند وچون موضع جهانی افغانستان روی برنامه ملل متحد بوده واکثریت بزرگ کشور های جهان در آن با حقوق مساوی در عضویت دارند مساعی ملل متحد برای خاتمه دادن به تجاوز روسیه نتایج این تجاوز وجلوگیری از اغراض سیاسی روسیه واعاده واسترداد حقوق حقه افغانستان از جانب ملت افغانستان بیشتر از هرنوع مساعی ایکه ازمنبع دیگری سرچشمه بگیرد استقبال خواهد شد.

مراد ازختم تجاوز روسیه اخراج فوری کامل و بلا شرط قوای نظامی روسیه وتعهد روسیه به عدم مداخله درمسایل داخلی افغانستان به هرشکل وصورتیکه باشد اعم ازمستقیم وغیرمستقیم واحترام به حق تعین سرنوشت سیاسی، اجتماعی اقتصادی وفرهنگی آن مطابق به اراده ازادمردم آنست. مراد از نتایج تجاوز روسیه خاتمه دادن به قدرت سیاسی حزب تحت حمایت روسیه تحمیل ایدیالوژی ونظام کمونستی در افغانستان وجبران تباهی های مادی که به افغانستان وارد شده است میباشد مراد از اغراض آینده توطئه ها ودسایس به منظورنفوذ سیاسی در افغانستان واستعمال افغانستان بحیث یک پایگاه سیاسی ونظامی به مقصد منافع توسعه جوئی روسیه در خارج سرحدات افغانستان است.

قطعات از کشورهای سوسیالست می تواند جلو کشتار رابگیرد.
البته اینگونه قوای صلح با قوای اشغالگر فرق خواهد داشت
و وظیفه آن تحمیل فشار برمردم افغانستان نخواهد بود. وظیفهٔ
آن محض این خواهد بود که درمیان طرفین حایلی شود و مصؤونیت
جان و مال را تضمین کنند. وجود آن باید در داخل وقت معین
موقتی و محدود باشد چنانکه در مورد حضور قوای صلح
ملل متحد این اصل در شرق میانه و دیگر جاها در نظر
گرفته شده است.»

درحال حاضر این اظهارات محض اهمیت خبری دارد امایکی
از نظریاتی است که درمذاکرات مربوط به اوضاع افغانستان
طرح آن امکان دارد، ازینرو آگاهی اظهار نظر از جانب مجاهدین
و مبارزین ملی افغانستان بر آن لازم است.

۱- اگرچه اجتماع ائتلانتا رسمیتی بسویه بین المللی و حکومت امریکا
ندارد. آغا شاهی نیز ظاهراً سخنگوی حکومت پاکستان نیست اما
قابل توجه است که پرسیده شود موقف رسمی حکومت پاکستان
چیست. آنچه درین نظریه نهفته است و از نقطهٔ نظر مجاهدین و
مبارزین ملی افغانستان توجه به آن لازم است اینست که سهمگیری
کشورهای سوسیالست در قوای صلح ملل متحد به شناسائی
منافع خاص کمیونیزم بین المللی تعبیر شده می تواند. این نظریه
اگر از جانب روسیه اظهار می شد قابل فهم بود زیرا مؤید
دکتورین برژنف است اما اظهار آن از طرف یک پاکستانی

که سوابق سیاسی او روشن است سوالاتی تولید می کند که جواب روشن بآن تنها ازحکومت پاکستان توقع شده می تواند .

۲ - ازگفتار آغا شاهی چنین معلوم می شود که درآغاز — پاکستان تجاوز نظامي شوروی را یک امر منطقوی میدانست وبعداً موضوع اختلافات شرق وغرب شد .

الف : قضیه افغانستان یک قضیه بین المللی جها نیست .

ب : روسیه متجاوز کشوری نیست که به منطقه ای که — افغانستان بآن تعلق دارد شامل دانسته شود . شاهد این گفته آنست که روسیه همواره خواهان بوده است که خودرا داخل منطقهٔ آسیا بداند چنانکه باصرار زیاد میخواست در کنفرانس معروف باندونگ که تنها کشورهای آسیا وافریقا درآن حق شمول داشتند حق اشتراك پیداکنند وهمه های آسیا وافریقا باتفـــــــاق حق اشتراک شوروی را رد کردند . اگر آغا شاهی این حق را در ارتباط به قضیه افغانستان برای روسیه قایل شود پاکستان را به خطرهای ناشی ازآن معروض می سازد .

ج : مربوط به فقرهٔ الف این مقال تصمیم نامه های — ملل متحد که باکثریت کشورهای همه قاره های جهان تصوّیب شده اند تنها از پشتیبانی بلاك غرب بهره مند نیست و اکثریت کشورهائیکه به بلاك های غرب تعلق ندارند آن را پشتیبانی کـــرده انـــد . اینکه آغاشاهی تنها بلاك غرب را مکلف میداندخود موضوعرا موضوع تنهـا بلاك های شرق وغرب میسازد که نبایست میکرد .

د: این تذکر آغا شاهی که اگر شوروی مجبور شود بر تعداد قشون خود با فزاید بر شمار مهاجرین در پاکستان خواهد افزود. در گفتار یک سیاستمدار ورزیده مانند آغا شاهی باید ملتفت گردید که افزون شدن مهاجرین را تنها به پاکستان تذکر میدهد و از ایران تذکری نمیدهد. ایا نمیتوان حدس زد که خوفی که بر او مستولی شده است از ناحیه فشار بر مردم افغانستان نیست. معنای حقیقی مجبور شدن روسیه با آوردن قشون مزید به افغانستان تنها یک چیز است و آن موفقیت بیشتر مبارزین افغان در جهاد است. از این ناحیه باید در تعبیر اینگونه اظهارات غور و دقت کرد. آغا شاهي با دانش و فراست است امّا او و امثال وی باید پیشوایان معنوی خویش را مانند علامه اقبال لاهوری فراموش نکنند که گشاد و فساد قارهٔ آسیا را گشاد و فساد قلب این پیکر یعنی افغانستان میدانست و این فرمودهٔ او را بیهوده نشمارند:

من آن علم و فراست با پرکاهی نمی گیرم
که از تیغ و سپر بیگانه سازد مرد غازي را

تا اینجا مراد این نویسنده جلب توجه به اظهارات آغا شاهی و تحلیل آن بود. البته زعمای مجاهدین و مبارزین

ملي و هرافغان دیگر بر آن دقت وغور خواهند کرد.

بتاریخ ۳۰ ماه می اخبار واشنگتن تایمز از پایتخت کانادا راپوری را نشر کرد: « یک عضو پولت بوروی شوروی بنام ویتالی وریتنیکوف درضمن مباحثه با اعضای کومیتهٔ روابط خارجی پارلمان کانادا اظهار کرد که شوروی از یک ابتکار ملل متحد که اوضاع را در افغانستان برقرار سازد استقبال میکند تا شوروی بتواند در نتیجه عساکر خود را از افغانستان برون کند.»

وقتی روزنامه نگاران از یکی از اعضای پارلمان در بارهٔ اظهارات وروت نیکوف سؤال کرد این شخص رگ ستیک هوس Reg Stackhouse گفت: «من از شنیدن این اظهارات تعجب کردم زیرا نمیدانم که شوروي چه حاجت دارد در کشیدن قشون خود از ملل متحد استمداد کند.»

این نویسنده بحیث یک فرد افغان به جستجوی راه حل سیاسی مخالفت ندارد وآن را لازم واولی میداند. اگر این راه از جانب ملل متحد پیدا شود نیز مقبول است امّا حقوق ثابت ومشروع و پامال شدهٔ افغانستان یگانه اصلی است که بدون احترام مطلق بآن نمیتوان نظراً موافقت نمود و عملاً آن را قابل قبول وتطبیق شناخت.

رول ملل متحد در حل قضیهٔ افغانستان مهم است امّا این موسسه مکلف است که رول خود را بطور شایان

بازی کند ورنه اشتباه سپردن این امر به گفتگوهای ژنو دوام خواهد کرد و نتیجه ای از آن بدست نخواهد آمد.

ملل متحد باید یک کنفرانس خاص بین المللی ترتیب کند که در آن همه اعضای دایمی شورای امنیت و نمایندگان آزادیخواهان افغانستان سهم داشته باشند.

اگر شوروی نیازمند استمدادی در اخراج قشون متجاوز خود باشد می تواند ازین کنفرانس آنرا جویا شود و کنفرانس درصورت لزوم قوای صلح ملل متحد البته آنرا به اسامبله عمومی ملل متحد بویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد سپارش خواهد کرد. اگر خوف های روسیه سازمان ملل متحد سپارش خواهد کرد. اگر خوف های روسیه قابل سمع باشد درآنصورت خوف های نمایندگان — مجاهدین و مبارزین ملی افغانستان باید مورد ملاحظهٔ بیشتر قرار گیرد.

شمارهٔ ۱۳ و ۱۴ سال دوم مجاهد ولس

۱۵/ ۴/ ۱۳۶۴

قابل توجه جدّي وفوری همه افغانها

دیروز گورباچف هنگام افتتاح بیست وهفتمین کانگرس حزب کامیونست روسیه در مسکو درمحضر پنج هزار نمایندگان حزب کامیونست کشورخویش که محض از هفت نیصد مردم آن کشور نمایندگی میکند و یکصد و پنجاه وچهار نمایندهٔ احزاب کامیونست و سوسیالست از کشورهای دیگر در یک نطق پنج ساعت و نیم باراول در محضرعام به موضوع افغانستان اشاره کرد وگفت که کرملن باطرف افغانستان روی موضوع برآمدن تدریجی قشون روسیه از افغانستان موافقه کرده است و افزودکه این امر منوط به یک حل سیاسی قضیه است . ببرک کارمل نیز حاضر بودکه مراد از « طرف افغانستان » رژیم او

در کابل است .

در تفسیر «حل سیاسی» گورباچف افزود که حل سیاسی منوط به ضمانت ها نیست که جلو تجدید مداخله نظامی خارجی را بگیرد . اجمال و ابهام اظهارات گورباچف واضح است که مایهٔ هیچگونه تعجب نیست اما برگزیدن کلمات «طرف افغانستان» و استعمال کلمات «قوای خارجی» آشکار است . ناگفته نماند که این اظهارات پیش از گفتگوهای ژنو که قرار است درماه مارچ از سر گرفته شود بتاریخ ۲۵ فبروری شده است .

مهمتر آنکه تخلیه تدریجی مخالف تصمیم نامهٔ مجمع عمومی ملل متحد است که در کلمات «برآمدن فوری» قوای خارجی از افغانستان است .

اما مهمترین مراد این نویسنده درین مقال مختصر جلب توجه از دیخواهان مجاهد افغانستان به نقاط ذیل است :

اول :- برخلاف همه توقعات کاذب گورباچف دوکترین برژنف را تائید میکند و رژیم تحت حمایت کابل را یگانه طرف افغانستان میشناسد .

دوم :- رژیم کابل موضوع تقسیم اوقات تخلیه تدریجی را منوط بر قبول مذاکرات مستقیم با پاکستان میداند که معنی شناسائی رژیم کابل را بحیث یگانه طرف افغانستان دارد .

درین مورد دو سوال بخاطر می آید :

الف : آیا امریکا به دوکتورین ریگن پابند می ماند یا نه؟

ب : آیا پاکستان موضوع « تدریجی » را بجای « فوری »
قابل مذاکره میداند درحالیکه اگرحتی در مذاکرات —
غیرمستقیم آنرا قابل مذاکره بداند برخلاف تصمیم نامه ملل-
متحد خواهد بود که پاکستان آنرا مسوده کرده و اکثریت
بسیار بزرگ اعضای ملل متحد آنرا مکرراً تصویب نموده اند؟

چیزیکه قابل توجه مجاهدین وآزادیخواهان ملی افغانستان
است اینست که حال وقت آنست که بنام خداوناموس ملی بصورت
فوری وجدی به مسوولیت های دینی وملی خود درنزد خدا
ومخلوق او تعالی التفات کنند. یگانه راهی که میتواند بسوی
رفع خطرها ئیکه ازمذاکرات ژنیو موجود است اینست که
پاکستان به شرکت خود درمذاکرات غیرمستقیم ژنیوخاتمه
بدهد وبجای آن به ملل متحد پیشنهاد نماید که یک کنفرانس
خاص بین المللی که درآن همه اعضای دایمی شورای
امنیت شامل باشند انعقاد یابد وتائید همه کشورها خاصه
امریکا ، چین ، فرانسه وبرتانیه راکه اعضای دائمی شورای
امنیت هستند با پشتیبانی و همکاری کنفرانس اسلامی
وحرکت عدم انسلاک جلب ومطالبه نماید . درعین زمان
امریکا معاونت آشکارخودرا با مجاهدین براساس —
پرنسیب دوکتورین ریگن اعلان وبا متحدین خویش در
دنیای آزاد مبارزین افغان رابدادن سلاح مؤثرعملاً تقویه

کنند .

اما بیشتر از همه چیز رشتهٔ مبارزهٔ مرش در دست خود افغان ها ست که ائتلاف خود را به اتحاد تبدیل کنند و بدون فوت وقت یک شورای مرکب از همه زعمای مجاهدین به سویهٔ یک حکومت موقتی جلای وطن بسازند و شناسائی دنیای آزاد را مطالبه کنند ورنه رژیم کابل رفته رفته یگانه « طرف افغانستان » گفته خواهد شد .

حال دیگر کارد به استخوان رسیده است . آنانیکه خود را دوست آزادی وکرامت بشری وعدالت اجتماعی میدانند باید درمیدان آزمون کشیده شوند وآنانیکه خود را مجاهد و آزادیخواه میدانند نیز آزمون شوند . تا مردم افغانستان که در تحت اسارت وکشتار هستند و مبارزینی که در سنگرها می جنگند ومهاجرینی که از دوری وطن رنج می کشند دوستان و دشمنان حقیقی خود را بشناسند .

پژواک

نیویارک ۲۶ فبروری ۱۹۸۶

مجاهد ولس :- دا هغه خبري او پیشنهادونه دي چه ترمیالی سیاستمدار محترم پژواک دژنیو دخبرواترو داعلان سره متصل په کابل کښي د شب نامي په وسیله خارجی سفارتونو ته وکړاو کله یي چه د افغانستان نه مهاجرت وکړه په یو مطبوعاتي کنفرانس کښي يي اظهار کړلي . مونږ پخپل اخبار

کښی د ده نظریات د ژرنیو دخبرو اترو په باره کښی په تفصیل نشرکړیدی ، پژواک صاحب پخپلو نظریاتو کلک ولاړ دی او له هر حکومت یا سیاسی شخصیت سره ئې چې تماس کړی دی ، په پاکستان ، اسلامی ملکونو، اروپا او امریکا کښی او په ملل متحد کښی یې دا نظریات په ډاګه د ټولو اطلاع ته رسولی دی . موږ ئې نظریات تائیدوو او د لوی خدای نه ورته د ښه صحت —
غوښتنه کوو . ولس مل

شمارهٔ اول سال سوم مجاهدولس .

۱۳٦٥/۱/۱

بنا بر ملحوظاتیکه نتیجه آنرا به هیچ صورت نمیتوان عادلانه دانست طرز عمل مساعی نماینده سرمنشی سازمان ملل متحد هیچ معیار حقوقی را درنظر نگرفته است در هر گونه مذاکرات شرکت طرف های متخاصم شرط است. درین موضوع دو طرف متخاصم عبارت از روسیه و مردم افغانستان است به روسیه اجازه داده شده است که بطور مستقیم اشتراک نه ورزد و نمایندگان مردم افغانستان یعنی مبارزین و مجاهدین افغانستان دعوت نشده اند درمیان تمام احزاب افغانستان تنها یک حزب و آنهم حزب آله سیاسی روسیه که همه افغانستان علیه آن به قیام عمومی برخاسته اند سهیم است . از نقطه نظر همسایگی تنها دو همسایه، واز نقطه نظر اشتراک مستقیم تنها یک همسایه افغانستان شرکت دارد معیار آنکه چرا تنها پاکستان وایران دعوت شده اند مجهول است اساسی که به حل قضیه سیاسی افغانستان ربط داشته باشد برای تشخیص این دو همسایه وجود ندارد. اگر ملحوظ بوده باشد که تعداد زیادی از مهاجرین افغانستان درین دو کشور پناه گزیده اند درست نیست .

زیرا مساله افغانستان یک مساله سیاسی وزادهٔ تجاوز نظامی به منظور اشغال افغانستان ازجانب روسیه

Geneva Talks

Collection Of Assays Written
by
A. R. PAZWAK

Compiler : M. H. Wolasmal

Publisher : Afghan Mujahid Information Center

1988

آگاهي از خطر و پیشنهاد

واشنگتون ۳ اپریل ؛ بتاریخ ۲ اپریل در اخبار واشنگتن پوست خبری انتشار یافت که رژیم کابل بار اول یک تقسیم اوقات برای برون شدن عساکر روس تهیه کرده و آنرا به کوردو ویز سپرده است . کوردو ویز که در وسط ماه گذشته بکابل رفته بود آنرا به حکومت پاکستان داده است. حکومت پاکستان آنرا بدلیل آنکه بسیار دراز است رد کرده است.

عرض وطول این پیشنهاد هرچه باشد و دلیلی برای رد یا قبول انگاشته شود یا نه اهمیت خاص ندارد . چیزیکه مهم است اینست که چنان مینماید که پاکستان اساس تقسیم اوقات را پذیرفته است و این طرز عمل با روح وکلمهٔ تصمیم‌نامهٔ ملل متحد که « برآمدن فوری » عساکر روس را مطالبه میکند

مخالفت واضح دارد.

در گفتگوهای اخیر ژنو (۱۶ - ۱۹ دسامبر) نمایندهٔ رژیم دست نشانده و تحت الحمایهٔ کابل وجود اینگونه تقسیم اوقات را تذکر داده و مذاکره را روی آن مشروط باین ساخته بود که پاکستان بطور مستقیم با آن رژیم مذاکره کند. در این تکتیک جدید مضمر است که رژیم کابل سپردن پلان خود را فعلاً بدون اصرار بر آن شرط به پاکستان بحیث یک قدم تبلیغی ونیز برای ادامهٔ گفتگوهای ژنو استعمال و در مرحلهٔ دیگر موضوع مذاکرات مستقیم را بمیان آورد. (گفتگوهای آیندهٔ ژنو در اوایل ماه می پیش بینی شده است).

در همه احوال وشرایط موقف آزادیخواهان افغان در بارهٔ گفتگوهای ژنو (مانند هر گفتگوی دیگری که در آن سهم نداشته باشند ویا شرکت در آنرا بطور مطلق مطابق به منافع ملی خود نیابند) همان است که بود. مردم افغانستان هیچگونه ترتیب سیاسی راکه مخالف منافع کامل ملی آن باشد نه می پذیرند وهرگز نخواهند پذیرفت. منافع ملی افغانستان تنها درصورتی مصئون خواهد بود که روس ها عساکرخود را فوری وبلاشرط بیرون کنند.

اکنون موضوع افغانستان موضوع مساعی دوستانه و میانجیگری دوستان ملت افغانستان نیست وموضوع تعیین سرنوشت افغانستان است که بجز مردم افغانستان و

نمایندگان حقیقی آن هیچکس حق ندارد از ایشان وکالت کنند.

اگر پاکستان بگفتگوهای ژنو خاتمه ندهد و موضوع به یک کنفرانس خاص بین المللی تحت نظارت ملل متحد که در آن نمایندگان مجاهد و مبارز افغانستان و همه اعضای دایمی شورای امنیت شامل باشند انتقال داده نشود موضوع نه تنها لاینحل خواهد ماند وهر نوع راه حل غیر عملی وغیر عادلانه وغیر قابل قبول خواهد بود. موضوع منافع ملی حاوی استقلال کامل، تمامیت خاك وانتخاب نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افغانستان است. ما در حالیکه یکبار دیگر از پاکستان در بارهٔ اینکه بحکم اسلام وقوانین بین المللی پناه گزینان و مهاجرین افغان را پذیرفته اند اظهار امتنان عمیق وصمیمی میکنیم پاکستان را به مسوولیت بزرگ آن متوجه میسازیم ونیز التفات عمیق شانرا به خطرهای آینده جلب می نمائیم. یکی ازین خطرها اینست که روسها موفق شوند پاکستان را به ترتیبی فریب بدهند که مناسبات آن با آزادیخواهان صدمه ببیند. این نویسنده یکبار دیگر تکرار میکند که به تعویق انداختن تشکیل یک سازمان قابل شناسائی یعنی یک شورای منتخب که دارای شخصیت سیاسی بحیث حکومت موقتی باشد اشتباه وگناه بزرگی خواهد بود که در نزد خدا وخلق مسوول آن خود

افغانها خواهند بود .

مقامات امریکا تا روز نشر این اخبار اظهار بی‌خبری میکنند و میگویند محتویات پلان تخلیه تنها درتصرف چند تن ازمامورین عالی‌رتبه پاکستان است اما یکی از معین های وزارت خارجهٔ امریکا باکوردوین ملاقات خواهدکرد وشاید محتویات را بدست آورد .

در مصاحبه ایکه ضیاء الحق با اخبارلوموند فرانسه کرد ازو پرسیدندکه ایاگورباچف بر پالیسی روسیه تجدید نظرخواهدکرد . رئیس جمهور پاکستان گفت امکان دارد که گورباچف نظرخودرا تغییر داده باشد .کسانیکه ازاوضاع داخل افغانستان آگاه هستند می توانند اندازه کنندکه این اظهارات رئیس جمهوری پاکستان تاچه اندازه خوش بینانه است ، زیرا معلوم است که روس ها با واردکردن قطعه‌های خاص عسکری برای عملیات نظامی شدید تر نقشه های فشار نظامی خودرا (خاصه درمحاذ های نزدیک به پاکستان) برای جنگ‌ های بعداززمستان (در مقابل مبارزین افغانستان) طرح کرده اند . تجاوز طیاره ها برخاک پاکستان البته چیزی است که دانش سیاسی ضیاء الحق آن را قابل تجاهل میداند .(مصاحبهٔ ضیاء الحق ولوموند یک هفته پیشتر صورت گرفت) .

امریکائی ها اعتراف مي کنندکه بعد از اظهارات ـــ

گورباچف به ریگن تاکنون علامه ای وجود ندارد که به تغییری در روش روسها تعبیر شود.

فیصلۀ جدید امریکا که به مبارزین افغان سلاح دفاع هوائی مؤثرتر خواهد داد شایان قدر است. اما یگانه سلاحی که بدرد حقیقی دفاع ازکشوری خورد سلاح اتحاد و یگانگی است. هر سلاح شانه میخواهد. شانهٔ دفاع ما اتحاد ویگانگی ماست. اگراز خود اینقدر توقع نداشته باشیم چگونه می توانیم از دیگران چیزی توقع کنیم؟

شمارهٔ دوم سال سوم مجاهد ولس، ۱۳٦۵/۲/۱

مسالهٔ شناسائی بین المللی مبارزین افغان

در یکی از مقاله های گذشته این نویسنده به موضوع شناسایی مقاومت مردم افغانستان درمقابل روسیه ورژیم تحت حمایت آن در کابل اشاره کرده بود. مراد از این شناسائی شناختن مشروعیت تنظیم مبارزین آزادیخواه افغانستان بسطح بین المللی است.

درین مقال بطور مختصر این سوال راکه آیا برای امکان اینگونه شناسائی دلایل ثقه ومحکم موجود - است یانه طرح میکنم. بعقیدهٔ من جواب سوال مثبت است حتی میتوان گفت که درحقیقت به مشکل میتوان دلیلی برای عدم شناسائی بین المللی مبارزین افغان

پیداکرد . اینک به چند نکته اشاره میکنیم :

افغانستان تا زمان مداخله ، تجاوز و تهاجم عسکری روسیه یک کشور کاملاً مستقل ، عضو ملل متحد و شعبات تخصصی آن ، عضو کنفرانس اسلامی و حرکت عدم انسلاک بود و روابط محکم دوستانه با همه کشورهای صلح خواه جهان داشت . مداخلهٔ روسیه در مسایل داخلی افغانستان برخلاف معاهدات دوجانبه و بدون سبب (مگر توسعه جوئی روس) بعمل آمد .

مردم افغانستان و همه احزاب سیاسی آن باستثنای یک حزب آنهم حزب کامیونست که درمیان خود بدونام یاد می شوند (پرچم وخلق) با مداخله روس بدون مکث و درنگ مخالفت خودرا اظهارکردند . روس برای سرکوبی این مخالفت ملی به تجاوز مستقیم نظامی پرداخت و عملاً قشون خودرا درخاک افغانستان پیاده کرد . این تجاوز با قیام ومقاومت ۹۹ فیصد مردم افغانستان مقابل شد و تاکنون بیشتر از هفت سال دوام کرده است . این عمل روسیه مخالف منشور ملل متحد و همه نورم های بین المللی است . فقره های دوم وچهارم منشور ملل متحد بطور صریح وواضح شاهد ومؤید این مدعیٰ است .

این بهانهٔ روس که قشون شان دراثر دعوت حکومت افغانستان وارد شده است هنوز ثابت نشده است واگر

به فرض شده باشد مشروع شناخته نمیشود . در اینگونه امرخطیر هیچگونه حکومت بدون فیصلهٔ ملت که عبارت ازلویه جرگه است صلاحیت ندارد. علاوه بران هیچ حکومت آزاد قشون اجنبی را برای اشغال خاك خود دعوت نمیکند واگر بالفرض بکند ازهمان لحظهٔ اول حق مشروعیت خودرا می بازد.

فقره های دوم وچهارم منشور ملل متحد که بآن قبلاً اشاره کردیم بطورصریح هرنوع مداخلهٔ خارجی را منع می کند وبطورخاص مانع مداخلهٔ نظامی است. تعبیر درست آن از جانب جامعهٔ بین المللی درتصمیم نامه های متعدد مجمع عمومی ملل متحد درمورد —— افغانستان درج است . رجوع شود به تصمیم نامه های 2131 (XX)، 2625 (XXV) و36/103 سال ۱۹۸۱ . این تصمیم نامه ها رااکثریت کشورهای عضوملل متحد پشتیبانی کرده اند . درسال ۱۹۸۰ مجمع عمومی بااکثریت ۱۰٤ رأی مداخلهٔ روس رامنافی ومخالف اساسات آزادی تمام ، استقلال سیاسی و تامیت خاك همه دول اعلان کردو برآمدن فوری ، بلاشرط وکامل روس هارا ازافغانستان مطالبه نمود که عین مطالبهٔ مبارزین افغان است .

از تاریخ تجاوز تاکنون رژیم دست نشاندهٔ روس

موفق نشده است که حتی در شهر کابل قیود شبگردی را بر دارد از جانب دیگر ۸۵ فیصد خاک افغانستان ساحهٔ نفوذ مبارزین ملی است که دلیل عمدهٔ آن پشتیبانی مردم و نفرس عامه از مبارزین ملی و مخالفت با رژیم کابل است .

از آغاز تهاجم روس باینسو تنظیم های مبارزین شکل بهتری گرفته و فعالیت شان روز افزون گردیده که دلیل آن وارد کردن قشون بیشتر و اسلحهٔ قوی تر از جانب روسها ست . نارضائی همگانی مردم افغانستان را از تعداد روز افزون مهاجرین میتوان قیاس کرد .

دلیل واضح شکل بهتر تنظیم مبارزین ملی آنست که در بخش بیشتر خاک افغانستان مردم با یشان مالیه میپردازند دکتوران بشرخواه دنیای آزاد شفاخانه ها دارند . نامه نگاران دنیای آزاد را بداخل کشور برده و آورده می توانند .

همه امور اداری و قضایی در مناطق تحت کنترول مبارزین که بیشتر از ۸۵ فیصد خاک افغانستان را احتوا میکند در دست مبارزین ملی است .

مبارزین ملی با موسسه صلیب احمر بین المللی داخل مقاوله شده و (در بارهٔ اسیران جنگ) صلاحیت خود را ثابت کرده اند .

نمایندگان مبارزین آزادیخواه در مجامع بین المللی راه

یافته اند مثلاً درکنفرانس اسلامی بایشان حق سخنرانی داده شده است .

درحالیکه این موسسه رژیم کابل را طرد کرده است واجازهٔ شمول نه می دهد .

نمایندگان مبارزین با سران دول وحکومتهای کشورخرد و بزرگ دنیای آزاد ملاقات ها کرده اند .

حتی روسیه در مواقعی نتوانسته است ازوجود مؤثر آنها منکر شود شاهد بزرگ این مدعی پیشنهاد « آتش بس » در پنجشیر است که هرچند موقتی بود اساس محکمی برای اثبات وجود مؤثر طرف مبارزین است.

ائتلاف اخیر تنظیم های مختلف مبارزین اگرچه در ذیل مذکور است در رأس جا دارد .

از آغاز تهاجم تاکنون نه تنها ازهمه طبقات مردم بطور روز افزون علایق خودرا بارژیم کابل قطع کرده اند بلکه افسران وسپاهیان منفردانه ودسته جمعی به مجاهدین پیوسته اند . نباید فراموش کردکه حتی افراد قشون سرخ به مبارزین پناه آورده اند .

اگر محض سلاح دفاع مؤثر زمینی وبطورخاص هوائی بقدرکفایت در نزد مبارزین وجود پیداکند بجرأت میتوان گفت که مبارزین می توانند درخاک خود مرکز یک قدرت رسمی قایم کنند که شکل یک حکومت منظم موقتی راجخود

است . وموضوع مهاجرین زاده این تجاوز و یکی ازمسایل فرعی آنست مسالهٔ افغانستان محض یک مسالهٔ بشری نیست که از نقطه نظر پناهگزینی مهاجرین بررسی شود این مساله یک مساله سیاسی مطلق بوده و موضوع تجاوز نظامی است که به عبارت منشور ملل متحد صلح و امن جهانی را تهدید میکند وازهمین نقطه نظر در شورای امنیت ملل متحد و مجمع عمومی آن شناخته شده ومورد بحث قرارگرفته وروی برنامه ملل متحد باقیست هر نوع اقدامی که جنبه سیاسی موضوع را تحت الشعاع جنبه بشری آن بسازد نامعقول غیرعادلانه وغیرقابل قبول است .

حل قضیه سیاسی با تمرکز به جنبه بشری مهاجرین ازمستعجلات است اما اگر برای حل قضیه سیاسی راهی پیدا شود موضوع مهاجرین خود بخود حل میشود .

اگر این ملحوظ واین منظور درانتخاب پاکستان وایران درنظر نبوده باشد باید ملاحظات دیگرکه در محدود ساختن این مذاکرات دخیل اند روشن گردد . پاکستان وایران دوکشور برادرافغانستان هستند ملت افغانستان هرگز همدردی این دوکشور را در آوان مصیبت عظیم خود فراموش نخواهد کرد . من شخصاً کلمات و الفاظ کافی نمی یابم که بتوانم حق همدردی این دوکشور برادر

بگیرد .

از جانب دیگر رژیم کابل در سطح بین المللی جز روسیه واقمار آن حامی دیگر ندارد. اقماریکه خود — اسیر و بیچاره هستند. افکار عامه جهانی مؤید مبارزهٔ آزادیخواهان افغانستان است .

قوای نظامی روس ورژیم کابل در هیچ منطقه کشور ساکن نیستند و در قرارگاه های نظامی بطور محصور بسر می برند، حرکت آنها درخارج ازین قرارگاه ها تنها بصورت کاروان های تانک زیر بال طیاره های — هلوکوپترها صورت می گیرد وهیچ کاروان بدون حملات مبارزین ازمرکز حرکات بیرون رفته نمیتواند وبدون خسارات به منزل ترقف نمیتواند بازگردد .

همینکه روس مجبور شده است هرسال بر تعداد عساکر و سلاح خود بافزاید نشان میدهد که مبارزین آزادیخواه یک قدرت موثر هستند ورژیم کابل که بدون قوای امنیتی اصلاً یک قدرت مؤثر شمرده نمیشود با وجود قوای روس نیز مستقر و مؤثر نیست و از پشتیبانی مردم افغانستان محروم مانده وروز بروز محروم تر شده می رود .

در خاتمه یکبار دیگر التجای خود را از زعمای مبارزین تکرار می کنیم که :

اول ، هرچه زودتر ائتلاف خودرا به یگانگی تام تبدیل کنند .

دوم : برفعالیت خویش درساحهٔ سیاسی ودیپلوماسی بسطح بین المللی بافزایند وبویژه شناسائی خودرا مطالبه نمایند .

ازکشورهای دوست که ازمبارزین پشتیبانی می کنند توقع میرودکه عملاً داخل اقدام شوند این توقع نخست ازحکومت های پاکستان وایران میرود که با احساس مسوولیت عظیم خویش قدم های جدی وعملی بردارند . به گفتگوهای بی ثمر وپرضررژنیو خاتمه بدهند . درکنفرانس اسلامی مبارزین افغان رارسماً بپذیرند . وبا همکاری اعضای کنفرانس اسلامی درکنفرانس حرکت عدم انسلاک وبعد از آن به همکاری کشورهای غیر- منسلک درملل متحد زمینه رابرای شناسائی بین المللی مساعد بسازند .

ازطرف دیگراز پارلمان اروپا وپارلمان های ملی کشورهای آزاد عین این توقع راداریم با تاسی ازذکر خاص بعد العام ازکشورهای سکندنیویا توقع داریم که رول مهم عنعنوی خودرا درمسایل سیاسی وبشری و تامین عدالت بین المللی بطور فعالتر درمورد افغانستان بکار اندازند .

دلیلی ندارد که تجاوز از حد کشوریکه تصمیم نامه های ملل متحد را تصویب نموده اند در مقابل بی التفاتی روس از مطالبات خود دفاع نکنند. بویژه کشورهای کوچک آسیا وافریقا وامریکای لاتین باید ملتفت شوند که مصیبت افغانستان محدود به افغانستان نیست. مبارزین افغان برای دفاع از آزادی می جنگند وکسانیکه استقلال و آزادی وحقوق را احترام می کنند باید حتماً از پامال شدن واسترداد این حقوق درهمه جا جلوگیری کنند.

ومن الله التوفیق

شمارهٔ سوم سالِ سومِ مجاهد ولس، ۱/۳/ ۱۳۶۵

التجاوپیشنهاد به مجاهدین و مبارزین ملی افغانستان

گفته شده است که مرحلهٔ هفتم گفتگوهای ژنو بتاریخ ۳۰ جولای آغاز خواهد شد اغلب گمان آنست که این مرحله نیز به نتیجه نخواهد رسید زیرا روسها عمداً دوام این گفتگوها را میخواهند تا برای پیشبردن پلان های سیاسی ونظامی خود وقت هرچه بیشتر بدست آورند وافکار عامهٔ جهانی را بفریبند مگر آنکه همه مطالبات شان ازجانب کسانیکه درین گفتگوها سهیم هستند پذیرفته شود اگرچه مبارزین ملی افغان درین گفتگوها سهیم نیستند وازین رو مکلف نیستند که فیصله یا سپارش شاملین آنرا بپذیرند ویارد نکنند بازهم لازم است

آنرا بکلی نا دیده نگرفته وقدم های جدّی عملی ولازمی را که در ساحه دیپلوماسی بین المللی حتمی ولازم می شمرده می شوند بدون فوت وقت بردارند.

البته این امر از طرف تنظیم های مجاهدین ومبارزین صورت گرفته می تواند که همه گروه ها وافراد دیگر افغان ازان پشتیبانی نمایند از ینرو ملجا ومرجع این نویسنده ایشان هستند. این پیشنهاد من بحیث یک فرد افغان تنها به ضرورت مبرم متکی نیست بلکه با همه تعاملات دیپلوماسی بین المللی موافق است وازینرو امید می رود که مورد توجه مجاهدین ومبارزین قرار گیرد. اساس این پیشنهاد مطالبهٔ مجاهدین ومبارزین افغان از موسسه I-C-O

(Islamic Confrance Organization.)

یعنی اسلامیک کنفرنس ارگن آیزیشن است که در زبان ما بنام موسسه کنفرانس اسلامی شناخته میشود چون این موسسه رژیم کابل را نمی شناسد وازشرکت محروم ساخته است ونیز سخنگوی مجاهدین ومبارزین راحق اشتراک واظهار نظر داده است بامید قوی وتوقع مشروع که ازیک موسسه خاص کشورهای اسلامی می رود بآن باتوجه کند.

مطالبهٔ مجاهدین که طرح جزئیات آن از صلاحیت تنظیمها ست انعقاد یک مجلس خاص وفوق العادهٔ موسسه کنفرانس اسلامی

در موضوع افغانستان است که باید پیش از اسامبله عمومی آینده ملل متحد که در ماه سپتامبر خواهد بود منعقد گردد. اجندای آن البته از صلاحیت موسسه است اما درخواست و مطالبه مجاهدین باید شامل موضوعات ذیل باشد:

اول: شناسائی مبارزین و مجاهدین ملی بحیث یک عضو کامل موسسه اسلامی بحیث نماینده کشور اسلامی افغانستان.

دوم: سپارش قطع کردن گفتگو های ژنو.

سوم: انعقاد یک کنفرانس خاص بین المللی از جانب ملل متحد که در آن نمایندگان همه اعضای دایمی شورای امنیت ملل متحد و نمایندگان حقیقی ملت افغانستان شرکت داشته باشند برای حل سیاسی قضیهٔ افغانستان مطابق به تصمیم نامه های مکرر ملل متحد.

چهارم: سپارش به کشورهای حرکت عدم انسلاک به پشتیبانی کامل شان در مجمع عمومی آیندهٔ ملل متحد برای استرداد کامل حقوق پامال شدهٔ افغانستان از جانب روسیه.

این نویسنده درین مقال به این اختصار اکتفا میکند والبته وظیفهٔ خود میداند که دیگر مطالب را از صلاحیت همفکرین سیاسی مجاهدین ومبارزین بداند.

ومن الله التوفیق

شمارهٔ چهارم سال سوم مجاهد ولس ۱۳۶۵/٤/۱

«بارها گفته ام و بار دیگر میگویم»

«حافظ»

یاحق!

۱۵ جولای ۱۹۸۶ مطابق به ۲٤ سرطان ۱۳٦۵

پیش از مرحلهٔ آینده گفتگوهای ژنو و برخی جریان های دیگر باز گفتن مطالبی چند از واجبات مبارزهٔ ملی وجهاد مردم افغانستان است. فریضهٔ اسلامی هرفرد مسلمان وافغان حقیقی است که با قول وعمل درین مرحلهٔ مهم حقایق را با صراحت تمامتر با خود وهموطنان خود درمیان گذاشته وبازگوید.

اکنون وضع جریان های گذشته وحال از آغاز مصیبت عظمای افغانستان روشن است. آنچه تاریک است آینده منافع ملی افغانستان است یا بعبارت دیگر آیندهٔ ما تاریک می نماید.

میدان جنگ را الحمد لله از فضل ونصرت خداوندي وشهامت

وفداکاری مردم افغانستان تاکنون نباخته ایم امّا در میدان سیاست دشمن موفق تر است .

چرا وچگونه ؟

درجواب به سوال "چرا ؟ " چون از بدیهیات است وبرهمگان معلوم است ، اشاره نمی کنم اما اشاره به سوال "چگونه ؟ " لازم است .

اگرچند لحظهٔ مختصر سخن گفتن از کامیابی درمیدان جنگ را یکسو بگذاریم وموفقیت دشمن را درساحه سیاسی موضوع تفکرحقیقت پسندانه قراردهیم باین نتیجه خواهیم رسید که:

۱ - روسها تصمیم نامهٔ شورای امنیت راکه تقبیح وتلعین تجاوز نظامی شان بریک مملکت آزاد ، عضو ملل متحد بودوتو کردند . چون روسیه یکی ازاعضای دایمی شورای امنیت است وحق ویتو دارد شاید موفقیت سیاسی نباشد اما بطورواضح از سوء استفادهٔ یک ابرقدرت بنفع مطامع سیاسی آن نمایندگی میکند .

۲ - هنگامیکه موضوع به اسامبله عمومی ملل متحد سپرده شد چرا یک اکثریت قاطع اعضای ملل متحد درحالیکه تجاوز نظامی را انکارکرده نمی توانستند با تصمیم نامه ای موافقت کردند که نام روسیهٔ متجاوز در آن ذکر نیافته بود وبجای « روسیه » « قوای اجنبی » را تذکر دادند . این تسلیم کشورهائیکه خودرا آزاد میگویند دراثرهر

عاملی که بوده باشد باختن میدان سیاسی را ازطرف مصنفین تصمیم نامه وکشورهای آنرا دیخواه که از آن پشتیبانی کردند درمقابل روسیه نشان میدهد.

بویژه که قدرت های بزرگ دیگر مانع آن شده نتوانستند که درحقیقت نخواستند جلو این اشتباه را بگیرند.

۳- بعد از آن در تصمیم نامه تغیراتی صورت گرفت که منتج به حذف کردن خارج شدن «بلا شرط» سپاه متجاوز روس گردید. آنچه باقی ماند برآمدن «فوری» قشون اجنبی بود.

٤- این اشتباه بزرگ که روسیه متجاوز از هر گونه تکلیف و تعهد در گفتگو های ژنو آزاد ماند و ازطرف دیگر طرف دیگر یعنی مبارزین افغانستان اصلاً از داشتن هر گونه اشتراک محروم شدند آنقدر عیان است که حاجت به بیان ندارد.

۵- ازینهم بیشتر روسها موفق شدند که پاکستان را به پذیرفتن گفتگو با رژیمی که آنرا نه می شناسد متقاعد ساختند ویا آنکه پاکستان پذیرفت که با یک حزب «حزب کامیونست درکابل» به مقاوله بپردازد واحزاب دیگر افغانستان خاصه آنهائیکه پاکستان ایشان را شناخته برد بیرون باشند. پاکستان باین منطق مضحک راضی شد که گفتگو ها «غیرمستقیم» است.

درینصورت پاکستان خودرا طرف قلمداد کرد آنهم با حزبی که آن را نمی شناخت و پرستیژ خودرا بحیث یک کشور آزاد در نظر نگرفت و از یک جانب به یک طرف حقیقی یعنی روسیهٔ متجاوز اجازه داد که خودرا ظاهراً از همه تکالیف گفتگوها برکنار نگهدارد و از جانب دیگر طرف حقیقی دیگر یعنی نمایندگان حقیقی مردم افغانستان را ، دور و محروم ساخت دبیر کل ملل متحد نیز مسئولیت خودرا در مقابل منشور ملل متحد فراموش کرد . اگر گفتگو های غیر مستقیم بوجهی از وجوه معنی میداشت باید میان روسیه و مبارزین ملی افغانستان ترتیب می شد نه در میان حزب کمونست کابل که از خود وجودی مستقل ندارد وحکومت پاکستان که از طرف مردم افغانستان نه وکالتی داشته ونه دارد. اگر پاکستان آرزوی خیرخواهی داشت تنها می توانست بحیث یک میانجی خیرخواه حصه بگیرد . که آنهم باید بعد از موافقت دپلوماسی مبارزین افغان صورت گرفته می توانست .

۶- هنگامیکه گفتگو ها باین طرز غیر عادلانه شروع گردید منشی عمومی ملل متحد ومعاون او که صلاحیت شان محدود به کلمات وروحیهٔ تصمیم نامه بود وجز این صلاحیت دیگر ندارد این مسئولیت خودرا فراموش کرد ندو پاکستان هم آنرا پذیرفت .

کلمات وروحیهٔ تصمیم نامهٔ مجمع عمومی ملل متحد

ومسلمان را اداکنم اما وقتی موضوع تعیین مقدرات یک ملت درمیان باشد نمیتوان عنان کارخود را بدیگران سپردوحق خودرانگرفت . من جستجوی راه حل سیاسی مساله — افغانستان را بیشتر ازهرراه دیگر ازراه ملل متحد مرغوب میدانم . فیصله نامه های شورای امنیت ومجموع عمومی وافکارعامه جهانی در دسترس این موسسه است. اگر دولت روسیه به تعهدات خود به منشورملل متحد ومسوولیت خود بحیث عضو دایمی شورای امنیت وقعی میگذارد باید فیصله های ملل متحد را احترام کند .

افغان مجاهد ، شمارهٔ ۱۱ سال اول
۱۳۶۱/۶/۳

استرداد استقلال وحقوق پامال شدهٔ افغانستان و ختم تجاوز ونتایج آن بود امّا روس ها موفق شدند که اصل را یکسو گذاشته وفرع را اولتر مورد بحث و گفتگو قرار دهند .

۷ - باین ترتیب روسها موفق شدند بر پاکستان بقبولانند که از آغاز در اجندا نخست بر مسایل فرعی گفتگو وفیصله بعمل آید و اصل موضوع که برآمدن سپاه سرخ بود به تعویق افتد . حتی ضمانت امریکا را نیز پیش از آنکه دربارهٔ اصل تعهد کنند بدست آورند . چنانکه در نتیجه معلوم شد که بعد از موافقه بر مسایل فرعی گفتند برموضوع برآمدن ازافغانستان درچوکات « یک تقسیم اوقات » بحث خواهند کرد .

۸- درین «تقسیم اوقات » نخست وقت خروج قوا را در ظرف دو سال تذکر دادند و بعد از ان با استفاده از ضعف سیاسی مدت چهار سال را پیشنهاد کردند و آنهم تنها مشروط به خواهش رژیم کابل .

۹ - روسها نه تنها موفق شدند که کلمهٔ «برآمدن فوری» تصمیم نامه را بکلی فراموش کنند بلکه خواستند چهار سال را « فوری » جلوه دهند وازطرف دیگر شرطی دیگری گذاشتند که باید نخست راه جهاد مسلح بروی مجاهدین ومبارزین ملی مسدود گردد .

۱۰- در اجندا فصل و باب جدا برای حق خود ارادیت مردم افغانستان بکلی از نظر انداخته شد تا یک اصل مهم دیگر نیز قربان مسایل فرعی شود و بجای آن فصل و باب خاص برای یک موضوع فرعی که بازگشت مهاجرین افغانستان است باز کردند.

موضوع مهاجرین اصلاً حاجت به بحث ندارد. وقتی عامل آن که عبارت از استیلای نظامی کشور و حق مردم به ارادهٔ آزاد در انتخاب طرز حکومت، نظام سیاسی اجتماعی و فرهنگی است از میان رفت مهاجرین طبعاً به وطن باز می گردند.

۱۱- بیانیهٔ اخیر نجیب الله بر اساس نشرات رادیوی کابل حتی در مورد بازگشت مهاجرین نیز بلا شرط نیست که این اشتباه سیاسی را خنده آورتری سازد. او در این بیانیهٔ خود بر اساس خبر رویتر امکان موافقه را در گفتگوهای ژنیو مشروط به این می سازد که بر موضوع برآمدن قشون روس اصرار نشود.

قرار خبر آژانس باختر نجیب الله گفت که رژیم کابل به مهاجرین عفو و امان خواهد داد اما علاوه کرد که مصمم است که رهبران مجرم «انقلاب» را از میان — خواهد برد و افزود که تنها آن مهاجرین را که فریب خورده و بطور غیر شعوری هجرت کرده اند قابل عفو

وامان میدانند . علاوه بر اینهمه گفتار خنده آور رادیوی
کابل صورت محاکمه « محاکم انقلابی » را نشر کرد که درآن به
پنج تن از رهبران را درغیاب شان به اعدام محکوم کرده اند
چون من این خبر را مستقیماً از رادیوی کابل نشنیده ام و
از روی نشریهٔ هفته وار پاکستان تایمز (که مخصوصاً به
خارج پاکستان فرستاده می شود و اخبار رسمی حکومت پاکستان است)
نقل می کنم وازنام محکومین به اعدام ذکری نیست. آیا رادیو
کابل شرح محاکمه را داده و نام محکومین را نگرفته است ؟
آیا پاکستان تایمز از تذکر نام خود داری کرده است ؟ درهر
صورت حدیثی است غریب و شیوه ایست عجیب . اما اینگونه
عجایب وغرایب از خصوصیات نظام های فاشیستی کمونیست
است . شاید نام محکومین به اعدام را نگرفته باشند . برای
آنکه از محبوبیت این مجاهدین در نزد اکثریت مردم افغانستان
در داخل و آواره گان افغانی جلوگیری کرده باشد ویا پاکستان
تایمز از آن ها نام نبرده یا آنکه نخواسته است تا در نشریه ایکه
به خارج پاکستان می رود مقام ارجمند این اشخاص پوشیده
باند . این بی اطلاعی من زادهٔ محرومیت من حتی از جائیکه
رادیو را شنیده باشم وبطور خاص دوری اجباری من از جای
نزدیک به افغانستان است (اگر مجاهدین در این باره اطلاعی
داشته باشد امید است آنرا از جانب خود نشر کنند) این خبر در

THE PAKISTAN TIMS OVERSEAS WEEKLY JUNE, 29, 1986

نشر شده است : در همین شماره این اخبار از زبان صاحبزاده یعقوب خان وزیر امور خارجهٔ پاکستان شکایتی حکایت شده است که در یک کنفرانس مطبوعاتی از مخالفت رهبران برخی از تنظیم ها با گفتگو های ژنو که در آن سهمی ندارد نومیدی خفقان آمیز خود را اظهار کرده است . یگانه معنائیکه بقوت تعبیر در این شکایت میتوان حدس زد یا سراغ نمود اینست که این مجاهدین حق اظهار مخالفت وموافقت خود را با چیزیکه به کشور ومردم شان ربط دارد ندارند . مگر آنکه مؤید آنچه پاکستان می خواهد باشد . من هرگز آرزو نداشته وندارم که به دانش وفراست سیاسی صاحبزاده یعقوب خان بی احترامی کنم اما گفتهٔ علامه اقبال مرحوم را یکبار دیگر به خاطر شان می آورم که :

من آن علم وفراست را بپر کاهی نمیگیرم
که از تیغ و سپر بیگانه سازد مرد غازی را

در همین مصاحبه مطبوعاتی جناب صاحبزاده اظهار کردند که دلیل عدم اشتراک مجاهدین ومبارزین ملی افغانستان آن بود که در نزد « روس ها » و « افغانها » عملاً قابل قبول نبود . واضح است که مراد از « افغانها » رژیم کابل است نه اکثریت مردم مجاهد در داخل وملیونها مهاجر ومجاهد

در بیرون کشور ونیز آنچه عملاً قابل قبول بود، از نقطهٔ نظرایشان موافقت رژیم کابل وروس ها بود، اگر عمداً نبوده باشد شاید آنرا اشتباه سیاسی خواند.

جناب صاحبزاده می فرمایند که باید آنچه درتصمیم نامهٔ ملل متحد بود اساس گفتگوهای ژنیوقرارمیگرفت وسهم گرفتن مهاجرین ناممکن بود. اگراین گفته اساسی داشته باشد چرا درمقابل آن مقاومت نشد؟ اساس تصمیم نامه این بودکه منشی عمومی ملل متحد یک راه حل سیاسی پیداکند. در تصمیم نامه هیچیک ازمحتویات آن دلالت نمیکند که راه حل با بیرون گذاشتن مجاهدین ومبارزین ملی افغانستان — یعنی نمایندگان حقیقی مردم افغانستان سراغ شود. ونیز اگرآن تصمیم نامه قابل مراعات بود چرا موضوع برآمدن روس «بلاشرط» و «بطورکامل» مفقودگردید یا دزدیده شد؟ وبعدازآن چرا بجای «فوری» بحث برخروج روسیه بطور — «تدریجی» اجازه داده شد؟! البته قابل فهم است که «فوری» معنای چندلحظه وچند ساعت را ندارد امامدت یک سال یادو سال یا چهارسال معنای فوریت را داشته نه می تواند. (ناگفته نماند که درین اواخر افواه مطبوعاتی براساس آنچه بنام — پروگرام گورباچف شهرت پیداکرده است مدت راازطرف روسها هژده ماه وازطرف پاکستان چهارماه ذکرکرده اند ونظریهٔ امریکا رابین این دورقم خوانده اند.) امّا درهمه حال تاجائیکه

به مردم افغانستان ربط دارد اینها جز حدیث مرگ وتب معنای دیگر ندارد اما مردمیکه مرگ را شهادت و سعادت میدانند و از آن هراس نه دارد با تهدید مرگ به قبول تب راضی نخواهند شد (انشاء الله).

در همین مصاحبه مطبوعاتی جناب صاحبزاده علاوه کرده است که گفتگوهای ژنو مانع مشوره با مجاهدین ومبارزین ملی نیست امّا این مشوره را محدود به موضوع حالات مراجعت شان به وطن وانمود کرده است. واضح است که با قبول اینگونه ترتیب مهاجرین مجاهدین ومبارزین تنها وتنها در بارهٔ مراجعت حق دارند با ایشان «مشوره» شود آیا این چیز قابل مشوره هست؟ اگر یک مهاجر بخواهد بوطن بازگردد می تواند بدون مشوره بازگردد. آیا یک مجاهد مهاجر آنقدر از شعور وحافظه محروم است که در بارهٔ عوامل و دلایل مهاجرت خود حق آگاهی نداشته باشد و بدون رفع کامل آن عوامل در شرایطی باز گردد که عامل مهاجرت وی بود. من اینگونه تفکر را صلای تسلیم به دشمن میدانم وصلای تسلیم اگر از جانب دشمن باشد یا از جانب دوست فرق ندارد جز آنکه از طرف دشمن وارد کردن یک زخم به پیکر است واز جانب دوست پاشیدن نمک بر آن زخم است. قصهٔ معروف آن مردی را که او را بسوی دار می بردند واز سنگ انداختن دشمنان باکی نداشت ولی هنگامیکه دوستی بروی گل نثار کرد متأثر

شد بیاد آورید سنگ دشمن برای او افتخار معنوی میاورد اما گل فشانی دوست را تحقیری می پنداشت .

۱۲- در حال اگرچه گفتنی زیاد است می باید که انتظار بکشیم که از مرحلۀ هفتم گفتگوهای ژنیوچه بیرون می آید . من شخصاً جز سعی روسیه برای ادامه این کوشش بی ثمر توقعی ندارم خداکند نتایج آن برای کسانیکه از ان توقع دارند آموزنده باشد ، از پاکستان توقع می رود که سهم گیری مزید را ترک کند وبجای آن از ملل متحد توقع می رود که موضوع را بیک کنفرانس خاص بین المللی با شمول – نماینده گان حقیقی مردم افغانستان وهمه اعضای دایمی شورای امنیت بسپارد .

۱۳- در آغاز این مقال به برخی جریان های دیگر اشاره کردیم ، برخی از جریان های علنی وبخشی ازان درپرده ها پنهان است اما پیدا وپنهان آن یکسان اگر موجب تشویش شده نتوانند باید نادیده وسرسری پنداشته نشوند ، بیشتر از آنکه مثالی را تذکر دهیم می شاید التفات خودرا بخود جلب کنیم .

هر فرد ، گروه وجمعیت افغان درهمه نقاط جهان بانیت نیک وارزومندی تمام دربارۀ مقدرات کشور وملت – خویش می اندیشند ویاا ندیشه دارند . اما لازم است که درنزد همۀ ما خطهای فاصل میان توقعات بیجا وتوقعات-

مبنی برتفکرکشیده شود. ومعنای درست خوش بینی و بد بینی رادریابیم. آن گاه میان حماقت سیاسی وخوشبینی فرق قایل شویم. بد بینی وحقیقت پسندی راازهم جدا کنیم. حقیقت پسند رابه بد بینی نامزد نکنیم وبد بین راحقیقت پسند ندانیم.

۱۴- ازین حقیقت چشم نه پوشیم که هرگفتار یا کردارکه موجب اختلاف وباعث نفاق می شود یاکار دشمن (بطورعمدی) ویاخدمت به دشمن است اگر چه غیرشعوری باشد.

۱۵- اقلاً وجود دوحقیقت رابطور متمایزبشناسیم:

الف: آرزوها وارمان هائیکه داریم اما درتحت شرایط واوضاع وسایل برآوردن آنرا (باهشکلات گوناگون مشترک ویامشکلات خاص هرفرد) نداریم. بعبارت دیگر میخواهیم چیزی بکنیم اما نمیتوانیم.

درین باره تکلیف ومسئولیت مامعین است وبه فحوای لیس للانسان الا ماسعی درپیشگاه خدا و خلق وضمیرخودعذری داشته می توانیم.

ب: اقلاً چیزهائی راکه نباید بکنیم باید نکنیم. زیرا برای ابرای ذمه ازآنچه نبایدکرد عذری نمیتوان یافت. بعبارت ساده تراگرمصدرخیرشده نتوانیم باعث شر نشویم.

در سخن از جریان های اخیر یقین دارم هیچکس محتاج مثال نیست اما شاید بنا بر گفتهٔ معروف « نگفته ندارد کسی با تو کار ولکن چو گفتی دلیلش بیار » . تذکر دادن یک یا دو مثال نباید گستاخی تلقی شود .

مثال اول فرستادن یک مکتوب بعنوان منشی عمومی ملل متحد از جانب یک جمعیت مجهول (در نزد من) بنام « جمعیت وطن پرستان افغان مقیم پاکستان است » که با ماشین نوشته شده اما نه هویت شخص ویا نام اشخاص در آن موجود است ونه آدرس در آن ذکر شده است ومحتویات آن تایید گفتگو های ژنو ومدح منشی عمومی ونمایندهٔ آن است البته واضح است که باداشتن موقف تنظیم های مجاهدین واکثریت آزادیخواهان و مبارزین ملی منبع این نامه رژیم کابل ویا هواخواهان آنند اماچون خودرا بنام افغان وآنهم وطن پرستان افغانی یاد میکنند از آنها ذکر بعمل آمد .

مثال دوم اقدام چند تن امریکائی (اتباع امریکا) که برخی از آنها میگویند از احفاد افغان هستند افغانهای معصوم وارزومند مقیم واشنگتون ویا یالات دیگر امریکا را فریب دادند وبه اشتراک در مجمعی برای تشکیل حکومت جلای وطن وآنهم در امریکا وبدون موافقهٔ حکومت امریکا دعوت کردند . البته آنانیکه میدانستند اصلاً دعوت را نپذیرفتند وآنانیکه

نفهمیدند بار دیگر با ایشان نشستند. این عمل نادرست اختلافاتی میان همه افغانهای مقیم امریکا ایجاد کرد و یگانه نتیجهٔ آن چندین دشنام نامه بود و بس.

اینکار در زمانی صورت گرفت که چند تن از رهبران تنظیم های مجاهدین پشاور به دعوت امریکا به سطح عالی ملاقات با رئیس جمهور و اعضای کانگرس وسنا به واشنگتن وارد شدند واز طرف افغانهای مقیم این دیار نیز پذیرائی شدند. در جلسهٔ اول شمار این مردم بیست و پنج تن بود که در آخر به پنج یا شش تن رسید. علاوه بر تولید اختلاف میان افغان ها به یکی از چاقوهای روس-دسته دادند که امریکا را به مداخله در افغانستان متهم می کند. این مثال «کردن آنچه نباید کرد» است.

وقتی از ین اشخاص سؤال شد در کدام مملکت – حکومت جلای وطن صورت گرفته می تواند جوابی نداشتند.

آنهم حکومتی که موسسین و پشتیبانان آن چند تن باشد وآنهم از جانب اشخاصی که یا تابعیت امریکا را دارند و یا برای حصول آن عریضه و درخواست تقدیم کرده اند. البته تشکیل یک شورای واحد از جانب – مجاهدین و یک کونسل موقتی منتخب درست است که قدم اول آن شناسائی مبارزین افغان بسطح بین المللی است که طرز عمل آن را مجاهد ولس به تفصیل نشر کرده

راهٔ اساسی حل سیاسی قضیهٔ افغانستان

متن مصاحبه محترم عبدالرحمن پژواک

عبدالرحمن پژواک یکی از پر سابقه ترین دیپلومات های افغانستان بوده و در پست های سفارت افغانستان در پایتخت های چون دهلی جدید، بن و لندن ایفای وظیفه کرده است. برای مدت های طویل به حیث نماینده دایمی افغانستان در موسسه ملل متحد خدمت کرده و در سال ۱۹٦۷ به عنوان رئیس مجموع عمومی سازمان ملل متحد انتخاب گردید. آخرین پست سیاسی و دیپلوماتیک پژواک سفارت افغانستان در لندن بود که کودتای کمونیست ها در افغانستان صورت گرفت. واو متعاقباً به کابل مراجعت کرد.

پژواک که از آن تاریخ به بعد بیکار بود در حدود هفت ماه قبل کابل را به قصد دهلی نو و به منظور معاینات صحی ترک گفت در دهلی جدید طی کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت که در نظر دارد با همکاری سایر عناصر وابسته به مقاومت ملی افغانستان در جهت تشکیل یک حکومت جلای وطن اقدام نماید او در ماه سپتامبر امسال وارد نیویارک شد تا ببیند در تسوید وتصویب قطع نامه موسسه ملل متحد روی مسله افغانستان چیزی از دستش ساخته است ویا خیر. محترم پژواک طی مصاحبه ای با صدای امریکا نظراتش را در مورد قطع نامه امسال مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره افغانستان وهمچنان درمورد راه اساسی حل سیاسی قضیه افغانستان بیان داشت که اینک متن آن تقدیم میشود.

است (شماره ۵۵) در ختم باید علاوه کرد که پاکستان زیر فشارهای گوناگون ابویژه از جانب روسیه بحیث یک کشور برادر و مسلمان اگر با موضوع کنفرانس خاص بین المللی موافقت کند و به شرکت خود در گفتگوهای ثمر خاتمه بخشد برای این فشارها دلیل قانع کننده نه ی ماند. معنای حقیقی این گفته سپردن امور مربوط به افغانستان به مبارزین افغان است . پناه دادن به آنها البته وظیفه اسلامی و بین المللی آن است مهاجرین ما از انصار جهان توقع بیشتر از پناه گاه و پشتیبانی سیاسی و شناسائی ندارند .

من به جرات میگویم که تاسیس شورای موقت منتخب از جانب مبارزین افغان وکونسل منتخب آن در داخل افغانستان ممکن وعملی است ویگانه شرط مهم آن وسایل دفاع بویژه دفاع هوائی از مرکز آن میباشد که نیازمند دنیای آزاد و بطور خاص مساعی عملی کشورهای اسلامی باشد .

در صورتیکه این ممکن عملاً صورت گرفته نتواند آنگاه باید نخست کشوری را پیدا کرد که حکومت جلای وطن را بشناسد و درخاک خود اجازه بدهد. ومن الله التوفیق.

مجاهد ولس: به خدمت هموطن بزرگوار آقای پژواک که راجع به محاکمه و اعدام غیابی پنج تن از رهبران

پرسیده اند باید به عرض رسانیده شود که ولس مل وکارکنان مجاهدولس نیزمانند شما از همجواری افغانستان روی ملحوظات خاص به دورترین نقطه دنیا تبعید شده، واکثر رادیوها را به شمول رادیوکابل شنیده نمی توانند. من از رادیو بی.بی.سی به بسیار مشکل نام سه تن از برادران مجاهدخود را که درغیاب به اعدام محکوم شده اند شنیده ام وآنها عبارت انداز احمدشاه مسعود ، مولوی جلال الدین حقانی ومحمداسماعیل آمرعمومی ولایت هرات.

شماره ۵ و ٦ سال سوم مجاهدولس ۱۳٦۵/۵/۱

از پچرواک به ولس مل

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم
تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال

هموطن مجاهد و برادر مبارز ولس مل !

اینک درجواب سوال شما نظر شخصِ خود را تقدیم میکنم. پرسیده اید که عامل سیاسی آوردن نجیب روی صحنه و علت تبدیل کردن ببرک از طرف روسها چیست ؟

هیچ عمل سیاسی را نمیتوان به یک علت وعامل محدود شمرد. امّا با درنظرداشتن چندین ملحوظ باید یک یا بیشتر از یک ملحوظ یا علت عمده را دریافت. بعقیدهٔ من علت عمدهٔ این فیصله استفاده روسها از یک اشتباه بزرگ سیاسی است که کسانیکه درغیاب نمایندگان حقیقی مردم افغانستان درگفتگو های ژنو سهم دارند مرتکب شده اند. این اشتباه تولید انتباعی است که نه تنها روسها بل برخی مردم دیگر نیز

آن را گرفته اند - ارتکاب این اشتباه به اصطلاح سرسری نبوده و درمطبوعات وحتی در اظهارات شخصیت های مسوول تکرار و بر آن اصرار شده است[۳].

بتاریخ اول ماه می بارنت آر روبن BARNETT.R.RUBIN یکی از مدرسین دانشگاه ییل YALE بعداز تحقیقات علمی درطی یک بیانیه به کومیتهٔ امور خارجه کانگرس امریکا با شهادت تفحصات علمی درموضوع افغانستان اعضای کانگرس را حالی ساخت که درسال 1982 روسها به پاکستان تذکر داده بودند که درموقع مرغوب برکنار ساختن ببرک مشکلی نخواهد داشت واین زادهٔ انطباعی بود که روسها مخالفت پاکستان را تنها با قیادت ببرک فهمیده بودند نه باقیادت کامیونست دیگری که ظاهراً از خیانت آمدن باقوای اجنبی بری باشد. البته کله جنبانی های برخی حکومت ها بارژیم های تره کی وحفیظ الله امین نیازمند تذکر مجدد نیست. درآخرین بیانیه ایکه وزیر خارجهٔ پاکستان درمجلس ملی پاکستان روی موضوع سیاست خارجي پاکستان ایراد کرد نیز تاکید بیشتر برمخالفت با مذاکرهٔ مستقیم با رژیم ببرک بود. از ینرو برطرفی ببرک متوقع وقابل پیش بینی بود.

درمرحلهٔ آینده گفتگو های ژنو اگر طوریکه گفته شده است بتاریخ ۳۰ جولای آغاز گردد روسها حتما استدلال می کنند که رژیم ببرک دیگر وجود ندارد ونیز ناممکن نیست که حتی

شاه محمد دوست نیز مریض شود یا بکار دیگری گماشته شود. قابل یادداشت است که مرحلهٔ ششم گفتگوهای ژنو وقتی به تعویق افتاد که کوردوویز گفت: پاکستان ورژیم کابل هر دو موافقه کردند که نیازمند مشوره با حکومت‌های خودی باشد واین مقارن آمدن نجیب بود. این یکی از ضررهائیست که درغیاب نمایندگان حقیقی مبارزین آزادی خواه افغانستان به منافع ملی ما می رسد. اگر افغانستان صدائی میداشت و آنرا بجهانیان رسانیده می توانست طبعاً صدای حق و حقیقت می بود که مردم افغانستان برای آزادی و استرداد حاکمیت وتمامیت خاک خود وتطبیق حق ارادهٔ آزاد مردم درانتخاب نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وکلتوری خود می جنگید وجهادومبارزهٔ شان جنگ بازید وعمرو بکر نیست.

من باین پالیسی با کلمهٔ «اشتباه» اشاره کردم زیرانخواستم تصوری را اجازه بدهم که «عمدی» بوده است. از دانش سیاسی کشورهائیکه بشکلی ازاشکال سهیم ودخیل هستند نمیتوان انکارکرد. مرادکشورهائی هستند که خودرا بامردم افغانستان همدرد جلوه میدهند. من از آغاز بجا هدات خوداین حقایق را پوست کنده گفته ام وباک نداشته ام که کسی ازآن خواهد رنجید اما سالها آن را در لفافهٔ دیپلوماسی گفته ام امّا اکنون وقت آنست که بوضاحت وصراحت ازمنافع ملی خود دفاع کنیم چنانکه دشمنان و دوستان مامنافع خودرا می جویند با این فرق که ایشان

متأسفانه منافع خودرا طوری می جویند که منافع مارا پامال کند و درتلاش ما برای تأمین منافع ما تأمین تضمین منافع دوستان وهمدردان ما نیزمضمراست .

مرحلهٔ آیندهٔ گفتگو های نو مهمترین مرحله است و دیگرنه باید دیپلوماسی خموشانه را یگانه راه معقول تصورکرد بویژه برای افغان هائیکه جبراً دروازهٔ تماس های سیاسی ازراه دیپلوماسی بروی شان مسدود گردیده است وحق ازتماس مستقیم با مردم خود محروم ساخته شده اند . بیشتر ازین آنچه عیان است حاجت به بیان ندارد واگردرخانه کس است یک حرف بس است درین مرحله طرف خطاب وبلاغ والتجای من تنها وتنها افغانهای مجاهد ومبارز هستند .

وما علینا الا البلاغ .

عبدالرحمن « پژواک »

٦ جولای ١٩٨٦ واشنگتن .

شمارهٔ ۵ و٦ سال سوم مجاهد ولس، ۱/۵/ ۱۳٦۵

الحاق واخان بزعم روسیه
بزرگترین خیانت رژیم غیرقانونی کابل

> اگرکشوری خراب وتباه می شود می توان بآبادی وعمران جدید آن امید پرورد.
> اما اگر یک ناخن ازخاک کشور غصب والحاق شود قابل تحمل نیست. دانشمندی گفته است: «کشوری که ویرانه ندارد تاریخ ندارد.» باید برآن افزود که اگر ویرانهٔ خودرا ازدست داد هیچ ندارد.
> یک لحظه نباید تصورکرد که مطامع روس درافغانستان به واخان محدود خواهد ماند.

قرار اطلاعات مطبوعاتی مطابق به قراردادی میان روسیه متعرض و مهاجم ورژیم دست نشاندهٔ آن در کابل که هنوز نشر نشده است روسها کوریدور واخان راکه جزء لاینفک

خاک افغانستان است الحاق کرده اند. منابع نشراتي جهان که قبلاً به امکانات و احتمالات این اقدام روسها اشاره کرده بودند. در هفته های اول ماه نوامبر سال ۱۹۸۶ نشرات مبنی بر اطلاعات مؤثق ترکردند. تاکنون هیچگونه خبری ازمنابع روس و رژیم کابل که این اخبار را رد و از آن انکار کنند نشر نگردیده است. سکوت روس ورژیم کابل درین موضوع که بیانگر مطامع روس درافغانستان است و مقدمهٔ تطبیق نقشه های روس در ساحهٔ برآوردن مأمول شان برای غرض شوم تجاوزو تعرض برتمامیت خاک که اصل استوار وحق ثابت یک کشور آزاد است روشن ترین مثال تخلف روس ازاصول قوانین بین المللی است .

در عین زمان موافقه به الحاق یک قسمت خاک افغانستان ازجانب رژیم کابل وعدم کوچکترین اشاره به تحمیل آن موید بزرگ ترین خیانت ملی ووطن فروشی رژیم کابل است که نسل امروز وفردای مردم افغانستان و تاریخ آنرا فراموش کرده نمیتواند ، موافقه حکومت غیرقانونی ودست نشاندهٔ اجنبی درحال قیام عمومي ملت افغانستان وجنگ گرم وحضورعساکر اجنبی درخاك افغانستان درنزد هیچ محکمه مبنی برحقوق ملل ومردم وعدالت بین المللی اعتبارقانوني واخلاقي ندارد .

جای تعجب است که باتمام قهروغضب اکثریت مردم افغانستان که ازداخل وخارج کشوربرانگیخته شده است

نعرهٔ اعتراض براین عمل روس و رژیم کابل به اطلاع وسمع این نویسنده بشکل ابلاغیه رسمي از منابع نشراتی تنظیم ها و گروه های مجاهدین نرسیده است. از اخبار مجاهدولس که درینوقت نظر به مشکلات معطل بوده توقع می رودکه درنخستین شمارهٔ بعداز تعطیل این صدا رابا همه قوت که درتصرف ان است بگوش جهانیان برسانند ومسوولیت عظیم ارباب نشرات حلقه های مبارزین ملي ومجاهدین وحکومت هائیکه به اصول احترام به حقوق ملل وبا مردم افغانستان دعوای دوستي وهمدردي دارند ونیزمؤسسات غیرحکومتی رادرقبال شان بگذارد وحق ثابت مردم افغانستان رابه تلعین این اقدام وعدم قبول آن به هیچ وجه ازوجوه محفوظ ابلاغ کند. عجیب است که کشورهای کنفرانس اسلامي ، دیگرکشورهای آزاد وبیطرف درین موردتاکنون سکوت اختیارکرده وعجیب تر آنکه دبیرکل ملل متحد ونمایندهٔ خاص او هنوز برای ادامه گفتگوهای بنام شهنوخود ومردم افغانستان وجهان رافریب میدهند. آیا دروقتیکه این گفتگوها ظاهراً برای برون رفتن قشون شوروی دوام میکند با پالیسی استعماري روس هرگونه حل سیاسي معضلهٔ افغانستان مفهوم خودرانمي بازد؟! اگر تامیت خاك کشوری احترام نشود چگونه توقع مي توان داشت که ملتی که بیشتراز هفت سال برای دفاع ازحقوق خود می جنگد اینگونه راه حل سیاسي راقابل قبول وشایان تحمل بداند؟!

محتويات كامل معاهده سري رژيم غيرقانوني وتحت‌الحمايه روس دركابل هنوزمعلوم نيست اگرچه چين براقدام روسيه — اعتراض كرده است ازجانب روسيه جواب اين اعتراض درنشرات جهاني پخش نشده است. الحاق واخان علاوه برآنكه جغرافياى همسرحدي چين رابا آسياى مركزى تغييرميدهد روسيه را با پاكستان نزديكتر مى سازد. اما با اينهمه درمجمع عمومي امسال ملل متحد پاكستان بهترين موقع وفرصت اعتراض راازدست داد وآنرا حتى به اطلاع اعضاى ملل متحد نرسانيد. حتى قرارگفته يكى ازنما يندگان يك كشوراسلامي كوشش شد كه كشورهاى ديگرى نيزبه سكوت ترغيب شوند. منشى عمومي ملل‌متحداعلان روسيه رامبنى به خارج كردن شمارقليلى ازقشون سرخ نه تنها درراپورت خود به مجمع عمومي تذكرداد. بل آنرا ستود اما ازالحاق يك قسمت خاك افغانستان سخن نگفت. (درحاليكه پيش‌ازخارج شدن نمايش اين شمارقليل بجاى آن عساكرتازه دم آورده شده بود). كربودن ياخود راكرانداختن ديگران معناى كوربودن مردم مبارزو آزاديخواه افغانستان وكسانيكه بصيرت سياسي دارند بوده نميتواند. اگرچه اينگونه اعمال پوشيده نمي ماند قابل تأسف عميق است كه موقع افشاى آن دراولين ومساعدترين فرصت بويژه ازطرف كسانيكه خودرا همدرد مبارزين ملى وملت افغانستان ميدانند ازدست داده شود وقابل تأسف عميق تراست كه تنظيم هاى

سوال:- محترم اقای پژواک، جناب شما که از مدت ها به عنوان نماینده دایمی افغانستان در موسسه ملل متحد ایفای وظیفه فرموده اید وبناء از نزدیک باجریانات ملل متحد - مخصوصاً در ارتباط با بحث روی قضیه افغانستان وقطعنامه امسال این مجمع روی مساله افغانستان آشنائی دارید لطفاً به شنوندگان محترم ما نظرات وبرداشت های تانرا درین مورد بخصوص میتوانید توضیح فرمائید ؟

جواب:- به کمال خوشی، ازطرح سوال شما در باره بحث درموضوع افغانستان درمجمع عمومی موسسه ملل متحد که درماه نوامبر سال جاری صورت گرفت مسرورم زیرا بمن موقع میدهد که نقطه نظر ازادیخواهان افغانستان را اظهار وموقف شانرا دربرابر تصمیم نامه ایکه به تصویب رسید روشن نموده وبروی ریکارت بگذارم. همکاری صدای امریکا را صمیمانه تقدیر میکنم زیرادرین دورتاریخ که مردم افغانستان درداخل خاک خویش با قیام عمومی ومسلح علیه تجاوز نظامی روسیه ورژیم تحت حمایت این دشمن متجاوز اجنبی میجنگند ودرساحه بین المللی مقدرات افغانستان مورد بحث قرار میگیرد مردم افغانستان درداخل کشور ازاظهار عقاید وافکار بطور قطع محروم اند وآنانیکه به ترک وطن مجبورگردیده اند. درموسسات بین المللی ازقبیل ملل متحد وغیره موقع اظهار نظر واشتراک درمباحثات را ندارد ویگانه وسیله ایکه برای دفاع ازحقوق

مجاهد ومبارزبه اشارهٔ مبهمی ازیک طرف یک سخنگو اکتفا کردند.

قرار اطلاعات رژیم کابل در آغاز مداخلهٔ سیاسی ونظامي روس درافغانستان قبل از ۱۹۸۰ با امضای معاهدهٔ سري این بخش خاک افغانستان عملًا درتصرف روسها گذاشت ومامول سیاسي ونظامی روسها راکه ازصد سال درپی برآوردن آن بودند برآورد. درظرف چند سال گذشته ادارهٔ نظامی وملکي واخان تماماً دردست قشون سرخ بوده حق ازافغانهای مربوط به رژیم کابل اجازه رفتن به این بخش خاک افغانستان سلب گردیده وازجانب روسها رسماً بحیث بخشی ازتاجکستان شمرده شد. عملیات نظامی روسیه درافغانستان ازجانب قوماندانی عسکری نمره «چهل» روسیه ازترمز TERMEX درازبکستان رهنمائی می شود اما رهنمائی عملیات روسیه درواخان ازین قوماندانی منفک و از مرغاب درتاجکستان اداره می شد ومی شود. یک سرک سوق الجیشی ازمرغاب به واخان تمدید گردیده ویک تونل دردرهٔ اندمین ANDEMIN PASS ساخته شده است.

چونکه موضوع این مقال محدود به جلب توجه الحاق واخان است معلومات مفصل از نهان مهاجرین قرغیز درینجا گنجایش ندارد درحال حاضر راه مهاجرت از واخان نیز مسدود است.

برطبق اطلاعات موضوع واخان در ملاقات سران امریکا و روسیه در آیسلیند تذکر داده شده است اما تا کنون به اطلاع عامه نرسیده است. انشاء الله درمقاله آینده روشنی بیشتر برموضوع انداخته خواهد شد.

ازدست دادن اولین ومساعد ترین فرصت بلا شبهه دردفاع منافع ملي بویژه مسایل بزرگ مانند رخنه درتمامیت خاك البته اشتباه بزرگ است اما اشتباه بزرگتر آنست که آنچه

در دست توان است برای رفع این اشتباه صورت نگیرد.

ازینرو لازم وحتمی است که :

اول : تنظیم های مجاهدین در یک ابلاغیه مشترک علیه این اقدام روس انزجار عمیق خود را ابلاغ وآنرا درطی نامه های سربسته و مستقیم به منشي عمومي ملل متحد ، رئیس حرکت - کشورهای آزاد جهان برسانند . ونیز به رئیس مجمع عمومی ملل متحد و شورای امنیت اطلاع بدهند .

دوم : نشرات آزادیخواهان افغانستان همگان این ابلاغیه را نشر ودر پیرامون آن نشرات وتبصره های خود را آغاز نموده ودوام بدهند .

سوم : درمساجد جامع وکوچک کافهٔ مردم افغانستان در داخل وخارج کشورآگاه شوند . وعلمای اسلامي فتویٰ بدهند وتبلیغات اسلامي وملي را از وجایب اسلامي وملي خود بدانند .

چهارم : مهاجرین افغان درهمه کشورهای جهان افکار عامهٔ این کشورها را توسط مظاهرات وهر وسیله دیگرکه در دست داشته باشند جلب نمایند .

پنجم : اطلاع پارلمان های دنیای آزاد درهمه قاره ها و بطورخاص دراروپای غربي لازمي وحتمي است .

ششم : ازکنفرانس اسلامي باید جداً مطالبه شود که این موضوع را با جدیت تام به حکومت های اسلامي مورد

بحث قرارد هد وهمکاري عملی ایشانرا درمجامع بین المللي بجوید.
اگرکشوری خراب وتباه مي شود مي توان بآبادی وعمران جدیدآن امید پرورد. اما اگر یک ناخن ازخاک کشورغصب و الحاق شود قابل تحمل نیست.
دانشمندی گفته است: "کشوری که ویرانه ندارد تاریخ ندارد." باید برآن افزود که اگرویرانهٔ خودرا ازدست داد هیچ ندارد.
یک لحظه نباید تصورکرد که مطامع روس درافغانستان به واخان محدود خواهد ماند.
این نویسنده نمیتواند شعری راکه چهل سال پیش سروده است درختم این مقال بخاطرنیاورد:

دادمی خواهم نپنداري که زاري میکنم
ضجة های زارمن فریاد استرحام نیست

مجاهدولس: مبارزین ملي افغانستان بایدبدانندکه ریگن باگربه چف دربارهٔ افغانستان به تفاهم رسیده ومردم ستم دیدهٔ افغانستان رابا خطربزرگ مواجه نموده اند ومیخواهند توسط میزبان افغانهای مهاجراین دسیسه راعملی نمایند.

وما علینا الاالبلاغ

شمارهٔ ۷، سال سوم مجاهدولس ، ۱/ ۱۱/ ۱۳۶۵

گوربه‌چف در هندوستان نجیب در مسکو

هنگامیکه نشر مجاهد ولس معطل بود والینیتن فالن که درالمان فدرال عهدهٔ سفارت روسیه راداشت واکنون رئیس آژانس نووستی NOVOSSTI PRESS AGENCY است واز مشاورین مقرب گوربه‌چف میباشد بعدازختم مسافرت گوربه‌چف به هندوستان اظهاراتی کرد که آگاهي مردم افغانستان وتوجه جهانیان به آن لازم است اینک ترجمهٔ آن راکه در یک اطلاعیهٔ تلگرافي از طرف اژانس OMNI PRESS به ملل متحد مخابره شده است به منظور آگاهي هموطنان عزیز از روی یادداشت هاي خود به مجاهد ولس تقدیم میکنم.

اظهارات فالن:

« قشون روسیه تنها درصورتی بطورکامل ازافغانستان خارج خواهد شد که شرایط مساعد درافغانستان ایجاد شود.

شرایطی که در آن راه برای آشتی سیاسی در آن کشور هموار گردد بعد از آن که یک حکومت نماینده خود را مستقر و مستحکم بسازد. در مصاحبه منتشرهٔ اخبار ANDIAN EXPRESS هندوستان مورخهٔ ۲۷ نوامبر فالن اظهار داشته که اگرچه سکرتر ژنرال حزب کامیونست شوروی میخایل گوربه‌چف بتاریخ ۲۳ نوامبر در یک مصاحبهٔ تلویزیونی با ژورنالست های هندی اظهار امیدواری کرد که گفتگوهای غیرمستقیم روی موضوع افغانستان با بتکار ملل متحد بزودی نتایج مثمر خواهد داد پنج تا هفت سال حتی بیشتر از آن برای خارج شدن قشون شوروی بکار است.

فالن که با گوربه‌چف اینجا (هندوستان) اینرا نیز گفت که « حکومت امریکا به تقریبا یکصد و بیست هزار « داره‌ماران » BANDITS در خاك پاکستان اسلحه میدهد و بتوسط مربیون نظامی خود ایشان را تعلیم و تربیه میکند و آنها را برای فعالیت های ترور در افغانستان آماده میسازد. اگر این تجاوز متوقف گردد و درین زمینه ضمانت داده شود که دیگر این اعمال تکرار نخواهد شد البته قشون روسیه بصورت کامل و فوری خارج خواهد شد. مساعی آشتی گری آغاز گردیده است و دو نفر که قبلاً با حرکت مقاومت افغانها همدست بوده اکنون اعضای کونسل دولتی هستند و از سعی در راه آشتی پشتیبانی میکنند. اگر قشون روسیه بطور

کامل خارج شوند روسیه اندیشه دارد که برای مداخلهٔ امریکا تسهیلات فراهم خواهد شد که پایگاه های نظامي در آن کشور قایم کند. باغیان افغان در بدل کشتن معلمین، عمال پارتي وسپاهیان قشون افغان پول مي گیرند واین یک مثال کلاسیک داوطلبان مزدور جنگ است که کارشان ترور سیاسي است. برعکس امریکا، روسیه یک افغانستان آزاد وبیطرف مي خواهد.»

ختم متن تلگراف.

کوردوویز بعد از مسافرت به افغانستان وپاکستان اظهار داشت که رژیم کابل وحکومت پاکستان اظهار موافقه کرده اند که گفتگو های ژنو دوام داده شود.

نجیب باراول بعد از اشغال کرسی ببرك به مسکو رفت. بفاصلهٔ یکروز عبدالستار سکرتر ژنرال وزارت خارجهٔ پاکستان نیز به مسکو مسافرت نمود. تبصرهٔ مطبوعات این بود که مذاکرات در مسکو صورت میگیرد که منظور از آن طرح پالیسي جدید است. همزمان با این جریان وزیر دفاع رژیم کابل از وزارت دفاع منفک گردید. ونیز شاه محمد از وزارت خارجه منفک و به حیث نمایندهٔ دایمی رژیم کابل در نزد ملل متحد ووزیر دولت در وزارت خارجه نامزد گردید ووکیل بحیث وزیرخارجه نصب شد. گفته شد که به ببرک سفارت رژیم را درچکوسلواکیا پیشنهاد کردند اما با آن موافقه نکرد. کشتمند از انظار پنهان است.

منابع اطلاعاتي خبردادند که پاکستان ، روسیه ورژیم کابل بر موضوعات دیگر گفتگوهای ژنوبه موافقه رسیده اند اما به مدت خارج شدن قشون روس موافقه ای بعمل نیامده است.

روسیه بحداقل هفت سال دیگر برای خارج شدن مطالبه میکند. اگر پاکستان موقف جدید اتخاذ کرده باشد یا بکند در بارهٔ آن تا تاریخ نوشتن این سطور اطلاعی نشر نگردیده است. موافقهٔ پاکستان با دوام گفتگوهای ژنو بطور واضح به عدم ثبات آن به اصرار بر مطالبهٔ سابق که درظرف چند ماه باید روسها خارج شوند دلالت میکند زیرا قبول مرحلهٔ دیگری برای گفتگوهای ژنو که تاریخ آن معلوم نیست بذات خود مفهوم چند ماه را ازمیان می برد و وقت بیشتر به روسها تقدیم میکند که نقشه های سیاسي ونظامي خودرا تطبیق کنند.

از احتمال بعید نیست که سکرتر ژنرال وزارت خارجهٔ پاکستان در مسکو با نجیب ملاقات کرده باشد و اینهم معلوم نیست که وزیر خارجهٔ جدید رژیم کابل با نجیب بود یا نه اگر پاکستان با نجیب یا وزیر جدید خارجهٔ او ملاقات کرده باشد مفهوم اینکه پاکستان با رژیم کابل مستقیماً گفتگو نمیکند نیز ازمیان میرود زیرا تماس مستقیم در مسکو باشد یا ژنو فرقی ندارد.

اگر روسها موفق شوند که پاکستان را قانع بسازد که رژیم کابل رژیم سابق نیست و قابل شناسائی ازجانب پاکستان است کمال موفقیت سیاسي را بدست خواهند آورد و موفقیت ایشان ناکامی

مطلق پاکستان است .

درهمه حالات ما با اینگونه بازي فریب نمی خوریم، زیرا برای ما مسله حیات وممات است . اگر پاکستان مانند شترمرغ نجات خود را با فرو بردن سر زیر ریگ بیابان جستجو کند خودرا فریب میدهد واگر دنیای آزاد بویژه امریکا آنرا اجازه دهد یا تائید کند دانش سیاسی را تمسخر میکند .

اگر بفرض محال رژیم کابل موفق شود که چند تن خود فروش رادر بدل مقام وقدرت وامتیازات مادی باخود همکار معرفي کند و پاکستان وامریکا درژینو یا مسکو یا جای دیگری بآن موافقه کنند بدون سهم داشتن مبارزین ومجاهدین چگونه میتوانند آن را در ساحهٔ تطبیق عملی بگذارد ؟! آری یک شکل امکان دارد و آن اینست که با فشار بر مجاهدین وآزادیخواهان آنرا برایشان تحمیل کنند . این فشار جز آنکه همدردی ومعاونت خودرا با یشان قطع کنند وشرایط روس را بپذیرند بوده نمی تواند در آنصورت این مردم مجبور میشوند مجادلهٔ خودرا با دست خالی به داخل خاك افغانستان انتقال بدهند . آیا اینگونه فشار جز سپردن مطلق مجاهدین ومبارزین به روسها ورژیم کابل چیزی دیگری بوده میتواند ؟!

درین جالازم است تذکر داده شود که در سفر اخیر نجیب به مسکو گورباچف درنطق خود بطور روشن وصریح اظهار داشت (بتاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸٦) که روسیه دوستان خودرا تنها نخواهد گذاشت واین حمایت را « موقف پرنسیپ » خواند . اصطلاح « موقف

پرنسیپ » عیناً معنای تمسک به « دوکتورین برژنف » است.
آیا نمی شاید که درمقابل تمسک روسیه به پرنسیپ دوکتورین
برژنف « دوکتورین ریگن » و پرنسیپ " دنیای آزاد » با آوردن
فشار بر آزادی خواهان وتنها نگذاشتن شان درچه موقع قرار
می گیرد ؟! آیا نمی باید از پاکستان پرسید که تمسک به پرنسیپ ادای
فریضه ٔ اسلامي به حیث انصار در معاونت با مهاجرین ازجانب
یك ملت وحکومت اسلامي چه شد ؟! این سوال عیناً باید از ایران
و دیگر کشورهای اسلامي بشود و نیز کشورهای بزرگ وکوچك
آزادی خواه اروپا و دیگر قاره ها به آن مواجه شوند که هستند.
اشاره گوربه چف به « موقف پرنسیپ » شکی باقی نمی گذارد که
با آمدن وی در پالیسی روسیه تغییری واقع نشده . این نطق بعد
ازملاقات وی با نجیب بود وقرار اطلاع آژانس گوربه چف افزود
که « ما اراده نداریم که قشون ما درافغانستان دیر بپاید اما آنچه
برآمدن قشون را تسریع کرده می تواند همانا رسیدن یك موافقه
عادلانه برمسایل پیرامون موضوع افغانستان است » این
گفتار اصرار بر شرایط غیر عادلانه روسیه است که آنرا بطورخاصی
در گفتگو های ژنو مطرح کرده است و مؤید تفسیر والینیتن
فالن است که درمتن تلگراف مذکور است .

شماره هفتم سال سوم مجاهد ولس ۱ / ۱۱ / ۱۳۶۵

یاحق!

سر و صورت گفتگوهای ژنو:

گفتگو صورت گرفت امّا سر نگرفت

این مقاله متصل به ختم مرحلهٔ اخیر گفتگوهای ژنو به مجاهد ولس رسید. اما متأسفانه در اثر اعتصاب - غذائی ولس مل و معطل شدن نشر اخبار مجاهد ولس نشر نشد برای حفظ دوام سلسلهٔ نظریات نویسندهٔ آن و — منظور ثبت موقف مبارزین آنرا اکنون نشر میکنیم.

— مجاهد ولس

مرحلهٔ اخیر گفتگوهای ژنو. دون کدام موافقه یا پیشرفت به تعویق افتاد و تاریخی برای از سر گرفتن آن

مردم خود دارند وسایل نشراتی دنیای ازاد است که صدای امریکا یکی ازآنهاست وحتی وسایل شان به توسل به این دستگاه ها خیلی محدود است .

من نخست برهمه چیز از همه کشورهای عضو ملل متحد که تصمیم نامه مصوبه ماه نوامبر امسال رابه مجمع عمومی ملل متحد تقدیم کردند و همه آن کشورهای که ازان پشتی بانی نموده اند قدردانی نموده ومتشکرم . اما بحیث یک فردی ازازادی — خواهان مردم خویش وظیفه ملی خود میدانم که با صراحتی که ملاحظات وشرایط به من اجازه میدهد به اطلاع آنانیکه صدای من به ایشان میرسد برسانم که درهیچ یک ازمراحل ازمرحلهٔ تسوید تا تقدیم وارائه محتویات این تصمیم نامه با ازادی خواهان افغانستان مشوره نشده است . من بتاریخ ۲۳ ماه سپتامبر به نیویارك آمدم مقصد یگانه مسافرتم این بودکه پیش ازتقدیم تصمیم نامه به مجمع عمومی — نقاط نظرازادی خواهان افغانستان رابه اطلاع کشورهای عضو ملل متحد برسانم تا با توجه به آن نقایصی راکه درمصوبات سالهای گذشته موجود بود تعدیل ورفع نمائیم پیش ازآن که وقت فوت شود . درست درموقعیکه مسوده ترتیب شده بود وکشورهای عضو روی آن داخل مشوره بودند این نظریات رانه تنها شفاهی بلکه کتبی درنخستین جلسه مشورتی روی متن نهائی که طبعاً شخصاً در

درمرحلهٔ دیگري نیز تعیین شده نتوانست. مطبوعات آزاد جهان گفتند که بحث پیرامون برآمدن قشون سرخ بود که روسیه برای آن چهار سال و پاکستان چند ماه پیشنهاد کرده اند.

کوردو ویز ساعت یک بعد ازظهر وقت محلی روز جمعه ۸ آگست در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهاراتی کرد که قبل از تبصره برآن باید گفته شود که تحلیل درست تر موضوع پیش از آنکه راپور رسمي دبیرکل ملل متحد و بیانیه هاي پاکستان، ایران و رژیم کابل و روسیه درمجمع عمومي که در ماه سپتامبر آغاز میگردد مطالعه نشود پیش ازوقت است.

کوردو ویز گفت که موضوع بحث، تقسیم اوقات خروج عساکر اجنبي و ترتیب تطبیق عملي موافقه براین موضوع بود وعلاوه کرد که ترتیب تطبیق موافقه به شکوک قوي طرفین گفتگوها معروض است و یکی بردگر اعتماد ندارند که موافقه را عملاً تطبیق خواهند کرد. وی زیاد کرد که پیشنهادات جدیدی به طرفین کرده است اما نگفت که این پیشنهاد ها چه هستند. درباره اینکه آیا مرحلهٔ دیگري خواهد بود یا نه؟ گفت این منوط به موقف هاي طرفین است که بر چگونه طرز عمل

موافقه خواهند کرد و انعقاد گفتگوهای ژنو بار دیگر یکی از چندین طرز عمل است کوردوویز ایزا هم گفت که ملاقات سران دو ابرقدرت می تواند برخی موانع را از میان ببرد .

خوانندگان می توانند این اظهارات را که با امانت کامل کلمه و روحیهٔ آن با یشان تقدیم کرده ایم تحلیل کنند . آنچه این نویسنده از آن استنباط میکند بیش از ین نیست که مرحلهٔ اخیر که در آخر جولایی آغاز گردید صورت گرفت و سر نگرفت .

کشف بزرگ سیاسي جناب کوردوویزا ینست که از سال ۱۹۸۲ تا کنون که ۱۹۸۶ است پی برد است که طرفین بر یکدگر اعتماد ندارند آنهم بر موضوع تطبیق عملي چیزي که روي آن به موافقت هم برسند .

حالا جلب التفات بچند مسئله لازم است :

۱ - چون در بحث بر اجندا روس ها موفق شدند که بر موضوع اخراج قشون سرخ بعد از موضوعات فرعي بحث شود در اثر این اشتباه سیاسی طرف دیگر روسها بعد از چندین سال چهار سال دیگر را بمیان کشیدند . برآمدن فوري را به برآمدن تدریجي تبدیل کردند . گفتار اخیر گورباچف در باره کشیدن سپاه روس به تعداد هفت هزار تا آخر سال ۱۹۸۶ عنصر مهم

"فوری وکامل" را نیز از بین برده وبطی بودن خروج را روشن ی سازد.

۲ - با عدم موافقه با پیشنهاد طرف دیگرکه مدت سه یا چهار ماه گفته شده است محض عدم موافقهٔ شان در مرحلهٔ هفتم این پیشنهاد را ازمیان ی برد زیرا پیش ازآنکه باز با هم بنشینند وبگویند وبرخیزند اقلاً شش ماه دیگر میگذرد . درحقیقت پاکستان با موافقه با تعویق بدون مقاطعه وقت بیشتر به طرف مقابل تقدیم وتهیه کرده است .

۳ - اگرسران ابرقدرت هاملاقات کنند چند ماه باید منتظر بود ؟ شاید پیش ازختم ۱۹۸٦ یا بهارسال آینده صورت نگیرد .

٤ - مجمع عمومي چندین ماه دوام ی کند بادرنظرگرفتن اینکه موضوع افغانستان چه وقت زیربحث خواهدآمد وتصمیم نامه اسامبله چگونه خواهد بود وبرای تطبیق آن چقدر وقت لازم است ؟ توقع بحث برموضوع افغانستان پیش ازماه نوامبر نمی رود .

۵ - کسانیکه نوشتهٔ این نویسنده راکه بتاریخ ۱۵ جولای درهجادولس خوانده اند میدانندکه موقف روسهاقابل پیش بینی بود درآنجا نوشته شده بود که پاکستان ناکای گفتگوهارا اعلان ومقاطعه کند ودرمجمع عمومي

امسال ملل متحد موضوع را به یک کنفرانس خاص (واکنون فوري) ملل متحد با شمول نمایندگان مبارزین افغانستان وهمه اعضاي دايمی شورای امنیت حواله کند .

۶ - صبر وتحمل بی ثمر پاکستان درمرور چندین سال اگر در بعضی انظار قابل تمجید باشد بیش تر ازین بی ضرر ـ ها نکه تاکنون به منافع ملي ما رسانیده است به ضررهای مزید نه تنها براي مردم افغانستان بل براي پاکستان نیز خواهد انجامید ، وضرریکه به پاکستان برسد نیز یک ضرر دیگر به مردم مجاهد ومبارز مسلمان افغانستان شمرده مي شود .

۷ - ازحکومت جدید پاکستان توقع می رود که بر پالیسی بین ـ المللی خود درقضیهٔ افغانستان بطورجدي تجدید نظرکند .

۸ - ازحکومت امریکا ودیگرکشورهاي دیموکراسي وآزادیخواه توقع می رود که :

الف : با دادن اسلحهٔ مؤثر دفاع هوا وزمین ازمرکزکونسل منتخب حکومت موقتی مبارزین درداخل افغانستان مساعدت عملي وفوري بنمایند .

ب : ازکنفرانس خاص بین المللی که بآن اشاره شد پشتیباني کنند وآنرا به دیگرقضایا مثلاً مسئله شرق میانه شبیه و مربوط ندانند .

۹ - ازهمه کسانیکه با مردم افغانستان درمبارزهٔ شان اظهار

همدردي ميکنند توقع مي رود که مبارزين ملی ومجاهدين افغانستان را بشناسند و در هرگونه مذاکرات حق سهم کامل بدهند. درتصميم نامه امسال ملل متحد بايد اين حق تثبيت وتأمين شود.

۱۰ - درهرگونه مذاکرات آينده بايد دوموضوع اساسي اولتر بحث شود.

اول: اخراج قشون سرخ بصورت فوري، کامل وبلا شرط.

دوم: حق تعيين سرنوشت نظام اجتماعي وسياسي آيندهٔ افغانستان باراده‌ٔ افغانها باساس انتخابات آزاد تحت نظارت ومراقبت بين المللی.

با تثبيت وتضمين اين دواصل ديگر مسايل فرعي خودبخود حل مي شود وبدون آن بحث برديگر موضوعات بي ثمر وعض ضياع وقت است. چنانکه سال ها باين گونه ضايع شد وقشون روس درافغانستان ماند تا نقشه هاي خودرا تطبيق کند.

۱۱ - درتصميم نامهٔ امسال ملل متحد بايد مندرجات فقرهٔ قبل برضاحت تام دوباره داخل گردد خاتمهٔ گفتگوهای ژنيو وبجاي آن کنفرانس خاص بين المللی بصورت فوري تثبيت شود..

۱۲ - اعضای همدرد با مبارزين ملی ومجاهدين که عضو

کومیته اعتبارنامه ها هستند باید موضوع غیر معتبر بودن اعتبارنامهٔ رژیم کابل را در ملل متحد مورد اعتراض قرار دهند و شرکت شانرا در ملل متحد اقلاً تا وقتیکه ارادهٔ مردم افغانستان معلوم شود به تعویق اندازند.

۱۳ - از موسسهٔ کنفرانس اسلامی ٥-C-۱ توقع می رودکه به مطالبهٔ نمایندگان حقیقي مردم افغانستان، یعنی مجاهدین ومبارزین ملي، جواب مثبت داده ونخست برهمه آنها را بحیث عضو کامل موسسهٔ کنفرانس اسلامي بشناسند. این کار ایجاب میکند که یک جلسهٔ خاص فوق العاده به عالي ترین سویه انعقاد یابد. اگر سویهٔ رأس دولت وحکومت امکان عملی نداشته باشد باید به سویهٔ وزراي خارجه کشورهای عضو صورت بگیرد.

۱٤ - این مطالبه از جانب تنظیم هاي مجاهدین ومبارزین ملی منوط به اتحاد ویگانگی محکم است. این مردم باید بدانند که مسئول آیندهٔ مقدرات افغانستان هستند ومردم افغانستان ایشانرا به همان گونه مورد قضاوت ومحاکمه قرار خواهند داد که ایشان مردم مسؤول گذشته رامورد قضاوت قرار میدهند.

۱۵ - علاوه براین اگر یک جبههٔ واحد سیاسی وجود نداشته باشد آنانیکه از ایشان ترقع پشتیباني مي رود کدام کسانرا بشناسند؟ یا آیا این موضوع به انتخاب —

بیگانگان گذاشته می شود ؟

۱۶ ـ اگر خدا نخواسته این مسئولیت درنظر گرفته نشود میتوان آنرا به نا اگاهی حل کرد زیرا اینها همه مردم عالم آگاه ودانا هستند ودرنزد خدا وخلق عذری درخور پذیرش نخواهند داشت .

۱۷ ـ اگر با التفات براین مطالبهٔ اتحاد کامل وصمیم از طرف موسسه کنفرانس اسلامي دربارهٔ مسئله شناسائی بحیث عضو کامل درموسسه فعلاً معاذیر یا موانعی موجود باشد اقلاً بایدازیشان مطالبه شودکه درکنفرانس کشورهاي غیر منسلک وبعداز ان به همکاري آنها در مجمع عمومی ملل متحد درتعدیل تصمیمنامه سهم مؤثر وجدّي وعملي بگیرند .

۱۸ ـ اگر ملاقات سران امریکا وروسیه صورت بگیرد احتمال مي رودکه دراوایل دسامبر درواشنگتون باشد. بگمان اغلب قضیهٔ افغانستان روي اجندا خواهد بود. امّا اینکه بچه شکل وچه عنوان بر آن بحث خواهد شد موجب نگراني است .

این نگراني بیشتر ازعدم ارائهٔ موقف متحد مجاهدین ومبارزین ملي نشأت مي کند اقلاً آنچه از آنها ساخته است اینست که موقف خودرا واضح وروشن و متحدانه به رئیس جمهوري امریکا دریک نامه برسانند.

البته طرز مؤثر رسانیدن آن فرستادن یک وفد متحد است که همه تنظیم ها در آن شریک باشند.

بطور مثال قرار یکه از اطلاعات نشراتی استنباط می شود بر قضیهٔ افغانستان تحت عنوان قضایای منطقوی بحث خواهد شد اما قضیهٔ افغانستان مسئله منطقوی نیست و قضیهٔ جهانی شمرده می شود. اگر جهانی پنداشته نشود امریکا به چه دلیل بران بحث می کند؟ رئیس جمهوری امریکا باید از اشتباهات تهران آگاه گردد. حق افغانستان البته در بارهٔ هر فیصلهٔ بین المللی محفوظ است اما باید رئیس جمهور امریکا درگذاشته شود. بیشتر از همه کس مسئولیت عظیم این امر متوجه تنظیم ها و گروه های مجاهدین و مبارزین ملی افغانستان است. اعتراضاتی که بر گفتگوهای ژنیو وارد می شود. و این نویسنده بار بار آنرا به توجه هموطنان رسانیده است به هرگونه مذاکرات که در آن نمایندگان حقیقی افغانستان حضور نداشته باشند وارد می شود. باید به امریکا و همه کس روشن شود که اگر موافقه ای که مطابق به موقف مردم مبارز افغانستان نباشد صورت بگیرد عواقب غیر مرغوب خواهد داشت و غیر قابل قبول و از آنرو غیر عملی خواهد برد. باید در نظر داشت که دیپلوماسی تامین منافع و حقوق است نه بوجهی از وجوه از آن گذشتن.

شمارهٔ هفتم سال سوم مجاهد ولس ۱/۱۱/۱۳۶۵

استقبال از موقف واحد مجاهدین و مبارزین ملي

اگر جنگ را ببازیم تاریخ ما را ملامت نخواهد کرد زیرا تاریخ ثبت کرده است و میکند که ما با دست خالي با یکی از ابر قدرت ها جنگیده ایم و می جنگیم.

مراد از ملامت تاریخ ملامت نسل آیندهٔ افغانستان است.

امّا دریغ است که در میدان سیاست و تدبیر مغلوب شویم ویا بگذاریم اغیار با تدبیر خویش مقدرات ما را تعیین کنند. زیرا — تدبیر اغیار مبنی بر مفاد و مطامع سیاسی ایشانست نه منافع ملی ما در تحت شرایط کنونی و در تحت شرایط هر زمان، تاوقتیکه افغان و مسلمان هستیم یک وظیفهٔ ملی و یک فریضهٔ دینی داریم و

آن تمسک و اعتصام به حبل المتین خدا و حفظ نوامیس ملي مردم ماست.

هرکس ازین راه سربکشد نه مسلمان حقیقی و نه افغان باغیرت و باناموس است.

اتحاد تنظیم ها و مبارزین افغان دربارهٔ ردکردن آتش بس دروغی رژیم کابل به هدایت روس ها نمایندهٔ ایمان محکم و دانش سیاسي آنهاست خدا بایشان توفیق بدهد که عهد خود باخود و مردم استوار باشند.

اهمیت خاص اتخاذ این موقف آنست که بر اتحاد فکري و توقعات عملی، که نزادهٔ فهم و درک حقایق ازجانب مبارزین و جنگ آوران در داخل کشور و سنگرهای گرم و رهبران تنظیم ها وگروه های مجاهدین و مبارزین بیرون از کشور بوده و مورد تائید همه عناصر صالح و مستقیم افغانهای مهاجر درکشورهای مختلف جهان می باشد و از اینرو محصول درک و احترام آرزو و ارادهٔ مردم افغانستان است.

حیلهٔ سیاسی روس و رژیم کابل که هدف حقیقی آن ایجاد تفرقه میان مبارزین و مجاهدین بود با اتخاذ این موقف ناکام گردید. نوعیت این حیله را خاقانی در یک بیت مورد سؤال قرارمیدهد:

سلطنت و شیطنت هردو بهم داشتن؟؟
مصحف و افسانه را جلد بهم ساختن؟؟

آن مقام اشتراك نميتوانستم داشته باشم به همکاری نماینده یکی از کشورهای عضو به جلسه تقدیم نمودم. این نظریات به شکل ده تعدیل نامه در متنی بود که روی آن مشوره صورت میگرفت وچون همه پیشنهادات ما براساس حقایق و واقعیت های امر و مطابق پرنسیب های ملل متحد بود با التفات شایان استقبال گردید. اما دراثر عدم موافقت یکی از اعضاکه نظریات وی منحصر به ملحوظات کشورخود ش وزاویه تحلیل شرایط و اوضاع بنابرآن ملحوظات خاص بود تصویب نهائی آن به تعویق انداخته شد. و درنتیجه از گنجانیدن آن درمتن مسوده جلوگیری بعمل آمد. ازاینرو یگانه نتیجه مساعی ما همین قدر بود که کشورهای عضواز نظریات ازادیخواهان افغانستان اگاه شوند ودربیانیه های خویش تاحدی که لازم دانند آنرا منعکس سازند اینک برای روشن ساختن این مطالب توجه شما را به نکات ذیل جلب میکنیم.

اول :- این تصمیم نامه تنها به «اخراج» فوری قوای نظامی بیگانه ازافغانستان اشاره میکند، اما «اخراج» بلاشرط وکامل را تذکر نمی دهد. درحالیکه کلمات بلا شرط وکامل عین کلمات مصوبه تصمیم نامه جلسهٔ خاص اضطراری ماه جنوری سال ۱۹۸۰ مجمع عمومی ملل متحد میباشد ونیزدرحالیکه روسیه بعدازتصویب آن

در حقیقت این گفته درست بکرسی نشست که «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد».

البته بعضی مردم سست عنصر که شمارشان قلیل است وخیانت شان عظیم بسوی دشمن روآوردند وخوب شد که نقاب ازین چهره ها برداشته شد واکنون همگان ایشانرا می شناسند.

موقفی که درمقابل روسیه ورژیم کابل گرفته شده از همه جهات وبطورخاص ازین جهت مورد تائید وموجب اطمینان همه افغانها است که:

اول: خروج بلا شرط وکامل قوا ونفوذ روس وهر اجنبي دیگر را از افغانستان مطالبه کرده اند.

دوم: در بارهٔ تعیین سرنوشت ونظام آینده افغانستان تعهد کرده اند که ارادهٔ مردم افغانستان رابطور انتخابي وآزاد احترام خواهند کرد.

سوم: راه حل سیاسي را ازطریق مذاکره با طرف حقیقی یعنی روسیه بطور مستقیم رد نکرده وآنچه رارد کرده اند شناختن رژیم کابل است.

درساحهٔ بین المللی تصمیم نامهٔ آخرین کشورهای اسلامي درمجمع کویت به سویه سران دول وحکومت ها برآمدن - بلا شرط وکامل روسها را تائید کرده است.

گفتگو های ژنوکه درختم مرحلهٔ اخیرآن معلوم نبود چه وقت صورت خواهد گرفت وبعد از چندی اعلان شد که بتاریخ ۱۱

فبروری صورت خواهد گرفت بتاریخ ۳۰ جنوری به تعویق افتاد وگفته شد که شاید به ۲۵ فبروری صورت بگیرد .

دلیل ظاهری آن رفتن وزیر خارجهٔ پاکستان به مسکواست . واین نویسنده علامه ای ندارد که نظریات خودرا دربارهٔ غیرمثمربودن این گفتگوها تعدیل کند امّا درین مقال لازم نمیداند اظهارنظر کند تاحقایق خود آشکار شوند .

امامهم است تذکر داده شود که وزیرخارجهٔ پاکستان بعد از تصمیم مجمع قرین به مسکو می رود ومسوول است دراتخاذ موقف پاکستان تصمیم نامهٔ سازمان کنفرانس اسلامي رااحترام کند .

پیرامون این موضوع انشاءالله درآینده بحث خواهیم کرد .

۳۱ جنوری ۱۹۸۷ واشنگتون

شمارهٔ ۹ ، سال سوم مجاهدولس ۱/ ۱۲/ ۱۳٦۵

یاحق!

پیرامون گفتگوهای ژنیو پیش از ۲۵ فبروری

قرار بود گفتگو های غیر مستقیم در ژنیو میان حکومت پاکستان و رژیم نامنهاد کابل به میانجگیری کوردوویز نمایندهٔ خاص دبیر کل ملل متحد که ازچند سال باینسو بطور غیر مثمر صورت گرفته و رسماً تنها به حکومت ایران که از هر نوع شرکت ابا ورزیده است اطلاع داده میشود. درختم مرحلهٔ — آخرین خود بتاریخ ۱۱ فبروری آغاز شود امّا بعد از مسافرت کوردوویز به اسلام آباد و کابل اعلان شد که کابل و اسلام آباد موافقه کرده اند که انعقاد مرحله جدید از ۱۱ فبروری به ۲۵ فبروری به تعویق انداخته شود درین مدت چند تماس دیپلوماسی صورت گرفت که می شاید در بحث براین

مقال بعضی آن را تذکر داد .

۱- نجیب به مسکو رفت و همزمان با آن عبدالستار شخص دوم وزارت خارجهٔ پاکستان نیز به مسکو مسافرت نمود.

۲- یکی از معین های وزارت خارجهٔ روسیه به اسلام آباد سفرکرد ونیز یکی از معین های وزارت خارجه امریکا به اسلام اباد رفت .

۳- وزیر خارجهٔ پاکستان به مسکو رفت وگفته شد که بار دیگر در راه مسافرت به ژنیو درمسکو توقف خواهد کرد .

٤- کوردوویز نیز به مسکو رفت ونیز با تهران وهم با واشنگتون تماس گرفت .

۵- وزیر خارجهٔ ایران به مسکو رفت .

ونیز در مذاکرات وفد های چین وروسیه درضمن موضوعات مربوط به مسایل خود شان نسبت به موضوع افغانستان تذکراتی ردوبدل شد وهمچنین مدت ملاقات های معمول میان امریکا و روسیه دوام کرد.

اینهمه در اذهان سؤالاتی تولید کرد که جواب آن تاکنون معلوم نیست اعنی معلوم نیست که :

الف : ایا عبدالستار ونجیب درمسکو باهم بطور مستقیم حرف زدند ؟ یا آنکه پاکستان موقف خودرا در نه شناختن رژیم کابل حفظ کرد . چرا این تماس همزمان صورت گرفت ؟

ب : بخش سیاسی امریکا درین ترتیب سیاسي چه بود ؟

ج : سابق دو مسافرت وزیر خارجهٔ پاکستان درظرف یکماه چه بود ؟

جواب اینگونه سوالات را می توان بعداز اغاز گفتگوها به تاریخ ۲۵ فبروری تا ۳ هفته دیگر بعداز آغاز تاحدی حدس زد.

اگر به اوضاع در ساحه سیاسی و دپلوماسی توجه شود واضح می شودکه در موقف سیاسی روسیه هیچگونه تغییری واقع نشده است اما در تکتیک دپلوماسی آن شاید چیزی راکه به تغییر منسوب شود می توان تذکر داد. بطور مثال روسها بیشتر به صورت مستقیم وارد صحنهٔ دپلوماسی شده اند.

به موجودیت مؤثر مقاومت ملت افغانستان در برابر تجاوز خود و استقرار رژیم کامونیزم پی برده اند.

تکتیک ترغیب و فریب دادن پاکستان را اختیار و تکتیک فریب دادن افغانها را ازراه اظهار امادگی به « اشتی » ملی روی کار آورده اند. که البته فریب دادن افکار عامهٔ جهانی جزء لا ینفک این بازي دپلوماسي است.

ازطرف دیگر متاسفانه در امریکا سیاست واحدی بوجود نیامده است. قصر سفید و وزارت خارجهٔ امریکا سیاست واحد ندارد. درموقف قصر سفید تغییری واقع نشده است امّا درنظریات نسبتاً منفی وزارت خارجهٔ امریکا نیز کدام تغییر مثبت

بوجود نیامده است. در کانگرس (خانه نمایندگان وسنای امریکا) حزب جمهوری وحزب دموکرات هر دو موقف مثبت خود را تاکنون در بارهٔ افغانستان حفظ کرده اند.

تکتیک ترغیب وفشار بر پاکستان ازجانب روسیه بحال خود مانده است.

روسها با پاکستان طوری معامله میکنند که مرد وردگ با قاطر خود معامله میکرد از یک طرف به این قاطر زردک تقدیم میشود و ازجانب دیگر تهدید باچوب که قاطر را به حرکت سوی منزل مطلوب خود براند. معلوم نیست که این قاطر به زردک تطمیع خواهد شد و یا ازچوب خواهد هراسید. به عبارت دیگر وضع مبهم ومجهول است که آیا پاکستان به حکم دانش سیاسی برای حفظ منافع خود وبحیث یک ملت مسلمان به دستور فریضهٔ دینی انصار درمقابل مهاجرین چه راهی را اختیار خواهد کرد.

در همه حال موافقه باموقف کنونی روسیه یک معنیٰ دارد وآن فروختن منافع ملی افغانستان، فروختن خون شهیدان مجاهد ومبارز است.

بعضی منابع اطلاعاتی از زبان کوردوویز خبر دادند که با سران تنظیم های مجاهدین مشوره شده است. وحدس زدند که این مشوره را حتماً حکومت پاکستان کرده خواهد بود. این اشاره جالب دقت وتعمق است.

موقف تنظیم ها وگروه های مجاهدین ومبارزین ملی افغانستان درباره گفتگوهائیکه در آن به ایشان فرصت وموقع اشتراک مستقیم و مستقل داده نشده است، اقلاً بطور علنی معلوم است. تا جائیکه به این نگارنده معلوم است حکومت پاکستان گاه گاه به میل واراده خود بطور مجمل سطحی وسرسری ازجریان گفتگوها در داخل چارچوب سیاست و دیپلوماسی خود به تنظیم ها اطلاع میدهند که به هیچ وجه نمیتوان آن را «مشوره» خواند اگر این گفته درست نباشد رهبران تنظیم ها درنزد مردم خود مسول هستند که حقایق را با یشان بگویند.

حق آگاهی مردم از نفس الامر یک حق ثابت بشری است.

اگر در پایان گفتگوهای ژنو چنان وانمود شود که نتیجه غیرعادلانه ومنافی منافع ملی افغانستان به «مشوره» مجاهدین ومبارزین صورت گرفته است هیچکس نخواهد توانست خودرا در نزد خدا وخلق بری الذمه بیابد. هرنوع دیپلوماسی که نتیجه آن از دست دادن منافع ملی باشد نادرست وحق دیپلوماسی نیست. دیپلوماسی تنها وتنها یک معنی دارد وآن تامین منافع است. در غیر آن جُبن اخلاقی و بی التفاتی به دانش سیاسی مقام فریب خورده پائین تر از فریب دهنده است. زیرا فریب دهنده مرتکب گناه فریب دادن است اما در برابر فریب خورده به مراد خویش رسیده است فریب خورده خودرا به بیدانشی وناکامي تسلیم کرده است. اعنی در ساحه دیپلوماسی نباید فریب داد ونباید

فریب خورد.

امروز مسلمان ها و افغانها یک فریضهٔ دینی، یک واجب اخلاقی و انسانی و یک مسولیت ملی و وجداني دارند و ان اینست که با دانش و دقت تکتیک شیطان را رد کنند و از حکمت خدا پیروي کنند.

مراد از نگارش این مقال محض تهیه یک مقدمه برای اظهار مطالب بر گفتگوهای ژنو بتاریخ ۲۵ فبروری است. انشاءالله

شمارهٔ اول سال چهارم مجاهد ولس، ۱۳٦٦/۱/۱

(یاحق)

به تعقیب گفتگوهای ژنواز (۲۵) فبروری تا (۱۰) مارچ

گفتگوهای غیرمستقیم میان رژیم کابل وحکومت پاکستان بسویهٔ وزرای خارجه به میانجیگری کوردوویز به تاریخ ۲۵ فبروری آغاز گردید. درجمله اطلاعات روز اول انطباع بعضی نامه نگاران آن بود که بار اول درظرف پنج سال جستجوی صلح اشخاصیکه درین گفتگوها شرکت دارند طوری وانمود می‌کنند که به کامیابی امیدوارهستند. موضوع عمدهٔ مسلهٔ برآمدن قوای روسیه از افغانستان است. موضوع تشکیل حکومتی که بعد از خروج روسیه روی کار آید از گفتگوهای ژنیو بیرون گذاشته شده و به روسیه ورژیم کابل وکسانیکه درمقابل آنها ی جنگد مربوط است. کوردوویز

بطورخاص از بطائت پیشرفت مذاکرات شکایت دارد و شخصاً ضرورت آنرا حس میکند که یکنوع حکومت بیطرف آشتی ملی بوجود آید که باید روسیه از عدم مخالفت آن اطمنان مطلق داشته باشد. عبدالوکیل وزیرخارجه رژیم کابل در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار کردکه تقسیم اوقات مشخص دردست دارد. و نیز حاضراست که روی موضوع تشکیل یک حکومت مختلط رژیم کنونی کابل وگروپ های مقاومت مذاکره کند. اگرچه تاکنون مساعی رژیم کابل و روسیه درراه تاسیس این نوع حکومت ناکام است رژیم کابل و روسیه میخواهند هرچه زودتر اینکار سروصورت بگیرد تا مطلوب حقیقی آنها که قطع کردن هرگونه معاونت برای ادامهٔ مقاومت وجنگ از جانب مجاهدین است حاصل شود درحلقه های دپلوماسی دنیا ی آزاد موضوع حق سرنوشت مردم افغانستان بارادهٔ آزاد خود شان بیشتر مورد بحث وصحبت است که حاوی مطلوب انتخابات آزاد و برگزیدن نوع ونظام آینده بدون هرگونه مداخله ونفوذ خارجی ازجانب مردم افغانستان است.

ازجانب دیگراگرچه صاحبزاده یعقوب خان وزیرخارجه پاکستان هنوز اظهاری نکرده است که برنتیجهٔ دومسافرت وی درظرف یک ماه به مسکو روشنی بافگند درقرارگاه وفد پاکستان ظاهراً یک نوع خوشبینی محتاطانه احساس می شود.

تصمیم نامه تعداد عساکر متجاوز را در افغانستان دو چند ساخته تصویب تصمیم نامه قویتری را از جانب ملل متحد ایجاب میکرد نه آنکه ضعیف تر.

۲ - اگرچه درین تصمیم نامه حق غیر قابل انکار مردم و ملت افغانستان در تعیین سرنوشت شان مضمر است اما از تذکر آن به صراحت تمام خود داری شده است.

۳ - در قسمتیکه به بذل مساعی برای یافتن راه حل سیاسی قضیه اشاره میشود درباره سهم مجاهدین مبارز و آزادیخواهان افغانستان و اینکه مقصوداً ساسی هرگونه حل سیاسی باید مطابق آرزومندی کافهٔ مردم افغانستان باشد ساکت مانده است.

٤ - دربارهٔ مصونیت، حاکمیت ملّی استقلال و تمامیت ارضی افغانستان تنها به «حفظ» آن اشاره رفته است درحالیکه از نقطه نظر واقعیت باید «استرداد» و «اعاده» این حقوق ملّت افغانستان که در اثر تجاوز نظامی روسیه پامال شدند مطالبه میشد.

وانگاه دربارهٔ مصونیت و تضمین حفاظت آن سخن میرفت.

۵ - تعدیلاتی که ما پیشنهاد کرده بودیم برای درنظرگرفتن آن مطالب بود که اساس حراست منافع ملّی افغانستان است و هرنوع ترتیبی که از تامین و تضمین منافع ملی افغانستان عاری باشد هرگز و به هیچ صورت نمی تواند مورد قناعت و قبول مردم

در مسکو فرقی در موقف روسیه اعلان نشده است. مدت برآمدن قوای شوروی هنوز چهارسال ازجانب روسیه وچهارماه ازجانب پاکستان است اگرچه وزیرخارجه روسیه ضرورت ۲۲ ماه را در تایلند تذکر داده است.

در واشنگتون سناتور همفری رئیس کومیته خاص کانگرس درموضوع افغانستان) مفکوره حکومت ائتلافی رژیم کابل را «خطرناک» خواند وگفت «این مفکوره معنای فروختن منافع مبارزین آزادیخواه افغانستان را دارد» و علاوه کرد که حکومت ائتلافی با رژیم های کامیونست غیرعملی است. تاریخ ثابت میکند که درچنین ائتلافها مقام های قدرت به کامیونست ها سپرده می شود وبه غیرکمونست ها کرسی های غیرمهم میسری گردد وبعدازمدتی از آن کرسی ها نیزمحروم می شود. معنای شرایط روسها جز این نیست که افغانستان را روسیه بسازند. یک مأمور وزارت دفاع امریکا اظهار داشت که مطلوب حقیقی روسیه - تسلیم بلا شرط مجاهدین ومبارزین ازادی خواه است وتا حاصل نشده است افغانستان راترک نه خواهند کرد.

این بود مجملی از فضای سیاسی ژنیوکه درآن گفتگوهای ۲۵ فبروری آغازگردید. فضای سیاسی پیش تر از ۲۵ فبروری جداگانه ازطرف مجاهدولس نشرگردیده است که می شاید آن رابخاطرداشت.

کوردوویز در روز افتتاح گفتگوها گفت طرفین پیشنهادهای جدید به خود آورده اند و موضوع عمده را موضوع تقسیم اوقات برآمدن قوای «خارجی» خوانده و علاوه کرد که موافقت برطرح تقسیم اوقات معنای موافقت را دارد. از جانب دیگر این چیز گذشتن جانبین را از موقفی که گرفته اند مشکل تر می سازد زیرا می دانند که مرحلهٔ کنونی گفتگوها جانِ همه مذاکرات می باشد.

معلوم است که مراد از «قوای خارجي» قوای روسیه است اما نام روسیه گرفته نمیشود و با آنکه روسیه از ان انکار نکرده و — نمیتواند باز هم نماینده ملل متحد از تذکر نام روسیه ابا می ورزد، البته این چشم پوشي از کلمات تصمیم نامه مجموع عمومی ملل متحد نشأت میکند. اما از جانب دیگر تصمیم نامه های ملل متحد برآمدن قوا را بصورت فوری مطالبه می کنند و تقسیم اوقات معنای «تدریجی» را دارد آنهم که از سالهای طولانی صحبت شود که بطور واضح با تصمیم نامهٔ ملل متحد منافات دارد.

هنگامیکه کوردوویز به وزارت خارجه امریکا آمد وزیر خارجه شولتز او را حالی کرد که باید پروگرام برآمدن قوای روسیه براساس ایجابات لوژستیک باشد. قشونی که در ظرف کمتر از یک هفته وارد مي شود چرا نتواند در ظرف همان مدت خارج شود.

بتاریخ ۲۷ فبروری در واشنگتون حرف هایی بالا شد که بعضی مامورین و مشاورین وزارت خارجه با اساس پلان صلح

و آشتی شوروي اظهار مخالفت نمیکنند و آنرا ممد امکانات حل معضلهٔ افغانستان می پندارند. این افواه درکانگرس امریکا (خانهٔ نمایندگان و سنا) یک فضای تشریش جدي تولید کرد و انعکاس شدید ایجاد نموذ. رئیس کومیتهٔ خاص کانگرس که مشتمل بر ۲۲ عضو است (سناتور گاردن همفری) به وزیر خارجه مکتوبی نوشت و درآن توضیحات خواست — همفری درنامه به صراحت اظهارداشت که معنای موافقه با این پلان فروختن منافع مبارزین آزادیخواه افغان ودادن رشوه به روسیه را داردکه عواقب وخیم وخطرناک داردکه ازحدود هرگونه تناسب خارج می باشد. واین اظهارات را دریک مصاحبه نیزاظهار داشت. همفری گفت: این پلان شامل تشکیل یک حکومت آشتی ملی است که درآن کامیونست ها نیز شریک خواهند بود. موافقت پاکستان با این پلان جز تسلیم پاکستان به مطالبات روسیه معنای دیگر ندارد. اگر وزارت خارجهٔ امریکا با آن موافقه کند بحرانی درمسیر جریان سیاسي بوجود خواهد آورد. این بحران متوجه همگان بشمول ما که پشتیبان یک راه حل عادلانه هستیم واصرار میکنیم که پاکستان بحد اقل در مقابل روسیه ثبات خود را از دست ندهد مي باشد یکی از موجبات ایجاد این فضا اظهارات ارمه کاست معین وزارت خارجه بودکه گفته بود امریکا یک نوع حکومت آشتی ملي راقابل قبول میداند. کومیتهٔ خاص کانگرس

درنامهٔ همفری ازوزارت خارجه مطالبه نمود که ثبت مذاکرات ملاقات معین وزارت خارجه را درماه گذشته با وزیرخارجه پاکستان برای بازرسی به کانگرس بفرستد .

درهمین زمان کن درکن ken durkin سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفت : آشتی ملی جزئی از طرز عمل جستجو صلح است اما مطالبات روسیه که ستون فقرات اینگونه حکومت که نجیب الله آنرا قیادت کند قابل قبول نیستند. با چنین شرایط قبلی این ترتیب سیاسی برهم میخورد و بناکامی محکوم است زیرامردم افغانستان با ترتیبی آشتی نمی کنند که یک حکومت کامیونست زیرحمایت قشون روسیه باقی باند .

وقتی درباره اظهارات فوق از سناتور همفری سوال کردند گفت : شاید این اظهارات مبنی برموقفی باشدکه وزارت خارجه آنرا برای افکارعامه ارائه می کند اما برطبق اطلاعاتی که به من رسیده است وزارت خارجه مائل است یک نوع رشوت به روسیه تقدیم کندکه لقمه چرب وعمدهٔ آن عدم مخالفت با پلان « آشتی ملی » است . سناتور همفری افزودکه این تشویش مارابرا ستیضاح مجبور ساخته است زیرا یک حکومت تحت قیادت رژیم کامیونست با ارتباط مطلق با روسیه معنای آنرا داردکه روسیه جنگ را برده است .

ازجانب دیگر درمیان افواه نری روشن وزارت خارجه

امریکا درآغاز هفته اول گفتگوهای ژنو ودرختم مسافرت دوم وزیرخارجه پاکستان به مسکو هوا پیما های جنگی رژیم کابل سه بار برکمپ های پناه گزینان افغان بمباری کردند که درحقیقت معنای فشار شدید تر را ازجانب روس به پاکستان دارد ونیزمنظور رژیم کابل راکه آلهٔ فشار روس است از یک طرف با سرکوبی مهاجرین وازجانب دیگر برای تطبیق نقشه های خود شان روشن می سازد. این گونه عمل اگرچه ازجانب رژیم کابل قابل تعجب نیست اکثر مردم رامتعجب ساخت بویژه که بمباردمان در دهات وبازارهای روستا صورت گرفته وکسانیکه کشته شدند همه ملکي بودند نه مبارزینیکه باروس ها می جنگند وحقیقت اعلان خدعهٔ «آشتي ملي» وآتش بس را روشن می سازد. پاکستان به رژیم کابل وامریکا به روسیه اعتراض کردند اگرچه رژیم کابل ازین عمل انکار نمود افکارعامه جهانی تکان خورد. این عمل درعین زمان نشان میدهد که درحقیقت هیچ تغییری درموقف روسیه واقع نشده است.

بتاریخ ۷ مارچ رئیس جمهوری امریکا درگفتار هفته وار رادیو یي خویش اخطار داد که با وجود آنکه پیشرفتی درمذاکرات کنترول اسلحه صورت گرفته است تشنج درروابط باروسیه تازمانیکه روسها محض تغیرات جعلی رادرافغانستان اجازه میدهند دوام خواهدکرد این گفتار ریگن یک روز بعد ازفیصلهای صورت گرفت که شولتز وزیرخارجه امریکا به مسکومسافرتی کندکه منظورعمده آن بحث روی موضوع کنترول اسلحه است.

رئیس جمهوری امریکا علاوه کرد که در آیسلیند برگورباچف گفته است که ایجاد روابط حسنه منوط به تقلیل اسلحه، احترام به حقوق بشری، حل وفصل مسایل منطقوی وتسهیل تماس مردم با مردم است. در بعضی ازاین ساحه ها حرکتی مشاهده شده است اما دریک ساحه بطورخاص نومید هستیم وموضوع ادامه اشغال افغانستان را بطورمثال تذکرداد. ریگن افزودکه روسها با وجود اظهار آرزومندی برای یافتن یک راه حل معضلهٔ افغانستان محض به تغییرات جعلی وسرسری دررژیم دست نشاندهٔ شان در کابل پرداخته اند تاوقتیکه روسیه اینگونه پالیسی را دوام بدهد تشنج میان شرق وغرب دوام خواهد کرد.

بامداد روز ۸ مارچ نمایندهٔ یکی از دستگاه های رادیوی امریکا به این نگارنده تلفون کرد وخواهش کرد بربیانات رادیوئی ۷ مارچ ریگن اظهارنظرکنم.

من گفتم که: بیانات رئیس جمهوری امریکا راشنیدم بحیث یک فردافغان جنبهٔ مثبت آن را استقبال وتقدیرمی کنم اما اظهارات جانب ریگن از نقطه نظرمن ازروحیهٔ بعضی عناصر منفی عاري نیست. درنزد من وافغانها ئیکه با نظرمن بخود اجازه موافقت داده اند مسئلهٔ افغانستان یک مسئله منطقوی نیست. مسئله جهانی است تصمیم نامهٔ شورای امنیت ملل متحد که روسیه آنرا ویتوکرد ونیزبیانات متواتر نمایندگان ملل عضوسازمان متحد درمجمع های عمومي آن سازمان وافکارعامه جهان آزاد بیانگراین حقیقت است.

درحالیکه (جیو پالتیکز) والتفات آن بجا نیست محدود ساختن التفات به جغرافیه وانصراف ازحقایق پولیتیک رانمیتوان بجاتلقی کرد. مادرزمانی زندگی میکنیم که سرحدات جغرافیایی منحل میشوند وروابط میان مردم وملل ازاین محدودیت ها ازاد ترگشته و به حکم زمان ودستورسعی بقا به تمسک به اصل اتکاء برهمدگر Interdepandence مجبورگردیده اند. درچنین حالات که هیچ حادثه وواقعه دریک گوشه جهان برگوشه دیگر بی تاثیر مانده نمی تواند چگونه میتوان تجاوز ناحق وصریح را بریک کشور آزاد منطقوي خواند وجنبه سیاسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي را در مقام اول قرارنداد؟ اشاره جانب ریگن به تغیرات جعلی در رژیم کابل سؤالی تولید میکند در نزد مبارزین ملی و مجاهدین آزاد یخواه افغانستان هیچگونه تغییری در رژیم کنونی مطلوب نیست. مردم افغانستان نظامي می خواهندکه براساس اراده آزادایشان استواربا شد سوال اینست که آیا رئیس جمهوري امریکا تغییری در رژیم کنونی می خواهد یا رژیمی که مردم افغانستان می خواهند؟ تغییر در رژیم کنونی جعلی باشد یا نه مطابق به آرزومندی مردم افغانستان نیست. مطلوب حقیقي وعادلانه تغییری است که آنرا اراده آزاد مردم افغانستان تعین کند. این چیزها جعلی باشد یا جدی از نظریات یک پارتي اقلیت تحت حمایت سیاسي یک قدرت اجنبی نمایندگی می کنندکه حاکمیت سیاسي ونظامي را دردست دارد ولهذا

مشروعیت و قابلیت قبول را ندارد.

موضوعی دیگر قابل آگاهی موقف همسایه مسلمان افغانستان ایران است ایران درگفتگوهای ژنیو مستقیماً اشتراک نمیکند اما بآن ازجریانات اطلاع داده می شود. سفر جناب ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به مسکو بعد از همه مخالفت ها با شرقی وغربی جالب التفات مبصرین ومفکرین سیاسی گردید که از دیگر نقاط نظر به موضوع این مقاله ربطی ندارد اما تا جائیکه به موضوع افغانستان وگفتگو های ژنو مربوط است اشاره با آن لازم است.

جناب ولایتی طوریکه توقع می رفت در مسکو (بنابراظهارات خودش بعداز بازگشت به تهران) با اولیای امور روسیه روی موضوع افغانستان نیز صحبت کرد وگفت که روسها با التفات وتوجه باو گوش دادند. بقول یکی ازنویسندگان هندی بنام سعید نقوی که در اخبار هندوستان تایمز نشرشد جناب علی اکبر ولایتی خاکهٔ نظریات خود راکه متضمن یک پیشنهاد جدید است درضمن صحبت به حیث یک دوکتورین معرفی کرد.

چنان می نماید که این دوکتورین ایرانی معنای انفکاک ازترتیب سیاسی گفتگو های ژنو را داشته باشد و نیزحرکتی ازموقف سابق ایران بهم می رساند ایران از پیوستن مستقیم بهمذاکرات ژنو اجتناب کرد اما اکنون طوری می نماید که می خواهد راهی بجوید که نقیض موقف سابق آن (ظاهراً) نباشد وازجانب

دیگر انحراف خود را از موقف نخستین در لفافه دپلوماسي پنهان و به شکل یک پیشنهاد آشکار کند.

سعید نقوی می گوید که این مفکوره با هندوستان نیز درمیان گذاشته شده است این پیشنهاد نظری را ارائه میکند که درعوض گفتگوهای ژنیو یک کنفرانس دیگر بشمول ایران، پاکستان روسیه ومجاهدین افغان بر موضوع بحث کند اساس حق شمول ایران و پاکستان وجود شمار زیاد پناه گزینان افغان درین دو کشور معرفی شده است ولزوم شمول روسیه بدلیل آنکه افغانستان را اشغال کرده است ارائه شده است. نقوی می گوید که وقتی از یک مامور عالیرتبه ایران درباره شمول رژیم کابل سوال شد درجواب گفت که این موضوع پیش از وقت است و نیز علاوه کرد که پاکستان ومجاهدین افغان باین مفکوره عکس العمل منفی نشان نداده اند.

البته روشن است که سیاست هندوستان به همدردی با روسیه متمایل است.

واز همسایه دیگر افغانستان یعنی چین که پالیسی آن با روسیه وهندوستان فرق دارد اصلاً نام برده نشده است اینکه ازین پیشنهاد مبهم منظور چیست مجهول است.

عدم تذکر دیگر کشورهای اسلامی وامریکا، کشورهای بیطرف ودنیای آزاد این ابهام می افزاید.

وقتی سران کشورهای اسلامي درکویت جمع شدند — گوربه‌چف برای خنثی ساختن مساعی مجاهدین افغان درطي پیامي اظهار داشت که اگر راه حلی پیدا شود والبته بهشرایط روسیه) روسیه قشون خود را بیرون خواهدکرد، واین عمل تسریع خواهد شد. ایران درین اجتماع اشتراک نداشت. به جریان این کنفرانس قبلاً اشاره شده است. ازین پیشنهاد ایران که بیشتر از همه کشورها از گفتگو های ژنیوخبردارد یا ازکامیابی آن نومید است و یا ازتائید نتائج آن اجتناب مي کند.

پاکستان نظرصریح و روشنی اظهار نکرده است. موقف تنظیم های مجاهدین نیز تا کنون به مردم شان ابلاغ نشده است.

این پیشنهاد اگرچه شرکت مجاهدین رادرمذاکرات دربردارد از نقطهٔ نظر منافع افغانستان نواقصی داردکه درموقع مناسب‌تر باید روی آن تبصره شود شمول مجاهدین درآن بذات خود موجب اطمینان نیست ومي تواند ایشانرا به تعهدات نامطلوب سوق بدهد.

این نگارنده نظریهٔ خودرا که بمجرد آغاز شدن گفتگوهای ژنیو مبنی برمخالفت با آن اظهارنموده ومکررکرده ام بار دیگر تائید میکنم وآن عبارت ازیک کنفرانس خاص بین المللی به ابتکار ملل متحد است که درآن مجاهدین افغانستان

افغانستان باشد .

۶ - علاوه براین تصمیم نامه مذاکرات نماینده خاص دبیرکل ملل متحد را ستوده و دوام آنرا به شکل کنونی آن که از آن هیچگونه نتیجه مثبت ومثمر گرفته نشده ونخواهد شد تائید میکند .

درین باره وظیفه خود میدانم که یکبار دیگر اعلام کنم که مردم افغانستان جستجوی راه حل سیاسی قضیه را بیشتر از هر راه دیگر از راه ملل متحد مرغوب میدانند ومساعی دبیر کل ملل متحد را مفید می پندارند اما با طرز عمل این مذاکرات به شکلی که تاکنون داشته است نمیتوانند نتیجه مثبتی را توقع داشته باشند زیرا درین طرز عمل هیچ یک معیار حقیقی درنظر گرفته نشده است . حاجت به بیان ندارد که درهرگونه مذاکرات شرط طرف های متخاصم شرط نخستین ومهمترین است . دراین قضیه دو طرف متخاصم یکی روسیه ودیگری مردم افغانستان است . اما درمذاکرات رژیم تحت حمایت روسیه درکابل ، از روسیه نمایندگی میکند و نمایندگان مردم افغانستان که درمقابل رژیم کابل به قیام عمومی برخاسته وعلیه روسیه برای دفاع ازکشور خویش درحال جنگ هستند اصلاً دعوت نشده اند . به روسیه اجازه داده شده است که بطور مستقیم اشتراک نورزد وازهرنوع مسوولیت وتعهد به نتایج مذاکرات برکنار گردد .

برخی از کشورهای اسلامي بیطرف و همه اعضای دائمی شورای امنیت شامل باشند.

در پایان این مقال این نگارنده وظیفهٔ خود میداند تصریح کند که منظور وی آگاهی آن افغانها است که از منابع اطلاعاتی دور افتاده اند تا بتوانند در پرتو این گذارش جریانات نتیجه گفتگو های ژنیو را تحلیل کنند.

آنانیکه مستقیماً با اوضاع آشنائی دارند بیشتر وبهتر ازین نویسنده آگاهی دارند.

حق اطلاع مردم متقدس وثابت است ویک فریضهٔ ملي شمرده می شود ومتوقع می رود که آنرا به مردم خود برسانند.

نتائج گفتگو های سری ژنو انشاء الله حتی المقدور در آینده باطلاع هموطنان گرامی رسانیده خواهد شد.

شمارهٔ اول سال چهارم مجاهد ولس

۱۳۶۶/۱/۱

بعد از تعویق ناگهاني گفتگوهاي ژنو

این نگارنده فضاي سیاسي را پیرامون مسئله افغانستان بو یژه گفتگوهـاي ژنیو پیشتر از ۲۵ فبروري ونیز از ۲۵ فبروری تا ۱۰ مارچ در دو مقال باطلاع هموطنان رسانید و منظور آنرا آگاهی آنانی که از منابع اطلاعاتی دور افتاده اند خوانده بود تا بتوانند بر نتیجهٔ این گفتگوها در روشنی نسبتاً بیشتری نظر افگنند.

بتاریخ ۱۰ مارچ این گفتگوها پایان یافت خوش بینان حدس می زدند که سه هفته دوام خواهد کرد و نتیجهٔ آن مثمر خواهد بود اما پایان آن ناگهانی و نتیجه آن غیر مثمر بود. اگرچه کوردوویز اظهار ارزومندی کرد که درظرف دو ماه بار دیگر

گفتگوها صورت خواهد گرفت تاریخ معینی نیز تعیین شده نتوانست و وزیر خارجه پاکستان و وزیر خارجه رژیم کابل که از روسیه نمایندگی میکرد و هریک که با پیشنهادات جدید به ژنیو آمده بودند با دست خالی به مراکز خود بازگشتند.

اگرچه کوردوویز بنا بر شیوه یا بعبارت بهتر عادت خویش گفت که درین مرحله پیشرفت " قابل اعتنا و برجسته " حاصل شد در حلقه های پاکستانی این اظهارات " فریب دهنده " خوانده شد این بار اول بود که میان اظهارات کوردوویز و — پاکستانی ها نقاضت صریح مشاهده شد . میتوان استنباط نمود که نه تنها موافقه و پیشرفتی حاصل نشد بل اختلاف بیشتر گردید . پاکستان که هماره بیش از حد لزوم سیاست صبر و احتیاط را اختیار کرده است حتماً اینبار حالی گردیده است که اوضاع حقیقی دوام اینگونه سیاست را اجازه نمیدهد و اینهمه اهانت های سیاسی برای تحمل بیشتر جایی باقی نمیگذارد.

کوردوویز در اظهارات خود علاوه کرد که اینبار گفتگوها مشکلتر و متشنج تر بودند اما با وجود آن وضع تشجیع کننده است. اکنون فاصله میان جانبین برای خروج قوا از افغانستان یک سال است درحالیکه در آغاز مذاکرات ٤٥ ماه بود. پاکستان به برون رفتن عساکر اجنبي به مدتی میان شش تا هشت ماه قانع معلوم می شود . رژیم کابل به تقلیل مدت از ۲۲ ماه به هژده ماه قناعت خواهد کرد در دهلی دپلومات های غربی اظهار داشتند

که مظنه ای موجود است که شمار کوچکی از قشون روسیه بتاریخ ۲۱ مارچ (نوروز) افغانستان را ترک کنند ووظایف خودرا به قطعه هاي پاراشوتي رژیم کابل انتقال بدهند وتعداد آنرا دوهزار وپنجصد گفتند.

مبصرین گفتند که مذاکرات وزیرخارجه امریکا در مسکو روی تقلیل اسلحه و درنتیجه رفع تشنج درروابط شرق و غرب وبوجود آوردن «دیتانت» موثرخواهد بود وکوردوویز نیز مفاهمه امریکا وروسیه راروی موضوع افغانستان با اهمیت وموثرخواند. معضلهٔ جدی دیگر این است که ایا بعد از بیرون رفتن روسها چگونه نظام وحکومتی درافغانستان قایم خواهد شد. این موضوع درآغاز برون ازچارچوب گفتگوهای ژنو تلقي مي شد که در مقاله های گذشته باطلاع خوانندگان رسیده است اما بعدازآن د رگفتگوها جدیت واهمیت آن افزون تر شد. ازنقطه نظرمجاهدین ومبارزین ملي افغانستان اهمیت این موضوع نسبت به برآمدن قوای روسیه کمتر نیست.

منظور روسها درگفتگوهای ژنیو این بوده است که بعد از برآمدن شان یک حکومت ائتلافی بغرض «آشتي ملی» بوجود بیاید درحالیکه قدرت حقیقي در دست رژیم کامیونست باشد امریکا ودیگر کشورها از معاونت با مجاهدین ومبارزین صرفنظر کنند وپاکستان مرکزمقاومت رادرخاک خود محل کند وامریکا و پاکستان هردواین ترتیب راتعهد وتضمین کنند.

واضح است که اگر این ترتیب غیرعادلانه قبول شود مجاهدین ومبارزین افغان بدون هیچگونه معاونت نظامي ولوژستیکی باقوای رژیم کامیونست مقابل می شوند وازطرف دیگر راه تقویه مزید رژیم کامیونست از همه جهات ازجانب روسیه بازی مانند مقاومت وجهاد ومبارزهٔ ناگزیر به قلع وقمع ولاجرم برتسلیم مواجه مجبور می گردد .

اگربفرضیکه بطورواضح ومطلق باید فرض محال خوانده شود وامریکا و پاکستان اینگونه شرایط دور از عدالت ومنطق را بپذیرند معنی دیگرجزاین ندارد که مبارزین ومجاهدین را دست بسته به روسیه وکامیونیزم بسپارد وافغانستان را بفروشند وبا این فروختن پرنسیپ و پرستیژامریکا و دنیای آزاد و تاجائیکه برکشور اسلامی پاکستان ربط دارد اصل فریضهٔ اسلامي واصول واجبات انصار را دربرابر مجاهدین نیز بفروشند .

مجاهدین ومبارزین هر نوع حکومت ائتلافی رابا رژیم کامیونست رد کرده و اعلان نموده اند که بعد از بیرون شدن قشون روس یک حکومت موقتی بدون اشتراک کامیونست ها تشکیل خواهند کرد و آنگاه تعهد نموده اند که از راه انتخابات آزاد به اراده ملت مسلمان افغان مبني بر اصول اسلامي و اساسات دموکراسي اطاعت خواهند کرد . این موقف درنظر وعمل منطقي بوده ومطابق به آرزومندي مردم افغانستان است. وحتماً درنزدجهان اسلامي

و دیگر ملل دنیای آزاد قابل قبول است و با منشور ملل متحد وکانوانسیون های حقوق بشر مطابقت تام دارد واصل حق تعیین سرنوشت را احترام میکند .

بتاریخ ۱۱ مارچ نطاق وزارت خارجه پاکستان درباره گفتگوهای اخیر ژنیو اظهارات مجملی کرد ودرضمن بیانات خویش اهمیت رول مذاکرات آینده وزیرخارجه امریکا را درمسکو تذکر داد .

گفته شده که درژنو نمایندهٔ رژیم کامیونست کابل مفکوره آشتی ملی رژیم خود را با راه حل موضوعات دیگر ارتباط داد . سخنگوی وزارت خارجه پاکستان دراسلام آباد به نقاضت ها درموقف رژیم کابل اشاره نمود وگفت که از یکسو جستن راه حل سیاسی و از سوی دیگر استعمال قوه باهم نقیض اند . حل سیاسی مستلزم آن است که روش تحمیل بهر شکلی که باشد ترک گردد وتاوقتیکه قشون خارجي بیرون نشده است . خطر تحمیل موجود است .

درواشنگتون درعین زمان معین وزارت خارجه درامورسیاسي (آرمه کوست) اظهار داشت که در هفته آینده به مسکو می رود تا ترتیب مسافرت وزیرخارجه رابگیرد .

آرمه کوست بیانات خود را بعد ازختم ملاقات خویش با رئیس جمهوری داد وگفت « روسها به سرعت درافغانستان آمدند وي توانند به سرعت خارج شوند . هژده تا بیست و دو ماه که روسها پیشنهاد مي کند درست نیست وما این موضوع راحیث یک موضوع عمده باایشان مورد بحث قرارخواهیم داد .

آرمه کوست علاوه نمود که روسها اکنون بار سنگین تهاجم بر اشغال افغانستان را حس میکند و از آن انکار نمی کنند و میدانند که بطور دایمی مانده نمي توانند.

مساعی نجیب الله در ترغیب و تشویق مهاجرین به بازگشت ناکام شده است.

مبصرین سیاسي به مذاکرات شولتز وزیر خارجه امریکا در مسکو بارتباط موضوع افغانستان اهمیت مؤثر قایل هستند.

بتعویق افتادن ناگهاني گفتگو های اخیر ژنیو و دریافتن حقایقی که موجب آن شد قابل دقت و معلومات بیشتر است که مرور زمان آنرا روشن خواهد ساخت این نگارنده در حد حیثیات خویش از احتمال بعید نمي داند که یکي از عوامل آن همین مذاکرات وزرای خارجه امریکا و روسیه در مسکو باشد بهرحال در مرحله ایکه به حساب ماه حرف می زنند تعویق دوماه به روسها دوماه بیشتر وقت تقدیم می کند که بعد از ان معلوم نیست چند ماه دیگر خواهد گذشت در دست اول این دوماه آنرا ۹ ماه مي سازد و پیشنهاد پاکستان برای هفت ماه امتداد مي یابد روسها ازین تعویق بهر حساب استفاده مي کنند هیچ مدت تا وقتیکه نخست آغاز آن معین نشده باشد مفهومي ندارد باید اول روشن مي شد که هفت ماه پاکستان و بیست و دو ماه روس از کدام تاریخ تعیین مي شود. اگر گفتگوهای ژنیو دوام کند و پاکستان با آن مقاطعه نکند سالها خواهد گذشت و درباره ماه ها صحبت خواهد شد.

چون جریان فعلی چنین است موقع استفاده از وقت باید تنها به روسها گذاشته نشود و به مجاهدین ومبارزین نیز موقع داده شود. در شب و روز وماه وسالی که بدین گونه می گذرد باید مجاهدین ومبارزین چنان مجهز وآماده شوند که اگر همه راه ها بروی شان مسدود شود با ذخایر کافی لوازم جنگ و دفاع ومقاومت در داخل خاک خویش مبارزه خودرا بطور مؤثر دوام داده بتوانند.

ازینرو باید سوال اول از روسها این باشد که مدت ۲۲ ماه از کدام تاریخ تعیین؟ در ظرف چند ساعت آمدید و در ظرف چند روز می توانید بار ببندید وخارج شوید؟

موقع طرح این سوال مذاکرات مسکو میان امریکا و روسیه است باید به خاطر سپرد که مجاهدین ومبارزین ملی افغان در میدان جنگ نباخته اند واگر در ساحه دپلوماسی ببازند مسولیت این باختن در نزد تاریخ متوجه آنا نیست که افغانها را در ساحهٔ دپلوماسی موقع ندادند درهیچ احوال روسیه در مقابل مردم افغانستان ادعای فتح وظفر کرده نمیتواند موجب شکست دپلوماسی اغیارند وبس.

شمارهٔ اول سال چهارم مجاهد ولس

۱۳۶۶/۱/۱

یاحق!

پیشنهاد ایران برای حل مسئلهٔ افغانستان

به فحوای خبرهای منابع اطلاعات، ایران بعد از مسافرت ولایتی وزیر امور خارجهٔ آن کشور به مسکو در بارهٔ حل سیاسی مسئلهٔ افغانستان پیشنهادی کرده است. این نخستین بار است که ایران موقف خود را در موضوع اعلام میکند. ازینرو لازم است هموطنان به‌کند وکیف آن توجه کنند. ایران از آغاز گفتگوهای غیر مستقیم میان پاکستان ورژیم کابل سهم مستقیم را در این گفتگوهای غیرمستقیم نپذیرفت اما میانجی ملل متحد (کوردووِز) به ایران از همه جریان ها اطلاع میداد.

این موضوع راکه موجبات این پیشنهاد چیست وچرا ایران موقف جدید گرفته وچرا بعد از چندین سال به اعلام آن حاضرشده است درین مقال مورد بحث قرار نمیدهیم زیرا نظر به اهمیت

وحساسیت آن باید برآن جداگانه و درموقع مرغوب تری بحث شود. ازینرو باجمال روی محتویات مجمل این پیشنهاد صحبت میکنیم.

پیشنهادایران اینست که گفتگو های غیرمستقیم ژنو یکسوگذاشته شود ودرعوض آن یک کنفرانس که در آن ایران، پاکستان، روسیه ومجاهدین افغان سهیم باشند ونیزآنکه رژیم کامیونست کابل در آن سهمی نداشته باشد منعقدگردد.

نظری برعناصر منفی ومثبت پیشنهاد ایران لازم وسزاوار دقت است. ما نخست جنبه های مثبت آن را تذکرمیدهیم.

اول: یکسوگذاشتن گفتگو های ژنو ودرعوض آن انعقاد یک کنفرانس که درآن روسیه که یکطرف جنگ است ومجاهدین افغان که طرف دیگر هستند در مذاکرات مستقیم سهیم باشند. گفتگوهای ژنواین دوعنصرمثبت را دربر نداشت.

دوم: حصه گرفتن ایران بطورفعال ومستقیم درمذاکرات این راهم میتوان یک عنصرمثبت تلقی کرد.

سوم: عدم اشتراک رژیم کابل.

واما جنبه های منفی که نقایص عمده این پیشنهاد هستند:

اول: شکل منطقوي کنفرانس پیشنهاد شده دریک موضوعیکه اصلاً منطقوي نیست وجهاني مي باشد.

دوم: حتی دریک کنفرانس منطقوی بیرون گذاشتن یک همسایه دیگرافغانستان قابل توجه است.

ازنقطه نظر همجواری تنها دو همسایه افغانستان وازنقطه نظر اشتراك درمذاکرات تنها یك همسایه افغانستان شرکت دارند معیار آنکه چرا تنها پاکستان وایران دعوت شده اند مجهول است.

اساسی که به حل قضیه ربط داشته باشد برای تخصیص این دو همسایه وجود ندارد اگر ملحوظ بوده باشد که تعداد زیادی از مهاجرین درین دوکشور پناه گزیده اند، درست نیست. زیرا مساله افغانستان یک مسئلهٔ سیاسی وزاده تجاوز نظامی به منظور اشغال افغانستان ازجانب روسیه است. وموضوع مهاجرین زاده این تجاوز ویکی ازنتایج فرعی آنست وهمین که به تجاوز خاتمه داده شود وقضیه سیاسی حل گردد موضوع مهاجرین خود بخود حل می شود ازاینرو هرگونه طرز عمل از هرمنبعی که باشد واصل موضوع را شعاع فرعی آن قرار دهد نامعقول غیرعادلانه وغیرقابل قبول است. درهمه احوال ودرهمه اوضاع وشرایط وهرگونه طرز عمل وترتیبی که به منظور حل قضیه افغانستان اتخاذ گردد رکن اساسی مردم افغانستان است.

پاکستان وایران دوکشور برادر افغانستان است. ملت افغانستان همدردی های مردمان این دوکشور را درآوان مصیبت عظیم خود هرگز فراموش نخواهد کرد. من شخصاً کلمات والفاظ کافی نمی یابم که بتوانم حق همدردی مردمان ومسلمانان وبرادراین دوکشور را ادا کنم. اما وقتی که موضوع تعیین مقدرات

سوم : در نظر نگرفتن مسئولیت مستقیم سازمان ملل متحد و بیرون گذاشتن شورای امنیت ملل متحد بویژهٔ اعضای دائمی این شورای که معنای تضمین بین المللی در آن مضمر است .

برهر موضوع مجمل تبصره محکوم به اجمال است . امّا در همه حال باید در جهان حوادث و وقایع باید اوضاع قبل از وقوع را درنظر داشت . ازینرو باید بخاطر آورد که پیشنهاد ایران ، درمیان جریان های نا معلوم دیگر بعد از مسافرت علی اکبر ولایتی وزیر خارجهٔ ایران به مسکو و دهلی اعلام گردید .

منابع رسمی پاکستان وجود این پیشنهاد را انکار نکردند . محض گفته شده که روسیه تا کنون با آن موافقه نکرده است .

یکی از عوامل عدم موافقه روسیه آنست که این پیشنهاد نه تنها بر شناسائی مجاهدین شامل است بلکه عدم حق اشتراک رژیم کابل را تائید میکند . درعین زمان جنبه های منفی مهم را پوشانیده و درمرحلهٔ اول آن را درنظر مجاهدین جالب جلوه میدهد . اینجاست که مجاهدین مکلف به احتیاط هستند .

و نیز آوردن فشار سیاسی بر امریکا در آن مضمر است که در روابط تعاونی امریکا و مجاهدین بی تأثیر نا مرغوب مانده نمیتواند .

بنا بر این طرز تفکر ، این نگارنده پیشنهادی را که در آغاز ترتیب گفتگوهای ژنیو کرده و آنرا تکرار نموده است بار دیگر بخاطرها می سپارد .

روابط امریکا با مجاهدین محدود به امریکا نیست و بر روابط ایشان بله همه کشورهای دنیای آزاد اثر عمیق دارد ومجاهدین راسوی تجرید می کشاند ونیز در آینده به بیطرفی مثبت وسالم افغانستان مستقل صدمه وارد میکند که اساس آن زیست باهمی، صلح و دوستی باهمه کشورهای جهان بوده است و باید باشد.

پیشنهاد من آن بود وهما ناهست که به گفتگوهای ژنو خاتمه داده شود و بجای آن یک کنفرانس خاص بین المللی از جانب - سازمان ملل متحد منعقد گردد که در آن نمایندگان مجاهدین و مبارزین ملی افغانستان، کشورهای غیرمنسلک وهمه اعضای دایمی شوری امنیت ملل متحد سهم بگیرند. این پیشنهاد جنبه های مثبت ایرا محتوی میکند و جنبه های منفی آن راکه نواقص آن اند تکمیل می نماید. این پیشنهاد با تعامل ملل متحد توافق کامل دارد.

شمارهٔ ۲ ، سال چهارم مجاهد ولس ۱/۲/۱۳۶۶

یاحق!

سفر وزیر خارجهٔ هندوستان به کابل

در تحقیق حقیقت پسندانهٔ حقایق تاریخ سیاسی، درمیان حقیقت های دیگر، یک حقیقت را نمی شاید از نظر دور افگند و نه می باید با تجاهل آنرا سرسری پنداشت.

نیم قارهٔ هند (پاکستان و هندوستان امروز) از آغاز مطامع استعمار و استثمار در آسیا، حتی در جهان، لذیذترین طعمهٔ جهان کشایان و شرین ترین لقمهٔ گرسنگان توسعه جوئی و کرگسان حریص بر نعش مردم و ملل در بستر جهالت غنوده بوده است.

چون هنوز استعمار و استثمار در جهان با قیست و آنچه این نیم قاره را برای استعماریون و استثماریون جالب می سازد نیز بقدر کفایت تغییر نکرده و همان است که بود، این خطر از میان

نرفته و با تغییر تکتیک استعمارکنندگان خطیرتر گردیده است بویژه که یکی از این امپریالست ها یک ابرقدرت و یک دولت ایدیولوژیک بوده و دکتورین خودرا بعداز قیام ایدلوژی خویش واستیلا ونفوذ مطلوب برگشت ناپذیری داند که بطورواضح معنای استیلای دایمی را دارد. این ایدیولوژی تنها استقلال سیاسی راسلب نمی کند بلکه همه آزادی های اساسی وحقوق بشری را سلب می نماید واین فرق میان این استعمار واستثمار کلاسیک غربی روشن ترازآفتاب است.

درجهان سوم (به اصطلاح) هیچ کشور بیشتراز و برابر به هندوستان ازغنای شخصیت های متفکر ودانشمند برخوردار نیست. اکثریت غالب این گروه براین خطرخطیر مستشعرهستند. امّا متاسفانه زمامداران سیاسی هند بیشتربه استفاده های آنی متوجه هستند وازعواقب باغفلت عمدی تجاهل می کنند.

یک مثال برجسته، پالیسی حکومت راجوگاندی است که در اساس میراث مادراو اندراگاندی می باشد. این مادروپسر در برابر تجاوزصریح سیاسی ونظامي روسیه برافغانستان تنها علایق باستانی ودیرین مردم افغانستان را با مردم خود فراموش نکردند بلکه همه اصول روابط بین المللی، قوانین بین المللی وعدالت بین المللی رازیرپاگذاشتند. نه تنها روابط خودرا با یک رژیم دست نشانده وتحت الحمایهٔ قشون اجنبی حفظ کردند بلکه آنرا تشئید وتوسیع نمودند. بحیث یک کشورغیرمنسلک جانب یک ابرقدرت

متعرض و تجاوز کننده را در مقابل یک کشور کوچک غیر منسلک اختیار نمودند تا آنکه بالاخره وزیرخارجهٔ رژیم کابل را رسماً به دهلی دعوت کردند و وزیرخارجهٔ خود را به مسافرت به کابل مامور نمودند.

افغانهای مهاجر در هند را در موقع سفر گورباچف و — عبدالوکیل برخلاف قوانین کشور خود، از مظاهره بازداشتند و در منازل شان تحت توقیف نگهداشتند. تیواری در مسافرت خود به کابل نه تنها وعدهٔ معاونت اقتصادی داد بلکه از راه تهیه کردن وسایل حمل و نقل نظامی به رژیم کابل اطمینان داد که معنی سهمگیری در عملیات نظامي را برله قشون روس و علیه مجاهدین و مبارزین افغان داد. علاوه براین برای آوردن فشار بر پاکستان وضعیف ساختن مجاهدین و مبارزین ملی افغانستان مطابق به پالیسی روسیه سفر رسمی وزیرخارجهٔ هند را به واشنگتن معطل کردند. (البته بهانه نیات پاکستان به ساختن بومب اتومي را تراشیدند که بحث جداگانه میخواهد.)

اگر فرضاً مراد از تشئید و توسیع روابط با رژیم کابل فشار بر پاکستان باشد بازهم از ضرر فشار بر پاکستان، در شرایط موجود و این موقع نازک، صدمه به جهاد و مبارزین ملی افغانستان را نمی توان نادیده گرفت ویا پنهان کرد.

این توسیع علایق با رژیم کابل در مدت مختصری بعد از مسافرت گورباچف به هندوستان صورت گرفت. از هندوستان

توقع میرفت که با استفاده از دوستی نزدیک خویش با روسیه گربه‌چف را ترغیب کند که قشون سرخ را ازافغانستان باز طلبد اما برعکس به گوربه‌چف موقع داد که حکومت هندوستان را وادارد که رژیم کابل را تشجیع نماید ودرنزد افکار عامهٔ جهانی آنرا قابل شناسائی جلوه دهد. ازجانب دیگر با تراکم قشون هند درسرحدات پاکستان فشار بیشتر برپاکستان وارد نماید.

مبارزین افغان ازنفوذ روسیه درهندوستان همیشه اگاه بوده اند اما درهمه حال اقلاً ازهندوستان توقع داشتند که بی طرفی اختیارکند. این توقع محدود به مبارزین ملی افغان نیست اکثریت کشورهای غیرمنسلک ودنیای آزاد این توقع را داشتند. دراسامبله عمومی ملل متحد (نومبرگذشته) هندوستان یکی ازجملهٔ یازده کشوربود که رای ممتنع داد درحالیکه یکصد و بیست و دو کشورکه اکثریت آن کشورهای غیرمنسلک بود بطرفداری خروج قوای اجنبی رای دادند، این هنگامی بود که حکومت هند ظاهراً یک فاصله رامیان خود ورژیم کابل نگهمیداشت اما بعد ازمسافرت گوربه‌چف بقدری تحت نفوذ رفت که نریان دت تیواری وزیرخارجهٔ هند درکابل با نجیب، حاجی محمد چمکنی وسلطان علی کشتمند ملاقات کرد. تیواری پیشنهاد رژیم کابل رادرمورد "آشتی ملی" نه تنها تائید کرد بلکه آنرا ستود. تائید این پیشنهاد که عملاً ناکام وبه مجرد اعلام ازجانب مجاهدین ومبارزین افغان

رد گردیده است گرفتن موقف مستقیم برخلاف اکثریت مردم افغانستان پشتیبانی ازطرح روس است .

مردم افغانستان در دورهٔ مصیبت خود ، این روش ـ هندوستان را فراموش نخواهند کرد چنانکه با ستثنای حکومت راجوگاندي بسا مردم درهندوستان فراموش نکرده اند که هنگام مجادلهٔ آزادئ نیم قارهٔ هند افغانستان موید مردم این نیم قاره ویگانه ملجاء مهاجرین آن بود .

شمارهٔ سوم ، سال چهارم مجاهد ولس

۱۳۶۶/۳/۱

یاحق!

بیانات اخیر کوردوویز پیرامون گفتگوهای ژنو

بتاریخ ۲۰ می ۱۹۸۷ کوردوویز که بعد از تعویق گفتگوهای ژنو گفته بود جلسه های ژنو در ماه می آغاز خواهد گردید در اثر تفحص نامه نگاران و نمایندگان نشرات در نزد ملل متحد مجبور گردید در یک کنفرانس مطبوعاتی درنیویارک چیزی بگوید.

ما تنها نقاط دلچسپ آنرا به اطلاع هموطنان می رسانیم تا سلسله معلومات را در موضوع دوام داده باشیم.

کوردوویز که طبعاً اعتراف به حقایق را محتمل برناکامی رسالت خود می انگارد اهمیت جلسه های ژنیو را کمتر جلوه داد. گفت اگر جلسه انعقاد نیافته است ملاقات ها، مکالمات تلفون ها دوام داشته است و دوام دارد وافزود که:

«اکنون بیشتر از هر وقت مبرهن است که جستجوی حل سیاسی دو مسیر جداگانه را می پیماید. یکی جریان دیپلوماتیک ژنو است و دیگری مباحثه میان افغانها. نقطهٔ تلاقی این دو مسیر به

حل سیاسی قضیه خواهد انجامید » امابطورغیرمستقیم به کافی نبودن طرز عمل دیپلوماسی ژینوا شارهٔ قریب به اعتراف نمود. باراول به وجود وضرورت مسیر دیگرا شاره نمود یعنی مباحثه میان افغانها که تاکنون ازهمه چیز برکنار قرارداده شده بودند.

اظهارات کوردوویز درین لفافهٔ الفاظ بود: رسیدن به موافقه محکوم مشکلات بود با درنظر داشتن حضور قشون اجنبی چندین سال مداخلهٔ خارجی از بیرون مملکت بحران های سیاسی وپراگندگی جامعهٔ کشور دراوضاع ذید خل بود. مبرهن بود که تنها بحث دیپلوماتیک نمیتوانست همه پروبلم ها را حل وفصل کند. بهرحال مباحثه میان افغانها نشان داد که طرز العمل دیپلوماتیک افغانها را مجبور ساخت که حقیقت ضرورت یک موافقهٔ تقریبی رادریابند.

این خود نشان دهندهٔ آن بود که گفتگوهای ژینو سرسری نبوده و دراعماق قضیه نفوذ کرده است. « شما نمیتوانید ازتعویق یک مرحلهٔ گفتگوها حرف بزنید که اصلاً وقت ازسرگرفتن آن تعیین وتثبیت نشده بود» (مخاطب اهلِ مطبوعات ونشرات بودند که می پرسیدند چرا گفتگوها باز آغاز نگردید) کوردوویز افزود : « هنگامیکه گفتگوهای جلسهٔ مارچ بپایان رسید وقت انعقاد جلسهٔ دیگر تعیین نگردید. من پیشنهاد کردم که این جلسه درماه می صورت بگیرد اما ملتفت نه بودم که انعقاد جلسه درین وقت مشکل خواهد بود زیرا این وقت مصادف با ماه رمضان بود وتتیکه

من این وقت را اعلان کردم هیچیک از نمایندگان مطبوعات ونشرات این مشکل را تذکر نداد.

بلا شبه پروبلم ها وجود دارند امّا توقف قطعی مذاکرات طوریکه مطبوعات منفی آن را تعبیر کرده اند، وجود ندارد. دلیل بطائت در پیشرفت آنست که موضوعات مشکل هستند و بزرگی تراژیدی احساسات عمیق را برانگیخته است.

بعقیدهٔ وی موضوع تعیین چهارچوب برای تقسیم اوقات جهت برآمدن قشون خارجي بسیار مشکل نیست. اکنون فرقی درموقف طرفین محسوس است و مباحثه میان خود افغانها یکی از لوازم است.

اکنون پیشنهادی موجود است که وی بازبه منطقه مسافرت نماید و هر دوجانب موافقهٔ خود را با این پیشنهاد نشان داده‌اند. وقت جلسهٔ دیگر چندان مهم نیست زیرا طرق دیگر تماس موجود است.

وقتی ازاو پرسیده شد که ازجانب افغانها کدام کس باکدام کس گفتگو خواهد کرد گفت این موضوع پیچیده است وجواب باین سوال پیش از وقت است.

یکی ازنامه نگاران پرسید که بعضی افغان ها شکایت می‌کنند که دروازهٔ وی بروی شان مسدود است. گفت دروازهٔ من مهم نیست دروازهٔ جانبین درگفتگوهای ژنو اهمیت دارد.

این نگارنده تحلیل این اظهارات را فعلاً به هموطنان گرامی

یک ملت درمیان باشد نمی توان عنان سرنوشت ملی خود را جز در دست خود داشت و هیچ مردم وملتی را نمیتوان سراغ نمود که مقدرات خود را بدیگری بسپارد.

ازانرو هیچ کس حق ندارد چنین ترتیبی را تجویز کند و چنین تجویزی را بر ملت افغانستان تحمیل کند. فلهذا هر طرز عمل به شمول طرز عملیکه از جانب دبیرکل اتخاذ گردیده است بدون اشتراک نمایندگان حقیقی مردم افغانستان نامعقول، غیر عادلانه وغیرقابل قبول است. نمایندگان حقیقی مردم افغانستان نمایندگان مبارزینی هستند که در داخل افغانستان درمقابل قوای متجاوز روس و رژیم کابل می جنگند. نمایندگان حقیقی مردم افغانستان زعمای احزابی هستند که بحیث مجاهدین مهاجر بامر مقدس جهاد مشغول بوده و یک لحظه از دفاع دین معتقدات و نوامیس ملی افغانستان فارغ نیستند.

اگر منظور حل سیاسی قضیه افغانستان باشد باید طرز عمل ملل متحد تعدیل شود واگر این تعدیل از جانب موسسه ملل متحد صورت بگیرد بهتر است. چون موضوع افغانستان یک موضوع جهانی است و درنزد ملل متحد درسطح شورای امنیت و مجمع عمومی قرار دارد وهمه طرف ها عضو ملل متحد هستند باید کنفرانس خاص بین المللی تحت نظارت ملل متحد با اشتراک نمایندگان احزاب مجاهد و مبارز افغانستان از داخل وخارج کشور به شمول همه همسایگان افغانستان همه اعضای دایمی

خارجی یعنی فشار سیاسی و دیپلوماتیکی کشورهای دیگر بر روسیه است. در مورد جهاد، من نه تنها خوشبین، بلکه متیقن هستم که پیروزی میدان جنگ انشاءالله از آن هاست ما نه تنها خوب می رزمیم و نیرومندیم بلکه دشمن را نیز در مضیقه گذاشته ایم اگرچه دشمن از لحاظ مادی نیرومند میباشد با آنهم مقاومت افغان ها پیروز است و این پیروزی روز تا روز افزون تر میشود آنچه امروز مورد نیاز است عبارت از تقویه مادی و معنوی جهاد است نه تنها اینکه جهاد باید سرد نشود بلکه من متیقنم که جهاد اصلاً سرد نمیشود مردم افغانستان کاملاً هوشیار اند ومیدانند که برای چه می رزمند وتا آنکه به آن هدف دست نیافته باشند سلاح برزمین نمی گذارند.

همه افغانها اینرا میدانند که روس به کشورشان تعرض نموده است و ملحدین قصد گرفتن کشورشانرا دارند.

مردم افغانستان دشمن خودرا خوب شناخته واین جهاد را براساس هوشیاری شان آغاز کرده وخود به پایانش میرسانند.

درین شکی نیست هرانسانی که در افغانستان بهلاکت میرسد، هرخانه ایکه ویران میگردد وهرآن که حقوق او بر اساس وضع کنونی افغانستان زیرپا میشود مایه تأثر و تأسف است ولی من این پدیده هارا در هرجنگ وهرجهاد

میگذارد اما از این التجا به ایشان نمیتواند خود داری کند که مسئولیت های بزرگ خود را در برابر انکشاف اوضاع بیشتر از پیشتر درنظر بگیرند.

شمارهٔ ٤ ، سال چهارم مجاهد ولس
۱۳٦٦/٤/۱

یاحق!

اخطار به رهبران

مقدمهٔ بحث بر یک موضوع مهم

باید نگذاریم تاریخ بطور نا شایسته تکرار گردد. درمیدان جنگ مظفر باشیم ودرمیدان سیاست ببازیم.

درین ایام که بحمد الله دراثر شهامت مبارزین ملی و ایمان خلل نا پذیر مومنین ومسلمان بجاهدین راستین در راه خدا، از راه جهاد ومبارزه، درجنگ پیروزی های بارز پدیدار است درساحهٔ بین المللی اوضاعی بظهور آمده است که نیازمند تفکر عمیق است زیرا که این اوضاع مؤجد اندیشه هستند وشاید موجب تشویش شده بتوانند.

آنچه درین مقال مورد بحث است نیازمند مراقبت افغانها است. کرملن آنرا بطور دقیق مراقبت میکند ،

رژیم کابل به تأسی از هر آنچه روسیه میکند محکوم است، کشورهای بلاک شرق نیز در اثر محکومیت به پیروزی از سیاست روسیه و نیز از آنجا که روسیه بخشی از مصارف جنگ را در افغانستان برایشان تحمیل می کند وایشانرا به تمسک به تعهدات شان در سهم گیری در پشتیبانی از دوکتورین سوسیالیزم انترناسیونال مجبور میدانند با درنظرگرفتن وضع اقتصادی خود نگران و مراقب اوضاع هستند.

کشورهای بلاک غرب در اثر فشار افکار عامه و حفظ پرنسیپ دفاع از آزادی و حقوق بشري به این اوضاع بی علاقه مانده نمی توانند. این امر مربوط به موضوع جلوگیری از پخش سلاح ذره وی است. موافقه نامهٔ که بر آن امضاء شد در حقیقت زادهٔ موافقه میان دو ابر قدرت بود. نفوذ آنها شمار زیادی از کشورها واداشت که آنرا امضاء کنند. درمیان کشورهائیکه آنرا امضاء نکردند هندوستان بود. خوف هندوستان ظاهراً از چین بود اما درعین زمان در این انحصار قدرت خودرا مستحق میدانست، زیرا از نقطه نظر وسعت خاک و کثرت نفوس و موقعیت مهم در جغرافیهٔ سیاسی و نظامی خودرا مستحق سهیم بودن در هرگونه امتیاز - قدرت های بزرگ میداند.

درحقیقت امضاء نکردن هندوستان پاکستان را از امضا کردن باز داشت پاکستان در معرفي موقف خود بطور عاقلانه تصریح کرده است که اگر هندوستان متعهد گردد از تعهد

سرباز نخواهد زد اگرچه هم اکنون که هندوستان عملاً بمب ذروی دارد. درینحال پاکستان جلوگیری از اراده وسعی خود را، اگرچه اعتراف نمیکند، غیرعادلانه ومخالف با مصوونیت خود می داند وبد رستی که غیرعادلانه است. فشاری که به پاکستان می آید بر هندوستان واسرائیل وارد نشد متاسفانه موادی در معاهده نامه بطرزی موجود است که برای طرفداران این تبعیض زمینهٔ استدلال تهیه میکندکه شروع وبحث آن در این مقال نمی گنجد.

مراد این است که امریکا و پاکستان راکه دوستان نزدیک هستند با عدم موافقت با همدگر واداشته است مطلب خاصی که در ینجا منظور است اینست که ادارهٔ اجرائیهٔ امریکا تحت فشار کانگرس است که اکنون اکثریت کرسی های کانگرس هم در دارالموکلین وهم درسنا، در دست حزب دموکرات است. کانگرس برقوهٔ اجرائیه که به حزب جمهوری تعلق دارد فشار وارد میکند که دادن چهار بلیون تعاون را به پاکستان معطل کند ویاحتیٰ قطع نماید. اینست آن موضوع مهم که درین اواخر تحت بحث است. درینباره چندی پیش وزیر خارجهٔ پاکستان به امریکا آمد وبه کومیته های مربوط به این امر در کانگرس توضیحات داد. قصرابیض سعی می کند که تاثیرات قطع تعاون به پاکستان ناگوار ووخیم شده می تواند. یکی از مهم ترین دلایل حتی مهمترین دلیل خوف آنست که پاکستان

شاید مجبور گردد موقف خود را دربارهٔ پشتیبانی ازمجاهدین ومبارزین تغییر بدهد. راه رسانیدن کمک به افغانها بر روی امریکا بسته شود. پاکستان بسوی روسیه تمایل پیداکند ومسئله منجر به شناسائی رژیم کابل ازجانب پاکستان گردد. راه رسیدن اسلحه ولوازم به جبهات بر مبارزین مسدودگردد ومراد نهائی روس برآورده شود. معین وزارت خارجه امریکا برای بحث مزید براین موضوع وفراهم آوردن دلایلی که زمینه رابرای اقناع کانگرس تهیه کند به اسلام آباد رفته است. قرار یک اطلاع حکومت پاکستان به وی گفته است که موقف خودرا دربارهٔ تولید سلاح ذروی تغییر نخواهد داد وعلاوه کرده است که اگر تعاون مالی با آن قطع گردد باآن هم سیاست پشتیبانی از مبارزین افغان را تعقیب خواهد نمود. اما این اطلاع مطبوعاتی همه خوف ها واندیشه ها را زایل نمیکند. چون موضوع هنوز زیر بحث است ناگزیر باید منتظر نتایج حقیقی بود.

اینجاست که باید به اصل مطلب بازگردیم وبرآنچه درآغاز این مقال آنرا نیازمندی به تفکر عمیق مبارزین ملی ومجاهدین خواندیم تکرار وتائید کنیم وتوجه رهبران مبارزه وجهاد راکه میدانیم متوجه هستند بیشتر جلب نمائیم. مرادد رک بهتر و جدی ترمسوولیت شان است.

این نوشته محض مقدمهٔ مقالی است که باید بعد از معلوم-

شدن نتایج نگاشته شود .

به شرط حیات وتوفیق خداوند .

السلام علیکم ومن الله التوفیق .

شماره ٦ ، سال چهارم مجاهد ولس ١٣٦٦/٦/١

یاحق!

دنبالهٔ اخطار به رهبران

"علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد"

در شمارهٔ گذشتهٔ "مجاهد ولس" در موضوع سعی پاکستان برای داشتن بوسب ذره وی مقدمهٔ مختصری برای آگاهی هموطنانی که از منابع ومراکز اطلاعات وجریان وانکشاف بحث براین موضوع (که تاثیر نتایج آن برفعالیت مبارزین ملی ومجاهدین افغان در پاکستان ورسانیدن تجهیزات و لوازم به جنگ آوران افغان درداخل کشور ربط داده شده است) دور افتاده اند تقدیم شد ووعده کرده بودیم که انشاءالله - جریان وانکشاف این موضوع رابا ایشان خواهیم رسانید اینک باختصار دریــن مقال سعی می کنیم این فرض ووعده ادا و بجا کنیم . با طلب توفیق ازذات اقدس متعال جلّ جلاله .

به منظور آنکه برای هموطنان محل قضاوت وتحلیل موضوع میسر باشد می شاید در آغاز این مقال معلوماتی چند تقدیم شود.

اصل موضوع ، جلوگیری از پخش اسلحهٔ ذره وی مبنی بر یک معاهدهٔ بین المللی است که شماری از کشورهای عضو ملل متحد بآن تعهد کرده اند و برخی از تعهد بآن اباکرده اند. هندوستان پابندی به این معاهده را نپذیرفت. پاکستان به هراس اندر شد و حق خود را تا هنگامیکه هندوستان متعهد نشود محفوظ نگهداشت. موجب هراس هندوستان چین و موجب هراس پاکستان هندوستان بود. بنا بر آن پاکستان اعلام کرد که تعهد آن مشروط به تعهد هندوستان است. بهمان اندازه که خوف هندوستان از چین بجا بود ترس پاکستان از هندوستان بیجا نبود. هندوستان در ساحه ونفوس سپاهی وسلاح غیرذره وی بزرگتر وقوی تر از آن است که از روی انصاف محلی برای خوف آن از پاکستان بگذارد. بعد از تقسیم نیم قارهٔ هند وایجاد دو کشور: پاکستان وهندوستان ، این دو کشور سه بار باهم جنگیده اند که یکی ازین جنگ ها حتیٰ به تجزیهٔ پاکستان منجر شد و کشور بنگله دیش را بوجود آورد و پاکستان را کوچکتر وضعیف تر ساخت. نقش هندوستان در این امر در چشم تاریخ و هیچ نظر دیگر پوشیده نیست. حتی بجرأت میتوان گفت که خوف هندوستان از چین نیز بعد از معاهدهٔ دوستی میان روسیه و هندوستان که متضمن دفاع مشترک است بیجاست. از جانب دیگر تحول اوضاع دلایل بیشتر برای خوف پاکستان از هندوستان ایجاد کرده است

که به پاکستان حق اندیشه برای حفظ موجودیت آن و بیم مزید را از هندوستان میدهد. این هراس زاده ی خوف پاکستان از تجزیه ی مزید این کشور است. مثال آن مساعی مشترک روسیه و هندوستان در تقویه ی عناصر جدائی خواه در بلوچسان و صوبهٔ شمال - غرب و بعد از جعل "حکومت" نام نهاد کامیونست در افغانستان و مامور ساختن از جانب روسیه برای تحریک و توطئه در سرحدات آزاد است البته استیلا و الحاق کشمیر را از صفحه ی این نقشه نمیتوان پنهان تصور کرد.

هندوستان در سال ۱۹۷٤ عیسوی از آزادگذاشتن خود از قیود معاهدهٔ بین المللی جلوگیری از پخش سلاح ذره وی استفاده کرد و به انفجار بم ذروی پرداخت و منظور آن را صلح جویانه اعلان نمود. این عمل نمایندهٔ نیات هندوستان بود. مبرهن است که مطلوب آن از آغاز همان بود که خود را در قطار قدرت های ذره وی قرار دهد. این عمل هندوستان بر خوف پاکستان افزود و آنرا حقیقت بخشید. عکس العمل امریکا و روسیه علیه این عمل و همچنان انعکاس آن در دیگر کشورها خیلی سست و حتی ناچیز بود. یگانه کشوری که نسبتاً آنرا جدی تلقی کرد کانادا بود که به معطل ساختن ادامهٔ تعاون خود در ساحهٔ انکشاف حقیقتاً صلح آمیز مواد و تکنولوژی ذره وی تظاهر کرد. این وضع از یکسو هندوستان را تشجیع نمود و از سوی دیگر بر پسوکولوژی مردم پاکستان اثر

عمیق کرد. ذوالفقارعلی بوتهوکه هرکردار وگفتار او بیشتر از درایت وفراست مبنی بر احساسات خودش و بازی با عواطف مردم پاکستان بود آتش غرورملی مردم خود را درکانون رقابت مردم پاکستان با هندوستان دامن زد وبرای تأمین اغراض سیاسی خویش که بیشتر جنبه ی جلب افکار عامه را برای حفظ وتضمین اقتدار شخص خودش داشت گفته ی معروف احساساتی خود را که تاریخ آن را ثبت کرده است تاکید کرد. آن گفته این است که: «ریشهٔ گیاه می خوریم امّا بومب ذره وی می سازیم.»

شاید ذوالفقارعلی بوتهو حق داشت که تحت تأثیر احساسات شخصی بیاید. ضعفِ بشر درقبال قدرت حوادث ونارسائی انسان طبیعی وقابل فهم است. اگر معصوم بوده باشد خدا اورا بیامرزاد! اما یک زعیم درهیچ حال نباید حکمت راستین وحقیقت دیرین را فراموش کند که: هر آن کسیکه با مردم خود ببازی ی نادرست، به نفع خود، میگراید میدان مبارزه را با رقیبان ودشمنان می بازد. سیاسیون خونسرد هندوستان با زیرکی تمام درساحه ی سیاست وتبلیغ ازحالت روحی این شخصیت سیاسی که سیاست غیرعادلانهٔ او که منافی اصول دیموکراسی با ملیتها نفوس بنگال بود وبه تجزیهٔ پاکستان منجر گردید استفاده کردند.

شورای امنیت و یک شماره از ممالک عضو از تمام قاره ها با توجه کامل به رول ممالک بیطرف وکشورهای اسلامی با استخدام مساعی دبیر کل ملل متحد انعقاد یابد و با موافقت نمایندگان حقیقی مردم افغانستان طرقی را جستجو کند که به تجاوز روسیه خاتمه داده به اعاده و استرداد حقوق مردم وملت افغانستان ومصؤنیت کامل افغانستان منتج گردیده وازجانب جامعه بشری وشورای امنیت ملل متحد تضمین گردد. مراد از ختم تجاوز روسیه اخراج فوری کامل وبلا شرط قوای نظامی روسیه وتعهد روسیه به عدم مداخله درمسایل داخلی افغانستان بطور مستقیم یاغیر-مستقیم واحترام به حق تعین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی افغانستان تنها وتنها به اراده آزاد مردم افغانستان است. این تجاوز وقتی ختم شده پنداشته میشود که به نتایج آن نیز خاتمه داده شود ومراد از نتایج تجاوز روسیه خاتمه دادن به قدرت سیاسی حزب تحت حمایت روسیه وتحمیل ایدیولوژی ونظام کمونیستی در افغانستان است مراد از تضمین حقوق مسلم افغانستان بحیث یک کشور مستقل حاکمیت ملی، تمامیت خاک وجلوگیری ازهرگونه مداخله ازهرجانبی که باشد بشمول توطئه ها ودسایس بر منظور نفوذ سیاسی خارجی واستعمال افغانستان بحیث یك پایگاه نظامی میبا شد.

مردم افغانستان میخواهند کشورشان مستقل، مردم شان آزاد وکرامت نوامیس انسانی وملی شان محفوظ ومصئون وحدت

این نوع اشتباه بی سابقه نیست نه در پاکستان و نه درجهان زعمای ملل در تحت تأثیر احساسات خود ویا به منظور واردکردن اثر برحالات روانی مردم خود به اینگونه وسایل متوسل شده اند. اگر صبغهٔ توسل شان بنا بر ایجابات محیط خود شان فرق داشته است اصل غرض سیاسی و تبلیغی برجا مانده است. اینگونه لاف ها وگزاف ها و بازی های گمراه کننده درانجام به تباهی منافع مردم وکشور شان انجامیده وخود شان رانیز ازمیان برده است.

بطور مثال درپاکستان باری، در زمان تیره‌گی مناسبات افغانستان با پاکستان، روی موضوع پښتونستان، جنرال ایوب خان تهدیدگزاف خودرا مناسب حال دید وگفت: اگرافغانستان برجای خود ننشیند بیرق پاکستان رابرفراز ارگ شاهی کابل، درظرف چهل وهشت ساعت، دراهتزاز خواهدیافت. این تهدیدگزاف وبیجا روابط راتیره تر ساخت. غرض شخصی جنرال ایوب که پښتون بودومردم پنجاب وسند ازوی مطمئن نبودند جلب اعتماد شان برای حفظ مقام خودش بود باین معنا که بایشان بگوید اگرچه پښتون است ازدل وجان اولتر پاکستانی است. البته این یکی ازاغراض سیاسی وشخصی او بود.

چونانکه بوتهو در اختیار کردن سیاست افراطی، در بیانات، یکی ازعوامل جلب اعتماد توده های پاکستان تا پاکستانی

بودن خود را بطور ثابت به ایشان جلوه دهد. با این معنا که چون برای حفظ دارائی شخصی خود در هندوستان تابعیت هندوستان را ترک نکرد وحتی درحالیکه رئیس دولت وحکومت پاکستان بود تا بعیت هر دو کشور را داشت. از این ناحیه مردم آگاه باو اعتماد کامل نداشتند قضاوت اینگونه شخصیت را باید به مردم پاکستان گذاشت امّا اشاره بآن بی لزوم نیست. عبدالولی خان (پسر خان عبدالغفارخان) برای اثبات پاکستانی بودن خود برضد قبول مهاجرین افغان موقف گرفت. در دیگر کشورهای جهان موقف افراطی قذافی در لیبیا وعیدی امین در یوگاندا همه شبیه به نظایر همین بازی با مردم است. در آلمان هتلر تکبیر آلمان را با شعار «آلمان فوق همه» در آذان سیاسی، بلا تشبیه، برای خواندن مردم به نماز برای شخص خودش آمیخت. در برتانیه ونستن چرچل با استعداد ابتکار مخصوص خودش نه تنها با مردم خودش بل با همه دنیای انگلوساکسون بازی کرد وگفت: اگر ضرورت تقاضا کند از شیطان استعانت خواهم کرد.» با همه فرق هائیکه از بساجهات میان گفتار بوتهو و چرچل موجود است نمیتوان از وجود یک وجه شبهه انکار نمود. بوتهو تصمیم خود را در قالب تحمل فاقه و هلاک از گرسنگی مردم خود ریخت وچرچل به دامان تهدید سیاسی آویخت.

چون جهانیان شاهد عاقبت وفرجام عیان اینگونه بازیگران است می شاید ومی باید به اصل موضوع این مقال باز گردیم ، وآن موضوع جلوگیری از بخش سلاح ذروی و تأثیر آن برمبارزهٔ ملی افغان ها وجهادشان درراه حراست نوامیس ملي و استرداد آزادی کشورشان وحفاظت دین وعقاید مقدس دینی ایشان است .

موقف پاکستان :

در آغاز مطالب این عنوان لازم میدانم بوضاحت تمام تصریح وتاکیدکنم که تا جائیکه به منافع ملی افغانستان مربوط است نظریات واختلافات من با حکومت پاکستان به هیچ نحوی ازانحا تغییر نکرده است ونخواهد کرد زیرااز عقیده ی محکم وایمان رزین خویش به حفظ منافع ملي کشور ازادای این فریضه نه میتوانم منصرف ومنحرف شوم زیرا انصراف وانحراف راگناه عظیم می پندارم حاشا وکلا ! به همان اندازه، وبه مراتب بیشتر از آن، که حکومت پاکستان مرا «شخصیت ناپسند» میداند من هرحکومت و پالیسی وسیاست آن راکه منافی منافع ملي افغانستان باشد ناپسندیده ، غیرقابل قبول وتحمل میدانم. نباید تصورکرد که درقبال آنچه پاکستان

بحیث یک ملت مسلمان «انصار» ، به مهاجرین مسلمان — افغانستان کرده است یا بکند ناسپاس هستم ویا آن پاره مانند هر هموطن خود قدر نکرده ویا نمی کنم. باز هم می گویم حاشا وکلاّ!

از مشخصات ملی مردم افغانستان است که بدستور آنچه خدا در فطرت ونهادشان گذارده است وبه حکم شعور سیاسی که زادهٔ تجارب تلخ تاریخ شان است مالک یک تلکوی شگفت وحافظه عجیب هستند که در روابط میان خود و نیز بیگانگان نکوئی را فراموش نمی کنند وخاطره ی بدی رانیز در دل نگهمیدارند تا حفظ نوامیس ملی خود راهماره مراقبت کرده بتوانند.

ازینرو اگر من درین مقال متمایل به پشتیبانی از موقف پاکستان تصور شوم برای آنست که درموضوع سعی تولید بم ذرّه وي حق بجانب پاکستان است وفریضهٔ من آنست که حقایق امر را به مردم خود برسانم.

موقف پاکستان درین مسئله روشن ودرست، مدبرانه ومعقول است. پاکستان بدنیا اعلام و به هندوستان — پیشنهاد کرده است که ؛

اول؛ پاکستان و هندوستان هردو معاهده ی جلوگیری از پخش تولید بم ذرّه وی را امضا کنند ،

دوّم ؛ منطقه ی آسیای جنوبی رایک منطقه ی آزاد از

سلاح ذرّه وی اعلان کنند.

سوم: دستگاه های تولید ذرّوی خود را بطور متقابله برای تفتیش و بررسی باز نمایند.

چهارم: هردو کشور همزمان بررسی همه مراکز تولید انرژی ذرّه وی خود را از جانب آژانس بین المللی انرژی ذرّه وي (برای مقاصد تولید انرژی برای مقاصد غیرنظامی) مطابق به مقررات این موسسه ی بین المللی قبول کنند.

پنجم: سعی کنند که همه کشورهای آسیای جنوبی - باساس یک معاهده ی مشترک جلوگیری از تولید سلاح ذرّه وی تعهد نمایند.

موقف هندوستان:

هندوستان درمقابل این پیشنهاد پاکستان تاکنون نه جوابی داده است و نه از جانب خود، برای ایجاد امکانات مذاکره، پیشنهادی کرده است. این روش نوعی از انواع تغافل و تجاهل سیاسی است که حقایق آن از نظر مبصرین پوشیده بوده نمیتواند. بزعم این نگارنده جواب دادن به این پیشنهاد های معقول و مدبرانه ی پاکستان برای هندوستان یک کار آسان و ساده نیست. نیات سیاسي و نظامي ی هندوستان که از خوف اثر آن بر افکار عامهٔ جهانی متقاضی

اخفاست آنرا مشکل تر می سازد. اختیار اینگونه پالیسی اگر از نگاه عدالت وحتی منطق قابل فهم نباشد از لحاظ تکتیک سیاسی مفهوم است. هندوستان برای عملی ـ ساختن نیات نظامي، آلوده به طمع وغرض سیاسي ی خویش، خودرا نیازمند اندوختن وقت وخواب های فرصت بهتر می پندارد.

هندوستان تا جائیکه مبرهن است سه منظور اساسي دارد :

اوّل: کسب قابلیت ظهوریا جلوه درصحنه ی جهانی بحیث یک قدرت عظیم که یک منظور سیاسي ومتضمن امتیازات است.

دوّم: منظور مختلط نظامي و سیاسی که قابل فهم است وآن عبارت از برآوردن آرزوی برابری درصحنه ی رقابت باچین است.

سوّم: رسیدن به مقصود ازمیان بردن پاکستان وتصرف نیم قارهٔ هند.

خوف هندوستان راازچین نمیتوان کاملاً بیجا خواند اما درعین زمان باید درنظر داشت که دعوی ومشاجرهٔ چین با هندوستان مبنی براصل عدم قبول تعیین خط سرحدی توسط یک قدرت استعماری (برتانیه) است. دراین زمینه جلب توجه داعیان قضاوت را به لزوم توجه به سوابق خط مکموهن و دیورند وغیره نباید بیجا

انگاشت .

هندوستان با انفجار ذرّه وی سال ۱۹۷٤ بم ذرّه وی تولید نمود و بعداز آن تا امروز با همه وسایل انکشاف بومب ذرّه وی کوشان و مصروف است. اگرچه انفجار ۱۹۷٤ را برای مقاصد انکشاف استفاده از انرژی ونیروی ذرّه وی وانمود کرد هرفزیک دان میداند که مُراد اصلی وحقیقی تولیدِ سلاح ذرّوی بود و بوده می تواند و هیچگونه فرقی با سعی بدست آوردن مطلوب اخیرالذکر ندارد . بعد از آن یگانه بهانه ی هندوستان این است که به انفجار ازمایشی دیگر اقدام نورزیده است وازین حقیقت تجاهل میکند که دیگر ضرورتی برای انفجارهای آزمایشی وجود ندارد و میتوان بدون آن بم تولید کرد .علاوه برآن بنام انکشاف درساحهٔ سیانس جوی بویژه به تولید وسایل حمل ونقل سلاح ذرّه وی می پردازد وبر تعداد دستگاه های یک سلسلهٔ منظم تولید غنی ساختن یورانیوم می افزاید . این اعمال همگان شاهد نیات هندوستان هستند .

ازجانب دیگر هندوستان یک کشور هشت صد ملیونی و قدرت غیر ذرّه وی ی به مراتب افزون تر از پاکستان به هیچ موجب دلیلی برای خوف از پاکستان کوچک تر و کمزورتر ندارد و نیز بعداز معاهدهٔ دوستی و دفاع مشترک باروسیه نه تنها درمقابل پاکستان بل دیگران مصوونیت

خودرا تأمین کرده است. (نکتهٔ مضحک تر اینست که با اینگونه پیوستگی نزدیک با روسیه که لیدر بلاک «پکت وارسا» است ادعای بیطرفی میکند وحتی دیگران آن رالیدر حرکت عدم انسلاک می خوانند که موضوع جداگانه ومورد شک وسوال است)

به حدس این نگارنده یکی ازعوامل بازی هندوستان برای اندوختن وقت اینست که همه پلان های خودرا برای تولید سلاح ذره وی تکمیل کند و پیش ازآنکه پاکستان به ساختن بومب ذره وی موفق گردد مقاصد نظامي خودرا درین ساحه برآورده وآنگاه یک غرفهٔ نمایشی ازمحصول موفقیت های خود درساحهٔ استفاده از انرژي ذره وی به مقصد انکشاف بیاراید وبرای عقیم ساختن مساعی ی پاکستان با مراتبی که به نفع خودش برای جلوگیری از پخش سلاح ذره وی باشد خودرا حاضرجلوه دهد وبعدازآنکه همه چیز را بدست آورده باشد به ازدست دادن هیچ چیز ضرورت نداشته باشد. این خطر تنها متوجه پاکستان نیست ومتوجه همه کشورهای قارهٔ آسیا شمرده مي شود. خطر اینگونه فوقیت نظامي هندوستان رانمیتوان به پاکستان وکشورهای آسیا محدود انگاشت وهمه کشورهای حاشیه ی بحرهند را بشمول افریقا می شاید بآن معروض پنداشت.

موقف روسیه: روسیه هیچگونه فشاری بر

هندوستان نه می آورد امّا پاکستان را تهدید می‌کند در این تهدید علاوه براغراض سیاسي ونظامي روسیه درین قسمتِ دنیا فشاربرچین وپشتیبانی هندوستان مضمر است. مطامع توسعه جوئی وسلطه طلبی امپریالیزم روس بقدری عیان است که حاجت به طوالت بیان درین مقال ندارد. اززمان پطر (به غلط مُلقب به کبیر) تاگوربه چف ارباب بصیرت سیاسي آنرا درک کرده اند. ورای تصورنیست که روزی پایان مغازله ومعاشقه ی سیاسی هندوستان را با روس خروس روس با آذانِ خود اعلام کند و هندوستان را ازخواب اشتباه وغفلت بیدار نماید. من بیشتر از سی وپنج سال پیش درغزلی گفته بودم :

پژواک در ورای تصورحقیقتی است
اندیشه راچه خوش بوداروقف آن کنم

خواب دیر در شب غفلت عرصه ی استفاده از بامداد وروشنائی ی روز روشن بریک فرد ویا یک ملت تنگ وکوتاه مي سازد .

موقف امریکا :

امریکا نیز بنا بر ملحوظات خاص خود اگرچه سعی میکند

توجه هندوستان رابه تکالیف بین المللی وعواقب پخش سلاح ذره وی جلب کند آوردن فشار مؤثر رابر هندوستان مرغوب نه میداند و شمرده قدم میگذارد واما بر پاکستان فشار نسبتا بیشتر وارد میکند. این نرمی ی امریکا با — هندوستان برای رفع تشویش های ممکن ازجانب امریکا موجب قناعت هندوستان وحتی تشجیع آن کافی است. علاوه برآن هندوستان از راه تبلیغ و برانگیختن افکار عامه وتحریک اعضای کانگرس امریکا بر شعبهٔ اجرائیه فشار می آورد که بر پاکستان فشار بیشتر بیاورد. درامریکا که هرفرد، مطبوعات و نشرات ونماینده گان مردم درکانگرس از آزادی افکار وعقاید واظهار آن برخوردار هستند این فشار بی همه گونه اثر نیست. درامریکا یک شخص یا یک پارتی حکومت نه میکند درروسیه یک شخص ویک حزب حکومت میکند آن یک شخص است. فهم درست این حقایق ازجانب هر مبارز ملی ومجاهد افغان لازم است.

در همه احوال پشتیبانی ازمبارزه ومعاونت با مبارزین افغانستان میان اکثریت مردم، کانگرس وسنا وشعبهٔ اجرائیه ی حکومت تا اینـدم، بدون ضمانت آنکه فردا چه خواهد آورد، اختلافی موجود نیست وبطور شگفت آور این موافقت نظرتنها برموضوع افغانستان است. حفظ این حالت منوط به — درایت سیاسی ی ما افغانها ست. اگرکسی درمیان افغانها دراثر تبلیغ یا نفوذ مخالفین امریکا بنا براغراض سیاسی ی

ملی شان استوار و حاکمیت ملی شان در دست خودشان باشد نظام سیاسی اجتماعی اقتصادی وفرهنگی شانرا تنها وتنها به دستور اراده ازادخود شان تعین کنند. درمیان کشورهای جهانی بحیث یك کشور مستقل ومساوی بپا یندو درکشور مستقل خویش ازآزادی های اساسی فردی وحقوق بشر براساس عدالت اجتماعی بهره مند باشند. درامن وسلام زیسته و بامردم وملل جهان درحال صلح ودوستی، تعاون وهمکاری واحترام متقابله بسربرند وبالا ترازهمه معتقدات دینی ونوامیس معنوی وملی خود راحفظ کنند. منبع این آرزومندی ها ایمان شان به خدا وعقیده محکم شان به کرامت انسانی واحترام شان به حقوق بشری است که ارزومندی همه مردمان جهان است. بنا براین اساس است که راه دفاع وجهاد مسلح که مردم افغانستان آنرا به حیث فریضه دینی وتصمیم ملّی وقیام عمومی درمقابل تجاوزروسیه برگزیده اند ازچارسال به اینسو با اراده غیرقابل تزلزل وقبول هرگونه قربانی وایثار آنرا دوام داده ومیدهند یگانه راهیست که یك ملت باکرامت وشرافت میتواند آنرابحق برگزیند وباافتخار تعقیب نماید. تاوقتیکه یك ناخن از خاك افغانستان مورد تجاوز یاتحت اشغال وسلطه اجنبی باشد وکوچکترین اشاره ونشانه ای کرامت انسانی وملّی مردم آنرا تهدید کند، ویاعناصری درکشور مستقل افغانستان باشدکه آنرا ازناحیه نفوذ اجنبی تهدید کرده بتواند، هرگونه فکروعملی که به انحراف ازراه جهاد مسلح تعبیرشده بتواند منافی دستوردین و

شان مخالفت میکند برپای منافع ملی افغانستان تیشه می زند. مخالفت با امریکا تا وقتی که امریکا اقدامی یا عملی مخالف منافع ملی افغانستان نکرده است ازجانب هرکس باشد نا درست است. اگر مطامع امریکا منافی منافع ملی افغانستان باشد در آن زمان فرق میان امریکا وروسیه گناه عظیم ملی و نا بخشیدنی است.

عکس العمل آخرین پاکستان:

اشاره کرده بودیم که حکومت امریکا یکی ازمعین های سیاسی وزارت خارجه را به پاکستان فرستاد تا برای اقناع کانگرس زمینه را تهیه کند. آرمه کوست رفت و بازگشت. حکومت پاکستان فشار وخطر قطع تعاون مالي امریکا رادر مقابل ختم مساعی خود برای تولید بم ذرّه وی بلا اثر جلوه داد و علاوه کرد که اگر معاونت امریکا قطع شود بازهم ازتعاون اخلاقي خود رابا مجاهدین افغان صرف نظر نخواهد کرد. امّا بعد از چند روز اطلاعی پخش شد که پاکستان حاضراست با روسیه داخل مذاکره مستقیم شود که طی ی مراتب آن منوط به تعیین وقت وجای مذاکرات ازطریق تماس های دپلوماسی است. این اظهارات گنگ نیازمند اطلاع مزید وگویای آینده است که اظهارنظر

بر آن پیش از وقت است .

موضوع بومب ذرّه وي اسلامي :

این موضوع اگرچه در مبحث این مقال شکل یک مطلب معترضه وضمنی دارد اشاره ی مختصری با آن کاملاً بی لزوم نیست . شماری از انتقادکنندگان خُرده گیر بر پاکستان تبلیغ می کنند که بومب ذرّه وي پاکستان معنای یک بومب اسلامي را دارد. منبع این تبلیغ عاری ازهرگونه منطق قدیم وجدید را هرکس می تواند حدس بزند وبه ضایع کردن وقت برای تحلیل آن نه می ارزد. بومب ذرّه وي به دین چه ربط و تعلق دارد واگربه فرض محال ربطی داشته بتواند تنها دنیای اسلام چرا ازین حق محروم تصورشود. عیسویان بومب ذرّه وي دارند. یهودان ازبیست سال بیش بومب ذرّه وی دارند . هندوها بومب دارند حتی کسانیکه دین ندارند این حق را برای خودگرفته اند. چرا تنها اسلام ازآن محروم باشد ؟!

موقف آخرین امریکا

امروز اول سپتامبر است باحتمال غالب کانگرس امریکا

تا اواخر این ماه به فیصله ی خواهد رسید از این رو باید انتظار کشید . در هر حال اگر طرفداران قطع تعاون به پاکستان موفق شوند در آنصورت منوط به پاکستان است که در مقابل مجاهدین ومبارزین افغان چه رویه اختیارمیکند، از پاکستان توقع می رود که بطور روشن این نکته را توضیح نماید که آیا تعاون آن با مجاهدین براساس وجایب اسلام است یا به منظور جلب معاونت امریکا، دین مقدس اسلام واجبات انصار رابه مهاجرین روشن ساخته است. علاوه بر آن جنگ افغانها با روس وکامیونیزم درعین زمان جنگ برای مصوونیت پاکستان است وناکامی مجاهدین ومبارزین افغان نه تنها برای پاکستان خطر بزرگ است برای همه دنیای اسلام ونیز همه دنیای غیرکامیونست خطرعظیم شمرده می شود .

در همه حال مجاهدین ومبارزین افغان باید عاقبت خود ومبارزهٔ خودرا معلوم کنند ازهمین جهت بودکه عنوان مقدمه ی این مقال را «اخطاربه رهبران» خواندیم . طرف خطاب تنها رهبران تنظیم های افغان نیستند . کوچک ترین گروه های مجاهدومبارز افغان باید مسوولیت عظیم خودرا درنزد خداوخلق بیشتر از پیشتر درنظر بگیرند . افرادنیز در هر نقطهٔ دنیا درین مسوولیت شریک هستند .

یکی ازموضوعات مهم آنست که همه گونه سلاح ولوازم

مستقیماً به تصرف مبارزین ومجاهدین گذاشته شود وبرانتقال وذخیرهٔ آن در داخل خاک افغانستان فکر شود که درصورت بسته شدن راه قوماندان ها ومبارزین در داخل افغانستان بی وسیله نمانند. از پاکستان توقع می رود که درین موضوع مساعدت عملی کند. امریکا باید برای حراست ودفاع مؤثر اسلحه ی مزید پیش از وقت به مبارزین بدهند. بعد از دادن ستینگر به مبارزین ثابت شد که این مردم اهلیت استعمال هرنوع سلاح رادارند. کشورهای دیگر باید برتعاون خود بافزایند. به شخصیت های نظامي افغان که درنقاط مختلف جهان پراگنده زندگی میکنند موقع سهمگیری عملی درمیدان های جنگ داده شود. هیچ یک رهبر باتمام اهلیت و دانش که دارد از مشورهٔ اشخاص خبیر وهمکاری رهبر و رهبران دیگر بی نیاز نیست و بوده نمیتواند. دیگر وقت آن گذشته است که درسه گانه، چهارگانه وهفت گانه حرف زده شود. تعلل در تبدیل کردن ائتلاف به اتحاد وتوسیع وترصیه جبههٔ مبارزه گناه عظیم اسلامي، ملي وتاریخي است.

بیشتر ازین اشاره گفتار چون مني درنزد خودم گستاخی است ونیز هنوز اوضاع درمرحلهٔ انکشاف است وباصطلاح نباید پیش از دیدن آب موزه راکشید امّا اخطار رانباید بتعویق افگند. آن کوچي راکه تا دیدن سیل غرّدی خودرا ازمسیر سیل دورنمیکند آب می برد. وما علینا الّا البلاغ. شمارهٔ ۷، سال چهارم مجاهد ولس ۱۳۶۶/۷/۱

یاحق!

به تعقیب اطلاعات مقدماتی جریان های مربوط به افغانستان در ساحهٔ بین المللی

۳-اکتوبر :

موضوع تعاون امریکا به پاکستان :

در آغاز ماه اکتوبر تمدید مدت مهلت تعاون ۴،۰۲ بلیون دولار درظرف شش سال به پاکستان که ریگن از کانگرس درخواست کرده بود صورت نگرفت. درکانگرس رای نمایان گرفته نشد. همینکه کانگرس تمدید این مهلت را اعلان نکرد قانوناً معنای عدم تائید صلاحیت قوه ی اجرائیه را ازجانب قوهٔ مقننه دارد. ناگفته نماند که این مهلت شش سال دوام کرد.

کانگرس در اول میخواست که پاکستان معاینه ی مراکز غنی ساختن یورانیم را از جانب امریکا اجازه بدهد. پاکستان همه چیز را مشروط به تطبیق آن بر دیگران و بطور خاص هندوستان میدانست و میداند و تبعض را تنها بر پاکستان غیر قابل قبول دانسته و میداند که از بسا جهات حق بجانب آنست.

(تفصیل در مقدمه های قبلی بعرض رسانیده شده است).

در کانگرس شماری از نمایندگان با نفوذ باین عقیده هستند که یگانه فشاری که پاکستان را از موقف آن منصرف ساخته می تواند عدم تمدید مهلت است. اکثر مبصرین سیاسی و شماری از نمایندگان برعکس این پالیسی را موجب تشدید مسابقه ی ذره وی میان پاکستان و هندوستان میدانند. این گروه مانند ادارهٔ ریگن یکی از عمده ترین دلیل خود را ضعف موقف پاکستان در برابر خطر روسیه و تاثیر منفی آن به مبارزین ی افغانها برای استرداد آزادی افغانستان می آورند. یکی از علم برداران پالیسی قطع تعاون به پاکستان یک وکیل مربوط به حزب دیموکرات از ضلع نیویارک بنام STEPHEN .J. SOLA Z است. این شخص و طرفداران وی درین اواخر اعلام کرده اند که اگر پاکستان حاضر شود تعهد کند که رئیس جمهوری هر شش ماه به کانگرس اطمینان رسمی بدهد که مقدار غنی ساختن یورانیم را از پنج فیصد بیشتر نه می سازد مانع تعاون به پاکستان نخواهد شد. امّا پاکستا

از نقطه‌ی نظر حفظ حیثیت ملی و جهات دیگر اینرا تبعیض دانسته و غیر قابل قبول می پندارد. وارد شدن در موضوع راه حل این معضله از احاطه‌ی این مقال خارج است و نیز منوط به امریکا و پاکستان است. ما تنها از لحاظ تأثیر منفی آن بر مبارزهٔ ملی و جهاد افغانها و خطرهای مشترکی که از آن متوجه مبارزین افغان و منافع کشور برادر و مسلمان ما پاکستان است سخن می‌کنیم. طوریکه در مقدمه های قبلی به عرض رسانیده شده است این خطر ضعیف شدن پاکستان در برابر روسیه و هندوستان و استفاده‌ی روسیه از ین ضعف است که مبادا در اثر فشار روسیه و نیز تکتیک های شیطنت کارانه‌ی روسها برای تخویف و اغفال پاکستان به مسدود ساختن راه ارتباط از بیرون به مبارزین در داخل افغانستان منجر گردد، که از ان در مقدمه های قبلی زیر عنوان «اخطار به رهبران» تذکر داده ایم و چون ایشانرا هشیار و بیدار و دانشیار می دانیم تکرار آنرا گستاخی میپندارم. امّا اشارتی مختصر بر لزوم یک حرکت سیاسی از جانب مبارزین و مجاهدین لازم است:

یک اشاره‌ی مهم:

البته این اشاره از نگاه این نگارنده مهم پنداشته می‌شود. نمیتوان انکار کرد بنا بهر دلیل و غرضی که بوده باشد پاکستان به مجاهدین و مبارزین مهاجر افغان معاونت قابل قدر کرده است. امید است که این همدردی و معاونت در اساس

مبنی بر اصل دین مقدس اسلام یعنی ادای واجبات انصار دربرابر مهاجرین بوده باشد که جنبه ی بشری آن از واجبات بین المللی نیز می باشد. همکاری ی دیگر ممالک در اظهار این همدردی را نیز بهتر است به توجه مسوولیت ووجایب اسلامی تعبیر کرد «گمان مومنین خیر است». همدردی و تعاون امریکا را نیز باید وشاید بهمین منوال تلقی کرد؛ همدردی وتعاون امریکا را که از دنیای آزاد نمایندگی میکند نمی شاید سراپا از تمسک به پرنسیپ آزادی وحقوق بشری مردم وملل عاری انگاشت.

ازینرو این نگارنده جرأت می کند پیشنهاد نماید که ادای این قرض فرض است ولازم است به موجب روحیه ی اسلامی وعنعنه ی افغانی با یک حرکت سیاسی ودیپلوماسی، از راه تائید و پشتیبانی به معاونت پاکستان وعناصر پشتیبان مبارزه ی افغان در امریکا که رکن مهم آن ادارهٔ ریگن است بشتابیم.

چه گونه؟

درمرحلهٔ اول بدینگونه:

۱- ترتیب مظاهره ی منظم و متحد از جانب مهاجرین مبارز افغان مقیم در پاکستان با شعارهای پشتیبانی از موقف حکومت پاکستان درموضوع مربوط به تولید نیروی ذره ی ومطالبه ی ایشان از رهبران مجاهدین ومبارزین ملی که

صدای شان را به کانگرس امریکا و کافهٔ مردم امریکا برسانند.

۲- اظهار ارزومندی برای التفات بیشتر و کامل حکومت پاکستان به واجبات اسلامی شان به حیث انصار.

۳- درخواست از حکومت ها، پارلمان ها و مردم کشورهای آزاد که از جانب خود بدون فوت وقت افکار عامه ی جهانی بویژه مردم امریکا و کانگرس آن کشور را جلب نمایند.

٤- مطالبه از سازمان «کنفرانس اسلامی» که بطور خاص ارزومندی مبارزین افغان را با ارزومندی مثبت خودشان به سازمانهای ملّی و بین المللی کشورهای جهان اسلام وجهان انسانیت و بشریت برسانند.

۵- درخواست پشتیبانی از کشورهای معتقد به آزادی در قاره های افریقا، امریکای لاتین، اسیا و بحرالکاهل.

ضرورت به تذکر ندارد که این توقع محدود به مهاجرین افغان مقیم پاکستان نیست و باید گروهای افغان در همه کشورهای جهان همزمان و همنوا در آن سهم بگیرند.

٦- لبیک گفتن فوری و عملی از جانب رهبران همه تنظیم ها بطور متحد باین ارزومندی و مطالبات مردم آزادیخواه افغانستان بدون فوت وقت و تکرار میکنیم بدون فوت وقت، از طریق فرستادن یک وفد خاص به کانگرس امریکا، پارلمان کشورهای اروپائی، کنفرانس

اسلامی، لیگ اعراب، سازمان اتحاد کشورهای افریقائی، سازمان کشورهای امریکای لاتین، سازمان کشورهای حوزهٔ بحرالکاهل، رئیس اسامبله عمومی ودبیرکل سازمان ملل متحد. به مقام هائیکه فرستادن وفد عملی نباشد مراسلات بذریعهٔ نامه برهای باصلاحیت ویا ذرایع دیگر صورت گرفته میتواند. درحدود امکانات عملی سهم قومندانهای مبارز درداخل افغانستان درهمه این اقدامات باید درنظرگرفته شود.

اگرچه پاکستان تاکنون باهمه فشارهای جارحانه وسیاسی وتبلیغی روسیه موقف خودرا تغییرنداده واعلام داشته است که تعاون خودرا به آزادیخواهان افغان به تعاون امریکا منوط نمیداند قدردانی ازشهامت حکومت پاکستان دریـن مرحله لازم وحتمی است.

اگرکانگرس امریکا برموقف خود تجدید نظرنکند آنچه راروسها نتوانستند، بعید نیست توسط کانگرس امریکا انجام دهند.

۷ اکتوبر با امید توفیق خداوند متعال همینکه اطلاع ما بطورمؤثق ومستند درحدود امکان تکمیل شود. گزارش های مربوط به گفتگوهای ژنو وموضوع افغانستان در ملل متحد که شاید بتاریخ ۹ نوامبردرمجمع عمومی زیربحث گرفته شود درمقال آینده به هموطنان تقدیم خواهیم کرد. انشاء الله.

شمارهٔ ۸، سال چهارم مجاهدولس

معتقدات و روحیه ملّی مردم افغانستان بوده وازآنرو غیرقابل قبول وتحمل است. مردم افغانستان به پیمانه ملی درمقابل تجاوز روسیه جزجهاد ودفاع مسلح، راه دیگری راراه حق وعدالت و کرامت وشرافت نمی شناسند.

مردم افغانستان به پیمانه بین المللی همه ملاحظات عادلانه را با آگاهی کامل درنظرداشته وخواهد داشت افغانستان درهرسوال و درهرمورد پشتی بان ازادی خواهان ملی مردم جهان بوده و در حالیکه مجادلات مسلح شان رامشروع دانسته هرگز درپشتی بانی ازطرق سیاسی ایکه منتج به حفظ یاحصول استقلال وازادی و آمال سیاسی شان گردد مخالفت ننموده است.

امروز نیز ملّت افغانستان درمورد مسئله خود درحالیکه بردوام جهاد مسلح مصمم است اگرموازی بآن راهی برای رسیدن برآمال ملّی خود ازطریق سیاسی ومساعی بین المللی مشاهده کنند ازغور عمیق درباره آن دریغ نخواهند کرد.

افغان مجاهد، شمارهٔ ۱۸ سال اول، اجدی ۱۳۶۱

یاحق!

مقدمهٔ موضوع گفتگوهای ژنو
و بحث بر قضیه ی جنگ افغان و روس
در مجمع عمومی امسال ملل متحد

اول سپتامبر ۱۹۸۷ واشنگتن

عنوان این مقال را مقدمه می خوانیم برای آنکه آغاز نوشتن آن امروز ۲ سپتامبر است. امکان از سرگرفتن گفتگوهای ژنو در آغاز هفتهٔ آینده اعلام شده و هنوز مرام و نتیجهٔ آن مجهول است تاریخ بحث بر موضوع افغانستان در اسامبلهٔ عمومی امسال هنوز تعیین نگردیده است.

امّا من آگاهی آنانیکه از جریان امور دورتر از من افتاده اند اشارهٔ قبلی را به امکانات حوادث و عواقب آن لازم

می دانم.

درعنوان دوموضوع ظاهراً جداگانه با هم ربط داده شده اند زیرا درحقیقت ارتباط خیلی قریب دارند. گفتگوهای ژنو که ناگهان به تعویق افتاد واین باراین تعویق چندان جدی بود که حتی تاریخ از سرگرفتن آن تعیین نگردید. برخی عامل آنرا به اختلاف شدید برموضوع برآمدن سپاه روس از افغانستان تعبیرکردند وگروهی گفتند که بمیان آوردن پالیسی "آشتی ملی" ازجانب رژیم کابل باعث آن گردید، روس ها که از دوام دادن این گفتگوها بهره برداری های گوناگون کرده ومی کنند در راه احیای آن کوشیدندو به رژیم کابل به اصطلاح هدایت دادند که انعقاد مجدد آنرا بخواهد که البته چنان شد.

پاکستان وامریکا نیزنظربه ملاحظات خود موافقه نمودند کوردوویز در اواخرماه اگست اعلام نمودکه این گفتگوها بتاریخ هفت سپتامبرازسرگرفته خواهد شد وعلاوه کرد که چون کابل آن را پیشنهاد کرده است باحتمال اغلب بعد ازتجدیدنظر به موقف خود پیشنهاد تازه ارائه خواهد کرد.

درعین زمان معین اول سیاسی وزارت خارجهٔ روسیه به کابل رفت تا طرح جدید را به رژیم کابل باصطلاح دکته کند. اخبارکابل تایمز سفرش راکه درمسکو اعلان نشده بود و ملاقات اورا با وزیرخارجهٔ رژیم کابل یک سفر

به منظور مذاکرات خواند . همزمان معین وزارت خارجه‌ی امریکا در مسکو ، در مذاکرات خود با وزیر خارجه ی روسیه وارا کین وزارت خارجه بر موقف امریکا به ضرورت شدید خارج شدن قوای روس ازافغانستان، به منظور رفع یکی از موانع بزرگ در راه مساعد ساختن زمینه برای بهتر ساختن روابط امریکا و روسیه اصرار کرد .کوردوویز در اعلامیه‌آخر خویش به مطبوعات گفت که این گفتگوها مدت زیادی در بر نخواهد گرفت و شاید نتیجه ی آن در ظرف سه روز معلوم شود .

این اظهار به درجه ی اطمینان او از نتایج این مرحله‌ی گفتگوهای ژنو دلالت میکند که اگر مبنی بر کدام اگاهی‌ی بسیار مخفی و سرّی نباشد جنبه‌ی بد بینی او نسبت به جنبه‌ی خوشبینی وی از نتیجه قوی تراست

او برای اخذ یک نتیجه ی مثبت ازین مرحله ی گفتگوها مفهوم است زیرا باید به اسامبلهٔ عمومی ملل متحد راپورت بدهد و اگر این راپورت به اساس نتیجه‌ی گفتگوهای ژنو در مرحلهٔ گذشته باشد ناکامی ی واضح رسالت شخص او و عقیم ماندن این گفتگوهای غیرعادلانه به حساب میرود که همه پشتیبان این گفتگوها را ، یعنی پاکستان ، روسیه وامریکا را در نظر جهانیان در موقع بدی قرار میدهد.

در مرحلهٔ گذشته موقف روسیه دربارهٔ وقت خارج شدن

سپاه روس از افغانستان هژده ماه بود. پاکستان هفت ماه را قابل قبول میدانست. امریکا محض آنقدر وقت را که برای باربندی لازم باشد کافی اعلان کرد. پاکستان موقف خودرا تاکنون تغییر نداده است. امریکا نیز موقف خودرا بطور مکرر تاکنون تائید نموده است.

۳ سپتامبر ۱۹۸۷ : وزیر خارجهٔ رژیم کابل به جانب ژنو حرکت کرد در سر راه در اتریش و یوگوسلاویا توقف میکند. گفته می شود که رژیم کابل در گفتگوهای ۷ سپتامبر مدت یکسال را پیشنهاد خواهد کرد. نکتهٔ قابل توجه اینست که هیچکس تاکنون نگفته است که این هژده ماه، یکسال و هفت ماه ازکدام تاریخ حساب می شود. باید بخاطر داشت که رژیم کابل گفتگوهای ماه می را بتعویق افگند. مبارزین افغان درین گفتگوها تاکنون سهم مستقیم ندارند بطور خاص کسانیکه جرئت سیاسی کافی داشته باشند که این سخن را بالا کنند و فریضه ی خودرا به منظور ادای حق اطلاع مردم مبارز افغانستان مطالبه و فریضه حق اگاهی مردم جان سپار خودرا ادا نمایند. تاکی و تا چند میتوان اینگونه تجاهل عارفانه را تحمل نمود ؟! اگر حساب ماه درنظر گرفته شود روسیه و رژیم کابل از تاریخ تعویق گفتگوها تا تاریخ ازسر گرفتن آن چند ماه وقت بدست آورده اند؟ (قطع نظر از آن تاریخ که چهار سال وقت میخواستند و از آن بیشتر از پنج سال گذشت)

این حسابی است که یک شاگرد کودک دبستان دیپلوماسی آنرا درک کرده می تواند. و نیز اکنون آیا باید سوال اول از نمایندگان روس (رژیم کابل) این نباشد که یکسال امّا از کدام تاریخ ؟!
اگر در زیر این کاسه نیم کاسه یا نیم کاسه ها نباشد آیا این گونه تجاهل از حقیقت منافع ملی ی افغانستان ،از جانب هر کس که باشد ،از وکیلان دعوای قضیه ی تعیین مقدرات ملت مبارز و مجاهد افغان که خود شان و شرایط زمان آنرا به وجود آورده اند و زادهٔ دست بالای اجنبیان و دست زیر سنگ مبارزین ملی ی افغان است ظرب المثل های معروف هزاره ی افغان را که ممثل شعور و دانش مردم است بخاطر نمی آورد؟ هزاره های دانشمند و باشعور افغان میگویند: اگه د دل کابلی تگی نباشه چرا صندلی میله »
برادران هموطن شان در ننگرهار میگویند: « بزک بزک نمیر جو لغمان میرسه .» نظیر این امثال در میان ساکنین همه اکناف افغانستان وجود دارد.
به قرار اظهارهائی که در مسکو شده است روس ها قضیه را در انظار جهانیان چنین جلوه میدهند که: راه جستجوی حل سیاسی دو پهلوی مشخص دارد- یکی بین المللی و دیگری داخلی ،این دو راه باید با موازات پیموده شوند تا این دو طریق به نقطهٔ تلاقی باهمدگر

برسند. آنگاه معضله حل می شود. مراد و مرام روس اینست که امریکا، چین وکشورهای اسلامی هرگونه معاونت خودرا با مجاهدین قطع کنند، پاکستان راه تماس مجاهدین مقیم پاکستان را با مبارزین در داخل افغانستان ببندد، این کشورها ضمانت بدهند که درمسایل داخلی افغانستان مداخله نمی کنند.

(همدردی وتعاون غیر مستقیم این کشورهارا با مبارزین ومجاهدین مداخله درامور داخلی افغانستان میدانند وتجاوز برهنهٔ نظامی وسهم گیری عملی قشون خودراعلیه مردم افغانستان مداخله درامورداخلی افغانستان نمی دانند.) حتی آنانیکه درکودکستان آموختن الفبای دپلوماسی درس هجاگرفته اندااتخاذ اینگونه موقف رابااصطلاح پښتوزبانان افغان جز تکرار« میم زورما بوله زما » نمی دانند. این معنای آن راندارد که روس ها جاهل هستند معنای آن اینست که با تمسک به پالیسی خدعه تجاهل می کنند. این گونه سیاست اگرماهرانه باشد بازهم عادلانه ومصلحانه نیست واگرافغان هاوهمدردان شان خودراعمداً فریب ندهند معروض به ناکامی است.

روس ها برای پیشبردن منظورخویش درساحهٔ آنچه آنرا جنبهٔ بین المللی قضیه می خوانند طرح دگری ریخته اند که رژیم کابل به شصت تاشصت وشش کشورعضوملل متحد وفدهای تبلیغی بفرستند وپلان«آشتی ملی» خودراکه اکثریت مردم افغانستان ومبارزین ملّی ردکرده اند صلح جویانه

ومصلحت آمیز معرفی کنند تا در اسامبلهٔ عمومی ملل متحد تعداد اراء را، درقدم اول کمتر سازند ولو به تشویق شماری ازکشورهای عضو برای حاضرشدن بدادن رای ممتنع باشد به نفع خود حاصل نمایند. درین حرکت تبلیغی روسیه سهم مستقیم دارد وحتی هندوستان را حاضر ساخته اند که درحلقهٔ کشورهای غیر منسلک باایشان همکاری کنند. ازین نقطهٔ نظر بود که درعنوان این مقدمه گفتگوهای ژنو وجریان اسامبلهٔ عمومی ماه سپتامبر امسال را این نگارنده ارتباط داد.

درموضوع گفتگوهای ژنو باید منتظر نتایج ان وبطور خاص راپورتی بود که به اسامبلهٔ عمومی تقدیم می شود، موضوع جریان و نتیجهٔ امسال اسامبلهٔ عمومی راناگزیر به نتیجهٔ بحث ملل متحد برموضوع افغانستان باید گذاشت.

درباره آنچه ازمذاکرات وزرای خارجهٔ امریکا وروسیه که موضوع افغانستان روی اجندای آن اعلان شده است واگر ملاقاتی درامریکا میان ریگن وگورباچف صورت بگیرد نیز اظهار نظر درحال حاضر پیش ازوقت است.

شمارهٔ ۷ سال چهارم مجاهد ولس ۱۳۶۶/۷/۱

یاحق!

به تعقیب مقدمه ی موضوع گفتگوهای ژنو

۱۱ سپتامبر ۱۹۸۷

طوریکه هموطنان عزیز آگاه هستند پیش از آغاز گفتگوهای ژنو که بتاریخ ۷ سپتامبر، بنا بر درخواست رژیم کابل وموافقه ی حکومت پاکستان، متوقع بود بعد از تعویق آن به پیشنهاد، مبنی بر هدایت روسیه از جانب رژیم کابل یک بار دیگر شروع شد. کوردوویز دوام گفتگوهای این مرحله را سه روز پیشبینی کرده بود اما سه روز و چند ساعت دوام کرد. رژیم کابل در یک جلسه حاضر نشد تا توقع کاذبی ایجاد کند که امکان رسیدن به یک نتیجه ی مثبت موجود است. کوردوویز نیز این تکتیک را نادیده گرفت. درنتیجه معلوم شد که آنچه او آنرا، برحسب عادت خودش، خوشبینی دیپلوماسی می انگارد باریالیزم (حقیقت پسندی) همیشه تطابق

ندارد و این هم واضح گردید که این نوع دپلوماسی گمراه کننده است و هرچه برحقایق پرده افگند نادرست است و یک نوع سهمگیری در اغفال افکارعامه ی جهانی بشمار رفته می تواند. که اگر یک کشور اینگونه روش اختیار میکند مبنی برغرض یا اغراض سیاسی یا تبلیغی آن کشوراست و احتمال آن همواره موجود بوده وخواهدبود امّا ارتکاب آن ازجانب سکرترژنرال وکارکنان یک سازمان بین المللی که دربرابرهمه کشورهای عضومسوولیت مساوی دارد تنها شگفت نیست وانحراف ازخطِّ وظیفه وتجاوز ازحدود صلاحیت شمرده می شود. کوردوویز این کار را کرد که طبعاً نه می توانست این روش را بدون تصویب منشی ملل متحد اختیارکند. این روش تنها موجب گمراهی ی افکارعامه ی جهانی ونمایندگان اطلاعات ونشرات نگردید ومی توان به جرأت گفت در دستگاه حکومت پاکستان تاثیرکردوبا ایجاد توقعات کاذب همگان رافریب داد. درینجا با درنظرداشتن مسوولیت اخلاقی ووجدانی لازم میدانم توضیح کنم که بعید ازامکان نیست که روس ها کوردوویز را فریب داده باشند. اگرچنین باشد باز هم نمیتوان او و دبیرکل سازمان ملل متحد را تبرئه کرد زیرا اینگونه معصومیت نشان نادانی سیاسی بیش نیست ودرمحکمهٔ تفکر سیاسی یک ادعای قابل سمع شمرده نه می شود.

درپایان گفتگوهای ۷ سپتامبر ژنوکوردوویز اظهارداشت:

«حس کردم که درحالی که طرفین بسمت نزدیکی ی بیشتر باهم

حرکت کردند بهتر است این جریان ، درین جا یکسو گذارده شود وتماس ها از طریق دیپلوماسي ازسر گرفته شود.» این اظهار بعد ازآن بود که روشن ها به توقعاتی که با ایجاد انطباعی مبنی بر یک قدم ابتکاری درازهان تولید کرده بودند جواب مثبت ندادند. به یک تعبیر معنای این اظهارات آنست که چون طرفین باهم نزدیک تر شده اند بهتر است گفتگوها به تعویق افگنده شود. تحلیل منطقی آنرا به خوانندگان میگذاریم.

صاحبزاده یعقوب خان گفت: «ایشان اشاره کرده بودند که چیزی با محتوی به میان خواهد آمد ازینرو ما پذیرفتیم که باز به ژنو بیائیم» وافزود که: «چنین چیز به میان نیامد. تاجائی که به ما مربوط است ایشان ازسر گرفتن گفتگوها را پیشنهاد کردند ونیز ایشان بودند که عامل به تعویق افگندن آن گردیدند.»

امید است هموطنان وخوانندگان ما بپذیرند که شک ما درباره آنچه آنرا پالیسی وتبلیغ اغفال کننده وگمراه کننده خواندیم بی مورد نیست. به عبارت دیگر روس مستقیماً کوردوویز را برای فریب دادن افکار جهانی گمراه

می سازد وبطور غیر مستقیم توسط رژیم کابل او را برای اغفال پاکستان استعمال میکند. بهرحال خدای بزرگ افغان ها را از رفتن به صراط گروه الضالین درحفظ وامان خود نگهدارد.

کوردوویز در اظهارات خود علاوه کرد که تماس دیپلوماسی

قضیهٔ افغانستان
وکنفرانس سران ممالک غیر منسلک درهند

بتاریخ ۷ تا ۱۱ مارچ ۱۹۸۳ مطابق به (۱۶ تا ۲۰ حوت ۱۳۶۱) کنفرانس سران کشورهای غیرمنسلک بسویهٔ رؤس - دولت ها وحکومت ها در دهلی جدید انعقاد می یابد. وزرای خارجه این کشورها بتاریخ ۳ تا ٤ مارچ برای بحث مقدماتی وتنظیم نهایی امورکنفرانس گرد خواهند آمد.

حرکت عدم انسلاک زادهٔ تحولات بزرگی درساحهٔ روابط بین المللی معاصراست وبذات خود یکی ازواقعات مهم عصرما شمرده میشود. دراثر بوجود آمدن دوبلاک نظامی شرق وغرب وجریان جنگ سرد بعد ازجنگ دوم جهانی ملل کوچک صلحخواه که ارزومند بودند استقلال وحاکمیت خودرا حفظ کنند، درساحهٔ نفوذ این دو بلاک محکوم مقاصد واغراض دول بزرگ قرارنگیرند، ازجنگ سرد برکنار

آینده‌ی خودرا درا سامبلهٔ عمومی ملل متحد با پاکستان ورژیم کابل از سرخواهد گرفت. اگر نتیجه ی مذاکرات رژیم کابل و روسیه و پاکستان در ژنو محض تعویق بود از تماس دیپلوماسی درنیویارک چه توقعی میتوان بدل پرورد ؟! این معنا درظاهراً دریطن کوردوویزا ست اما درحقیقت سعی برای اخفاوپوشانیدن ناکامی ی گفتگوهای ژنو بوده می‌تواندکه ناکامی ی شخص کوردوویز در آن مضمرانگاشته می شود. کوردوویز مکلف است در راپورت سکرتر ژنرال چند سطرکه مظهر ناکلی ی کامل گفتگوهای ژنو درمرحلهٔ یازدهمین آن نباشد برای اسامبله عمومی داشته باشد. دیگرآنکه اگرمهلت روس ها رابرای برآمدن ازافغانستان دوازده ماه بدانیم بعد از تعویق گفتگوها مبنی برتماس های مزید سیاسی به روسها چندماه دیگروقت به ایشان تقدیم شده است ؟! ناگفته نماند که ما درمقدمه پرسیده بودیم که باید توضیح شودکه بکدام تاریخ معین روس ها بارخودرا می بندند. بنا بربرخی اطلاعات باراول اشاره ی مجهول به این مطلب شد باین معنی که گفته شد « بعدازامضای موافقه نامه ». با ین همه تعویق های پیهم این موضوع حواله ی یک مجهول به مجهول دیگراست. ایا امضای موافقه نامه چه مدتی را دربرخواهدگرفت ؟ ! آزجانب دیگردرحالی که تغییری درشرایط دیگر روس ها رونداده است ازخارج شدن تدریجی حتی باقی ماندن قسمتی ،

از قشون روس سخن می رود.

مبنی بر اظهارات صاحبزاده یعقوب خان در پایان گفتگوهای ژنو و همچنین اعلامیهٔ کوردوویز به اهل مطبوعات جالب توجه است که هر دو اظهار یأس و نومیدی می کنند. می توان، بطور قرین به صحتِ تعبیر، استنباط کرد که روسیه واز آنرو رژیم کابل در اذهان شان توقعات کاذبی ایجاد کرده بودند که برآورده نشد. هر دو در بیانات شان کلمهٔ disappointment را استعمال کردند واین، کسی بخواهد یا نخواهد قبول کند، معنای مستشعر شدن ایشانرا به خدعهٔ سیاسی روس ها دارد یا داشته می تواند.

۱۷ سپتامبر: کسانیکه مجاهد ولس را می خوانند می دانند که درمقدمه به ملاقات وزرای خارجهٔ امریکا و روسیه در واشنگتون اشاره کرده بودیم گفته بودیم که در اجندای این مذاکرات موضوع افغانستان نیز شامل است. این مذاکرات آغاز شد وجریان دارد. بحث بر موضوع افغانستان نیز به یقین پیوست امّا تا تاریخ نگارش این سطور اطلاع کافی و موثوق در دست نیست. از ینرو باید آنرا به مقال جداگانه بازگذاشت. انشاءالله

شمارهٔ ۸، سال چهارم مجاهد ولس

۱۳٦٦/۸/۱

یاحق!

به تعقیب جریان آخرین گفتگوهای ژنو در مجمع عمومی جاری ملل متحد پیرامون موضوع افغانستان

اول اکتوبر ۱۹۸۷
راپورت دبیرکل ملل متحد:

بتاریخ ۲۹ سپتامبر راپورت سکرتر ژنرال به اسامبله تقدیم شد. امکان بحث بر موضوع افغانستان بتاریخ ۹ نوامبر اعلام گردید. راپورت دبیرکل در "کلمات" آنقدر ملفوف است که میتوان آنرا به فصاحت اظهارات یک گنگِ ماهر تشبیه کرد. این ابهام عمدی که اکثر آنرا به "دیپلوماسی" تعبیر می‌کنند در حقیقت جز إخفای حقایق از افکار عامه‌ی جهانیان

نیست . منظور از آن پوشیدن ناکامی ي گفتگوهای ژنو بوده می تواند . امّا تحلیل «روحیه ي » راپورت به تمایل دبیر کل و نماینده ي خاص او به اجتناب شان از اعتراف به ناکامی کامل است . درین تمایل عنصر تمیلان به قبول درست پنداشتن اساس نقشه ی روس و رژیم کابل ، بطور آشکار ، به آنچه بر آن «آشتی ي ملی» نام نهاده اند و مبنی بر آمال سیاسی مطابق به شرایط خود شان بوده و هست مضمر است . و امّا اکنون در حقیقت گفتگو های ژنو در حالت اِغما و مخمسه در بستر مرگ است که اِحیای آنرا جز یک معجزه ي سیاسی نمیتوان پنداشت . اگر این گونه معجزه صورت گیرد بازهم در نزد خرافات پسندان سیاست مایه ي قناعت و قبول خواهد بود و تنها فرصت طلبان ضعیف نفس را اغفال خواهد کرد که منافع شخصي را بر منافع ملي ترجیح میدهند .

بعد ازین تبصره ی عمومي چند مثال از راپورت را به توجه هموطنان می رسانیم تا خود قضاوت فرمایند .

دبیر کل ملل متحد نتیجه ي گفتگوها را پیشرفت می خواند امّا آنرا کافي نمیداند . میگوید بدون شک وقت آن رسیده است که افغان ها خود شان قدم هائی بردارند که به منظور آوردن امن و سلام از ایشان توقع میرود این اظهار مجمل و مبهم شاهد تمایل وی به «آشتی ی ملی» مطابق به آمال روس و رژیم کابل است .

میگوید که کوردو ویز بعد از مراجعت از کابل و اسلام آباد

باو گفت که امکانات موافقت را درباره ی تطبیق نقشه ی طرح شده که منظور آن تضمین مراعات همه واجبات محصول موافقت نامه است دریافته است . این یک امر بدیهی است. اگر مشروط به «بعد از موافقه» باشد کی می تواند گوید همه را مراعات نمی کنم؟ تاکنون همه چیز مشروط به موافقه و موافقه مشروط به پذیرفتن شرایط روس است . روسها و دست نشاندگان شان تا هر وقتی را که برای تحمیل آمال سیاسی و نظامی حتی کلتوری خود در تصرف خود میخواهند بدست نیاورند به تکتیک تعویق گفتگوهای جعلی را دوام داده و دوام خواهند داد .

سکرتر ژنرال در راپورت به اسامبله میگوید که بر یک یاد داشت (میمورندم) موافقه بعمل آمده است . این میمورندم درباره ی جنبه های عملیات جهت تطبیق نقشه است.

و اظهار میدارد که حاوی استخدام کارکنان ملل متحد از ترتیب وطرق ومنابعی که هم اکنون درسازمان ملل وجود دارد اجرا خواهد شد . عنوان این میمورندم را «میمورندم مفاهمه» معرفی میکند که در راپورت عبارت از Memorandum of Understanding است . علاوه می کند که این میمورندم تعاونی یک زمان با موافقه نامه های دیگر مرعی الاجرا و نافذ خواهد بود. و آنگاه می افزاید که درباره ی تعیین وقت برآمدن قشون اجنبی « **هردو حکومت** » به نماینده ی خاص وی موقف قطعی خود را به صورت سری اظهار کردند و نماینده ی

خاص به آنها گفت که درین صورت دوام گفتگو ها به موافقهٔ منتج نخواهد گردید. «هر دو حکومت» بعد از غور موافقه نمودند که یک دور دیگر گفتگو ها لازم است صورت بگیرد درحالیکه وقت آن تعیین نگردید. اما گفته شد که باید به زودترین فرصت به آن پرداخته شود. این تکتیک موفقیت دیگری برای روسها بود که از یک جانب گفتگو ها را به تعویق اندازند و از سوی دیگر دوام آنرا لازم شمارند. وزیر خارجهٔ پاکستان اظهار نومیدی کرد اما معلوم است که در اثر فشار نا معلومی با آن موافقه نمود. عدم رضائیت پاکستان در نطق عمومی پالیسی آن در آغاز اسامبله عمومی که از طرف پاکستان ایراد گردید بیک اندازه نمایان است.

کلمات «هر دو حکومت» که در بالا زیر آن خط کشیده شده است در راپورت سکرتر ژنرال اهمیت خاص دارد. اگر پاکستان در وقت بحث موضوع افغانستان بر استعمال این کلمات اعتراض نکند معنای آنرا داشته می تواند که اشاره به طرف راد (گفتگو ها بحیث «حکومت» قابل اعتراض نمیداند. دیده شود.

سکرتر ژنرال میگوید که درضمن ملاقات وی گوربه چف با واطمینان داده است که پشتیبان قوی مساعی ملل متحد است و اندیشه ی بزرگ روسیه متوجه آنست که در افغانستان یک رژیم آزاد قایم شود که با روسیه مخالف

نباشد. البته هیچکس در یک ملاقات دپلوماسی و به پیروی از تکتیک تبلیغاتی کمتر از گوربه چف گفته نمیتوانند. سکرتر ژنرال میگوید که بنا بر این متوقع است که موافقه حاصل شود کدام کس می تواند کمتر ازین اظهار توقع کند ؟ سکرتر ژنرال از موقف مبارزین ملی و مجاهدین افغان ذکری و بآن اشاره ی نمیکند چه رسد به دلایل و براهین مبارزین در اتخاذ موقفی که گرفته اند.

در آخر راپورت سکرتر ژنرال آوردن صلح را در افغانستان تنها و تنها منوط به مذاکرات میداند اما نمیگوید مذاکرات میان کدام جانب با کدام طرف. سکرتر ژنرال می افزاید: «من در راپورت سال ۱۹۸۶ خویش به اسامبله عمومی تاکید کردیم که برداشتن قدم های شجیعانه و فیصله کننده از جانب افغانها برای تضمین آشتی ملی لازم وضرور است تا یک موافقه که تمام اقشار افغان از آن پشتیبانی کنند بدست آید.» درینجا نیز از گرفتن نام مبارزین ملی ومجاهدین اجتناب می کند. اگر دراثر تحلیل این کلمات بیک اظهار دپلوماسی تعبیر شود از جانب دیگر تمایل او را به تائید «آشتی ملی» که روسیه ورژیم کابل آنرا وضع کرده اند نشان میدهد.

در آخر راپورت سکرتر ژنرال میگوید: «بلاشک نماینده ی خاص من حاضر است وسایل تسهیل بازماندن راه مذاکرات

راتهیه کنند.» وآنگاه باکلمات مجمل وگنگ به نقش همه حکومت های عضو در» توسیع دادن فرصت و موقع به افغانها» اشاره ی موکد میکنند.

برای آگاهی افغان هائیکه مایل به تحلیل وقضاوت خود باشند علاوه می کنیم که این راپورت در سند SEPTEMBER 29 و 19160 /S/ 600 /42/ A 1987 ملل متحد متن انگلیسی نشر و توزیع شده است که سند های دیگر بزبان های شناخته شده ی ملل متحد درج است و می توانند آنرا با مراجعه بدست آورند.

مساعی روس برای احیا و دوام کنفرانس ژنو دوام دارد. سکرتر ژنرال مایل به قناعت است. نتیجه منوط به تصمیم نامه ی امسال است. پاکستان از رد کردن قطعی ادامه ی بی ثمر این گفتگوها تاکنون اجتناب میکند. دیده شود که فرستادن وفدهای خاص از جانب روسیه توسط رژیم کابل به آسیا وافریقا وفعالیت مستقیم روسیه به ممالک مختلف برای ترغیب کشورها درقاره های دیگرتا کدام حداین کشورها را اغفال کرده است و در رای بر تصمیم نامه ی امسال چه تغییری در اتخاذ موقف ها واقع خواهد شد.

درکوریدورهای کاخ ملل متحد گفته می شود که روسها شاید یک تعدیل نامه بر تصمیم نامه پیش کنند امّا تاکنون شمرده قدم میگذارند تا مبادا به شکست مواجه گردد گفته می

که یکی از منظور های مهم شان جلب پشتیبانی از "آشتی ملی " است که عنوان ظاهراً فریبنده است.

مذاکرات وزیر خارجه‌ی امریکا در مسکو با وزیر خارجه‌ی روسیه موضوع افغانستان را روی اجندا دارد. این مذاکرات که در هفته‌ی آینده آغاز میگردد به احتمال غالب بر موقف امریکا اثر خواهد داشت. این اثر اگر منفی باشد یا مثبت محدود شمرده نه می شود و به گمان غالب حتیٰ بر ممالک اسلامی تأثیر خواهد کرد.

مقاله‌ی آغاشاهی وزیر خارجه‌ی سابق پاکستان در اخبار *Dawn* بتاریخ ۲۲ سپتمبر بطور خاص قابل دقت است. آغاشاهی درین مقاله میگوید:

تمام پارتی های افغان باید ضرورت این تحقق را - دریابند که راه دیگری غیر از *Compromise* نیست مگر آنکه در موضوع حکومت انتقالی این راه را برای فیصله‌ی آینده‌ی خود و مقدرات افغانستان برگزینند. وقت آن رسیده است که اگر مذاکرات مستقیم میان رژیم کابل و رهبران احزاب مقاومت صورت گرفته نتواند به مذاکرات غیر مستقیم بپردازند."

وعلاوه میکند که: "این گفتگوها به معاونت میانجی ی ملل متحد صورت بگیرد."

این نظریه مخالف با موقف مجاهدین و مبارزین ملی افغان

در برابر رژیم کابل است. گفتگو میان رژیم کابل و مبارزین با گفتگو با روسیه فرق دارد.

اگرچه معروف نیست معلوم است که این پیشنهاد تازگی ندارد و سابقه‌ی آن به چندین سال پیش می رود. پیشنهاد از جانب رژیم کابل بود و مخفیانه صورت گرفت. ترتیب آن بود که این تماس در سویس در یک دهکده‌ی نزدیک ژنو که نام آن افشا نشد صورت بگیرد چند تن از رهبران مجاهدین به سویس رفتند. رژیم کابل اصرار کرد که بحیث حکومت نماینده بفرستد اما مجاهدین گفتند که تنها با ایشان بحیث یک حزب گفتگو خواهند کرد. این فرق موقف باعث شد که تماس صورت نپذیرد و موضوع مسکوت و مخفی و عقیم گردید. پیشنهاد آغاشاهی عین موقف کابل را تائید می کند و معنای شناسایی ی رژیم کابل را دارد و مخالف موقف متحد و اعلان شده‌ٔ رهبران مجاهدین است.

نا ممکن نیست که کوردوویز کوشش کند در جریان اسامبله این موضوع را با وفد مبارزین در میان گذارد. از ینرو باید ملتفت بود که نخست تماس با ملل متحد تنها با کوردوویز نباشد و با حضور سکرتر ژنرال صورت بگیرد و نیز اهمیت اساسی موضوع در نظر باشد. از ینرو وفد مجاهدین بسویه‌ی عالی باشد.

شمارهٔ ۹ سال چهارم مجاهد ولس

۱۳۶۶/۹/۱

بمانند و در سایهٔ امن وصلح به بلند بردن سویهٔ حیات اقتصادی واجتماعی مردمان به فکر تسانده و همبستگی با همدیگر افتادند .

این کشورها در داخل حرکت عدم انسلاک نصب العین های خودرا تعین نموده و به پرنسیب هائی معینی متعهد گردیدند. رکن اساسی مرام مشترک شان استقلال وحاکمیت ملی اجتناب از پیوستن به بلاک نظامی ، اجازه ندادن پایگاه های نظامی مربوط به دو بلاک درخاک های شان بود. درعین زمان سعی برای تحکیم و- تشئید صلح جهانی قلع وقمع استعمارکهن وجدید ، جلوگیری ازتوسعه- جوئی رابحیث نصب العین خویش به منظور ایجاد وحفظ عدالت بین- المللی برگزیدند .

بدینگونه حرکت عدم انسلاک به شکل یک پالیسی درآمد و این پالیسی مجادله علیه امپریالیزم واستعمارکهن وجدید از هرمنبع وجهت ، مداخله درامور داخلی کشورها ، تجاوز وسلطه درهر لباسی که باشد . تهدید وحاکمیت اجنبی تحمیل نظام ناخواسته سیاسي واجتماعي برمردم وملل، حق مردم بانتخاب آزاد نظامهای سیاسی اقتصادي، اجتماعي وفرهنگي خودشان بدون مداخلهٔ مستقیم وغیرمستقیم وجلوگیری ازفشارنظامي،اقتصادي،سیاسي وديپلوماتيك در روابط بین ملل بود .

روشن است که اگر باین پرنسیب های حرکت عدم انسلاک دراجتماع دهلی احترام گذارده شود اهمیت بزرگ این اجتماع وتاثیرات مثبت آن براوضاع بین المللی غیرقابل انکار است واما اگرطوریکه متأسفانه درچندسال اخیر

یاحق!

پیرامون موضوع افغانستان

دراسامبلهٔ ٤٢ ملل متحد

هموطنان عزیز !

این مقالهٔ سیاستمدار نامی وطن بدو قسمت تقسیم شده است قسمت اول آن مربوط به جریانات قبل از ۹ نوامبر و قسمت دوم آن بعد از ختم مباحثه بر موضوع افغانستان در ملل متحد را در بر میگیرد

اداره

۲- نوامبر :

قرارداده شده است که برموضوع افغانستان بتاریخ ۹ نوامبر مباحثه آغاز گردد .عنوان موضوع مانند سالهای گذشته " اوضاع در افغانستان و اثرات آن بر صلح وامن بین‌المللی " است مسوده ی تصمیم نامه ی مشترک اگرچه بتاریخ

۲۸ اکتوبر به دارالانشاء سپرده شده است توزیع آن محدود است تا آنکه بعداز آغاز بحث از جانب مصنفین به مجمع عمومی معرفی گردد (A /42 /L 16, 28 OCTOBER 87) تغییر قابل تذکر در آن رونداده است ونقایصی راکه درظرف چند سال گذشته داشت حفظ کرده است . برطبق افواه در حلقه های ملل متحد امسال روسها و رژیم کابل درنظر دارند که بار نخست تعدیلات پیشنها دکنند و گفته می شود که دو کشور یکی شام و دیگری یمن دیموکراتیک راوا داشته اند که تعدیل ها را به مجمع عمومی ازجانب خود تقدیم کنند. قرابت سیاسی این دو کشور با روسیه معلوم و هویدا ست ، متن این تعدیل نامه تاکنون اعلان نشده است امّا منظور آن راجز احیا و دوام گفتگوهای ژنوو شاید توصیه به حمایت ازخدعه ی سیاسی بنام مفکوره ی «آشتی ملی» نمی توان پنداشت . ونیزگفته می شود که اگرچنین تعدیلنامه بمیان آید مصنفین تصمیم نامهٔ مشترک تعدیلنامه ی Sub Amondment یا Amondment تعدیل خواهند کرد . دیده شود که ازین وضع آبستن چه می زاید . اگر صورت پذیرد به مباحثه ی طرزالعمل راه باز خواهد شد وچون درمجمع جاری رئیس اسامبله ازالمان شرق است نقش او بی تاثیر بوده نمی تواند وحق پنداشته میشود که اگر فضا مساعدت نکند مباحثه روی موضوع چند

موضوع چند ساعت بیشتر دوام کند .

٤- نوامبر :

خبر آمدن وفد افغانی خوش بود. گفته شد که این وفد مشتمل جناب سید احمد گیلانی ، جناب صبغت الله مجددی وجناب مولوي خالص بحیث سخنگوی تنظیم های مجاهدین وآزادی خواه مبارزین ملی افغانستان ونمایندگان تنظیم های افغان مقیم پاکستان است این وفد درست آمد امّا دیر آمد نه به آن معنا که «دیر آید ودرست آید.» ازنقطه ی نظر این نگارنده قابل تأسف است که نماینده ی دیگر مهاجرین و مجاهدین بویژه ایران درآن شامل نیست . امید است باین امر توجه خاص مبذول گردد وفد یک کنفرانس مطبوعاتی داد امّا ترتیبی گرفته نشده بود که اظهارات شان درمطبوعات ونشریات منعکس وتبلیغ شود . اهمیت توجه کامل به موضوع روابط عامه *Public Relation* ازلوازم حتمی است. هر افغان هرجا که باشد حق دارد سوال کند که ، مانع کیست و عایق چیست ؟

چرا پیش بینی لازم صورت نمی پذیرد ؟

اگر نمی خواهند از دوست بیاموزند چرا از دشمن نمی آموزند؟

باوجود یک وفد بلند رتبه وافغان های مقیم نیویارک و امریکا چرا تنها لیلی ذکریا هلمز *Laili Zikria Helms* بنام مدیر دستگاه دوستان افغانستان *DIRECTOR OF*

FRIENDS OF AFGHANISTAN بحیث سخنگوی از مطالب وفد افغانی سخن میکند؟ اگر حکمتی بالاتر از فهم افغان ها باشد چرا رهبران آنرا به افغان ها افهام و اعلام نمی کنند؟

۱۰ ـ نوامبر:

نتیجه: طوریکه در همین مقال پیش از آغاز اسامبله عرض کرده بودیم موضوع افغانستان در مجمع ملل متحد بتاریخ ۹ نوامبر زیر بحث آمد. تصمیم نامه ی مشترک را ـ پاکستان از جانب دیگر مصنفین معرفی کرد. چون جناب صاحب زاده یعقوب خان وزیر خارجه از وزارت خارجه استعفی کرده است گوینده ٔ پاکستان نورانی وزیر دولت در امور خارجه بود.

آنچه را پیش از آغاز بحث به حیث افواه باطلاع رسانیده بودیم واقع شد وشام ویمن دیموکراتیک به تقدیم تعدیل نامه Sub-amendmant مبادرت ورزیدند پاکستان براین که نماینده ٔ شام آنرا معرفی نمود تعدیلاتی وارد کرد که از جانب سردار شهنواز خان نماینده ٔ دایمی پاکستان به مجمع تقدیم گردید. بعد از مباحثه ی مختصر شام مجبور گردید تعدیل نامه ی خودرا پس بگیرد و آنرا به رای نگذاشت. در نتیجه بر تصمیم نامه ی مشترک رای گرفته شد. یکصدو بیست وسه کشور، داده بود. سال گذشته یکصد و بیست ودو کشور رای موافق

داده بودند، نزده کشور رای مخالف دادند. پارسال بیست کشور رای مخالف داده بودند. یازده کشور رای ممتنع دادند. پنج کشور در رای گیری شرکت نکردند. کشوریکه به افزونی یک رای نقش باخت بهوتان بود.

وفد تنظیم های مجاهدین مقیم پاکستان مرکب از شانزده نفر امسال در تالار اسامبله عمومی در قطار سامعین پوبلیک حضور داشتند. نمایندگی عرب سعودی به اعزاز آنها محفلی ترتیب کرد. بروز یازده نوامبر به واشنگتن میروند. پروگرام شان در واشنگتن تا کنون اعلام نشده است. در محفل عرب سعودی کوردوویز نیز شرکت کرد واین نخستین تماس تشریفاتی وی با رهبران مجاهدین است.

فضای عمومی اسامبله نسبت به هرسال پیش آبستن و از نیرو پرجوش بود زیرا همه کس میل داشت نتیجه مساعی روسیه را برای تغییر رای با فرستادن وفد های خاص به متجاوز از شصت کشور بداند. بعد از تقدیم تعدیل پاکستان بر تعدیل نامه ی شام و یمن دیموکراتیک افواهی در ملل متحد شایع شد که هندوستان تعدیل فرعی پاکستان را تعدیل میکند. امّا هندوستان با دریافتن اوضاع و خوف از شکست مزید عملاً اقدام نکرد.

شمارهٔ ۹، سال چهارم مجاهد ولس

۱۳۶۶/۹/۱



محمد حسین ولی صل

محسوس است اجازه داده شود که در اصول و اساس های این حرکت رخنه وارد گردد از اهمیت آن کاسته اثرات منفی آن عواقب وخیمی در بر خواهد داشت.

باید با کمال تأثر گفت که در کنفرانس هاوانا (کیوبا) این اصول زیر پا گذاشته شد و متعاقب مداخلهٔ مستقیم روسیه در مسایل داخلی افغانستان که منجر به کودتای ثور گردید کیوبا بحیث کشور میزبان رژیم تحت حمایت و انتصابی روسیه را دعوت نمود. عدم قیام کشورهای غیرمنسلک علیه این انحراف صریح از اصول عدم انسلاک این ابر قدرت توسعه جو را تشجیع کرد که بتجاوز صریح نظامی اقدام کند و در صدد اشغال قدیمی ترین کشور غیرمنسلک یعنی افغانستان برآید.

در حقیقت عدم انسلاک کیوبا بذات خود مورد بحث است اما در این جا ما بر آن بحث نمی کنیم. اجتماع کنونی در هندوستان صورت میگیرد، هندوستان یک کشور مستقل و یکی از مؤسسین حرکت عدم انسلاک شمرده میشود و علاوه بر آن مسوولیت خاصی در استقرار اوضاع این منطقه دارد زیرا مقدرات آن مستقیماً منوط به مقدرات این قسمت دنیا ست. اگر چنین نمی بود باز هم بحیث یک کشور غیرمنسلک باید جلو این انحراف را اقلاً هنگامیکه افتخار میزبانی کنفرانس را دریافته است می گرفت زیرا میزبانی رول ریاست را در بر دارد و ریاست مسوولیت خاصی دارد که اخلاقاً تمایلات سیاسی خاص یک کشور را اجازه نمیدهد علیه اصول و تعهدات مجموعی یک حرکت بزرگ رولی بازی کند.

سیاست هندوستان بحیث میزبان درمورد افغانستان وکمبودیا یا هر کشور دیگر هرچه باشد به هندوستان حق نمیدهد که سیاست خود رامعیار ومقیاس قرار دهد واگر چنین میکند کسانی که به حرکت عدم انسلاک احترام میگذارند وازآن توقعاتی دارند که درخور اینگونه یک حرکت است مجبور هستند از هندوستان روگردانیده وتوقعات خودرا به التفات دیگر کشور های غیر منسلک به مسوولیت های شان درمقابل تعهدات شان به این حرکت بسپارند.

با یک نگاه مختصر درروشنی پرنسیب های عدم انسلاک می توان دید که تجاوز نظامی روسیه برافغانستان تجاوز صریح ومستقیم برحرکت عدم انسلاک است. رژیم کابل جزء این تجاوز است. چگونه میتوان ازاین حقیقت روشن چشم پوشید که رژیم تحت حمایت ودست نشانده بیشتر از یک صد وپنجاه هزار قشون اجنبی یک ابرقدرت که رأس یک - بلاک نظامی جهانی است غیر منسلک پنداشته شود. رژیم کابل رژیمی است که عدد پیروان آن درافغانستان کمتر ازعشر تعداد عساکر متجاوز روس است وهمه مردم افغانستان در همه اقطار واکناف کشور علیه آن درحال قیام عمومی بوده و عملاً درحال جنگ گرم وجهاد مسلح هستند. این مضحکه حرکت عدم انسلاک را مسخره میکند.

حقایق اوضاع درافغانستان بهمه جهان آشکار بوده

واطلاع حکومت هند ازین حقایق کمتر از دیگران نیست . ملت آزادی خواه افغانستان از صدراعظم هند توقع نداشت ونداردکه شکوك مخلوق اغراض روسیه را بخود راه دهد. چشم پوشی ازین حقایق آشکار بر عدم انسلاك حکومت موجوده هند سایهٔ تاریکی می افگند. این حقایق، اگر اندراگاندهی ازآن تجاهل کند ، در نزد مردم هندوستان آشکار است ومردم هندوستان تاکنون مانند مردم روسیه وکیوبا موجودیت خودرا ازدست نداده اند. در افغانستان نیز اگر امروز یك حکومت ملی وقانونی وجود ندارد مردم افغانستان وجود دارند ومردم افغانستان روابط تاریخی خودرا با مردم هندوستان اعتبار مید هند مردم هندوستان عقوبت استعمار واسارت راکشیده اند وبه شرافت وکرامت ملی معتقد هستند . مردم افغانستان مردم هندوستان را درمصایب شان هنگام سلطهٔ اجنبیان فراموش نکردند ویقین دارند که مردم هندوستان ایشانرا درآوان مصیبت عظیم شان بیاد خواهند داشت .

اگر نمایندهٔ رژیم کابل دراجتماع دهلی راه داده شود تاریخ حرکت عدم انسلاك این عمل را بحیث یك انحراف صریح از اصول عدم انسلاك ثبت خواهد کرد وآنانی

را که عامل آن شده و یا علیه آن قیام نکرده اند مسؤول خواهند شناخت .

ما متوقع هستیم که درین اجتماع از روسیه بطور مستقیم مطالبه شود که تجاوز نظامی خود را بر افغانستان با نتایج آن خاتمه بخشد . قشون و عساکر خود را بصورت فوری و کامل و بلا شرط از افغانستان بکشد و استقلال کامل و حاکمیت و تمامیت خاک افغانستان را بلا شرط بشناسد . از هرگونه مداخله در امور داخلی افغانستان دست بکشد تا مردم افغانستان با آزادی کامل بدون هیچگونه مداخله ، فشار و یا تهدید خارجی نظام سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی شان به ارادهٔ مستقل خود شان برگزینند .

مردم افغانستان جز تامین عدالت بین المللی چیزی نمیخواهند و عدالت بین المللی اساس سیاست حرکت عدم انسلاک است .

قضیهٔ افغانستان حرکت عدم انسلاک را در محل آزمون میگذارد که تا کدام اندازه به اصول و اهداف خویش متمسک است .

هر حرکتی که از اصول خود منحرف گردد محکوم به ضعف و در نتیجه مقرون به تباهیست .

از کشورهای غیر منسلک در اجتماع دهلی جدید توقع میرود که اصول عدم انسلاک را که به خطر از هم پاشیدن معروض است تحکیم نمایند و خبط های گذشته را جبران نماید .

این کشورها که اکثریت اعضای ملل متحد را تشکیل می کنند

درحق افغانستان غفلت وخبط کردند. اجازه دادن رژیم کابل درملل متحد مثال برجسته آن است. البته درملل متحد روسیه یک قوت دارای امتیاز وعضو دایمی شورای امنیت است ولی روسیه عضواین اجتماع نیست ومقصداساسی ودلیل وجود حرکت عدم انسلاک جلوگیری از نفوذ وتجاوز دول بزرگ بر دول کوچک است. این کشورها مجبورنبودند میزبان هاوانا سیاست خودرا برایشان تحمیل کند البته ازآن میزبان این توقع میرفت. اما در دهلی نه ازمیزبان ونه دیگران اینگونه توقع رامیتوان داشت.

شمارهٔ (۱۵) انجمن جهاد ۱۵/۱۲/۱۳۶۱

و مقاومت طبیعی می پندارم من امید واری ویقین کامل دارم که ماخانه های ویران شده خودرا دوباره ابادخواهیم کرد ما همه زیان های وارد شده راجبران خواهیم نمود. ولی آنچه مایه تشویش ونگرانی ماست. مقاصد واهداف دشمن است. به این معنی که دشمن میخواهد موجودیت معنوی ماراازمیان بردارد. کشوریکه درآن بقایای ویرانی وجود نداشته باشند درواقع تاریخ ندارد. وملتی که فاقد تاریخ است از یک موجودیت ثابت بی بهره است ماازویرانی هاتشویش بسیارنداریم ولی اگربه دین ما، معتقدات و شیوه زندگی اسلامی ماصدمه ای وارد میشود برای ما قابل تشویش است وتمام قوه دشمن نیزبه همین سومتوجه است روح مقاومت ومجادله مردم افغانستان به جهان ثابت شده است، ولی ما بایداین مساله راهمان سانیکه درداخل گرم وپرحرارت است درخارج ازافغانستان نیزگرم نگه داریم واین حقیقت راهرچه بیشتربه جهان تبلیغ کنیم.مایقین داریم تا آنگاهی که وجدان بشریت زنده است تاانزمان که مفکورهٔ حق عدالت وآزادی کاملاً ازجهان برچیده نشده باشد هیچ کس درهیچ گوشه‌ای ازدنیا نمیتواند جهاد افغانستان راازخاطر ببرد. تجاوزروس هابرافغانستان درسراسر جهان نکوهش شده است واین تلعین نتیجه همین حقیقت است. ازهمین فشارسیاسی بین المللی نباید

مصاحبه با محترم عبدالرحمن پژواک سیاستمدار ورزیدهٔ افغانستان

سوال: در چار سال گذشته فعالیت قابل ملاحظه ای از طرف محمد ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان در رابطه با مصیبت عظیم کشور ما دیده نشده است. یعنی نقشی را که شهزاده سهانوک برای کشورش ایفا می نماید، محمد ظاهر شاه چنین مسیری را برای خود برنگزیده است طور مثال اگر سهانوک نتوانست در کنفرانس کشورهای غیرمنسلک در دهلی راه یابد، لااقل مساعی وی باعث آن شد که نماینده رژیم دست نشانده کمپوچیا نیز از اشتراک در آن محروم گردد. محمد ظاهر شاه درین زمینه بخاطری با سهانوک مقایسه نمیشود که وی آمدن به پاکستان را شایسته خود نمی بیند و یا چنین زحمتی را نمی پذیرد. ولی در این آوانیکه شما به پشاور آمده اید، عکس های پادشاه سابق افغانستان دست به

دست میگردد وازاین رو برخی چنین تبصره ی کنند که گویا شما نماینده محمد ظاهر شاه ی باشید. اگر درین مورد نظرتان رابه خوانندگان افغان بجا هد بیان داشته وموقف تانرا درزمینه آشکارا وبا صراحت بیان نمائید ممنون خواهیم شد ؟

جواب :- من نمایندهٔ محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان نیستم . بعدازکودتای ثورایشانرا ندیده و هیچگونه تماس مستقیم یاغیرمستقیم با ایشان اتفاق نیفتاده است .

من نمایندهٔ هیچ فرد ، گروه ویاحزب نیستم چنانکه در هیچ زمان نبوده‌ام . من بحیث یک فرد سعی کرده وخواهم کرد که فریضهٔ خودرابا سهم گرفتن درجهاد مقدس مردم افغانستان اداء کنم . منظوراین جهاد مقدس درنزد من استرداد استقلال کامل ، آزادی ها وحقوق مردم و مصوونیت افغانستان ازسلطه ویا تهدید سلطه ونفوذاجنبی ، امحای کمونیزم درافغانستان ، استقرار دین مبین اسلام ، عدالت اجتماعی ولتعیین مقدرات افغانستان مطابق برآرزوی ملی مردم مسلمان افغانستان است .

سوال :- درلندن نمایندهٔ بی بی سی ازشما درمورد اختلاف رهبران افغانی سوال نمود وشما درپاسخ گفتید : « رهبران افغانی دربرابردشمن مشترک یعنی روس هاوایدیالوژی آنان باهم متفق اند واختلافات حزبی ونظریاتی رادرهرجا میتوان

سراغ کرد .»

ولی ما این موضوع را یک مساله عادی نمی پنداریم از ین رهگذر دومشکل برای برای ما ایجاد شده است .

۱ : درداخل افغانستان قوماندانان ومجاهدین یک دیگر خود را به قتل میرسانند که سود آن به دشمن میرسد.

۲ : اگر مرکز واحد رهبری موجود نباشد ، زمینه حل اختلافات سیاسی هم فراهم نمیشود . همچنان اگر در میان گروپ ها برخی بخواهند که نظر وایدیولوژی خود را بر افغانستان مسلط سازند واین هدف خود را در مقایسه با آزادی افغانستان مهمتر بشمارند، این امر خانه جنگی واختلافات دوامدار را درافغانستان بار آورده و پیروزی جهاد را نیز به تعویق خواهد انداخت . پس بهتر آن خواهد بود که راه خیر وراه مثبت تشخیص گردیده وازهمان راه و شیوه پیروی گردد .

واگر کسی مانند « افغان مجاهد » خود را درمیان همه بی طرف بشمارد درآنحال هیچ گروهی وی را بحیث مجاهد نخواهد پنداشت واو درصورت نومیدی وناتوانی میدان را رهاخواهد نمود چنانچه بسیاری همین کار را کرده به اروپا گریختند واقامت در اروپا را نظر به پاکستان ، ترجیح دادند .

به نظرما لازم است درحال حاضر شخصیت هاویا شخصیت صاحب نظر

افغانستان آشکارا حق را حق بگوید تا راهی برای حل این معضله پیدا شود. ممنون خواهیم شد اگر نظرتانرا در این زمینه به خوانندگان محترم افغان مجاهد بیان دارید.

جواب: من آنچه را در «بی بی سی» گفته ام تائید میکنم چون تازه به پشاور آمده ام هنوز نمیتوانم بآن چیزی بافزایم.

با شما موافق هستم که حق را باید حق گفت. امّا اولتر باید حق را تشخیص وتمیز نمود.

بی قدرتی را نمیتوان بآسان چاره کرد اما ناامیدی ناروا است گریختن از میدان ننگین وشرم آوراست بیطرفی در امر جهاد برای هدف اصلی ناممکن است. اجتناب یا بقول شما بی طرفی از اختلافات فرعی اگر به منظور خدمت همگانی برای هدف اصلی باشد سعی در راه ائتلاف واتحاد است.

امید است بعد از وارد شدن وآشنائی وکسب معلومات کافی و پیدا کردن صلاحیت ابراز نظر، موقع بیابم که با شما مفصل تر صحبت کنم.

موقف من از گفتار من روشن است. انشاءالله کردار من آنرا روشن ترخواهد ساخت. من اینجا آمده ام که در یک صف با مجاهدین درجهاد مقدس علیه تجاوز روس، علیه کامیونیزم برای استرداد استقلال واستقرار اسلام در افغانستان تادم آخر سهیم باشم ودر راه

این هدف مشترک و واحد خود را در اختیار همه برادران مجاهد در داخل و خارج کشور بگذارم و از خدای متعال توفیق می خواهم.

سوال: در محافل افغانی چنین گفته میشود که دنیای غرب وخصوصاً امریکا نمی خواهد خون ریزی در افغانستان به زودی متوقف گردد تا به ادامه وضع فعلی روس ها از لحاظ اقتصادی هرچه بیشتر ناتوان شده و در سطح جهانی نیز رسوا گردند و براین ترتیب امریکا شکست خود را در ویتنام جبران نماید آیا اینگونه تبصره ها تبلیغات محض است ویا حقیقت دارد؟

جواب: تا جائیکه بمن معلوم است پالیسی غرب تا حال روشن نیست من از چیزیکه شما میفرمائید در محافل افغانی گفته میشود اطلاع ندارم اما از غربیان بحیث نظریات شخصی - افراد عین ونظیر این حدسیات را شنیده و بیشتر شنیده ام. من این نظریات را بحیث نظریات شخصی تلقی میکنم.

اگر این حدسیات اساسی داشته باشد یا پیدا کند اشتباه دیگری برا شتباهات «غربیان» خواهد افزود.

سوال: چندی قبل سناتوران امریکائی فیصله نامهٔ را تصویب نمودند که به اساس آن باید حکومت امریکا علاوه از سایر کمک های مادی به مجاهدین افغانی برای آنها سلاح نیز بدهد در آن زمان شما در امریکا تشریف داشتید در این

رابطه ما دو سوال داریم؛

۱ :- در پشاور چنین شایع است که شما و یک افغان دیگر قبل از این فیصله نامه با سناتوران امریکائی تماس گرفته بودید و در واقع مساعی شما باعث شده است که آنها به اتخاذ چنین تصمیمی مبادرت ورزند آیا این شایعه حقیقت دارد ؟

۲ :- آیا این فیصله روی کاغذ باقی ماند و تنها صبغه تبلیغاتی داشت . و یا اینکه جنبه عملی نیز دارد - اگر جنبه عملی دارد آیا حکومت امریکا سلاح و کمک های پولی را مستقیماً به مجاهدین خواهد سپرد و یا چطور ؟

جواب :- آری وقتی این اجتماع در واشنگتن منعقد شد من در نیویارک بودم . این اجتماع محض به ابتکار سناتوران امریکائی و دوستان امریکائی افغانستان صورت گرفت . شماری از افغانها دعوت شده بودند و اشتراک کردند من در نیویارک به مساعی خود در مجمع عمومی ملل متحد مصروف بودم و نتوانستم شرکت کنم .

سپارشنامهٔ این اجتماع نیازمند تصویب مجلس نمایندگان امریکا و عملی ساختن آن منوط به حکومت امریکاست .
اگر بموجب سپارش های این اجتماع عمل شود طرز عمل آن نیز بسته به پالیسی حکومت امریکا خواهد بود .
باید منتظر نتایج عملی آن بود .

سوال ـ شما تازه از لندن به پاکستان آمده اید. پیش از حرکت شما جانب پاکستان ، در لندن رئیس کمیته حمایت از افغانستان یادآور شد که به مصیبت دیدگان افغانی باید در داخل افغانستان کمک های مواد غذائی و ادویه رسانیده شود. همچنین کمیته مذکور فیصله کرده است که به مجاهدین افغانی از لحاظ سلاح نیز کمک شود. آیا شما قبل و یا بعد از اتخاذ این فیصله با رئیس یا اعضای آن کمیته تماس گرفته بودید ؟

جواب ـ این کمیته مراحل ابتدائی مساعی خود را می پیماید ساحه سعی آن به معاونت های بشری محدود است. اما عملاً در حال حاضر پیمانهٔ کار آن خیلی کوچک است درحالیکه هر همدردی قابل قدر است: ما باید درین دورهٔ بحران بر توقعات خود حاکم باشیم توقعات ما باید حقیقت پسندانه باشد. تنها یک معیار قابل اعتماد است. و آن ارزش حقیقی تاثیر عملی گفتار و کردار است. و گفتار با ارزش تنها آن گفتاریست که معرف و مقدمه کردار باشد و از کردار جز مقدمه فاصله نداشته باشد.

اگر گستاخی تلقی نشود با استفاده از فرصت این مصاحبه می خواهم عرض کنم که در نشر خبرهای همدردی بطور مثال موضوع اجتماع سناتوران امریکا و کمیتهٔ پشتیبانی انگلستان که با آن اشاره فرمودید اخبار ها باید در نظر بگیرند که فرق

میان آژانس های خبررسانی و اخبارها موجود باشد تا خبرها توقعات کاذب تولید نکنند.

سوال:- تاریخ شاهد آنست که افغانها در جنگ دوم وسوم افغان وانگلیس، انگلیسها را با شکست های فاحشی مواجه ساختند - اما زمانی که با انگریزها در میز مذاکره نشستند هم از مذاکرات امیرعبدالرحمن خان و هم از مذاکرات هیأت اعزامی امان الله خان چنان نتایجی حاصل شد که به تمام معنی به سود انگلیس ها بود. یعنی در ساحه نبرد پیروزی از آن افغانها بود ولی در میز مذاکرات موفقیت نصیب دیگران شد.

این روزها روسها با عین حالتی که انگلیسها مواجه بودند، روبرو اند. ولی سرمنشی سازمان ملل متحد مصروف مساعی است که هدفش آنست تا افغانها را در ژنیو با نمایندهٔ حکومت دست نشانده روسها در افغانستان در یک میز مذاکره بنشاند اگر در مورد مذاکرات قریب الوقوع در ژنیو وحل سیاسی ایکه براینگونه مذاکرات متکی باشد، قدری روشنی بیندازید، مهربانی تان خواهد بود.

جواب:- متأسفانه تاکنون کدام راه حل سیاسی که عادلانه ومعقول وازین رو در نزد مجاهدین افغانستان قابل قبول باشد نیست.

نظریات شخصی من دربارهٔ مذاکراتی که از طرف نمایندهٔ سکرتر

شروال ملل متحد آغاز گردیده است بطور بسیار واضح وروشن اعلام ودراخبار شما نیز ابلاغ گردیده ومتن آن نزد شما موجود است .

اشارهٔ شما دربارهٔ دقت کامل دربارهٔ موضوع مذاکرات خیلی بجا ودرست است. تجارب تاریخی نهایت مهم است.اندک غفلت وتغافل واشتباه مسوولیت های غیرقابل جبران دارد من به شعور سیاسی مردم افغانستان عقیده واعتماد کامل دارم. بزرگترین وظیفه ما آنست که نگذاریم جز ارادهٔ مردم افغانستان عامل دیگری در تعیین سرنوشت ماکوچکترین اثری داشته بتواند .

هدف اساسی این اراده هم راست معتقدات دینی ومنافع ملی ما درافغانستان مستقل واسلامی است . هیچکس بجز مردم افغانستان به هیچ وجه ، به هیچ معنی، به هیچ عنوان به هیچ نام وبه هیچ تعبیر حق ندارد سرنوشت کشور ومردم افغانستان را تعیین کند .

سوال :- اختلافات موجوده بین رهبران تنظیم های مجاهدین درپشاور تا سرحد دشمنی پیشرفته است واین وضع تمام مهاجرین را بی نهایت منزجر ساخته است اگر باوجود مساعی جاری برای تامین اتحاد باز هم برخی بخاطر منافع و اهداف خاص خود از اتحاد ویا ائتلاف خود داری ورزند و خدای ناخواسته مساعی برای اتحاد با ناکامی مواجه گردد ،

در چنین مرحله حساس و تاریخی، رسالت شما مکلفیت های خاص را متوجه تان می سازد. آیا گفته می توانید که آمادگی شما دربرابر خواسته های مردم و ایجابات زمان تاچه اندازه خواهد بود ؟

جواب:- من حیث یک فرد مهاجر مقام رسالت خاص را ندارم . من یکی از پیروان مؤید مردم افغانستان که جهاد مسلح را حق برگزیده اند وبا تصمیم خلل ناپذیر دوام داده وخواهند داد می باشم به تأسی از قیام عمومی مردم مسلمان افغانستان جهد همه رهبران این جهاد مقدس را تائید میکنم زیرا الحمدلله در اصل هدف اختلافی وجود ندارد . مردم افغانستان درداخل کشور و مهاجرین درهرجاکه هستند آرزومند ائتلاف و اتحاد هستند ومن نیز بحیث یک فرد مهاجر جز این آرزوئی ندارم . آمادگی کامل من در راه تأمین این آرزومندی مردم که درحقیقت نیازمندی بزرگ ماست حد و اندازه ندارد.

امید است اکنون که سعادت آنرا دارم که در پشاورباشم موقع آنرا دریابم که از مشوره ورا هنمائی مجاهدین مستفید شوم و در روشنائی دانش، جرأت وتجارب ایشان بتوانم صلاحیت ابراز نظر راپیدا کنم.

ثابت است که تائید جهاد مسلح فریضه هرفرد است. تائید وتقویه احزاب مجاهدین مهاجر تقویه ٔ جهادمسلح است وتقویه ٔ مجاهدین داخل کشور فریضه افراد و احزاب مجاهدین

چشم پوشی شود - در برابر این فشار سیاسی حتی روسیه هم نمیتواند مقاومت کند وجبراً به پیروزی مردم افغانستان اعتراف می کند.

سوال :- از مصاحبه دهلی شما برمی آید که می خواهید رهبران احزاب وگروپ های سیاسی را به وحدت تشویق کنید آیا شما این موضوع را ناممکن نمی شمارید ؟ مردم به این عقیده اند که حل این اختلافات غیرممکن وغیرعملی است .

جواب :- حل این مساله راکسی غیرممکن میشمارد که به مفهوم «غیرممکن» توجه کافی نکرده باشند . از آنها باید پرسیده شود که چه چیزی را غیرممکن میگویند درین شکی نیست که از آغاز جهاد میان احزاب وگروپ ها اختلافات آغاز شده است وایجاد اتحاد را روز بروز مشکل تر ساخته است ولی من فکر می کنم که اتحاد نه تنها غیرممکن نیست بلکه بسیار هم عملی است . واصلاً چرا باید این اتحاد غیرممکن باشد ؟ چرا باید عملی نباشد ؟ ما با یک دشمن بزرگ درنبردیم وتا آنگاهی که این دشمن درخاک افغانستان باشد مساله افغانستان حل نمیشود ، پس درین حال سوال بسیار عمومی است سوال خارج ساختن روس ها از افغانستان است خارج نمودن روسها به نظر من تنها این معنی را ندارد که عساکر روس از افغانستان خارج شود بلکه باید ایدیالوژی روبی یعنی کمونیزم بصورت کلی از

مهاجر است . یگانه هدف روس و روس منشان قلع وقمع مجاهدین در داخل است وچون قلع وقمع ایشان بدون ضعیف ساختن و متفرق ساختن مجاهدین مهاجر ناممکن است با همه وسایل ممکن می خواهند که خدانخواهد مجاهدین مهاجر را ضعیف سازند. عامل مهم موفقیت روسها در ماورای امو نبودن مجاهدین مهاجر زنده بود .

تقویه مجاهدین مهاجر فرض وحتمی است . هرحرف یا عمل که مؤید آنها نباشد به نفع دشمن تمام میشود . روس ها با همه وسایل وبطورخاص نفاق انداختن هدف خودرا تعقیب می کنند و نیز باید بیشتر ملتفت بود که مساعی سیاسی شان نیز به پیمانهٔ بین المللی متوجه شان این هدف است .

شمارهٔ اول سال دوم افغان مجاهد ، ۱/۱/۱۳۶۲

مذاکرات ژنوا از نظر محترم عبدالرحمٰن پژواک

د افغان مجاهد گرانو لوستونکو! د ملګرو ملتو د سرمنشي او د هغه د خاص نماینده کوردوویز د منځګړتوب او منځګړي په وجه په ژنو کې د افغانستان د مسلې د سیاسي حل په هکله په ژنیو کې بیا مذاکرې شروع کیږي، د دغو مذاکرو په باره کې د افغانستان د غمځپلو مجاهدو خلکو په ذهن کې سوالونه پیدا شوي څوک پوهیږي او څوک پرې تبصرې کوي، د دې د پاره چه د دغو سوالونو ته مو یو معقول، منطقي، قانوني او په بین المللي اصولو، موازینو او قوانینو ولاړ په زړه پورې ځواب پیدا او د دغه راز جرګو مرکو ماهیت مو پوره څرګند کړې وي نو دادی په دې فوق العاده ګڼه کې د افغانستان د نومیالي سیاستمدار محترم استاد عبدالرحمٰن پژواک په قلم لیکلې مضمون تاسو ته تقدیموو.

طوریکه در مقر سازمان ملل متحد (نیویارک - اتازونی) اعلام

گردیده است . دور دیگر مذاکرات غیر مستقیم میان نما یندگا ن حکومت پاکستان وحزب کمونیست تحت حمایت روسیه درکابل بتاریخ ۱۱ اپریل ۱۹۸۳ مطابق به ۲۲ حمل ۱۳۶۲ در ژ نو (سویس) به وساطت دیاگو کوردویز نمایندهٔ خاص دبیرکل سازمان ملل آغاز خواهد گردید. حکومت ایران در مذاکرات سهم نخواهد گرفت ولی از گذارش مذاکرات بان اطلاع داده خواهد شد.

این فیصله وقتی صورت گرفت که درماه فبروری ۱۹۸۳ دیاگو کوردویز به اسلام آباد، تهران وکابل سفرکرد نخستین د ور مذاکرات درماه جون سال ۱۹۸۲ صورت گرفته بود.

از دور اول مذاکرات نتیجهٔ بدست نیامد چندانکه کوردویز آنرا « قدمی د رراه سعی برای یافتن قراری درموضوع افغانستان ازطریق مذاکرات » خواند. بعد از مسافرت ماه فبروری از زبان کوردویز گفته شد که « اندک پیشرفتی » حاصل شده است. از خبر دور دوم مذاکرات درماه اپریل معلوم است که این پیشرفت محض محدود به امکان آغاز دور دوم است .

در پهلوی این مجهولات مطلق آنچه گفته شده است ـ اظهارات شخص دبیر کل است که درکنفرانس مطبوعاتی خویش بعد از ختم اسامبله عمومی ملل متحد گفت که نمایندهٔ خاص او ازمسافرت خود به اسلام آباد، تهران وکابل « دست تهی باز نخواهد گشت » پیشتر از آن گرومیکو وزیر خارجه روسیه مساعی نمایندهٔ دبیر کل ملل متحد را « قدمی درسمت درست »

خوانده بود . اندی بعد نمایندهٔ دایمی روسیه درملل متحد اظهار داشت که « روسیه مساعی دبیرکل را تشجیع میکند » به تعقیب آن معلوم شد که دبیرکل ازجانب یوری اندری پوف به مسکو دعوت شده است . بعدازآن کشورهای غیرمنسلک در دهلی جدید دوام این مساعی را سپارش کرد ودرعین زمان ازملاقات میان دبیرکل ورئیس جمهور پاکستان وملاقات دبیرکل با نماینده حزب کمونیست کابل دردهلی جدید سخن رفت تاآنکه بتاریخ ۲۷-۲۹ مارچ دبیرکل ملل متحد به مسکو رفت وکوردویز نیزبااو همراه بود . پیش از رفتن دبیرکل سخنگویان دارالانشای ملل متحد بتاکید اظهار داشتند که سفر دبیرکل برای « مذاکرات » نیست وبرای « تماس جهت درک کردن عکس العمل روسیه درباره مساعی نماینده دبیرکل » میباشد. ازاین تاکید خاص میتوان استنباط کرد که دعوت اندروپوف مشروط بآن بوده است که نام « مذاکرات » برآن گذاشته نشود. این بذات خود نمایندهٔ اندازهٔ اهمیتی است که روس به دبیرکل درنزد دنیا قایل میشود . اینکه روسیه بنابرگفتهٔ نمایندهٔ دایمی آن درملل متحد چگونه مساعی دبیرکل را « تشجیع » میکند . اگرباز هم درنزد دنیا مجهول بماند اقلاً به دبیرکل ملل متحد ونمایندهٔ او معلوم خواهد شد .

عمده ترین خلائی که درطرز عمل دبیرکل موجود بود وهست همانا اجازه دادن بروسیه است که ازاین مذاکرات کنار بماند.

این خلا بقدر خلای دیگر اهمیت دارد که یگانه طرف دیگر متخاصم در قضیه یعنی مردم افغانستان باین مذاکرات دعوت نشده اند. از ین و اگر منظور اندروپوف سهم گرفتن در جستجوی راه حل از طریق این مذاکرات باشد غذائی برای تفکر تهیه میکند و پرتوی بر مفهوم «تشجیع» می افگند و چون اساس مذاکرات بر آمدن بلا شرط قوای شوروی از افغانستان، تمامیت خاك استرداد و استقلال و حاکمیت ملی افغانستان و احترام حق مردم افغانستان به تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی شان است و در همهٔ این امور تنها روسیه تعهدات و تضمینات داده میتواند سهم گرفتن روسیه یک خلای عمده را پر میکند. واگر این تعهدات و تضمینات بر ضمانت شورای امنیت ملل متحد بلا شرط و قاطع باشد می توان توقع داشت که مردم افغانستان نیز با سهم گرفتن در مذاکرات خلای دیگری را پر کنند. واگر چنین نباشد هر ترتیب دیگر انحراف از منشور ملل متحد و فیصله های آن شمرده میشود و دبیر کل صلاحیت ندارد اینگونه انحراف را به خود یا دیگری اجازه بدهد.

قضیه افغانستان یک موضوع سیاسی و در اصل یک مسئله تجاوز صریح نظامی است. طرف متجاوز یعنی روسیه یک دولت بزرگ، عضو ملل متحد، عضو دایمی شورای امنیت و رأس یکی از دو بلاك بزرگ نظامی جهان است. تعرض

علیه یک کشور کوچک عضو ملل متحد ویکی از کشورهای غیرمنسلک صورت گرفته است. ازاینرو قضیه افغانستان یک قضیه جهانی است . زیرا تجاوز برآن نه تنها صلح منطقه بلکه صلح جهانی را تهدید می کند .

جهانی بودن این قضیه یک حقیقت شناخته شده است که بحث وفیصله شورای امنیت ملل متحد که تصمیم نامه آنرا روسیه مورد ویتوقرار داد شاهد آن می باشد. تایئدات مکرر اسامبله های عمومی ملل متحد ودیگر مجامع بین المللی دراثبات این حقیقت شبهه ای باقی نمیگذارد .

موقف مردم افغانستان درمقابل این تجاوز صریح برجهانیان آشکار است . این موقف براساس حق دفاع استوار است .
قیام عمومی مردم افغانستان به جهاد وجنگ مسلح که آنرا ازآغاز تجاوز برگزیده ودرطول چهارسال با عزم وتصمیم خلل ناپذیر دوام داده ودوام خواهند داد یگانه راهیست که به پیمانهٔ ملی برای آنها موجود است این موقف تاختم تجاوز ونتائج آن استوار خواهد ماند .

ختم تجاوز آنست که آخرین فرد روس ازخاک افغانستان بلا شرط وبطور کامل وفوری خارج گردد (این مطالبهٔ حق غیرقابل انکار مردم افغانستان را همه کشورها ئیکه ازیوغ اسارت روس آزاد هستند شناخته وطلبیده اند .) استقلال کامل، تمامیت خاک ، حاکمیت مطلق ملی مسترد گردیده ، تأمین وتضمین گردد

تا مردم افغانستان بتوانند باارادهٔ آزاد سرنوشت خویش را تعیین نمودو بدون مداخله وهراس وتهدید همه گونه مداخلهٔ هربیگانه نظام سیاسی، اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی خودرا مطابق به معتقدات دینی ودساتیر و نوامیس ملی شان برگزینند. ختم نتایج تجاوز آنست که به عناصریکه در آینده نوامیس مقدس دیني وملی افغانستان رابنوعی ازانواع تهدید نمایند هیچگونه فرصت وموقع داده نشودتا مردم افغانستان درکشورمستقل خویش بدون هر گونه تبعیض براساسات عدالت اجتماعی، مساوات از همه حقوق بشری فردی ومردمی وازادیهای اساسی برخوردار بوده وباکرامت انسانی درسایه قانون وعدالت زندگی کنند.

درساحه بین المللی آرزومندی مردم افغانستان تاریخ نمایان داردکه اساس آن صلحدوستی وروابط حسنه بامردم وملل جهان است. افغانستان همواره روابط بین المللی خودرا مطابق به اساسات مساوات واحترام متقابله، عدم تجاوز، عدم مداخله، تعاون وهمکاری درراه صلح جهانی وسعادت بشری بنا نهاده به قوانین وفورم های بین المللی احترام گزارده وتعهدات بین المللی خودرا تاحد آخر بدون کوچکترین انحراف نگهداشته است ودرین زمینه بطورخاص به روابط حسنهٔ خویش با همسایگان متمسک بوده است. اجتناب افغانستان ازداخل شدن درجنگ اول جهانی، وفاداری آن به جامعه ملل، بی طرفی آن درجنگ دوم جهانی واحترام آن به منشورملل متحد

در تاریخ سیاسی جهان ثبت و برجاست
و تا لحظات کودتای ثور انحراف و خللی در آن راه نیافته بود.
افغانستان یک کشور باستانیست و مردم آن بشهادت تاریخ با شعور سیاسی قرون بی شماری را در ساحۀ تجارب حیات بین المللی در روابط خویش با ملل شرق و غرب و شمال و جنوب پیموده اند. ابرهای تشنج رعد های تهدید درخشش های تجاوز، آفتاب های صلح و آرامش را در سیر زمان دیده و ایام و لیالی را با حوادث سپیده و سیاه آن گذرانیده اند. مصائب و آلام جنگ و راحت صلح و امن را میدانند. دور نمیرویم در عصر کنونی اجتناب شان از دو جنگ بزرگ جهانی زیستن در حال صلح با همسایگان، اجتناب از تجاوز در همه حالات و اقدام بدفاع در هرگونه شرایط، عدم انسلاک با بلاک های نظامی، دوستی با همه مردم و ملل جهان، زیستن در حال صلح با همسایگان و بالاتر از همه قیام علیه تجاوز یکی از مقتدرترین کشور های جهان و جهاد مسلح با روسیه همه و همه نماینده فهم عمیق، تمیز، دانش و شعور سیاسی مردم افغانستان است.

وقتی درباره حل قضیه افغانستان از راه مذاکرات و طرق سیاسی صحبت به میان می آید همگان باید بدانند که مردم افغانستان با اساس مصلحت جوئی بیغرضانه و عادلانه مخالفت ندارند. افغانستان درحالیکه در همه

قاره ها مجادله مشروع آزادیخواهان را در مقابل استعمار وسلطهٔ اجنبی پشتیبانی نموده است بحیث عضو ملل متحد ، عضو کشورهای آسیا وافریقا ، عضو حرکت عدم انسلاک و دیگر مجامع بین المللی در جستجوی راه حل قضایا از طریق مذاکرات سهم فعال گرفته و مساعی عادلانه را که متضمن — استرداد استقلال وحقوق ملی آنها بوده است تائید کرده است. اکنون در قضیه خویش نیز با مساعی **عادلانه** وتکرار باید کرد **عادلانه** مخالفت نخواهد کرد.

چون مسئله افغانستان یک مسئله جهانی است طبعاً ترتیب مذاکرات شکل بین المللی خواهد داشت . آزادیخواهان افغانستان با طرز عمل مساعی دبیر کل ملل متحد موافقت ندارد این عدم موافقت با طرز عمل دبیر کل است نه با پرنسیپ مذاکرات ویا منبع این مساعی یعنی ملل متحد .

دلایل واعتراضات مدلل آزادیخواهان دربارهٔ مساعی نماینده خاص دبیر کل که بنام مذاکرات ژنو معروف است بطور مکرر بوسایلی که در دسترس مجاهدین افغانستان بوده است اعلام گردیده است وعلاوه بران دربدل این مساعی ضرورت اقدام مؤثر از طرف سازمان ملل متحد تذکر داده شده است که عبارت از ضرورت انعقاد یک کنفرانس خاص بین المللی تحت نظارت ملل متحد بشمول همه همسایگان افغانستان همه اعضای شورای امنیت از سطح عمومی عضویت ملل متحد به نمایندگی از همه قاره ها با ملحوظ —

داشتن سهم مؤثرکشور های منطقه واعضای کشور های غیر منسلک با شمول نایندگان مردم افغانستان یعنی مجاهدین که علیه تجاوز روسیه برافغانستان درحال جنگ هستند می باشند.

درینموقع که اعلام گردیده است بتاریخ ۱۱ اپریل مذاکرات ژنو آغاز می گردد لازم است یکبار دیگرنظریات مردم افغانستان اعلام گردد . .

اوّل: طرح هیچگونه مذاکره از هیچ منبع دربارهٔ افغانستان درهیچ موضوع ومرامی که ربط مستقیم یاغیرمستقیم به شأنی ازاوامری ازامورمردم وملت افغانستان داشته باشد با هیچ ترتیب سیاسی یا وساطت بدون موافقت مردم افغانستان عادلانه، معقول وحقیقت پسندانه نبوده وازینرو به هیچ وجه قابل قبول ومعتبر شناخته نمیشود .

دوم: شرایط مجاهدین افغانستان برای اشتراك در مذاکرات باید ملحوظ باشد زیرا هیچگونه مذاکرات بدون موافقت وسهم مستقیم آزادیخواهان افغانستان اعتبارندارد.

سوم: طرفین متخاصم مستقیم ازیك سو تنها روسیه که طرف تجاوزنظامی می باشد وازسوی دیگرتنها مردم افغانستان که مدافع کشورخویش هستندمیباشند در هرگونه ترتیب جهت مذاکرات درنظرداشتن این اصل حتمی است .

چهارم: حق نخست ونهایی تعیین سرنوشت افغانستان

افغانستان محو گردد. وحل این سوال چنان یک جبهه بزرگ عمومی را ایجاب میکند که هر ضد استعمار روس در آن شامل شده میتوانند و صفوف این نبرد گنجایش هرگونه سپاهی را دارد.

بعد از خارج شدن روس ها سوال حل مسائل داخلی افغانستان بمیان میآید در حل مسائل داخلی، اختلافات حزبی یک امر طبیعی است.

مرحلهٔ حل این اختلافات بعد از اخراج روس ها فرامیرسد من یقین دارم که این اختلافات به زیان منافع عمومی کشور نیست وحل وفصل خواهد شد هیچ کشوری در جهان نیست که سیاسیون آن نظر واحد داشته باشند طبعا هر حزب برای خود خط مشی خاص دارد و برای حل پرابلم های سیاسی اقتصادی وکلتوری پیشرفت کشور، راه ها ومرام های خاصی را ارائه میکند اصولاً باید در کشور احزاب متعدد موجود باشند و هر حزب بتواند راه خود را دنبال کند یکی از عوامل بد بختی های کنونی افغانستان آنست که تاکنون برای مردم افغانستان زمینه اظهار افکار ونظریات مساعد نبوده است.

در مرحلهٔ نخستین تا زمانیکه هدف اساسی یعنی استقلال افغانستان بدست میآید اتحاد وائتلاف احزاب برای هدف مشترک لازمی شمرده میشود بوسیلهٔ

تنها و تنها حق ثابت مردم افغانستان است .

پنجم : حزب کمونست افغانستان پرچم وخلق درساحهٔ نظامی جزء لایتجزای قشون سرخ بوده و در هیچ ساحهٔ دیگر ماهیت مستقل ندارند و موقف مردم افغانستان درمقابل آنها عین موقف درمقابل روسیه است زیرا باا تصال و تسلیم مطلق خویش به طرف متخاصم اجنبی و انفکاك نظری وعملی ازمردم افغانستان هرگونه نسبت دینی، ایدیالوژیك اجتماعی و سیاسی را با افغانستان ازخود سلب کرده اند .

ششم : مسئله افغانستان یك مسئله تجاوز نظامی و بطورمطلق وکامل سیاسی است . حل آن تنها با خاتمه دادن به تجاوز ممکن است موضوع مهاجرین یکی ازنتایج این تجاوز ومسلهٔ بشری است وجزازنقطه نظر بشری موردبحث ومذاکره شمرده نه میشود وحل آن منوط به خاتمه تجاوز ونتایج آن است .

هفتم : بلا شبهه بشرط نخستین جستجوی راه حل سیاسی اخراج فوری کامل و بلا شرط قوای نظامی وپرسنل غیرنظامی روس بلاك نظامی پکت وارسا ومتحدین آن است که شامل ازمیان بردن پایگاه های نظامی و تبلیغاتی اجنبی ودیگرنتایج تجاوز واشغال می باشد.

هشتم : استرداداستقلال کامل، حاکمیت ملی وحق-

برگزیدن نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی به مردم افغانستان تا بتوانند آنرا دانه، بدون هرگونه مداخله ویا فشار مطابق به ارزومندی واراده‌ٔ خویش سرنوشت آینده‌ٔ شانرا تعیین وامورداخلی وخارجی خودرا تنظیم کنند اصل ثابت وغیرقابل انکاراست.

این اساسات واصول همگان مطابق به قوانین بین المللی وحقوق قبول شده وثابت همه مردم وملل جهان است وتنها مطالبه مشروع مردم افغانستان نیست.

احترام بآن جزء تعهدات همه بجامع بین المللی وملل متحدکه روسیه عضوآنست وبه منشورآن متعهداست می باشد، و علاوه برآن روسیه بحیث عضو دایمی شورای امنیت دراحترام وتطبیق آن مسوولیت خاص دارد.

بحکم ایجابات تفکرسیاسی در بررسی همه قضایا معیارها و ملاحظات خاص نظربه ماهیت قضایا اهمیت خاص دارد. همه قوانین بین المللی وتعاملات دپلوماسی درنظرگرفتن اینگونه معیارها وملاحظات راواجب دانسته ودرنظرداشته استاز ازینرو وقتی کنفرانس ژنو درمورد قضیه افغانستان صحبت میشود لازم است وجود وچگونگی این معیارها وملاحظات جستجوشده وتعیین گردند.

۱- معیاراشتراك طرفین متخاصم درنظرگرفته نشده است. درین مذاکرات طرفین متخاصم مستقیم

یعنی روسیه و نمایندگان مردم افغانستان یعنی مجاهدین آنرا دیخواه رسماً ومساویانه شامل نیستند .

۲ : ازنظر روسیه رژیم ببرک نمایندگی میکند که هیچگونه ماهیت مستقل ندارد وکناره جوئی ازتعهدات مذاکرات برای روسیه ممکن ساخته است .

۳ : گرمعیار همسایگی است همه همسایگان افغانستان سهیم نیستند .

٤ : اگرمعیارکشورهای اسلامیست مسئله اشتراک محدود به دوکشوراسلامی است .

٥ : اگرمعیارکشورهای منطقه باشد عین محدودیت وجود دارد .

٦ : اگرمعیار وجودمهاجرین در پاکستان و ایران باشد .

الف : مهاجرین افغانستان دردیگرکشورها نیزموجود است .

ب : موضوع تجاوزنظامی ومسئله خاص سیاسی رایک مسله بشری دانستن تخطی ازاصل ماهیت قضیه است .

اینکه پاکستان وایران قبول کرده اند بطورغیرمستقیم درین مذاکرات ازایشان نام برده شود موضوع

علیحده است . وباید بران جداگانه بحث کرد . اما بهر
ملاحظه ای که باشد . اگرمعیارحزب باشد قابل -
تعجب است که این دوکشور مستقل تنها بشمول
یک حزب قناعت کنند انهم حزبی که ملت افغانستان
علیه آن باقیام عمومی درحال پیکار است . واحزاب
دیگراصلاً دعوت نشوند . چنانکه ایران عملاً بر
این اصل متمسک بوده است . ونیز بحیث دوکشور
مستقل وعلاوه برآن دوکشور مسلمان ازپاکستان و-
ایران این توقع هم میرود که اگر براساس ملحوظات
بین المللی ایدیولوژی الحاد رژیم کابل درنظرگرفته
نشود براساس ملحوظات اسلامی نمیتوان آنرااز
نظرافگند بویژه که روسیه یک دولت ایدیولوژیک
است و پالیسی توسعه جوئی خویش را درچوکات ———
ایدیولوژی تعقیب میکند یعنی پالیسی توسعه جوئی آن
برای توسعه کمونیزم است .

البته نباید فراموش کرد که عملاً موقف ایران درموضوع —
اشتراك فرق باینی دارد اما این فرق بذات خود محدودیت مزید
ومطلق مذاکرات رابه نهی که است ثابت میکند .

با درنظرگرفتن این وجوه واصول مذاکرات ژنواز نقطهٔ نظر
بین المللی ازنقطه نظرعدالت وحقیقت پسندی مفهوم خودرا
می بازد وشایدازهمین سبب است که آقای گرومیکو آنرا

« قدمی در سمت درست » می خواند . و مجاهدین افغانستان آنرا یک ترتیب غیرعادلانه ، یک سعی غیر مثمر ، یک کوشش بی-ملاحظه وغیرحقیقت پسندانه وازینرو غیرقابل قبول میدانند.
اختیار این طرزعمل قابل تأسف است واگر اصلاح نشود به ملل متحد که مورد احترام کامل مجاهدین است به اساس روحیهٔ مذاکرات که مجاهدین افغانستان به ان مخالف نیستند و به مقام دبیرکل ملل متحد که مجاهدین افغانستان درنیت نیک او شبهه ای اندازند صدمه میرساند .

مجاهدین وآزادیخواهان افغانستان ازهمین ملل متحد ، ازهمین دبیرکل و نمایندهٔ خاص وی ، ازهمین دوکشور مسلمان وبرادر مطالبه میکنند که حق ثابت ملت افغانستان رابراساس قوانین بین المللی ، تعاملات روابط بین المللی وپرنسیپ های منشور ملل متحد اصول عدالت بین المللی واساسات حق مردم وملل جهان درنظر بگیرند وطرزعمل خودرا طوری تعدیل کنند که مورد قبول مجاهدین راه آزادی افغانستان شده بتواند .

شماره دوم سال (۲) افغان مجاهد ، ۱۲/۱/۱۳۶۲

محترم پژواک راجع به مذاکرات ژنیوطی مصاحبه‌ای با افغان مجاهد گفت:

روسیه دوام مذاکرات بی ثمر را به نفع خود استعمال می کند

سوال : درین اواخر سرمنشی سازمان ملل متحد با همراهی نمایندهٔ خاص خود «کودوویز» به مسکو مسافرت نموده و در آنجا مذاکراتی با اندروپوف وگرومیکو انجام داده است. در رابطه با همین گونه دید وبازدید . اخیر سرمنشی ملل متحد وکوردوویز از مسکو نگرانی هائی نزد هموطنان ما بوجود آمده است.

بخاطرهمین تشویش ونگرانی ها ونیز از آنجا ایکه این مسئله از موضوعات روز بشمار می آید بار دیگر می خواهیم درمورد محتویات مذاکرات مسکو روشنی افگنده وبرای خوانندگان عزیز افغان مجاهد

این نکته را روشن سازید که آیا مذاکرات مسکو بر مذاکرات ژنیو تاثیراتی خواهد داشت و یا خیر؟

جواب: از سوال شما مسرورم زیرا بمن موقع میدهد که با جواب بآن در خدمتی که شما و اخبارتان به مجاهدین ومهاجرین افغانستان میکنید من هم بحیث یکفرد مجاهد مهاجر سهمی داشته باشم.

از شما ممنون هستم که پاره‌ای از نظریات مرا در موضوع حل سیاسی قضیهٔ افغانستان و مساعی نمایندهٔ خاص دبیرکل ملل متحد در شمارهٔ پیشتر «افغان مجاهد» نشر گردید. با تائید مکرر آن نظریات در حیطهٔ معلومات خود در بارهٔ مذاکرات دبیرکل ونمایندهٔ خاص وی در مسکو صحبت خواهم کرد. دربارهٔ مذاکرات ١١ اپریل ژنو انشاءالله بعد از ختم آن در آینده صحبت خواهیم کرد.

جناب پریز دوکویلار دبیرکل ملل متحد وجناب کوردوویز نمایندهٔ خاص او با اندروپوف وگرومیکو ملاقات کردند. منبع معلومات ما منحصر به نشرات و اطلاعات جهانی نیست که آنهم محدود به اظهارات این دو شخص در کنفرانس مطبوعاتی دبیرکل در مسکو و اظهارات نمایندهٔ وی بعد از حرکت از مسکو است.

جناب پریز دوکویلار در مسکو گفت که مساعی شان در جستجوی راه حل سیاسی قضیهٔ افغانستان «تشجیع»

شده است وعلاوه کرد :

« من یقین دارم که هنگامیکه علاماتی که من آنرا درک کرده ام آزمون شوند نتیجه آن برخلاف توقع ومایۀ تعجب من نخواهد بود وبرعکس اطمینانی راکه دارم تایید خواهد نمود »

دبیرکل ازجواب دادن به سوالی که معنی «تشجیع» را تفسیرکند ابا ورزید وبه «دلچسپی حقیقی» روسیه به حل سیاسی اشاره کرد وگفت :

« من دلایلی دارم که امیدوار باشم » .

وقتی ازجناب کوریلا پرسیده شد که :

«ملل متحد درچندین تصمیم نامه بیرون شدن قوای شوروی را از افغانستان مطالبه کرده است آیا شما بحیث دبیرکل ملل متحد آقای اندروپوف را به آن تصمیم نامه ها ملتفت ساختید ؟» درجواب گفت :

« خوب شما خوب میدانید که سوالات شما همیشه پهلوهای سیاسی دارد که من آنرا می فهمم . لاکن اموری که میدانید یکی از عناصر درین پروبلم حضورقوای شوروی درین ساحه است و بلا شبهه ذکراین مطلب درمذاکرات رفت . اما اگر خواسته باشید من بشما بگویم که آقای اندروپوف قشون شوروی را فردا خارج خواهد کرد فکرمی کنم شما آنقدر ساده نیستید . آیا هستید ؟ »

واضح است نخواست به سوالی که متوجه مسوولیت او بحیث دبیرکل در مقابل ملل متحد بود جواب مستقیم بدهد و نیز تماس سوال کننده را به این موضوع مهم بحیث یک غرض خاص سیاسی تلقی کرد. و نیز — دلچسپ است که «قوای شوروی» رانام برد اما در عوض کلمهٔ «افغانستان» کلمهٔ «ساحه [illegible]» رااستعمال کرد.

به تعقیب آن از دبیرکل پرسیده شد:

«درجریان صحبت هائی که شما وآقای کوردوویز درطی چند سال اخیر با رهبران شوروی در موضوع افغانستان کرده اید، آیا انطباعی گرفته اید که رهبران شوروی معتقد شده باشند که شاید تجاوز شان به افغانستان درآغاز یک اشتباه بوده باشد؟ این قسمت اول سوال من است.»

«قسمت دوم سوال من اینست که:

«بعداز اقدام به تجاوز برافغانستان واشغال این کشور با صد هزار عسکر درسه سال اخیر آیا فکر میکنید که خواستهٔ روسیه به وجود یک رژیم هواخواه بشوروی درکابل پیش ازخروج قوای شوروی ازطرف روسیه یک شرط قبلی حقیقت پسندانه باشد؟»

جناب کوریلا درجواب گفت:

«خوب نخست، اگر بخواهم والبته می خواهم که یک میانجی

بیطرف و مفید باشم نباید برموقف شوروی قضاوت اخلاقی کنم .

دوم اینکه شوروی و افغانستان در هیچ زمان بمن نگفته اند که شرطی دارند . این چیزیست که شما بمن میگوئید و من هرگز ، هرگز و هرگز نشنیده ام که شوروی یا افغانستان بمن یا نمایندهٔ خاص من به این شرط اشاره کرده باشند .

ازینرو متاسفم که به سوال شما جواب گفته نمی توانم زیرا این مسئله هیچوقت برمیز مذاکره گذاشته نشده است . شما معمولاً شخص مطلع وخبیر هستید اما من ، طوریکه گفتم تکرارمیکنم که هرگز نشنیده ام که این مسئله روی میز مذاکره گذاشته شده باشد . »

دبیرکل در بارهٔ مذاکرات ۱۱ اپریل ژنو با خوشبینی وحرارت سخن کرد و گفت برای « حل سریع » پروبلم پیرامون افغانستان خواهم کوشید .

شما میدانید که اصطلاح « پیرامون افغانستان » و « اطراف افغانستان » اصطلاح روس ها ومتحدین شان است . ملل متحد در اسناد آن سازمان به آن « اوضاع — افغانستان » عنوان داده است و استعمال اصطلاح شوروی بجای اصطلاح ملل متحد از جانب دبیرکل سازمان غریب ونا شایسته است .

طوریکه عرض کردم جناب کوردوویز نیز اظهاراتی کردند .

این ائتلاف ما به عمده ترین سوال پاسخ میگوئیم ما باید بدین وسیله زمان جنگ طولانی برای آزادی را به حداقل آن کاهش دهیم وتا حد ممکن جلو قربانی ها و ویرانی ها را بگیریم. دربین ائتلاف واتحاد باید اختلاف حزبی تمام احزاب به تناسب هدف مشترک (فرعی) پنداشته شود وحق تمام احزاب وگروپ ها در راه حل اختلافات باید محفوظ بماند تا مردم افغانستان بتوانند براساس اراده آزاد سرنوشت خودرا تعیین نمایند.

سوال:- درمورد این ماموریت مقدس تان تاکدام پیمانه خوشبینی دارید؟

جواب:- چرا ما باید از هراقدام خود نتیجه مثبت را انتظار داشته باشیم؟

اینگونه تصامیم واقدامات مهم سیاسی را باید بمثابه درفش میدان جنگ بپنداریم حتمی نیست که علمبردار نخستین باید بیرق خودرا تا هدف برساند. شاید هم تا رسیدن به هدف چندین علمبردار درجریان راه کشته شوند وبالاخره بیرق به هدف برسد.

ازمیان رفتن ویا ناکامی یك یا دوعلمبردار معنی آنرا ندارد که رسیدن به هدف ناممکن است وبیرق در نیمه راه رها شود.

من به این عقیده ام که اگر ما نتوانیم به این هدف

جناب کوردوویز گفت :

«من خوشبین هستم اما نتیجه مربوط به ارادهٔ سیاسی طرف های ذیعلاقه است»

وی افزود که :

«این دور مذاکرات خیلی جدی بوده و به تفصیل کامل در مسایل مربوط به موضوع برای رسیدن به یک قرار حاوی همه جهات مسئله خواهد بود. من با چندین حکومت موضوع را درمیان گذاشته ام و در نظر من مشوره با این حکومت ها جریان مساعی دیپلوماسی را نیرو میبخشد.»

ونیز علاوه کرد که یکی از مسایلی که در ژنو مورد غور قرار خواهد گرفت.

«مشوره با پناه گزینان افغان است.

ما معلومات زیاد و بیشتر جمع کرده ایم که مارا در بحث با هم نشینان ما قابل آن میسازد که مباحثات ما جامع باشد. من حس میکنم که مشوره با پناه گزینان مهم است و برای پناه گزینان و پروسه دیپلوماسی پر معنیٰ خواهد بود»

راه تحلیل این گفتارها و استنباط از آن برای همگان باز است.

من شخصاً نمیخواهم درین مرحله بر آن به تفصیل تبصره کنم و هرگونه اظهار نظر را به مرحلهٔ بعد از ختم مذاکرات ژنیو میگذارم.

امانا گزیر هستم اینقدر بگویم که اشاره به «پناه گزینان» درعوض «مجاهدین و آزادی خواهان افغانستان» اگر اشتباه شفاهی در انتخاب الفاظ نباشد سوالات غامضی را به میان میآورد.

اگر کسی تصور کند که میتواند ملت مسلمان افغانستان را که در داخل کشور و در خاک خود شان برای دفاع دین و نوامیس ملی خود در حال قیام عمومی و مسلح هستند و با دشمن متجاوز اجنبی می جنگند فراموش کرده و مجاهدین مبارزی را که خارج از کشور اند اما جهاد می کنند بنام پناه گزینان بخواند و آنگاه ادعای عدالت و معقولیت کند باید بداند که در همه گونه مساعی خود ناکام خواهد شد.

سوال: مذاکرات ژنو را بعد از مذاکرات مسکو چگونه می بینید؟

جواب: شما میدانید که در معنی مذاکرات ژنو در گذشته با نمایندهٔ رژیم کابل، مذاکرات کوردوویز در کابل همه مذاکرات کوردوویز با شوروی بوده است. اینبار مذاکرات مستقیم مسکو یک نمایش سیاسی از جانب شوروی است که منظور آن ادامهٔ مذاکرات و اغفال افکار عامه جهانیست. اما از طرف دیگر شاید زمینه را برای آزمون صمیمیت شوروی آماده سازد. میتوان این مذاکرات را یک ملاقات آزمونی

خواند اگرکوردوویز نتیجه تماس خود را با حکومت های دیگر به توجه روسیه رسانیده باشد مذاکرات ژنوا بسیار برای آن حکومت ها موادی تهیه خواهد کرد که روی آن فکر کنند. من شخصاً بدبین هستم. بنظرمن اگر درطرز عمل تعدیلی جدی وموثر صورت نگیرد حل سیاسی قضیه غامض تر خواهد شد. درشرایط موجود کلید دردست روسیه است وروسیه دوام مذاکرات بی ثمر را به نفع خود استعمال می کند.

سوال: مجاهدین افغانی چه باید بکنند؟

جواب: بایدچنانکه درجهاد مسلح خودرا آماده ساخته اند خودرا برای دفاع ازحقوق درساحه بین المللی نیزآماده سازند. اختلافات حزبی، گروهی وفردی را یکسو بگذارند وموقف واحدی اتخاذ کنند. نگذارند بیگانگان با سرنوشت شان بازی کنند ومسوولیت های عظیم خودرا درمقابل خدا، مردم وتاریخ بیشتر ازهمه وقت حس کنند. شما می دانید که من صلاحیت جواب کامل بسوال شما را ندارم.

سوال: اکنون که گفته شده است که با پناه گزینان مشوره خواهد شد موقف پناه گزینان چه باید باشد؟

جواب: من بارها گفته و باز میگویم که موضوع پناه گزینان یکی ازنتایج تجاوز نظامی روسیه است وباختم تجاوز خود بخود حل میشود. همینکه قوای نظامی روس ومتحدین آن بطور

کامل وبلا شرط از افغانستان خارج شوند واقتدار سیاسی بیک حکومت اسلامی مطابق به اراده آزاد مردم افغانستان انتقال یابد پناه‌گزینان بوطن خویش بازخواهند گشت. پس موقف پناه‌گزینان روشن است ومشوره با پناه‌گزینان مفهوم ندارد.

من و تو دو فرد پناه‌گزین هستیم آیا موقف ما همین نیست وآیا جز این چیز دیگری بوده می تواند ؟

اگر اجازه داده شود که اصل قضیه سیاسی افغانستان تحت الشعاع فرع جنبهٔ بشری آن قرار گیرد از عدالت بین المللی بعید است وعواقب ناگواری دارد. طوریکه گفتم درین موضوعات باید منتظر بود که شکل حقیقی اوضاع روشن گردد حرف های آفاقی را نباید مدار تشویش یا اطمینان قرار داد.

شمارهٔ سوم سال دوم افغان مجاهد، ۲۲/۱/۱۳۶۲

محترم پژواک طی مصاحبه‌ای با افغان مجاهد گفت :

شرط واحد بازگشت مهاجرین افغانستان ،

الف ، اخراج بلاشرط و کامل روس و

ب ، استقرار حکومت اسلامی مطابق به رضا و آرزومندی مردم است

سوال ، بنابر خبرهای منتشره احتمال موجود است که در پایان دور دوم مذاکرات ژنو دربارهٔ قضیهٔ افغانستان یکی از قدم‌های که برداشته شود دریافتن آرزو و تصمیم مهاجرین افغانستان دربارهٔ شرایط بازگشت ایشان بوطن خواهد بود و اینکار توسط نمایندهٔ خاص دبیرکل ملل متحد جناب کوردوویز صورت خواهد گرفت نظر شما چیست ؟

جواب ، من دربارهٔ مذاکرات ژنو پیش از ختم آن اظهار نظر نمی کنم . موقف من بصورت عمومی در این

موضوع معلوم است تنها در بارهٔ این احتمالی که شما بآن اشاره کردید درحال حاضر همینقدر گفته می توانم که :

هنوز معلوم نیست که طرز عمل این کارچه شکل خواهد داشت . اما هر شکل و ترتیبی که اختیار گردد جدا کردن یکی از نتایج فرعی تجاوز نظامی روسیه بر افغانستان از اصل قضیه و آنهم فرع بشری آن از یک پرابلم کاملاً سیاسی غیرعادلانه وازینرو نادرست بوده ومایه تأسف وتأثر عمیق همگانی مردم افغانستان و بطور خاص مهاجرین افغان است . اگر این طرز عمل که منافی تمام اصول عدالت بین المللی است بدون ضمانت استرداد همه حقوق ثابت وحقهٔ همه ملت افغانستان که مهاجرین در پاکستان ایران و نزدیکترین و دورترین نقاط دیگر جهان یک جزلا ینفک آن هستند بر مهاجرین که جز از نقطهٔ نظر محل اقامت واجبار مطلق به مصیبت محرومیت و دوری از خاک خود گرفتار هستند وبه هیچ نوع دیگر از ملت افغانستان جدا نیستند و هیچ قوت آنهارا در آرزو وتصمیم وارادهٔ شان جدا کرده نمیتواند تحمیل گردد . باید جناب کوردوویز به عواقب وخیم آن ملتفت ساخته شود و مسوولیت های خود را درمقابل منشور ملل متحد وتصمیم نامه های آن که درحل سیاسی قضیهٔ افغانستان بطور جامع از نقطهٔ نظر سیاسی نه تنها بشری اورا مکلف ساخته است درنظرداشته باشد وبداند که هیچگونه صلاحیت انحراف را

از آن ندارد.

شرایط بازگشت مهاجرین واضح است. حاجت ندارد کسی از آنها بپرسد.

تصمیم به مهاجرت، قبول مصیبت و محرومیت و هجرت و عوامل آن روشن تر از آفتاب است.

عامل روشن مهاجرت علاوه بر کشتار صد ها هزاران زن و مرد وطفل، حبس و شکنجه ضبط دارائی و بالاتر از همه از بین بردن نظام معتقدات و طرز حیات مردم غصب همه حقوق سیاسی مملکت و ملت و پامال کردن حقوق بشری و انسانی هر فرد افغانستان در داخل کشور خودش در اثر تجاوز نظامی و اشغال قوت از جانب اجنبی بغرض اشغال خاك، سلب حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت با اراده آزاد مملکت مستقل وواحد افغانستان است. که مهاجرین در همه احوال ودرهرجای جزء لاینفك آن هستند.

شرط مردم افغانستان و مهاجرین واحد و واضح است.
این شرط واحد خاتمه دادن به تجاوز نظامی و همه گونه نتایج نظری وعملی آن درحال وآینده است.

از نقطهٔ نظر مهاجرین :

۱- همینکه روس ها نظامی وملکی ومتحدین آن از افغانستان بطور کامل وبلا شرط خارج شوند

۲- همینکه استقلال کامل وقاطع سیاسی، نظامی ،

اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی مملکت ومردم مسلمان ومؤمن افغانستان مسترد، تأمین وتضمین گردد. اصول عدالت بین المللی تطبیق شود. عدالت اجتماعی وبشری که متضمن حقوق وآزادی های اساسی انسانی وفردی بر اساس وحدت ملی وحق تعیین سرنوشت بنا بر اراده و تصمیم آزاد همه مردم افغانستان اسباب وشرایط اطمینان واعتماد مردم رامهیا کند.

۳- وهمینکه اقتدار سیاسی در افغانستان مستقل بدست مردم مسلمان ومؤمن افغانستان درآید مهاجرین حقیقی افغانستان بلاشبهه وبیدرنگ به وطن خویش بازخواهند گشت.

درغیر رفع عوامل مهاجرت شمار مهاجرین هرروزافزونتر خواهد شد و مشکلات جدیدی احداث خواهد کرد.

البته آنچه من میگویم نظریک فرد مهاجراست که اساس آن درک شخص من از آرزومندی همه مهاجرین میباشد. ونیز هیچ سوال راکه هنوزطرح نشده باشد نمی توان جواب گفت:

سوال: درست است اما آیا نباید به تشویشی که درمیان مردم ما پیدا شده است جوابی داد؟

جواب: مردم ما حق دارند دربارهٔ عواقب خود فکرکنند وبیندیشند اما اخبارجهان راعض اخبارجهان دانسته وخود را دربرابرواقعیت ها

اماده سازند وانشاء الله آماده هستند .

سوال :- شما بحیث یک فرد مهاجر تشویش ندارید وخوشبین هستید ؟

جواب :- طوریکه گفتم من موقف خودرا مکرراً روشن کرده ام و شما ازآن واقف هستید باکمال تأسف من خوشبین نیستم اما تشویش رابخود راه نمی دهم زیرا به مردم خود وعزم وایمان شان اعتماد کامل دارم .

ازجانب دیگر من درنیات نیک جناب کوردوویز هم شک ندارم . اگرخدا (ج) ناخواسته گام نامرغوبی بردارد ناشی ازتحلیل غیر کامل واقعیت ها خواهد بود اما از سوی دیگر حکومت پاکستان که همه واقعیت هارامیداند نیزدرین مذاکرات سهم دارد .حکومت پاکستان میداند که مهاجرت پیش ازآمدن ببرک ومقارن بامداخلهٔ روس وکودتای ثورآغازگردید وآنچه مردم افغانستان رابه مهاجرت مجبورساخت آمدن کفروالحاد درکشورشان بود که باعث قیام عمومی مردم گردید تاآنکه روس ها مجبورگردیدند عساکرخودرا برای حمایت اغراض سیاسی وایدیولوژیک خود در صحنه وارد کند وجهاد مسلح قوی ترشد پس عامل حقیقی در نزد پاکستان روشن است وتوجه جناب کوردوویز رابه آن جلب خواهد کرد . پاکستان میداند که روسیه یک دولت امپریالیست توسعه جو ودرعین زمان ایدیالوژیک است و پالیسی توسعه جوئی آن متکی براساس پخش کامیونیزم است . ازهمین سبب است که دولت اسلامی پاکستان رژیم ببرک را نمی شناسد

وانرا نخواهد شناخت. جناب رییس جمهور پاکستان بحیث رئیس حکومت بارباراین تعهد راکرده است.

اظهارات رئیس جمهور پاکستان درساحهٔ بین المللی تعهدات یک شخص مسؤول وراس یک حکومت است اما درنزد مردم مسلمان ومؤمن افغانستان علاوه برآن تعهد یک مرد مسؤل ومسلمان مؤمن واولی الامر یک ملت اسلامی است. ازاینروما مهاجرین باید دربارهٔ نیات انصار اعتماد خودراحفظ کنیم. مادر دین خود دستوری داریم که ظن مؤمن را بحق بارهٔ مؤمن حقانی میکند. ازین سبب است که من تشویش راجخود راه نمید هم واگربدبین هستم ازناحیهٔ عدم صمیمیت روس ومنافقت رژیم کابل دلیلی برای خوش بینی خودنمی یابم.

دلایل دیگرعدم خوشبینی من دراخبارخودتان نشرشده است میتوانید بآن رجوع کنید.

این موضوع رابرای آن تذکردادم که فقره سوم یعنی انتقال قدرت سیاسی ازیک رژیم کامونیست به یک حکومت اسلامی شرط مهم بازگشت مهاجرین بوده ودارای اهمیتی است که به هیچ صورت کمتر ازاخراج روسها از افغانستان نمیباشد.

شمارهٔ چهارم سال دوم افغان مجاهد ، ۱۳۶۲/۲/۱

مقدس برسیم حتماً کس دیگری این اقدام را دنبال خواهد کرد - شاید اونظر بما نتیجه بهتری بدست بیاورد واگر اوهم ناکام میشود شاید علمبردار سومی و یا چارمی به هدف برسد . بهرحال ما نخست انتظار نتیجه مثبت را داریم واگر این نتیجه مثبت بدست نیامد نا امید و مایوس نمی شویم .

سوال :- از روزیکه تشریف آورده اید از مساعی خویش چه نتیجه گرفته اید زیرا مردم افغانستان شدیداً تشنه اتحاد هستند .

جواب :- قسمیکه شما میدانید من این کار را تازه آغاز نموده و درمراحل بسیار ابتدائی قرار دارم . و اینرا هم میدانید که انجام نمودن چنین اقدامی هیچ نوع عجله و شتاب را ایجاب نمیکند . من با رهبران هردو اتحاد تماس گرفته وعرایض ونظریات خویش را تقدیم ایشان نموده ام . وازرهبران هردواتحاد ممنون هستم که با حوصله فراخ بمن موقع دادند تا بحیث یک فرد بی طرف عرایض ونظریات خویش را تقدیم نمائیم . من یقین دارم که آنها بعدازغور و تعمق ضروری نظریات خود را برای مردم آشکار میسازند . تاجائیکه بشخص من مربوط میشود درراه فریضه سعی به هدف خود تأمل آمده ام . یگانه مطلب ومرام این بود تا با مجاهدین

مصاحبه با محترم پژواک

درباره اعلامیه ختم دوره دوم مباحثات ژنو

سوال: بعد از ختم دور دوم مذاکرات ژنو "افغان مجاهد" می خواهد نظر شما را درباره اعلامیه ۲۳ اپریل دبیر کل ملل متحد و بصورت عمومی در اطراف نتایج این مذاکرات به منظور اطلاع هموطنان ما بداند.

جواب: بهتر است بجای "مذاکرات" که در زبان دیپلوماسی اصطلاح خاصی است "مباحثات" یا "صحبت ها" بگوئیم. اعلامیه رسمی ملل متحد نیز آنرا "مذاکرات" نمی خواند و مباحثات مینامد.

اجازه بدهید نخست از روی یادداشت های خود عین محتویات این اعلامیه را بشما تقدیم کنم تا هریک از خوانندگان اخبار شما

بتواند آنرا مطالعه و تحلیل کند. عین متن اعلامیه قرار ذیل است:

«یک دور دوم مباحثات بر اوضاع مربوط به افغانستان در کاخ ملل بوساطت دیاگوکوردوویز نمایندهٔ شخصی دبیرکل از تاریخ ۱۱ تا ۲۲ اپریل ۱۹۸۳ میان شاه محمد دوست وزیر خارجهٔ افغانستان و صاحبزاده یعقوب خان وزیر خارجهٔ پاکستان که به مقصد این مباحثات در ژنیو حضور داشتند صورت گرفت. حکومت ایران توسط نمایندهٔ دایمی آن در نزد ملل متحد در دفتر اروپائی ژنیو از مباحثات مسبوق و مطلع نگهداشته شد.»

در جریان مباحثات که با روحیهٔ بسیار سازنده صورت گرفت پیشرفت پرمحتوی حاصل گردیده بحث بر مسودهٔ یک قرارنامهٔ جامع به منظور حل مسایلی که اوضاع فعلی را بوجود آورده است و تثبیت یک اساس قابل دوام برای قیام روابط حسنهٔ همسایگی صورت گرفت. این مسوده که در شرف تکمیل است اصول و مقاصد یک قرارداد جامع را در بر داشته. خطوط ارتباط باهمی همه عناصر مربوط بیک قرار را تعریف نموده و حاوی مطالبی است که شکل زمانی برای تطبیق آن نیز در آن شامل است.»

«مباحثات به ترتیباتی هم متوجه بود که مطالبی را که برای بازگشت خوش برضا و جلوگیری از موانع بازگشت پناه گزینان لازم است تحقیق کند.»

«موافقت حاصل گردید که مباحثات به تعویق افتد تا وفدها

بتوانند در پایتخت های خود شان مشوره کنند و بعد از آن صحبت ها به تاریخ ۱۶ جون در ژنو دوباره آغاز گردد .»

«دبیرکل ازین مباحثات توسط نمایندهٔ شخصی خودش مطلع گردید و اظهار امید میکند که هنگامیکه صحبت ها دوباره آغاز گردد ممکن خواهد بود برای اتصال اختلافات برجسته پلی بسته شود و فرصت را برای پیشرفت مزید بطرف تحقق یک حل سیاسی مساعد تر سازد .»

من فعلاً یگانه نتیجهٔ مباحثات دور دوم را در ژنو نشر همین اعلامیه میدانم . مسوده ایکه نمایندهٔ دبیرکل به وفد حکومت پاکستان و رژیم کابل سپرده و بر آن بحث صورت گرفته است در دست نیست و متن نهایی آن بعد از مباحثات ۱۶ جون ، اگر اجتماع موعود بآن تاریخ صورت گرفته بتواند و بحث کنندگان موفق شوند که بر یک متن به موافقت برسند تکمیل خواهد شد . ازینرو من نه میخواهم فعلاً بر آن تبصره کنم . و محض نظریات سابق خود را درباره عدم تائید طرز عمل فعلی تائید میکنم .

سوال : وقتی جناب صاحبزاده یعقوب خان از ژنیو بازگشت در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهاراتی نمود . درباره آن چیزی گفتنی دارید ؟

جواب : جناب وزیر خارجهٔ پاکستان بحیث یک سیاستمدار مسئول با کمال امانتداری و احترام به حفظ اسراری که شیوه دیپلوماسی مخفیانه جناب کوردوویز آنرا در مساعی شان ایجاب

میکند به برخی سوالات خبرنگاران جواب داد. این مصاحبهٔ مطبوعاتی بر شمار سوالاتی که از مطالعهٔ دقیق اعلامیه ملل متحد بمیان میآید بجای آنکه بکاهد می افزاید. من درباره اظهارات جناب وزیرخارجه پاکستان نیز، با حفظ موقف مجاهدین ومبارزین ازادیخواه افغانستان فعلاً اظهارنظر نمیکنم.

موقف ما آشکار و روشن است: تعیین سرنوشت افغانستان وجزء وکل هرچه بآن رابطهٔ مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشد درهمه احوال وشرایط تنها وتنهاحق ثابت مردم افغانستان است که در راه دفاع ازدین ونوامیس ملی واستقلال تام کشور خودچنانکه درمیدان جنگ دفاع میکنند درساحهٔ سیاست نیزدفاع کرده وخواهند کرد. هیچگونه ترتیب سیاسی ازجانب دیگران درنزد مردم افغانستان اعتبارندارد چنانکه درهیچ محکمهٔ عدالت بین المللی بر اساس قوانین وموازین بین المللی ودپلوماسی مقبول نیست ومعتبرشناخته نمیشود.

سوال: اما برخی منابع نشراتی جهان تبصره هایی کرده اند.

جواب: درست است اما قضیهٔ افغانستان برای ما مسئله حیات و ممات است و برای آنها آنچه برای آنهاست میباشد.

ما نمی توانیم به حیثیات خود دیگر بپردازیم. و برمسوده ای که هیچ یک فرد وطنخواه ملت افغانستان از آن اطلاع ندارد واگر میداشت به سابقهٔ وطنخواهی خود آن را به اطلاع مردم خود میرسانید فعلاً اظهار نظر کنم.

سوال، شنیده شد که یک نمایندهٔ روس نیز در شهر نو با کوردوویز درین موضوع ملاقات کرده است. آیا شما هم این خبر را شنیده اید؟

جواب : آری شنیده ام وقتی خبرنگاری از جناب کوردوویز پرسید که چنین ملاقاتی صورت گرفته است یا نه. جناب کوردوویز صحت آنرا تائید نموده و علاوه کرد که نه تنها با وی بلکه با شماری از نمایندگان دیگر کشورها نیز که به حل سیاسی قضیه افغانستان علاقه دارند ملاقات کرده است و از جمله امریکان را نام برد. و نیز در جواب دیگری که آیا با کدام نمایندهٔ آزادیخواها تماس گرفته است یا نه بیک کلمه جواب منفی داد.

سوال، درینباره چیزی می فرمائید؟

جواب : چه میخواهید بگویم؟ همین قدر کفایت میکند که در طرز عمل فعلی تنها و تنها مردم افغانستان که از حقوق خود در مقابل تجاوز روسیه دفاع می کنند عمداً بیرون نگهداشته شده است یعنی همان جانبی که تعیین مقدرات شان مورد بحث و صحبت بیگانگان است اطلاع ندارند که دیگران دربارهٔ شان چه میگویند

وچه در نظر دارند .

این هشداریست که انشاء الله فرد فرد کافهٔ مردم مجاهد و آزادیخواه افغانستان را در داخل و خارج کشور به مسئولیت های شان در جهاد مقدس اسلامی و ملی شان بیدارتر و برای حفظ نوامیس ومنافع اسلامی وملی شان چنانکه در میدان جنگ گرم حاضر هستند در میدان سیاسی نیز آماده ترخواهد ساخت . این آمادگی اتفاق نظرما را در ساحهٔ بین المللی به همان پیمانه ایجاب میکند که اتفاق ما را درساحهٔ جهاد عملی ومسلح واجب ترمیسازد . هرفرد یا جمعیت که بیشتر از هر زمان دیگر در تکمیل این اتفاق نظر وعمل خود را برای هرگونه ازخود گذری آماده نمیسازد در نزد خدای خالق وقهار جل علی شانه، در نزد مردم مؤمن و مسلمان افغانستان ودرنزد تاریخ عالم اسلام، جهان بشریت وملت افغانستان مسئول خواهد بود . من صلاحیت وعظ و بلاغ را ندارم وآنرا به اهل آن وامیگذارم اما فریضهٔ اسلامی وملی خودمیدانم که این اخطار سیاسی را درین زمان بحران

بگوش همه هموطنان خود برسانیم .

سوال : درین اواخر بیشتر از هر وقت دیگر شنیده میشود که روسها قشون خود را از افغانستان خواهند کشید . چنانکه دبیرکل ملل متحد نیز این موضوع را تذکر داد و اخیراً جناب صاحبزاده یعقوب خان وزیر خارجهٔ پاکستان نیز گفت که به سویهٔ اندروپوف وگرومیکو اظهار شده است که روس ها نیت ماندن را در افغانستان ندارند شما چه می گوئید ؟

جواب : چون عامل ومسؤول یگانه تجاوز بر افغانستان روسیه است و روسیه محکوم یک سیستم دیکتاتوری مطلق است و اظهارات دیکتاتوران مطلق آن یگانه منبع است که بآن اشاره میتوان کرد نظری عمیق برموقف زعمای آن به موازات تظاهرات سیاسی شان که راه حل سیاسی را بوساطت نمایندهٔ دبیرکل ملل متحد « قدمی در سمت درست » دانسته وآن را « تشجیع » میکنند لازم است .

روسیه می گوید هروقت رژیم کابل به آن بگوید قشون خود را از افغانستان خارج خواهد کرد . روسیه میداند ، چنانکه همه جهان میداند که رژیم کابل هیچگونه هویت مستقل ندارد وموجودیت خودرا درمقابل قیام عمومی مردم افغانستان به وجود قشون روس مربوط میداند ، از اینرو معنای حقیقی مشروط ساختن خروج قوای روس به درخواست رژیم کابل روشن است .

از طرف دیگر به موازات این اظهارات روسیه بر اراده خود به حمایت رژیم کابل تاکید میکند. که بیانیه «رشیدوف» در موقع تجلیل سال پنجمین کودتای ثور و تیلگرام های تبریکی مسکو به این مناسبت درچند روز گذشته شاهد این امر است.

اگر روسیه بخواهد مقاصد و اغراض حقیقی خود را در پشت پردهٔ اینگونه تظاهرات پنهان کند بر شعور وذکای سیاسی جهان اهانت میکند.

روسها در اول وجود خطرهایی را جعل کردند که گویا متوجه افغانستان بوده است و وارد کردن قشون خود را برای دفاع افغانستان وانمود کرد ند چون هیچ شواهدی برای آن نشان داده نتوانستند وجود خطر را بر منافع ملی خود شان نسبت دادند.

«بریژنیف» مرد و «اندروپوف» بجای وی نشست — توقعات غلطی ایجاد شد که تنها مردم افغانستان آنرا تائید نکردند و در نتیجه غیرقابل تائید ثابت شد. «اندروپوف» چند روز پیش در اولین مصاحبهٔ خود بایک نشریهٔ دنیای غرب مجله معتبر ومعروف المان غربی بنام «سپیگل» Derspiegal در جواب یک سوال گفت:

«آیا اتازونی علاقه ندارد که باید در نکاراگوا که از تازونی فاصلهٔ بسیار زیاد دارد چگونه حکومتی حاکم باشد؟

ما با افغانستان سرحد مشترك داریم و دراثر معاونت به افغانستان از منافع ملی خودمان دفاع میکنیم.» درین مصاحبه که در مسکو بین «اندروپوف» و «اوگوس شتاین» ناشر مجلهٔ قبل الذکر صورت گرفت بعداز اظهارات فوق «اندروپوف» علاوه کرد:

«ما نیت ماندن را درافغانستان نداریم»

وآنگاه به جریان مباحثات سیاسی درژنو اشاره کرده وگفت که به معاونت مساعی دبیرکل ملل متحد میتوان بیك موفقیت درحل مسئله که «اساس آن معقولیت» باشد رسید.

«اندروپوف که از «معقولیت» حرف می زند مشروعیت تجاوز روسیه رابرافغانستان بادرته پا گذاشتن همه موازین بین المللی میخواهد بدلیل مداخلهٔ امریکا درنکاراگوا ثابت کند، یعنی چون اتازونی درنکاراگوا که ازآن فاصله بسیار دارد — مداخله میکند روسیه حق دارد بر همسایهٔ خویش افغانستان برای دفاع ازمنافع ملی روسیه تجاوز نظامی کند. پس اگر امریکا فرضاً بر مکسیکو حمله کند روسیه به جای آنکه حمله امریکا را غیر مشروع بداند حملهٔ خود را برایران ودیگر کشورهای قریب وجوار مشروع خواهد دانست.

این سیاست تجاوز کارانه و تهدید به قوت واستعمال زور از طرف یك ابرقدرت عضو دایمی شورای امنیت ملل متحد از یك جانب و از جانب دیگر تشجیع مساعی دیپلوماسی نمایندهٔ

دبیر کل ملل متحد در ژنو برای حل سیاسی قضیه افغانستان
به موازات تهدید سواحل کشورهای سویدن و ناروی
برای جلوگیری از همدردی با پولیند و ممالک اسیر اروپای
شرقی و دیگر مسایل اروپائی پیشاهنگ خوف هائیست که باید از
اوضاع عمومی جهان داشت ، زیرا نمیتوان از حقیقت تجاهل کرد
که اندروپوف با این گونه طرز تفکر طرفداری مطلق العنان
یک کشور محروم از افکار عامه است و با جنبانیدن یک سر و دو
لب می تواند دنیا را به جنگ ذره وی بکشاند .

از جانب دیگر تا جواب دیگری از جانب امریکا شنیده
شود جواب نمایندهٔ دایمی آن کشور در ملل متحد « خانم
کرک پترک » را ملاحظه فرمائید . نمایندهٔ امریکا در یک
ضیافت خبرنگاران جهان در ملل متحد گفت ؛

وقتی اظهارات آقای اندروپوف را شنیدم خیلی تعجب
کردم . فکر اولی که در دماغ من تولید کرد این بود که بیانات
او فوق العاده بود زیرا موقف شوروی در افغانستان
با موقف اتازونی در نکاراگوا قابل مقایسه نیست مگر در
صورت که اتازونی قشون خود را برای اشغال به نکاراگوا
بفرستد .

اما اتازونی نیت آنرا ندارد که قشون بزرگ بفرستد و یا
کدام کشور امریکای مرکزی را اشغال کند . »

بعد از آن جناب سفیر کبیر اتازونی علاوه کرد که شاید

ملحق شوم، و اینکه علاوه برملحق شدن با مجاهدین موقع یافتم تا نظریات خودرا تقدیم رهبران مجاهدین نمایم برای من جای بسی مسرت وممنونیت است.

من بسیار مسرورم ازاین که میگوئید، مردم افغانستان شدیداً تشنه اتحاد هستند، ومن یقین دارم قسمیکه شما اظهار میدارید، رهبران احزاب هم آرزوی حقیقی مردم را درک ننموده اند.

سوال :- شما اشاره نمودید که بحیث یک فرد بی طرف با رهبران مجاهدین در تماس شده اید. آیا شما بی طرفی خودرا چطور توضیح میدارید؟

جواب :- معنی بی طرفی من این است، که من عضو هیچ حزب وگروه نیستم ونمایندگی هیچ کس را نمی نمایم، من خود را تنها خدمتگار کافه مردم افغانستان میدانم.

شمارهٔ (٦) افغان مجاهد
١٣٦١ / ٣ / ٤

آقای اندروپوف می خواهد چنین چیزی را به اتازونی تلقین کند.

التفات بفرمائید که هیچیک از این دو ابرقدرت بر عدم مشروعیت مداخله اعتراض نمی کنند و تنها از نیات پاک و بی آلایش خود حرف میزنند و نیز خیلی دلچسپ است که نماینده امریکا از «قشون بزرگ» بهمان نهجی سخن میکند که روسیه از «قطعات کوچک» حرف می زند.

شما به اظهارات جناب صاحبزاده یعقوب خان اشاره کردید. از روی اخبار جهان بشمول اخبارهای پاکستان اظهارات «اندروپوف» و «گرومیکو» که جناب شان به آن اشاره کرده اند پیش از اظهارات «اندروپوف» به مجله «شپیگل» می باشد و نیز بیانات «رشیدوف» در کابل تازه تر از آنهاست. خیال میکنم آنچه در بارهٔ مصاحبهٔ «شپیگل» گفتم موضوع سوال شما را احتوا میکند.

اگر سوال دیگری نداشته باشید اجازه بدهید به اغتنام از فرصت یک نقطه را هر چند در گذشته به تکرار توضیح شده است. برای روشن شدن موقف آزادیخواهان و مجاهدین افغانستان بار دیگر بعرض برسانم.

ولس مل: متشکرم فعلاً سوال دیگری ندارم.

پژواک: میخواهم بگویم که موقف مردم افغانستان

براساس متون وروحیهٔ تصاویب مجامع بین المللی به شمول ملل متحد در بارهٔ اخراج فوری نظامی اجنبی اخراج کامل، بلاشرط وفوری آن است .

مرام اصلی جهاد مسلح ومطالبات سیاسی مردم افغانستان استرداد استقلال حاکمیت ملی وتامیت خاك افغانستان و استرداد اقتدار سیاسی به یك حکومت اسلامی است تا مردم افغانستان با تأمین حق ثابت شان به تعین سرنوشت بااردهٔ مردم بدون مداخله، فشار ونفوذ اجنبی بتوانند نظام سیاسی اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی شانرا مطابق به آمال و آرزومندی خودشان برگزیده وبا مصوونیت واطمینان کامل از سلطه، نفوذ درحال وتهدید هرگونه مداخله ونفوذ مستقیم وغیرمستقیم اجنبی درآینده درکشور مستقل خویش درحال صلح وسلام وآزادی تام زندگی کنند .

این آمال وقتی برآورده شده وتامین میگردد که به تجاوز شوروی وهمه نتایج آن خاتمه داده شود . ازینروشرط نخستین اخراج بلاشرط شوروی واسترداد قدرت سیاسی مطابق به آرزومندی کافهٔ مردم افغانستان یك حکومت اسلامی عاری وآزاد از هرگونه عناصر مادی ومعنوی اجنبی میباشد .

هرراه حل سیاسی که استرداد همه حقوق ثابت و مشروع ملت افغانستان را تامین وتضمین کند مردم افغانستان بران غورعمیق وکامل خواهند کرد

اما باید واضع باشد که هیچگونه ترتیب سیاسی که منافی آمال مردم افغانستان باشد راه حل عادلانه نبوده وهیچ قوتی نمی تواند آن را بر مردم مسلمان افغانستان تحمیل کند .

افغان مجاهد ، شماره پنجم سال اول ، ۱۵/۲/۱۳۶۲

یک توطئهٔ شرانگیز دیگر افشاء شد

پژواک دربارهٔ کابینهٔ جعلی ایکه نام خودوی نیز در آن ذکر شده سخن میگوید

خوانندگان گرامی ومحترم «افغان مجاهد»

اخباری راکه دردست دارید شمارهٔ فوق العاده است ، علتی که مرا واداشت بدنبال شماره پیشین به این زودی شمارهٔ فوق العاده دیگری رابدست نشر بسپارم آنست که اوضاع درین روزها در واقع حالت غیرعادی بخود گرفته است .

اشخاص مرموز و دست های مرموزی برای فریب مهاجرین افغانی و ایجاد بی اعتادی میان رهبران و مهاجرین به سود روسها شب وروز مصروف کار اند تا بدین گونه با افشاندن تخم نفاق میان مهاجرین بی آنکه علت اصلی مهاجرت از بین رفته باشد ، آنها را برای برگشت به کشور تشویق کرده باشند .

همین دست های مرموز گاهی از طریق بی بی سی این آوازهارا به گوش مهاجرین میرسانند که گویا مذاکرات مربوط به برگشت مهاجرین افغانی به کشور ۹۵ فیصد بانجام رسیده است و زمانی هم همین دست ها دراخبار وجراید مطالب دروغینی برنشر سپرده وبرای ما کابینه های جعلی ترتیب میدهند. طور مثال یکی ازجراید پاکستانی بنام وفاق درشمارهٔ روز جمعه شانزدهم ثور خود تحت عنوان درشتی که از تشکیل یک حکومت جلای وطن افغانستان خبری دهد چنین مینویسد:
« دکتور محمد یوسف بزودی به پاکستان مسافرت خواهد نمود. تمام رهبران مهاجرین درکابینهٔ وزرا شامل اند.
پشاور پنجم می: عنایت الرحمن ازمنابع معتبر اطلاع یافته است که رهبران تمام گروپ های مهاجرین به اتفاق آرا برای تشکیل یک حکومت جلای وطن بریاست دکتور محمد یوسف موافقه نموده اند. درین زمینه همهٔ امور به انجام رسیده است »
اخبار پاکستانی وفاق بعداً لست اشخاصی راکه طبق ادعایش در این کابینه عضویت دارند چنین بیان داشته است:

وزیر دفاع : سردار محمد ولی (که شاید منظور سردار عبدالولی باشد)
وزیر امور خارجه : عبدالرحمن پژواک.
وزیر داخله : صبغت الله مجددی.
وزیر انصاف : پروفیسور برهان الدین ربانی (منظور از

برهان الدین ربانی است)

وزیر زراعت و تعلیم: سید احمد گیلانی (؟)

وزیر قضاء و شرعیت : مولوی محمد یونس خالص .

وزیر مواد خوراکی: سلیم ناصر .

وزیر حکمه : ارشاد احمد زکریا .

(وزارت خوراک و وزارت حکمه به تشکیلات افغانی یک اختراع نو معلوم میشود) .

اخبار وفاق در ادامه چنین می نویسد .

« علاوه ازین قاری صاحب مربوط وحدت ملی نیز درین جمله شامل است » (شاید منظورش همان قاری صاحب (!) باشد که از مردم پول و قالین های بیشمار را ربوده است)

این هم آشکار شده است که حزب گلبدین حکمتیار از نظر افتیده است . همین منابع گفته اند که سردار ولی خان ماه آینده به پاکستان مسافرت خواهد نمود . »

خوانندگان محترم !

با اینکه شماره بیست و هفتم ما تازه از چاپ برآمده و امکانات مالی ما نیز این اجازه را نمیدهد که به این زودی شماره دیگری به نشر برسد ولی من به دو دلیل خود را مکلف به چاپ این شماره فوق العاده میپندارم :

نخست اینکه هموطنان ما فریب نخورده و به دسایس ناکسان متوجه گردند ودیگر آنکه اسم یکی ازنویسندگان گرامیٔ این جریده محترم عبدالرحمن پژواک هم درین کابینه جعلی ذکر شده است .

پس برای آنکه برای سوالات ایجاد شده نزدخوانندگان محترم پاسخ درستی ارائه کرده باشیم و برای آنکه نگرانی وتشویش همه افغان ها وبخصوص مهاجرین افغانی را درین زمینه رفع کرده باشیم با سیاستمدار معروف افغانستان محترم عبدالرحمن پژواک مصاحبه ای ترتیب داده ایم که اینک تقدیم میشود .

سوال، یک اخبار پاکستانی لست کابینهٔ دکتورمحمد یوسف را به نشر سپرده ودرآن شما به حیث وزیرخارجه معرفی شده اید آیا شما واقعاً درچنین کابینه ای شرکت دارید ویااینکه چنین شایعات را دسیسه ئی در برابرمهاجرین می پندارید؟

جواب :اگراز من نام برده نمیشد اصلاً درین موضوع مضحک حرف نمیزدم اکنون تنها تا جائیکه ذکرنام ایجاب میکند بجواب شما میپردازم . من نسبت دادن شمول درین — فهرست را بنام خود بهتان عظیم میدانم .

آنرانه تنها باجدیت تمام تردید میکنم بلکه تاجائیکه جایز شمرده شود تقبیح مینمایم .

به قضاوت هرعقل سلیم این خبر بی اساس جعلی ومحض یک دروغ شرانگیز است. کسانیکه چنین خبرها را درشرایط —

کنونی جعل ونشر میکنند حتماً اغراض سوء دارند.
ونیز باید ملتفت بود که موضوع تشکیل حکومت تنها متوجه مهاجرین که بخشی ازملت افغانستان هستند نیست وبهمه ملت افغانستان تعلق دارد. ونیز ازجانب کسی که به نوعی ازانواع صلاحیت آن را داشته باشد اعلان میشود ومنبع این صلاحیت تنها مردم است.

سوال: چندی قبل یک عدهٔ رجال افغانی در دعوت هائیکه در پشاور اسلام آباد، مری وبعضی جاهای دیگر ترتیب یافته بود اشتراك ورزیدند. این اشخاص اکثراً کسانی بودندکه با محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان نزدیکی داشتند دربین مهاجرین آوازه هایی شایع شده است که به این اشخاص ازطرف پادشاه سابق افغانستان وظایفی سپرده شده است. همزمان بااین شایعات بودکه اخبار پاکستانی وفاق لستی را بنام کابینهٔ داکترمحمد یوسف انتشار داد.

آیا شما برای شرکت درین ضیافت ها دعوت شده بودید؟
جواب: من در هیچیك ازاینگونه دعوتها چه در اسلام اباد و چه درپشاور یامری یاجای دیگر شرکت نکرده ام.

سوال:- هرگاه محمدظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان ازسوی شرق وغرب بدان تشویق گردد که باردیگر در — افغانستان به قدرت برسد، درین رابطه ما دو پرسش داریم:

۱: اگر محمد ظاهرشاه از شما برای تشکیل کابینه دعوت نماید آیا شما کرسی صدارت محمد ظاهرشاه را قبول خواهید کرد ؟

۲: نظر شما در باره اینکه شخص تحت تاثیر شرق و غرب بقدرت برسد چیست ؟

جواب: من کلمات «که چیزی» شما را به معنی «فرض محال» تعبیر میکنم. زیرا طرح این سوال از همه واقعیت ها بعید است. اجازه بدهید قسمت دوم سوال شما را اولتر جواب بگویم. در بارهٔ این قسمت میگویم که قدرت سیاسی آیندهٔ را تنها و تنها ارادهٔ آزاد مردم مسلمان ومؤمن افغانستان تعیین می کند و بتائید خدای متعال جل علی شـــــــــــانه).

هر ترتیب سیاسی که از هرگونه منبع دیگر شرقی، غربی، شمالی وجنوبی نشأت کنند ویا بنوعی ازانواع به طور مستقیم یا غیر مستقیم کوچکترین تأثیر یا نفوذ اجنبی دران راه داشته باشد درنظرمن منافی استقلال تام وحاکمیت ملی مطلق افغانستان شمرده میشود. ومن در همه حالات و شرایط به آن مخالف خواهم پائید.

در بارهٔ قسمت اول جواب شما به صراحت وجدیت تام عرض میکنم که من شخصاً از جانب هیچ شخص ماموریت ساختن کابینه را نخواهم پذیرفت ونیزچنانکه زندگی

گذشته من شهادت میدهد عضو هیچ کابینه نخواهم بود. تکرار میکنم که باین سوال شما بنا بریک فرض محال جواب داده ام.

جهاد فی سبیل الله را نباید گذاشت شکل جهاد شخص را بگیرد وجنگ دفاع ناموس ملت را نباید جنگ چوکی وهوس اقتدار ساخت.

سوال: نتیجهٔ بی اتفاقی رهبران موجوده درپشاور وخودداری آنها از نزدیکی با یکدیگر آن بوده است که بیگانگان ازطرف ما درمجامع بین المللی نمایندگی کنند. همچنان دستان مرموز دیگری نیز هست که درعقب آنها کی، جی، بی دست داشته و تلاش میکند تا میان مهاجرین کمپ ها ورهبران موجوده عدم اعتماد نفرت وانزجار را بوجود بیاورند. این آوازه ها بگوش می رسدکه: از دست رهبران موجوده کاری ساخته نیست وشاید چهرهٔ جدیدی در همین نزدیکی ها وارد میدان شود.

از نظر شما آیا درچنین زمانیکه عدم اتحاد بین رهبران فعلی وجود دارد وارد شدن چهره جدیدی درصحنه بسود ملت افغانستان ومهاجرین افغانی خواهد بود؟

جواب: از بدیهیات است که اتفاق یکی از مؤثرترین ومهمترین عوامل پیروزی درمیدان جهاد مسلح وساحه سیاسی است ودشمن با هرگونه وسایل علیه اتفاق مجاهدین مهاجرافغانستان سعی میکند ومیکوشد ایشانرا ضعیف سازد. دربن وقت تائید

طرح محترم عبدالرحمان پژواک دربارهٔ مذاکرات ژنیو

عنقریب در مقر دفتر اروپائی سازمان ملل متحد در ژنیو مذاکراتی بین نماینده های دول پاکستان، ایران ونماینده ببرک کارمل، دربارهٔ حل مسالهٔ افغانستان صورت خواهد گرفت، درزمینه، نظر شخصی محترم پژواک صاحب راخواستار شدیم وآنها چنین فرمودند:

مذاکرات نماینده خاص سکرتر ژنرال ملل متحد که میگویند درماه جاری درمقر دفتر اروپائی سازمان ملل متحد در ژنیو صورت خواهد گرفت مساعی شخص سکرتر ژنرال

خشت اول گر نهد معمار کج
تا ثریا میرود دیوار کج

د ۱۹۸۲ کال د جون په میاشت کې د پاکستان او افغانستان تر منځ په ژنیو کې د ملګرو ملتو د استازي په وساطت په غیر مستقیم ډول د سیاسي حل بې ثمره خبرې اترې پیل او د ۱۹۸۷ کال د سپتمبر د میاشتې په ۷ مه نېټه یې وروستۍ پړاو ختم شو.

د ژنیو په مذاکرو کې د مادولو ورځ خبره دا ده چې تر اوسه ترې مثبته نتیجه لاس ته نه ده راغلې او تېر شوي پړاوونه یې د افغانانو په ضرر او د روسانو په ګټه وو. پوهېږو ولې د ژنیو مذاکرې د ناکامۍ په لور روانې

د افغانانو په ضرر او د روسانو په گټه دي ؟

دا ځکه چې : د ملګرو ملتو د سازمان د پرېکړو نه د مذاکرو په پيل او بنسټ کې انحراف وشو، د ملګرو ملتونو پرېکړې په دې لاندنيو څلورو اصلونو ولاړې وې :

١ - د افغانستان خپلواکي ، ځمکنی تماميت ، سياسي استقلال او نا پيلی سياست .

٢- د افغانستان د ولس حق چې بخپله دخپلې خوښې حکومت او خپل اقتصادي ، سياسي او ټولنيز سيستم وټاکي .

٣- له افغانستان څخه د خارجي پوځونو وتل .

٤ - داسې شرايط برابرول چې ترهغــولاندې افغاني مهاجرين په مصونيت او عزت خپلو کورونو ته ستانه شي .

دا چې دافغانستان په باره کې دژنيو مذاکرو څنګه انحراف کړې دغه پوښتنو ته قانع کوونکی ځوابونه ــ تاسو د «افغان مجاهد» او «مجاهدولس» په مبارزو او مجاهدو اخبارونوکې پيدا کولی شئ چې وخت په وخت ورته د وطن د نوميالو ليکوالانو، سيا ستمدارانو اودنظرد خاوندانوله خوا کوته نيول شويده .

بايد ووايوچې د تاريخي رسالت په اساس له ابتدا نه مونږ دا فغا نستان قضيې ته متوجه وواويوو .

د افغانستان او پاکستان ترمنځ غيرمستقيم خبرې

اتري د ۸۲ کال دجون په میاشت کې پیل شوې مګر ماد ۱۹۸۲ کال د فبروري په میاشت کې د ,,افغان مجاهد ,, په نومیالي اخبار کې دا چیست یاران طریقت دعنوان لاندې د ټول حقایق په یوه تحلیلي مقاله کې خپلو وطنوالو ته تقدیم او ټوله دسیسه مې لا د مخه افشا ء کړه .

د ژنیو مذاکرو د پاکستان د خارجه وزیر صاحب زاده یعقوب خان د سیاسي فهم د کمزورۍ په وجه د اصلي محور نه په ابتدا کې انحراف وکړ او هماغه وخت مونږ د دغو مذاکرو په ضد خپله کرکه او نفرت ښکاره کړ. د دې په ځای چې د ژنیو په خبرو اترو کې د موضوع اصلي طرفینو یعنی متجاوز روسانو او د افغاني مقاومت نمایندګانو برخه درلودی برعکس د کابل او پاکستان د خارجه وزیرانو د غیرمستقیمو خبرو په پیل کې د موضوع ابتکار روسانو په لاس کې واخیست؛ مسکو د کابل د خارجه وزیر په ذریعه د ټول جریان نه خبریده مګر افغاني مبارزین د موضوع د اصلي جریان نه بې خبره پاتې کیدل او یوازې د خبرو اترو په خاتمه کې به چې کومه مجهوله او بې معنی اعلامیه خپره شوه د نورو نړیوالو په څېر به افغاني مبارزین هم د هغې نه په سطحي ډول آګاه شول .

د ملګرو ملتو د استازي ښاغلي کوردوویز له سفرونو نه کابل ، مسکو او اسلام آباد ته په ډاګه دا معلومیدله چې د روسانو په نفع او افغاني مبارزینو په ضرر خپلو ملاقاتونو

ته دوام ورکوي دا هم باید ووایوو چې په دغو ملاقاتونــو کې کوردوویز د کابل د رژیم او مسکو نه غښتې تحفي تر لاسه کړي. کهڅه هم چې مونږ وخت په وخت د مجاهد ولس او «افغان مجاهد» اخبارونو له لارې د پاکستان حکومتي مقامونه متوجه کول چې و نه غولېږي خو زمونږ د هلو ځلو با وجود یې سیاسي اشتباه وکړه او له تاثیر لاندې راغلل چې دغه سیاسي اشتباه به د پاکستان د ملت د پاره نه جبیره کیدونکي عواقب رامنځ ته کړي.

روسانو زمونږ په منطقه کې یواوږد پلان تر لاس لاندې نیولی چې په دغه پلان کې په افغانستان برسېره د پاکستان د خاورې نیول هم شامل دي نو که اوس روسانو د پاکستان حکومت په دې خوشاله کړی وي چې د ډیورند کرښه به ورسره د خپل گوډاگی حکومت په ذریعه په رسمیت وپېژني او د هند له خوا به هم د دوی د سرحدونو دا سې تضمین وکړي چې هند به پرې حمله نه کوي نو باید وویل شي چې دا له یوې خوا د افغاني مهاجرو او مبارزینو په سریو لوی سیاسي تجارت دی او له بلې خوا یوه داسې خطرناکـــــــــــه سیاسي لوبه ده چې په اینده کې به پخپله د پاکستان د پاره د سرطان د دانې حیثیت ولري.

روسانو چې بخارا او د منځنۍ اسیا ځینې برخې و نیولې نو د افغانستان د هغه وخت پادشاه اعلیحضرت امان الله خان ته

يې په يو رسمي سند کې اطمينان ورکړ چې زموږ د محدودو قواوو موجوديت په بخارا کې د افغانستان دپاره خطر نلري موږ د هغه ځای د حکومت په غوښتنه خپلې محدودې قواوې هلته لېږلې او چې شخړه وضعه هلته آرامه شي فوري به خپلې قواوې د هغه ځای نه وباسو. مګر شپېته کاله وروسته ثابته شوه چې روسانو دروغ ويلي وو ځکه چې روسانو د خپلې وعدې او ليکلي سند په خلاف په افغانستان يوځی تېری وکړ، په دې باره کې موږ د خپل قلمي همکار ښاغلي مير محمدصديق فرهنګ يوه قوي او تاريخي اسنادو ولاړه مقاله په ۸۵ کال کې خپره کړې او د سياسي مذاکرو د کتاب په دوهم ټوک کې به يې بيا وطنوالو ته تقديم کړو.

په پاکستان کې زما د زنداني کېدو نه د مخه ما د مجاهد ولس د ۱۳۶۴ کال د جوزا د مياشتې په ۳۳ مه ګڼه کې د دې عنوان لاندې: « د افغانستان آزادي او د پاکستان سلامتيا د جهادي صفوفو په پياوړتيا کې نغښتې ده.» يو مضمون خپور کړ او په هغې کې مې د موضوع په ټولو اړخونو د پاکستان حکومت ته رڼا واچوله ان تر دې و مې ليکل چې د پاکستان په باره کې روسان شپېته کاله صبر نه کوي ځکه د پاکستان په جامعه کې د پيپليانو او نيشنليانو غوندې قوي همکاران لري او خبره به په څو را نيژدې کلونو کې بل ډول بڼه اختيار او شرايط به د روس په ګټه په منطقه کې بدلون ومومي..

زما د دغه نظر نتیجه دا شوه چې داوري ګرمې شپې ورځې د پېښور د زندانونو د سپیشل برانچ په زیرزمینو او سنترجیل کې تېرې کړم او بالاخره دافغانستان د قضیې په هکله دحقایقو راڅرګندولو په جرم د پاکستان نه اخراج شم.

دژنیو په مذاکرو کې روسانو پاکستان وغولاوه، اوس پاکستان کوښښ کوي چې دغه کوز بار تر منزله ورسوي مګر کازه بارونه هیڅکله تر منزله نه دي رسېدلي.

خشت اول ګر نهد معمار کج
تا ثریا میرود دیوار کج

درنو لوستونکو!

دژنیو د مذاکرو لومړی ټوک د وطن د نومیالی سیاستمدار ښاغلی عبدالرحمن پژواک هغه مقالې او مصاحبې دي چې په «افغان مجاهد» او «مجاهد ولس» کښې نشر شوي او دادی اوس یې په مکمله بڼه دکتاب په دول تاسو ته وړاندې کوو.

ددې سلسلې دوهم ټوک دافغانستان دنظر دخاوندانو او لیک والانو مقالې او مصاحبې دي چې هغه هم د افغان مجاهد او مجاهد ولس په اخبارونو کې خپرې شوي او که خدای کول په نیژدې راتلونکی وخت کې به تاسو درنو لوستونکوته تقدیم شي ترڅو

مذاکرات ژنو

مجموعهٔ مقالات
استاد عبدالرحمن پژواک

گرد آورنده: محمد حسن ولسمل

ناشر: د افغان مجاهد اطلاعاتی مرکز

۱۳۶۶

دڅېړنیو مذاکرو دلوړي اودوهم ټوک په رامنځ ته کولو د دغو مذاکرو په ټولو اړخونو پوره پوه شئ.

خوشاله یم چي دنامساعدو شرایطو باوجود دافغان مجاهد اطلاعاتي مرکز دهمکارانو په مرسته په دې موفق شوم، دسیاسي مذاکرو په هکله یوکتور اثرخپلو وطنوالو ته تقدیم کړم، زه ددي کتاب لوستل په دغه وخت کي دهر افغان دپاره ضروري گڼم.

محمدحسن ولسمل دافغان مجاهد اطلاعاتي مرکز مشر

دمارچ ۱۳ مه ۱۹۸۷ کال

ملي نظر

هر سړی چې کاندغم په مخ کې وینی
له هغه غمه لا نن ګرځي دلګیره

« رحمان بابا »

ملي شخصیتونه د ملي ګټو ساتندوی، د ملي حقوقو غوښتندوی، د ملي هیلو ښکارندوی، د ملي غوښتنو څرګندوی، د ملي خپلواکۍ ګټندوی او د ملي احساساتو او احساساتو پالندوی وي.

د دوی خدمت د خدای د پاره وي او د وطن د پاره، دوی د قدرت او څوکۍ له پاره مبارزه نه کوي، د امارت او رهبرۍ د پاره کاندید نه وي، دیره او بل په اشاره کار نه کوي او د خپل دریځ د ټینګښت له پاره د ملت ادانه نه ورانوي او د ملي تشتت له پاره کار نه کوي.

دا سې کسان د خودخواهۍ، ځان لویونې، انحصار طلبۍ او خپل چارۍ په ناولې لاره قدم نه ږدي او دا رواښاد استاد الفت خبره:

چې خپل نفس نشي وژلی که سل وژني
ناتوانه ویرندوکی ورته ښکاري
د دنیا فاني عیشونه نعمتونه
د سپي مخ کې پروت هډوکی ورته ښکاري

د دوی قدمونه پاخه او سنجیده وي له همدې امله تل پاتې او-
ابدي هم وي، داسې شخصیتونه په خپل ملت ویاړي او د ملت
له پاره بیا دوی ابدی ویاړ وي.
د داسې کسانو فکر ژور، خیال لوړ او نظر تېز وي دوی
ډېرې هغه راتلونکې پېښې ویني چې د ځان په چاپېرکې
ښکېل کسان یې له لیدلونه ناتوانه دي.
لرې به نه ځو په اوس وخت کې استاد عبدالرحمن پژواک
د افغانستان همداسې یو ملي شخصیت دی چې پرون یې
هم بې داغه، نن یې هم بې داغه او کانده به یې هم بې داغه
وي. د ده سیاسي بصیرت او پوهې له خپل ملت نه رڼا
اخیستې او د خپلو ملي غوښتنو په رڼاکې یې د دې بصیرت او-
پوهې د کسب لاره منزل ته رسولې ده.
استاد پژواک سیاستمدار دی خو سیاست مداری نه، ځکه
د ده سیاست او حقوقي پوهه پاخه دیني او ملي منابع لري،
دی دیوه پیاوړی او نامتو قاضي په کورکې لوی شو، هغه د

اسلام د سپیڅلي شرعي په رڼا کې ژوند او فیصلې کړې او
د استاد پڅواک د سیاسي او اجتماعي فکر دودې پیل له -
دا سې سوې زرینې منبع نه شوی دی، له کورنه د باندې
دده محیط د اسې افغاني محیط وُچې افغاني کودونه او -
نرخونه له نړکونو کلونو راهیسې پکې ژوندی او معمول وُ او
ده د یوه دراک او حساس ځوان په توګه دا کودونه او نرخونه
په ژوره توګه مطالعه کړل، څېړنې یې پرې وکړې
او داویاړهم دده په برخه وُچې لومړې ځل یې د دې لرغونو
نرخونو اساسات په یوه اثرکې راغونډ او په ۱۳۱۸ ه ش
کال خپاره کړل، د استاد د سیاسي پوهې دریمه منبع
نړیوال حقوق او قوانین وُچې په وسیعه توګه یې ولوستل
او په دې توګه یې د اسلامي، ملي او بین المللی حقوقو،
قوانینو او سیاست په مطالعې سره ملي خدمت ته ملا وتړله
او د هېواد په سیاسي او ملي چاروکې په خدمت بوخت شو.
ده په خپل ژوندکې دوخت د استبدادي حکومتونو له خوا
تهدیدونه هم ولیدل او دا سې تشویق هم چې د دوی له غوښتنې
سره سم قدمونه پورته کړي، تر نه ځلو زیات دوزارتونو
او حتی تر دې لوړې څوکې ورته پیشنها د شوې خوده د دې
دولتونو د داخلي منحطې پالیسی له امله د اتولې غوښتنې
ردې کړي البته د افغانستان له خارجي سیاست سره
یې چې په نا پیلتوب او مثبته او فعاله بې طرفۍ ولاړ وُ ،

موافقت درلود اوله همدې کبله یې سفارتونه هم ومنل اویوه اوږده موده یې د ملکرو ملتو په ټولنه کې د افغانستان د دایمي نماینده په توګه کار وکړاوله نړیوالو پېښو سره یې مثبت برخورد.

د خلقیانو راتللو د افغانستان خارجي سیاست هم له روس سره وتاړه نوځکه یې په هماغه لومړي ورځ یعنې د ۱۳۵۷ کال په ثور کې رسمي کار رسماً پرېښود او سره له دې چې د هېواد دې بد حالت او بربادۍ سخت ناروغه کړ او روحي فشارونه یې د جسمي فشارونو سبب شول خو د ناروغۍ په سختو شیبو کې هم غافل نه شو او د خپل قلم په تېلو یې زموږ د ملت د لاروړکي کاروان له یاره وخت په وخت د لارې مشالونه روښانه کړل او په سختو او حساسو شیبو کې یې له خپل ملت سره اساسي مسایل طرح او بیان کړل.

استاد پژواک په هېواد کې د ننه هم د سختې ناروغۍ په بستر کې د سیاسي او ملي لیکنو له لارې خپل بې ساری جهاد پیل کړی و، د افغانستان د بشر د حقوقو ټولنه یې جوړه کړې وه او د ملګرو ملتو ډېشي په نوم یې له همهغه ځای نه یو د ملي غوښتنو څرګندوی لیک ولیکه او د پټو چینلونو له لارې یې هلته ورساوه او کله چې له هېواد نه راووت نو بیا یې په علني ډول د راډیوګانو او نشریو له لارې د افغانستان د ملت آواز پورته کړ او د نړیوالو غوږونو ته یې

ورساوه .

له هېواد نه د ده له راوتلو سره سم دافغانستان دمظلوم خومېړني ملت د سرنوشت په باب دژنيو دخبرو خطرناکه لړۍ پيل شوه، په دې مرموزاو پيچلي پروګرام دېرخلك نه پوهېدل خواستاد لومړني ملي شخصيت ؤچي د دې خبروماهيت يې راڅرګند او د نوي استعمار داخيطرناك پلان يې رسواكړ. ده له لومړي سره دا چينل ناكام وباله او دافغانستان دمبارزملت دملي هيلو په مخالف قطب كې يې اعلان كړاوبيا يې پراو په پراو ددې خطرناكې توطيې بهيرافشاء اودا ټول مطالب يې په خپل خپل وخت د «افغان مجاهد» او «مجاهدولس» په جريدوكې دمقالو په بڼه دهېوادوالومخې ته كېښودل او دملت سترګې يې پرې روښانه كړې .

د استاد پژواك داملي نظر، ملي اظهارات او داله ملي سياست نه زيږېدلې مقالې كه څه هم د ورځنيو پېښو په باب دي خو په خپله دخبري مطالبوغوندې ورځنۍ او زړېدونكې نه دي ، دايمي دي اودملي بصيرت نماينده او تل پاتې مقالې دي نوځكه يې هرافغان ته لوستل اوبيابيا لوستل په كار دي او زموږ د روان مقدس جهاد دسالم بهيرله پاره يې عملي كول او په غوږ كې نيول ضروري اوفرض دي .

استاد پژواك دېر كلونه پخوا چې په نيويارك كې د ملګرو ملتو افغاني غړى ؤ ، دهېواد په يادكې غږ پوره ته

مذاکرات ژنو

از ژنو I تا ژنو . . .

مجموعهٔ مقالات استاد عبدالرحمن پژواک

گردآورنده : محمد حسن ولسمل

ناشر: د افغان مجاهد اطلاعاتی مرکز

۱۳۶۶ — ۱۹۸۸

يم

کړي و :

نه پښتواک یم په پیچومو کې لوی شوی
دا چې چوپ یم دلته غراوکمر نشته

خونن يي چې د هیواد غراوکمر، باغ اوراغ، کلی اومنار په وينو لړل شوي، دهيواد میړني غازیان یې له خپل وحشي دښمن سره جنګيږي اودخپل وطن دآزادی، ارضي تمامیت اوملي او-اسلامي حیثیت د ساتلو له پاره وینې تويوي دی چوپ کښيناستل لوی جرم اوګناه کنې اود سختې ناروغی په بسترکې له خپل وحشي روسي دښمن سره دقلم اوفکرجهاد کوي او د-جهاد فرهنګي اوسیاسي سنګرغښتلی اوپیاوړی ساتي.
لوی خدای دې استاد پښتواک ته روغ صحت، اوږد عمراود لاز یات ملي خدمت توان ورکړي !

آمین
په مینه
حبیب الله رفیع
۲٦ / ۹ / ۱۳٦٦
پېښور، کوزتاکال

فهرست



استاد عبدالرحمن پژواک

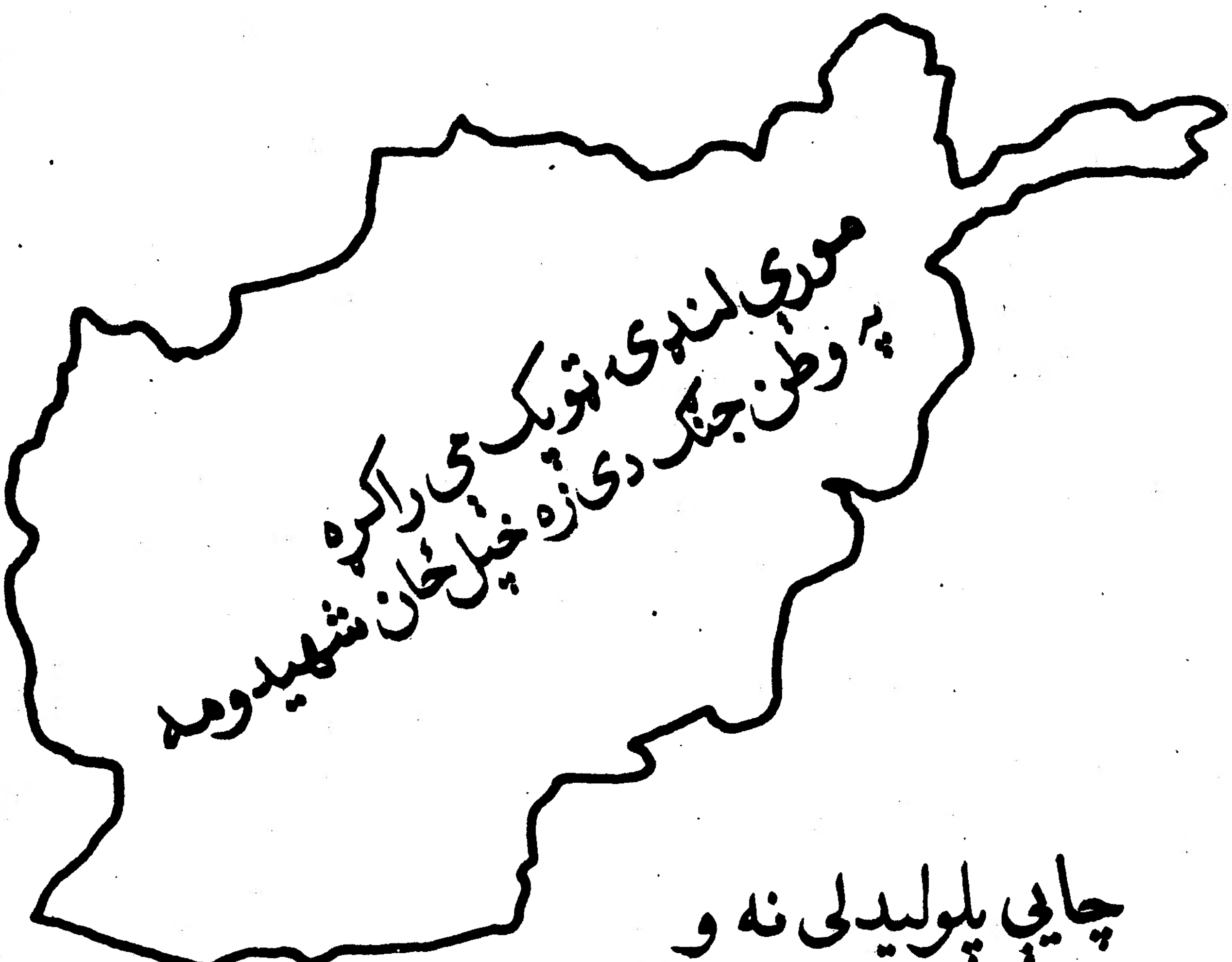
مُصاحبه با محترم عبدالرحمن پژواک درباره تشریف آوری شان به پاکستان

روز ۲۱ می به دیدار شاغلی عبدالرحمن پژواک رفتم وطبعاً پیرامون مساله افغانستان پرسش هایی از ایشان داشتم دیدار من با محترم عبدالرحمن پژواک درچارچوب یک مصاحبه ژورنالستیک نبود بلکه به گونهٔ یک صحبت دوستانه ای بود که بر پایهٔ یک دوستی دیرینه بنا یافته بود وحیث صحبتی بود میان یک افغان ویک ــــ وطن پرست بزرگ افغان .

سوال :- بصورت عموم درباره مساله افغانستان چگونه می اندیشید آیا امکان حل آن قوی ویا ضعیف است؟

جواب :- درمساله افغانستان باید دوجریان باهم موازی حرکت کنند که این دوجریان یکی داخلی یعنی جهاد ودیگری

د کتاب نوم : مذاکرات ژنو
لیکوال : استاد عبدالرحمن پژواک
ټولوونکی : محمدحسن ولسمل
خپروونکی : دافغان مجاهد اطلاعاتی مرکز
دخپریدوکال : ١٣٦٦ هش / ١٩٨٨ ع
بیه : (٣٠) روپۍ
دچاپ شمیر ١٠٠٠ ټوکه



چاپي پلو ليدلی نه و
اوس د جمرود په غاښي ځي سرتورسه ونه

بسم الله الرحمن الرحيم

محترمو خوېندو وروڼو !

هغه مقدمه چې ځو مياشتې دمخه ددغه کتاب دپاره ماليکلې وه پخوا له دې چې د هغې په لوستلو پيل وکړې که دغه ځو ټکي چې يوه دوستانه ګيله ورته ويلې شوله نظره تېر کړئ خوښ به شم !

عبدالرحمن پژواک هغه څوک و چې دنا مطلوب شخص په صفت دپاکستان نه اخراج شو او همدارنګه ولس مل هغه څوک دی چې په پاکستان کې د درې نيم مليونه پر تو افغاني مهاجرو له جملې دخپل فاميل سره په ښه زړه له پاکستان نه نه دی راوتلی بلکه اخراج ته مجبور شوی دی ، خو ددغو ټولو خبرو باوجود کله چې مونږ ته معلومه شوه چې اوس د پاکستان ملي منافعو ته په بين المللي سويه دسايس متوجه شول نو پژواک هغه ټولې ګيلې ما ښې شا ته واچولې او ديو باشهامت افغان په صفت يې قلم راپورته کړ او د پاکستان د ملي منافعو نه يې د اسلامي ورورولۍ په ولوله او احساساتو داسې دفاع وکړه چې د هېر سياستمداران يې له ليکلو او ويلو عاجزدي او همدارنګه ولس مل بې له دې چې ور سره شوی سلوک په نظر کې ونيسي ديو با ايمانه افغان مسلمان په حيث هغه وا ړه مقالې په مجاهد ولس کې چاپ او په نړۍ واله سطحه توزيع کړې چې تاسو به يې د همدغه کتاب له ۳۰۱ مخ نه تر ۳۲۹ مخ پورې مطالعه کړئ .

ددغه لنډ تذکر تر څنګ بايد په زغرده و وايم چې مونږ شخصي غرض نه درلود او دځان دپاره موڅه نه غوښتل بلکه دافغانستان د آزادۍ تر څنګ مو دپاکستان دګاونډي ورور او مسلمان هېواد خير هم غوښته چې د پژواک دغه دوه مقالې يې يوښکاره ثبوت دی . ولس مل

۲۷-۱۰-۸۷